تا سمک السما ہمہ ممکنات بتوحید آن گویان است ؎ ہر گیا ہیکہ از زمین روید ٭ وحدہ لاشریک لہ گوید - وصلوٰۃ بر آن سید الکائنات و عمدۃ الموجودات کہ موجب ایجاد ممکنات آن بود بحکم حدیث شریف لولاک لما خلقتُ الافلاک - ولولاک لما اظہرت الربوبیۃ و از ہمہ انوار شہود وجود آن مسعود ابتداء بود کما ورد فی الحدیث اول ما خلق اللہ نوری و بظاہر آن سید الانبیاء وسند الاصفیا محمد مجتبےٰ صلے اللہ علیہ وسلم در آخرین زمان بخلعت خاص اختصاص فرمودہ مبانی قواعد شریعت از میان سبل الضلال مضبوط ساختہ ادیان سابقہ را منسوخ کرد ؎ محمد شہ لاجوردی سریر ٭ کز و گشت ہستی عمارت پذیر ٭ ز دروازہ شرع رایت فراز ٭ ز گنج فلک گوہر آمائے راز ٭ محمد چو شاہ است عالم چو جیل ٭ کہ مقصود او بود جملہ طفیل ٭ صلاۃ کرم چونکہ در دادہ شد ٭ جہان جملہ از نور او زادہ شد ٭ خدا ئیکہ ہستی نمودار کرد ٭ ز بہر وی این سکہ بر کار کرد ٭ فلک را بیاراست مانند باغ ٭ ز نور وی افروخت در وی چراغ ٭ ز باغ رخش ہست بستان گلی ٭ در آن باغ روح الامین بلبلی ٭ زمین تا فلک یک غبار رہش ٭ ازل تا ابد یک تماشا گہش - چون آن عز اسمہٗ تعالی محبوب خود را ہویدا نمود پس برائے خاطر آن رحمت عالمیان فرمود وما ارسلناک الا رحمۃ للعالمین وامت مرحومہ را برای ادای شکر آن وجود مسعود ارشاد فرمود ان اللہ وملٰئکتہ یصلون علی النبی یا ایہا الذین اٰمنوا صلوا علیہ وسلموا تسلیما و نیز درود نامحدود بر آل واصحاب واحباب آن محمود و تابعین و تبع تابعین وائمہ دین رضوان اللہ تعالی علیہم اجمعین اما بعد بندہ معاصی آگندہ احمد حسین رمال بن مولوی محمد حسین بن مفتی نیاز احمد صاحب مرحوم ہزاروی مدت یازدہ سال از بوم زاد بسمت دکن آوارہ تا ہفت سال گردیدہ از استادان اکمل فیض یاب شدہ بعرصہ ہفت سال در تحصیل علوم جفر و رمل وغیرہ حاصل ساختہ بطریق سیاحت وارد شدہ شہر لکھنؤ بملازمت شاہ جمجاہ بادشاہ غازی الدین حیدر ادخلہ اللہ فی الجنۃ کامیاب گردیدہ بشرف سعادت بزرگان این دیار مستفیض دہ و فیض یاب گردیدہ بہ تقاضای مقسوم چند سال در حویلی بہرائچ قیام کردہ کا شیخ مفتی

شمس الحق مرحوم برد الله مضجعه وجعل الجنة مثواه که در فن رمل وحید الزمان بود شاگردی
ورزیده تحصیل علم رمل و اکثر عملیات کرده بعد از سه سال باز مراجعت بشهر مذکور نموده و
قیام کرده در مطالع کتب علم رمل و تجربه عملیات از اسماء باریتعالی و آیات قرآن و نقوش
تعویذات و تکسیرات و تسخیرات بسالها تجربه درست نموده بموجب صداقت شهره پذیر بافواه
عام خلائق گردیده بملازمت نواب ممدوح عزت یافته در عدم فرصت برای انتفاع دوستان
بعد از التماس محبان چند کلمه از هر علم آنچه از سن پانزده سالگی یاد میداشتم سوای رمل که دروی
چند نسخه مقصوده علیحده تصنیف نموده شده است و خواهد شد این اوراق را فراهم نمودم
دخواستم که دریکجا بجلدی مثل کتاب حاضر باشند آنچه که صادق و مجرب یافتم از علوی و تکسیرات
و نسخه متفرقات از عمل مهوسات وغیره درین اوراق ثبت نموده مایه حقیقت خود تصور زیده در عهد
عدالت مهد بادشاه نصیر الدین حیدر خلد الله ملکه در سنه ۱۲۴۵ این نسخه را مجلد ساخته امید که مقبول
نظر اکملان اکمل گردد و از نظر جاہل و نااہل محفوظ ماند نام این کتاب کحل العین جواهر
عملیات کنز الحسین بعد از کوشش بلیغ نهادم و این کتاب را به یک مقدمه که مشتمل با
دو فصل است و هفت باب مرتب ساختم پس امید از بزرگان این دارم که اگر درین کتاب
مطلع بر سهو و نسیان گردند بنظر عفو بپوشند فصل اول از مقدمه در بیان حال غره محرم الحرام فصل
دوم در بیان علم قیافه باب اول در ترکیب تعداد اسماء الٰہی بقاعده ابجد وصحت اسماء الحسنی و
ترکیب عمل اسماء باب دوم در صحت عمل مجربات آیات کلام الله و چله کشی اعمال موصوف باب
سوم در تکسیر نقوش از اعداد و آیات کلام الله و نقوش تسخیر حب و نفاق و فتوح وغیره باب
چهارم در حصارات و فتیله هاے دفع آسیب و حاضرات وغیره و نقوش ہای دفع بلیات
و جوگیات و تسخیرات وغیره باب پنجم در دانستن وقت و زمان عمل خوانی و کشیدن نقش و
دادن زکوة عمل سعد و نحس ساعات و تسخیر کواکب باب ششم در بیان عملیات متفرقات
و ترکیب چند از تکسیرات و استخاره وغیره باب هفتم در نسخه های کیمیا و عمل مهوسان و

آنچه در عمل خود آمدند و تجربه کرده ام نوشته شد **فصل** اول در بیان حال غرۀ محرم الحرام و این
رساله ایست عجیبه و غریبه که بادشاه نوشیروان عادل در زمان خود جمیع حکیمان و ندیمان و تقویم
دانان و کاتبان و جوگیان و نجومیان و توریت خوانان و تعبیر گویان و جادوگران و سیاحان
بر و بحر را که تجربۀ دنیا بسیار کرده بودند جمع کرده فرمود که ای بزرجمهر بامداد این جماعت کثیره
برای من از علم حکمت نسخۀ تصنیف کن که کیفیت تمام سال از سعد و نحس اندان رساله
معائنه بود بر همه کسان پس بموجب حکم نوشیروان عادل با تامل بسیار نوروز عالم را غرۀ شهر
محرم الحرام مقرر کردند که سعد و نحس تمام سال بروزیکه غره محرم الحرام شود معلوم گردد باید
دانست که از روزهای هفته روزیکه غرۀ محرم باشد خاصیت آنروز امتیاز باید نمود تا معلوم
شود از احوال مردمان و چهارپایان و غله و میوه و درختان و باران رحمت ایزد سبحان که
جمیعت کائنات منحصر از آن است بدانکه کیفیت سعد و نحس تمام خلقت آفرینش در میان
هفت روز میشود برای ایام نوروز عالم را جمله حکیمان جمع شده نسخه درست ساختند تا که
مردمان نفع مند گردند هر که این رساله را یاد کند تا سه سال آینده بداند و هوشیار گردد حکیم
ذکریا گوید اگر خواهی که حقیقت تمام زمانه را بدانی بنگر تا نوروز عالم افروز در کدام روز باشد
یعنی اگر غرۀ محرم در روز یکشنبه باشد سال مبارک است در آن سال قحط نباشد که سلطان آن
ستاره بهرام باشد یاران وفاداران باشند و غله ارزان شود و چهارپایان را خطره نباشد
و درختان را بار و برگ نیک باشد و مرغان و ددان را آسیب نباشد و شیر کم اما پاکیزه باشد
و بازرگان را خطره نباشد و باد مخالف نه وزد گندم خوب و خربزه بسیار پیدا شود و مهتران
روی زمین آرمیده باشند و زنان را درد پستان باشد و کنجد بسیار شود و آتش بسیار نشود و
کودکان را بیماری نشود و آفتاب گرفته شود زمستان صعب باشد والله اعلم بالصواب و اگر
نوروز عالم یعنے غرۀ محرم بروز **دوشنبه** باشد اندر آن سال کار سلطان ضعیف باشد
و سلطانرا ستاره قمر باشد و یاران وفاداران شوند و باران نیز و نعمت بسیار پیدا شود

اما مهتران روی زمین کم شوند و نرخ غله میانه باشد و جانب مغرب فتنه خیزد و در راه ها
امن نباشد و بازرگان را سود نباشد و درختان بار خوب گیرند و شیر چارپایان کم گردد اما
بیماری و زحمت پدید آید و زراعت خوب و کنجد و پنبه و باد بسیار خیزد چنانچه درختان
را بشکنند و آتش بسیار باشد اما خیر گردد و گاوان و گوسپندان بسیار شوند۔ و چون نوروز
عالم افروز یعنی غرهٔ محرم در روز سه شنبه باشد سلطان آن سال ستارهٔ زهره باشد
و در آن سال قحط باشد که باران بیوقت بارد و رعیت ویران گردد و در راه امن نباشد و نیز
درختان بار کم گیرند و شیر و چهارپایان کم و میوه خوب و گندم و پنبه و کنجد و نیشکر گران
تر و خدمتگاران و خادمان و فرزندان از امر خاندان و هم از مادران و پدران بیرون
آیند و آب منی بیرون آید و عدل نباشد و امیران بیجا شوند و خلق اللہ ہلاک شود و آتش
صعب باشد و باد تند وزد که درختان بشکنند و آفتاب گرفته شود و لرزهٔ زمین گردد و در
هیچ چیز برکت نبود واللہ اعلم بالصواب وچون غرهٔ محرم بروز چهارشنبه باشد سلطان آن
سال عطارد باشد و در آن سال فتنه خیزد و در زمین هندوستان نیکی نباشد و باران
بیوقت بارد و کارهای دنیاوی بسته باشند و غله عزیز باشد خلق پراگنده شود و در راه
امن نباشد و سوداگران زیان کشند و مهتاب گرفته شود و امیران بمیرند و با خودها در
آویزند و جنگ کنند و ملخ بسیار آید و خربزه و انگور کم پیدا شود و ملک و ملکیت تحویل بدیگر
شود و باد و آتش بسیار سهمناک آید و شیر و چهارپایان کم و بیماری و موت توانگران گردد
واللہ اعلم وچون غرهٔ محرم بروز پنجشنبه باشد کار سلطان استقامت پدید و کارهای
همگنان نیک آید توانگران را بسیار نیک و مبارک و درویشان را نیز و جانوران را
خوب و شیر چارپایان خوب و میوه های افزون درختان بار و برگ بسیار آرند و انگور
خوب شود و سوداگران را سود رسد و در راه امن باشد و دوان و چارپایان را خطره نباشد
و زنان را در پستان و کودکان را بیماری باشد و آخر های زمستان پیدا آید و شر بسیار

شود و پنبہ کم گردد و آتش نباشد و باد تند و سخت خیزد و گندم و کنجد ارزان باشد خریدارا زا سود آید واللہ اعلم بالصواب وچون نوروز عالم افروز یعنی غرۂ محرم در روز آدینہ باشد سلطان آن سال زہرہ باشد در آن سال نرخ غلہ فراخ باشد و کار سلطان ضعیف باشد و در مردم بد دیانتی و دزدی و فساد آشکارا آید لیکن خیر باشد و زمستان خوب باشد و سوداگران را سود مایہ باشد باران آخر بہار بارد و گندم نیک آید و شیر و شیرینی بسیار و بیماری تیز واللہ اعلم وچون غرۂ محرم در روز **شنبہ** باشد سلطان آن سال زحل باشد فتنہ بسیار خیزد و ملوکان بایکدیگر جنگ کنند و رعیت خراب گردد و قطع راہ و نرخ غلہ میانہ باشد و باران بیوقت بارد و تجار را سود نگردد و سرما خوب گردد و زراعت خوب شود و آتش بسیار خیزد و بیماری پیدا آید واللہ اعلم **روایت دیگر** نوروز عالم افروز کہ حکیمان عصر از غرۂ محرم الحرام نیز سال گویند چنانست کہ روزے نوشیروان عادل بزرگ چمہر حکیم وزیرش کہ استاد استادان بود فرمود کہ برای انتفاع الناس از علم نجوم کتابی تصنیف کن کہ تمام کیفیت سال از خیر و شر ازان کتاب معلوم شود چنانچہ جملہ حکیمان و ندیمان وغیرہ کہ تجربہ کار بودند جمع شدہ بتامل کثیر این نوروز عالم کہ عبارت از غرۂ محرم الحرام باشد بر روزیکہ تاثیر سال از خالیست روز چگونہ باشد در **روایت دیگر** اینکہ حال غرۂ محرم در کتاب وانیال پیغمبر بود پس ازوی حضرت امام جعفر صادق رض نقل کردہ اند کہ غرۂ محرم اگر در روز **شنبہ** باشد زمستان در آن سال سرد باشد و بادہا و باران بسیار باشد و رنج اکثر و گندم قلیل و طاعون و مرگ کودکان بسیار باشد و زراعت ہا از آفات بسلامت باشد و بعضے از درختان میوہ انگور آفت رسد و در حرب باشد و عرب با ایشان حرب کنند و اسیر و غنیمت بسیار از ایشان بدست عرب آید و بادشاہان را بر جمیع امور غلبہ باشد بمشیت سبحانہ تعالے **بروایت** دیگر در میان چہارپایہ آن سال آفت ہم رسد و اسپان را قولنج عارض شود و درد گلو و زکام و ورم ہا بسیار باشد و در ہمہ بلاد مرگ مردان و زنان بسیار باشد خصوصا در عراق و بغداد و اطراف آن و در روم مرگ بسیار باشد و در میان روم و عرب کارزار افتد و عرب بر روم غالب آید

و در بابل جنگ و در بحرین و نواحی آن اختلاف بسیار باشد در میان مردم قحط غلا ہم رسد
و از عرب ترسان باشند و غماض بر ایشان تعدی بکنند و گیاه در مراعی بسیار باشد و در
آخر سال زبلہا و آبلہ و گرمی بسیار گردد و مرغان بسیار باشند و روغن و گوشت و عسل و
کتان گران باشد و خرما و درخت خرما فاسد شود و انگور و میوه در بلاد فارس و ہمدان نیکو باشد
و بدرختان بلاد روم و اطراف آن آفت رسد و ظروف مس و امثال آن و پشم و مو گران باشد
و مرغان خانگی و شکاری بسیار بمیرند و در بلاد یمن اختلاف عظیم ظاہر شود و شاید کہ غنیمت اکثر
و غارت بیشتی گردد و شاید کہ یکی از ماہ و آفتاب منخسف گردد و در اشہب اکثر باشد و در یکماہ
این سال خون بسیار ریختہ باشد و گویند چنین سال نحس است و قابیل ہابیل را در چنین سال
کشت و آخرش نیک است **بروایت** سوم در آن سال سلطان زحل باشد فتنہ اکثر و ملوکان
را گرانی و پریشانی حاصل گردد و باید کہ جنگ کنند و رعیت خراب گردد و از رہزنان خطرہ باشد
و سودا گران را نقصان رسد و چہار پایان را خطرہ باشد بلکہ بیماری کشند و بمیرند و پرندگان
را خوبی نباشد و بیماری موت در عالم پیدا گردد و باران اکثر بارد لیکن تنگی سال باشد و خسوف
و کسوف ماہتاب و آفتاب گرفتہ شوند روز یکشنبہ و ہر سال کہ اول محرم روز یکشنبہ باشد
زمستان نیکو گذرد و باران اکثر بارد و بہ بعض اشجار و زراعتہا آفت رسد و دیدہ ہای مختلف و
برگہای ضعف شائع گردد و عسل کم آید و در ہوا اثر طاعون و وبا بہم رسد و در آخر سال شاہ
را غلبہ رو دہد **بروایت** دیگر درین روز سال زمستان و تابستان ہر دو معتدل باشد
و میوه و حبوبہا و زراعتہا در اکثر بلاد و عراق و عرب نیکو باشد و آفت بمیوه ہای بحرین و
محافظ و قطیفہ و حوالی آنہا بہم رسد و در بلاد مشرق و جبل ارزانی باشد و گوسپند و شکر اکثر
باشد و گیاه صحرا افراوان و در اشتران دیوانگی و مستی بہم رسد و در یکماہ مردمان را درد بسیار
عارض باشد و در آخر سال گرانی بوجہ اختلاف سلطانی در غیر بلاد یمن و در بلاد ہند اطفال
بمیرند و موجود روغن بسیار باشد و حرب بہادر میان بادشاہان و ہمچنین اختلاف در میان عوام

آدمیان بسیار باشد و کارزار عرب وعجم واقع شود و درمیان عامة الناس وخویشان فتنه حادث شود و در شام فتنه ها وحرب پدید آیند وحاکم بعضے از اہل فساد را بقتل آورده باشند و در زمین جبل وہمدان و نواحی آن کشتن واقع شود و پادشاه بابل بر مردم غالب شود و از وزرای ملوک اختلاف ظاہر شود وہر پادشاه بسوی دیگر بگریزد وگروہی بر پادشاه طغیانی کنند ومغلوب گردند وکواکبی از آسمان ظاہر گردد در ناصیہ مشرق کہ دو دنباله داشته باشد و این سبب حدوث قتل وغارت وگرانی گردد و باین سبب نشانی وزیدن بادہای سخت د و فور امراض بسیاری وران صحرا و دریا گردد و عسل گران شود وحاجیان را غارت کنند وتمام ماه یا بعض از ماه منخسف گردد بروایت سوم این سال مبارک باشد واندر آن سال فتنه نباشد ومملکت را آرام باشد و یاران وفادار وغله ارزان ویار اشجار نیک بود ومرغان وچرندگان وجهانیان خطره نباشد فاما پنبه باریک تر گردد ولیکن پاکیزه باشد چہار پایان زیاده شوند وبازرگان را خطره نباشد و گندم خوب شود وخربزه بسیار گردد ومهتران روی زمین آسوده شوند وزنان را درد پستان وکنجد بسیار شود وکودکان را بیماری اکثر باشد وباد سخت خیزد وآتش اکثر باشد وکاه چہار پایان بافراط رسد وآفتاب در خسوف گرفته شود و در زمستان سردی کم گردد والله اعلم بالصواب روز دوشنبه وہر سال کہ در اول محرم روز دوشنبه باشد زمستان نیکو گذرد وتابستان بسیار گرم باشد و در وقت خود باران بسیار بارد وگاو وگوسپند وعسل بسیار باشد ونرخ خوردنی ہا در بلاد جبل یعنی شہرہا یکه درمیان آذربائجان و عراق عرب وخوزستان وفارس اند وبعضے گویند ہمدان دجوولی آن ارزان باشد وزنان بسیار بمیرند و در آخر سال کسی بر پادشاه خروج کند و در نواحی مشرق در بعضی از بلاد فارس دیگری بہم رسد وزکام در بلاد جبل بسیار باشد. و در روایت دیگر در آنسال آب فراوان باشد وباران اکثر ببارد وزرد آلو وسائر میوہا در بلاد فارس وبصره وشام

نیکو بعمل آید و خربزه و خیار در ولایت مشرق و عمان نیکو باشد و در آن سال خرما و میوه
و گوشت و روغن فراوان باشد لیکن درمیان مردم کم باشد و بلاد هند و اسکندریه و مغرب باشد و
و مرض سودا و دیوانگی اکثر باشد و در زمستان زغاف و تزویج زنان بسیار شود و دریا طغیانی کند و بعضی
بلاد را غرق کند و آب فراوان و سیل گه باشد باین موجب مدت دو ماه قحط عظیم در مصر پدید آید و
مواشی و چهارپایان در صحراها نیک باشد و زکام در بلاد جبل و اطراف آن اکثر باشد و چوب میوها در مکه مکرمه
بسیار فراوان و ارزان و لیکن فساد در آن بلدهٔ طیبه بهم رسد و درمیان مشائخ عرب فتنه حادث شود و
خارج نواحی مشرق یا جنوب از تصرف اصحاب بیرون رود و محتمل است که یکی از آفتاب و ماهتاب منخسف
گردد و در مردم اضطراب پدید آید و کم ظرفان اکثر باشد و بر بادشاهان مشرق خروج کنند و حاجیان
بسلامت بروند بشی و زردی بر ایشان رسد اضرار از ان یابند بروایت سوم اینکه اندران سال کار
ضعیف باشد و باران اکثر بارد و در نعمت اکثر شود و مهتران روی زمین کم و نرخ غله میانه و بجانب مغرب
فتنه باشد و فتنه فرو نه نشیند و آدم ضعیف را گیرند و در راه امن نباشد و بازرگانرا در تجارت نفع
بهم رسد و بیماری رو نه دهد و درختان بار گیرند و فرزند تولد شوند و پرندگان و درندگان را خطر نباشد
و گاوان و گوسپندان بسیار شوند و در چارپایان شیر اکثر باشد و مردمان را بیماری باشد و زراعت
بسیار نیک گردد و کنجد و پنبه نیک شود و بساط نیک باشد و کاه و وبا اکثر خیزد و بیماری تا آخر سال و باد
مخالف درختان را بشکند و آتش بسیار خیزد و گاوان و گوسپندان را خطره باشد روز سه شنبه هرکه
سال اول فی محرم الحرام روز شنبه باشد زمستان آن سال بسیار سرد باشد و در بلاد و ناحیه مشرق
گوسپندان و عسل اکثر باشد و بعضے از درختان و انگور آفت رسد و در ناحیهٔ مشرق و شام حادثه
ظاهر شود که در روم خلق اکثر بمیرد و بر بادشاه فوجی قوی خروج کند و بادشاه بروے غالب آید و
در ارض فارس بعضے از غله آفت رسد و در آخر سال نرخ غله گران شود بروایت دیگر زراعت
اکثر بعمل آید و باران اکثر بارد و فصل فالیز نیکو گذرد و میوها در بلاد جبل اکثر باشد و گندم و جو و عدس
فراوان باشد و آب فرات طغیانی کند و در بصره لوبیا و ماش و باقلا فراوان باشند و خرما کم

نبعمل آید و در اذزان آفتے برسد و در بلاد فارس از ملخ زراعت را آفت رسد و میوہ اکثر
باشد و زر کم و گردگان و مویز و بادام بسیار باشد و نرخہا باول سال و در ہمہ بلاد ارزان باشد
و عسل اکثر باشد و بر خربزہ و خیار آفت برسد و شکار دریا بسیار شود و آفتی از سرما و گرما بغلات
مغرب برسد و در بعض شہرہا کسی بر پادشاہ خروج کند و در پادشاہ عجم و ترک اضطرابی میسر آید
و در میان عرب و عجم و اہل عراق قتل پدید آید و شخصی از مشائخ عرب کشتہ شود و در مواشی ایشان
باٰخر سال مرگ ہم رسد و در آسمان یک ستارہ دم دار ہویدا آید کہ علامات جنگ و گرانی باشد یا سرخی
عظیم ظاہر شود کہ نشانی ہلاکت یکی از وزرا باشد و مصر و شام و صقالیہ ہم رسد **بروایت**
سوم اینکہ درین سال سلطان ستارہا مریخ باشد در آنسال فتنہ بیدار باشد و باران بوقت
بارد زراعت خوار شدہ قحط افتد و رعیت ویران گردد و در راہ امن نباشد و سوداگران سود نبایند
و زمینداران با یکدیگر محاربہ کنند و کشش چارپایان و بیماری اکثر گردد و میوہ کمتر شود و خادمان
و فرزندان از فرمان بزرگان بیرون آیند و آب منی کمتر شود و عدل نباشد و امیران ہیجاگیر گردند
و خلق ہلاک گردد از مشرق بجانب مغرب فرو روند و آتش نرم خیزد و باد درختان را بشکند
و ملخ و مور اکثر گردد و زلزلہ ہا ہویدا شوند و ہیچ چیز برکت نبود و در آنسال سلطان را برکت
باشد و مردمان از وطن خود بیجا باشند **روز چہار شنبہ** ہر سال کہ اول روز محرم چہار شنبہ
باشد زمستان متوسط و در بہار باران ببارد و غلات و میوہ جات در بلاد جبل و مشرق اکثر
باشد اما مردمان اکثر بمیرند و در آخر سال در زمین بابل و بلاد جبل آفتی بمردم رسد و نرخہاے
آسان باشد و پادشاہ بر دشمن غالب آید **و بروایت دیگر** اینکہ عسل درین سال اکثر باشد
و اطفال اکثر بمیرند و در آخر سال قحط درمیان ایشان ہم رسد و باران نافع آید و درختان
خرما ضائع گردند و رعد و برق عظیم ظاہر گردد و بادہای تند آیند و بیماری اکثر و زنان حاملہ اکثر
بمیرند و در آخر سال از ناحیہ فارس مرگ اکثر باشد و وحشیان صحرا و مرغان شکاری اکثر باشند
و بز و گاؤ نیکو باشد و بیع و شرای و معاملہ اکثر واقع باشد و در شتران گرمی ہم رسد و شاید مرگ

چهار پایان پدید آید و در فصل فائز بیماری بسیار ست و در اطراف مدینه جنگ بزرگ
رو دهد و مشایخ و علما بسیار بمیرند و بلاد یمن از خوف قتل و غارت، خراب و باز معمور شود
و در میان عرب بادیه کشتن بسیار شود و باد شمال بوزد و متاعها و پنبه گران و ابریشم و
حریر ارزان باشد و نیکو در میان عرب و عجم جنگها رو دهد و عجم غالب شوند و بادشاه روم بمیرد
و در فصل بهار مرض زحیر بسیار باشد و ختلاف بسیار در میان سلاطین بهم رسد و فتنه ها در بصره
و ولایت پارس حادث شود بروایت سوم اینکه دران سال سلطان عطار و در میان سال
فتنه باشد در میان هندوستان و باران بیوقت بارد و کارهای سلطان در میان سال تلف
باشد و کار دولت پست شود و گندم و کنجد و پنبه و نیشکر گران شود و مرغان و درندگان
و پرندگان را بیماری رسد و کشش چارپایان شود و انسان را خطر جان باشد و غله عزیز شود و
خلق پراگنده گردد و در راه امن نباشد و سوداگران را زیان رسد و ماهتاب بخسوف گرفته شود
ملخ پیدا گردد و امیران بمیرند و میان خودها در آویزند و انگور و خرما و خربزه شیرین شود اما
کمیاب باشد و در ملک و مملکت تخلل هولناک باشد و چهارپایان کمتر شوند و آتش بر
خیزد و توانگران را بیماری موت باشد والله اعلم روز پنجشنبه هر سال که اول
محرم روز پنجشنبه باشد زمستان نیکو گذرد و در نواحی مشرق گندم و عسل فراوان باشد و
در اول و آخر سال بسیار حادث شود و روم را بر مسلمانان غلبه بهم رسد پس عرب ایشان
غالب شوند و مابین هند محاربات واقع شوند و بادشاهان عرب مضطرب باشند بروایت
دیگر اینکه در اول سال باران و میر سر ما کم آید و رعد و ابر بی باران اکثر باشد و غلات
و میوه همه بلاد و جبل ارزان باشد و سفر دریا درین سال نیکو باشد و صید ماهی بسیار شود
و روغن و نان گران و آب نیل بطغیان کند و روم بر مسلمانان حمله بیاورند و مسلمانان بر
ایشان غالب آیند و در بادیه جنگ اکثر شود و شاید که یکی از ایشان کشته گردد و در بعض از شهرها
کسے بر بادشاه خروج کند و منهزم گردد و کارزار در اکثر بلاد خصوصا در فارس اکثر باشد و

وزدان و رہزنان دست برآورند و حکام بر رعایا ستم کنند و بادہا تند بوزد کہ درختان را
بشکنند و در محافہ قطیف و نواحی آن فتنہ میان عربیان و بادشاہ ایشان غالب شود و
بلاد حبشہ و اطراف آن کارزار اکثر شود و در ینسال مرگ درمیان گاوان بسیار باشد
و گوسپندان فراوان گردند و شاید کہ او منخسف گردد و بروایت سوم اینکہ حاکم قسطنطنیہ
کہ مراد از بادشاہ استنبول باشد اورا بکشند یا محصور شود تا اورا ذلیل نمایند و از بادشاہان
و نائبان ولایت عجم خرابی یابد و دزد درمیان روم کم شود و خلق از تنگی معاش بفغان
آید و فریادرسی از میان خلق برطرف شود و عرب بر عجم زیادتی کنند و بسیار خلق را بکشند
و ولایت ایشان را خراب کنند و بعض اماکن از تصرف والیان روم بدر آیند و شاہ
عجم در اکثر جا مغلوب شود و ترکان با عجم آویزند و بر ایشان غلبہ آورند و امیر جلیل القدر
کشتہ شود روز جمعہ و ہر سال کہ روز جمعہ باشد زمستان نیکو گذرد و باران کم بارد و
آب کم گردد و در بلاد جبل صد فرسخ در صد فرسخ غلہ کمیاب گردد و بازار مرگ درمیان مردم
بارونق باشد و در ناحیہ مغرب گرانی باشد و بعضے از درختان آفت رسد و روم بر فارس
غلبہ عظیم کند و بروایت دیگر غلات در مصر و شام و حبش کم باشد و در بلاد مغرب و فرنگ
اندوہ بسیار حادث شود و ارزانی در بلاد فارس بہم رسد و غلات بصرہ و عراق اکثر باشد و
لیکن از وجہ ظلم بادشاہان و عمال اکثر سختی با ایشان لاحق گردد و غلات جبل و کابل و نواحی
آن بعمل آید و انگور و گندم در بصرہ و شام بسیار باشد و مردے ذوالقدر در بصرہ کشتہ شود
با گروہی از تابعین و میوہ در ینسال نیکو باشد و آب چندان طغیانی کند کہ بغداد از جانب مشرق
غرق گردد و شاہی از بادشاہان ہند بمیرد و در ماہ ربیع الآخر تا جمادی الثانی در ینسال
دردہا درمیان مردم پیدا شوند خصوصا درد گلو و درد پشت و ورم و درد خلق و امراض
بطن و کلف و قوبا و جرب و دملہا و زنان حاملہ فرزندان پیدا آرند و اکثر از ایشان
بمیرند و امیری از شام ظاہر گردد و بر مدینہ منورہ مستولی گردد و در بعض بلاد ظاہر گردد

بلخ و فتنه های عظیم از وی بظهور آید وکسی بر بادشاه خروج کند و گردان عجم با او گردند
و در زمین عراق حرب و اضطراب و اسلاف لبسیار پدید اگردد و خوفی بحاجیان برسد و
مردے بزرگ در شام بقتل رسد و در بلاد خراسان فتنه عظیم ظاهر گردد و دزد ناپیدا شوند
و بروایت سوم در آنسال سلطان ستاره گان زهره باشد غله ارزان و کار سلطان
ضعیف باشد و مردمان را بد دیانتی و دزد اختیاری آشکارا باشد و دیگر همه چیز نیک شود
وکشت بامیانه باشد و در زمستان سردی لبسیار باشد و باران بیوقت بارد و گندم نیک
و میوه شیرین باشد و چهارپایان را خطره باشد و در باغ باد تند آید و آتش سرکشد و تجار را
نفع میانه باشد و آفتاب و ماهتاب بخسوف وکسوف گرفته والله و اعلم بالصواب
فصل دوم از مقدمة الکتاب در بیان علم قیافه فلاسفه ارجمند و حکما دانشمند جوارح
انسانی را برای دریافت کردن اخلاق حسنه و صفات سیئه مقرر کرده اند و تجربه کردند که هر عضو از
اعضا ظاهر انسانی دلیل ست باصفات بطون و معانی و برصداقت این علم اینحدیث ناطق
است کُلُّ طَوِیلٍ اَحمَقٌ اِلَّا عُمَرُ وَکُلُّ شِبْرٍ فِتْنَةٌ اِلَّا عَلِیٌّ نقلست مردی در روشنی چراغ مطالعه کتاب
میدید در کتاب نوشته خواند که دراز ریش نشانی حماقت ست چون ریش خود را دید مرید از اندازه
یافت همو وقت در مشت گرفته فضله را پیش چراغ کرد باین خیال که فضله سوخته شود آتش چون
شعله گرفت همه یکبارگی بسوخت لهذا مرتکب شدن این امر دلیل حماقت است رباعی ای
گروه بمحنت بجهان کسب علوم ؛ معلوم ضمیر تو علوم مکتوم ؛ روی که مبارکست دیدار که شوم ؛
گردد نتواز علم قیافه مفهوم ۔ علامات سر ۔ سر بزرگ علامت دلیل عقل و سخاوت است
و خوردی و ناهمواری سر نشانی حماقت و جهالت است ۔ علامات پیشانی ۔ ناصیه
پنهان بی شکن نشانی بد نفسی و تکبر و گزاف ست و ناصیه متوسط باشکن نشانی صدق و
محبت و تدبیر ست و ناصیه تنگ دلیل نادانی و جبن و عسرت و افلاس ست و شکن بین
الشقتین و ناصیه ملبند شده دلیل غصه و غمناکی ست و لبعضے گفته اند که خطوط شکن دلیل کثرت

عمر است یعنی یک خط نشانی ۱۰ سال و دو خط نشانی بست سال است ہٰذا قیاس کن۔ **علامات مژہ** - مژہ بسیار بزرگ و دراز و کشیدہ و پر موی نشانی زشتی و تند خوئی و غرور و جہالت وغیرہ است و مژہ گنجان دلیل الفت و مہربانی و مرد مانرا الفت اکثر بسوی زنان و زنان را بسوی مردمان است و مژہ متوسط و سیاہ نشان و فہم و دیانت و سخاوت و لطافت مزاج است و سرابرو کہ باریک از طرف بینی باشد نشانی نزاع و فتنہ انگیز نیست و ابرو بلند نشانی ابلہی و غرور است ۔ **علامات چشم** - چشم سیاہ و بزرگ دلیل سستی و کاہلی است و چشم خورد دلیل سبکساری و کم فہمی ست و متوسط نشان و فا و حیاست و مائل بجانب اندرون نشانی تکبر و بدی و خیانت است و بلند شدہ از روی نشان بیحیائی و بخل ست و وزود زود چشم زدن دلیل مکر و حیلہ و دزد نیست و سرخی اکثر بی درد دلیل کثرت عمر و شجاعت و چشم ازرق بدترین چشمہاست دلیل بخل و بیحیائی و بی ہمتی ست شعر چشم ازرق کہ بے گیون رنگ زرد ۔ اینچنین کس باکسے نیکی نہ کرد ۔ و چشم سبز و خورد و لرزان دلیل مکر و حیلہ و شہوت اکثر ست و گول نشان نحوست ست و مائل بدرازی نشانی نیکبختی و مبارکی ست و دراز نشانی اخلاق جمیلہ است ۔ **علامات گوش** - گوش بزرگ نشانی خوبی و قوت حافظہ و طول عمر و تند خوئی در بعض اوقات است و خورد نشان جہالت و نادانی ست و متوسط نشان عقل و دانائی و نیک بختی ست و گوش پُر گوشت دلیل دولت ست ۔ **علامات بینی** باریک بینی دلیل سبکی عقل ست و پہن و فراخی سوراخ دلیل غلبۂ شہوت و غضبناکی ست و بطرف راست یا چپ خمیدہ نشانی نفاق و شرارت ست و بزرگ و دراز و از نوک خمیدہ مانند نوک طوطی دلیل دولت و کشادگی رزق ست و متوسط در بلندی و پستی و فراخی و تنگی دلیل صحت حواس باطن ست مگر پست نشان افلاس است ۔ **علامات لب** - دراز لب نشانی حماقت و غلاظت طبیعت و کینہ ورزیست و باریک لب نشانی فہم و لطافت مزاج و سرخی لب نشانی نیکبختی و جوش اصلی ست و سبزی و سیاہی دلیل بد نفسی و بد اصلی ست و سفیدی

لب دلیل مرض است ۔ **علامات دہن** ۔ کشادہ دہن دلیل شجاعت و تنگ دلیل ہراس و فراخی دہن برای زنان نشانی کثرت خواہش مباشرت ست ۔ **علامات دندان** ۔ دندان بزرگ و گنجان دلیل شرارت و خورد و متفرق دلیل صحت بدن ست و کج و ناہموار دلیل مکر و حیلہ و خیانت و متفرق و ناہموار و متوسط در بزرگی و کوچکی نشان نیکبختی و امانت و عدالت ست و تعداد دندان ۳۰ تا ۳۲ نشانی دولت و فراخت و کمتر از ۳۰ دلیل افلاس است ۔ **علامات کام و زبان** ۔ کام و زبان سرخ دلیل نیکبختی و سیاہ و زرد نشانی نحوست و زشتی و بدخوئی ست ۔ **علامات زنخ** ۔ اندک باریک دلیل مبارک خوئی ست و زنخ پر گوشت دلیل جہالت و تکبر و فخر ست و زنخ متوسط دلیل عقل و ہنر است ۔ **علامات گردن** کوتاہ گردن نشانی مکر و خیانت و گردن دراز و باریک دلیل جبن و حماقت ست و خطیکہ درمیان گردن می باشد دلیل درازی عمر و ہنرمندی ست و سہ خطوط نشانی دولت است ۔ **علامات چہرہ** ۔ چہرہ فربہ دلیل کاہلی و جہل و نسیان و سخت مزاجی و خشک و کم گوشت نشانی خبث باطن ست و متوسط دلیل نیکخوئی و زردی رنگ چہرہ نشانی بدی و مرض باطن ست ۔ **علامات ریش** ۔ ریش گوشہ دلیل زیرکی و دانائی و گول نشانی وقار و تمکین و دراز نشانی حماقت و پُر مو نشانی بلادت و عبادت ۔ **علامات کتف** ۔ لاغری کتفین دلیل بدسیرت و پر موی نشان بیدولتی ست و صاف و متوسط دلیل عقل و دولتمندی و سعادت و لطف و فراخی ۔ **علامات بغل و بازو** ۔ بازو دراز و بغل پر گوشت نشان نیک بختی و فراخی رزق و بازوی خورد و بغل خشک نشانی بیدولتی ست ۔ **علامات سینہ** ۔ کشادہ سینہ و پر گوشت نشانی نیکبختی و تنگ و صاف علامت نحوست و بدبختی ست ۔ **علامات پستان** ۔ ہر دو پستان فربہ دلیل دولت و اولاد ست و ہر دو بخلاف نشان نحوست و بدبختی ست و جہل ۔ **علامات شکم** ۔ شکم بزرگ علامت حماقت و درمیانہ نشانی عمدگی عقل و تیزی ہوش ست

وکسی را که بر شکم او یک خط باشد موت او از تیغ می باشد و دو خط نشانی مابین صحبت زنان خوش
ماندن ست و سه خطوط نشان عقل و هوش ست و صاحب چهار یا پنج خطوط ذو اقبال می باشد
و ناف بزرگ و گول نشانی دولت و سخاوت است **علامات پشت** - پشت پهن
دلیل قوت غضب و تکبر و پشت کج نشان بداخلاقی و دراز دلیل نحوست و متوسط دلیل
سعادت است - **علامات رنگ** - رنگ سرخ آتشین دلیل زود رنجی و در کار تیزی
کردن رنگ سبز دلیل بدی باطن و رنگ سرخ سفید دلیل اخلاق مبارک رنگ سرخ مائل بسیاهی
دلیل بداخلاقی ست و گندم گونی دلیل اخلاق حسنه و عقل و دانائی و ادراک و نیکبختی است
**علامات نرمی بدن** - نرمی بدن نشانی قوت فهم و لطافت طبیعت و سختی بدن
دلیل قوت بدن و بزرگی طبیعت و ضعف فهم و پوست نرم و باریک نشانی مبارکی و نیکی است
**علامات موی** - موی سخت دلیل شجاعت و استقلال و بسیار نرم دلیل ترسیدن ست
و کثرت موی بر سینه و بطن دلیل کمینگی و کمی موی دلیل لطافت و دانائی ست و موی بیرنگ
دلیل حماقت و موی حمی گون دلیل شجاعت و متوسط بسیاهی و سختی و نرمی دلیل عقل و اعتدال
مزاج و کسی را که یک موی از یک مسام زاید دلیل دولت است و اگر یک زاید دلیل هنرمندیست
و سه دلیل ذو عبادت گشتن و چهار نشانی افلاس و فرومایگی ست **علامات آواز** -
آواز بزرگ و بلند دلیل بهادری و نرم و باریک دلیل اخلاق نیک و آواز غنه دلیل تکبر و
غرور ست و آواز ناخوش دلیل حماقت و بداصلی و سخن آهسته گفتن ست و سخن تیز گفتن
دلیل بدخلقی ست و سخن در حالت دست زدن دلیل گفتن دلیل دانائی است - **علامات خنده**
خنده بقهقه دلیل سفاهت و بیحیائی ست و تبسم دلیل حیاو وقار و تمکین و خوش اخلاق است
- **علامات قد** - قد طویل دلیل حماقت و قد قصیر دلیل فتنه انگیزی ست و قد کوتاه دلیل
کینه و عداوت و قد میانه دلیل حکمت و دانائی ست و حکما گفته اند که قد احسن آنست که بحساب
انگشتان یکصد و بست باشد و ازین مقدار هر قد که باشد یعنی کم و بیش نهایت بد است -

- **علامات رفتار** - کسیکه در رفتن اوکجی باشد دلیل است براینکه بدگوینده بزرگان
گردد و آنکه در رفتن سرین را حرکت دهد دلیل بیماری ابنه است و تیز و تند رفتن دلیل
قهر و غضب و جهالت است و بآهستگی دلیل غمناکی است و رفتار متوسط تیزی و نرمی
دلیل نیکی ظاهری و باطنی است و بوقت رفتن هردو پارا بزمین بازور زدن دلیل و
نشانی بدبختی ست و قد دراز دلیل جهالت و حماقت است **علامات کف دست** -
کف دست پرگوشت دلیل دولت و رنگ سرخ دلیل خوبی و پاکیزگی طبیعت است و زردی
کف دست دلیل فسق و فجور است و سفید و سیاه دلیل بدبختی ست و خطوط اگر اندک
بر هر دو کف دست زبون اند و بدرجه اوسط دلیل سعادتمندیست - **علامات انگشتان**
انگشتان دراز دلیل طوالت عمر است و باریک و نرم دلیل نیکبختی است و فربه و کج و سخت
دلیل بدبختی است و در وقت پیوست کردن انگشتان سوراخ ظاهر گردد دلیل بددولتی است
و چون سوراخ ظاهر نه گردد دلیل دولت است - **علامات ناخن** - ناخنها
سرخ رنگ دلیل علم و عقل و دانائی و فراخ دستی است و زرد و سیاه دلیل
پریشانی و افلاس و بدبختی ست - **علامات ذکر** - ذکر کج نشانی فسق و فجور ست
و راست دلیل صلاح و راستی ست و اکثر عروق که بر ذکر ظاهر باشند دلیل عسرت
و افلاس ست - **علامات خصیه** - خصیه یک بزرگ و یک خورد دلیل غلبه شهوت
و الفت جماع زنان است اگر خصیه راست خورد باشد دلیل است که از نطفه او دختران
زایند و اگر چپ خورد باشد پسران زایند و بعضے گفته اند که در اول دلیل دولت و در آخر
دلیل فسق و فجور ست - **علامات ساق و ران** - فربگی ران دلیل عیش با
زنان است و شدت ران یا قلت موی دلیل دولتمندیست و موی دراز بر ساق دلیل
تنگدستی و محروم ماندن از سواری ست و ساق دراز دلیل تکبر و دشمنی ست و بسیار
خورد دلیل افلاس است و متوسط در درازی و کوتاهی و سطبری و باریکی دلیل

شجاعت و سخاوت و نیکبختی است ـ **علامات کعب** ـ کعبین پر گوشت دلیل آسودگی
است و اگر بر کعبین موئیہا باشند دلیل قلت اولاد ست و یک کعب خورد و یک بزرگ دلیل
اکثر مسجون گشتن است و یک خورد و دیگر گول نشانی دولت است و یک بلند و یک کج
دلیل غمناکی و افلاسی ست ـ **علامات پاشنہ** ـ پاشنہ خورد و ملایم دلیل توانگری
و بزرگ و کج دلیل سختی ست و پاشنہ پر گوشت و در وقت حرکت پنہان داشتن دلیل
بروزدی او ست ـ **علامات پشت پا** ـ پشت پا بلند و کم موئیہا نشانی نیکی و سعادت
و مبارکی است ـ **علامات کف پائے** ـ کف پا زرد و سیاہ دلیل قلت اولاد و فسق و فجور
است و کف پا خالی از خطوط دلیل ست بر محرومی از سواری او ست و کف پا سرخ و نرم
دلیل عقل و دولت است و نشان بیرق و ناقوس در کف پا دلیل دولت و دبدبہ است
ـ **علامات اصابع الرجل** ـ انگشتان پا دراز و باریک دلیل تیزفہمی و کوتاہ و سطبر دلیل
کم فہمی و نہایت متصل باہم دلیل نیکی و خوبی و متفرق دلیل زبونی ست و سبابۂ پا کہ از ابہام
دراز باشد نشانی نیکبختی ست کہ ذو اقبال باشد و زنان اکثر کند و در عقد او میرند و اگر انگشت
مذکورہ خورد باشد دلیل است بر انیکہ پیش از زن مردہ خواہد و اگر ہمگی انگشتان پا خورد باشند
دلیل بر بد اصلی او ست و اگر ابہام بسیار عریض و بزرگ باشد در اکثر املاک و شہر سیر کند ـ
**علامات ناخنہا پا** ـ اگر ناخنان پا زرد و سیاہ باشند دلیل بیمار میت و سرخ و صاف
دلیل ہنر و دانائی عاقل را باید کہ در مردیکہ علامات ردیہ و بد زیادہ باشند و علامات نیک
کمتر باشند اعتبار بر خصائص او کند و بر دیگر علامات حسنہ زیادہ باشند و علامات بد کم باشند
پس اعتبار بر دلالات ریش او کند و اگر ہر دو برابر باشند پس اینچنین مرد اکثر اوقات
معتدل الاحوال می باشد واللہ اعلم بالصواب **باب اول** از ان ہفت ابواب در
بیان اسرار الٰہی بقاعدہ ابجد تام و بقاعدۂ مسبوق الکلام بدانکہ خدا تعالی نیک گرداناد
ترا کہ اسماء باریتعالی جل شانہ ہمگی نود و نہ ۹۹ ہستند چنانچہ در حدیث ابی ہریرہؓ موجود اند و

آن اسماء موصوفہ بر سہ گونہ اند جمالی و جلالی و مشترک بینہما پس اولا باید کہ در آنماز ہر کار این اسماء را ببیند کہ کدام اسم بر کدام کار تعلق دارد و موافق عدد اسم خود یک اسم ازین اسماء بگیرد و حسب مقصود بہ تعداد عدد مجموعہ آن اسم باریتعالی بخواند تا بمقصود رسد لیکن اول قاعدۂ اعداد برآوردن حروف تہجی اعیان کنم تا مبتدی بر جمیع قواعد قادر گردد و نیز موکلان اسماء باریتعالی را شرح واضح دہم و یک نکتہ را فرو نگذارم و حروف تہجی بست و ہشت اند لیس باین ترتیب باید دریافت۔

ا ب ج د ہ و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش

١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠ ٢٠ ٣٠ ٤٠ ٥٠ ٦٠ ٧٠ ٨٠ ٩٠ ١٠٠ ٢٠٠ ٣٠٠

ت ث خ ذ ض ظ غ باز ترکیب منسوبات عناصر نسبت حروف تہجی [illegible]

٤٠٠ ٥٠٠ ٦٠٠ ٧٠٠ ٨٠٠ ٩٠٠ ١٠٠٠

ا۔ آتشی۔ ب۔ خاکی۔ ج۔ بادی۔ د۔ آبی۔ ہ۔ آتشی۔ و۔ خاکی۔ ز۔ بادی۔ ح۔ آبی۔ ط۔ آتشی۔ ی۔ خاکی۔ ک۔ بادی۔ ل۔ آبی۔ م۔ آتشی۔ ن خاکی۔ س۔ بادی۔ ع۔ آبی۔ ف۔ آتشی۔ ص۔ خاکی۔ ق۔ بادی۔ ر۔ آبی۔ ش۔ آتشی۔ ت۔ خاکی۔ ث۔ بادی۔ خ۔ آبی۔ ذ۔ آتشی۔ ض۔ خاکی۔ ظ۔ بادی۔ غ۔ آبی۔

دیگر اینکہ ہر حرف از حروف تہجی موکلی دارد کہ ہمراہ اوست چنانچہ ترتیب موکلان این است۔

| دائرہ حروف مع موکلات | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ا | ب | ت | ث | ج | ح | خ |
| اسرافیل | جبرئیل | عزرائیل | میکائیل | کارکائیل | تنکفیل | مہکائیل |
| و | ذ | ر | ز | س | ش | ص |
| دردائیل | اہرائیل | اموائیل | سرفائیل | ہموائیل | ہمزائیل | ابجمائیل |

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ض | ط | ظ | ع | غ | ف | ق |
| عطکائیل | اسمائیل | تورائیل | لومائیل | لوغائیل | میرحمائیل | عطرائیل |
| ک | ل | م | ن | و | ه | ی |
| حروزرائیل | طاطائیل | رومائیل | حولائیل | رفتمائیل | دوریائیل | سرکتائیل |

وبعد دانستن حروف و موکیل آن طبائع و سمت حروف را دریافتن ضرور است و آن اینست مطبوعه مجموعه بشتر نوشته اند

| | |
|---|---|
| مجموعهٔ حروف آتشی که مشرقی اند | مجموعهٔ حروف خاکی که جنوبی اند |
| ا ه ط م ف ش ذ | ب و ی ن ص ت ض |
| مجموعهٔ حروف بادی که غربی اند | مجموعهٔ حروف آبی که شمالی اند |
| ج ز ک س ق ث ظ | د ح ل ع ر خ غ |

چون قاعدهٔ حروف تهجی را شرح دریافت شد و اسماء موکلان حروف مذکور شده حالا اسماء الحسنی که در فرقان الحمید مذکور اند و معانی الشان اینکه جمله اسماء عزوجل پر از نکوئی و خوبی هستند پس بهر یکی ازین اسما که خواهند برای خدا دعوت کنند تا جمیع مرادات و مطالب دارین حاصل گردد و اگر عامل بیک اسم ازین نود و نه ۹۹ نام شود بیشک حاکم جمله احکام دارین بود و بهیچ حاجت محتاج نباشد و اسناد هر یک اسم الهی زبان آدمی را چه طاقت که ادا نماید ملتکه عاجز هستند ما را کو طاقتی که بیان نمائیم الامحض برای تسکین خاطر ضروری مطالب که از مرشد این احقر رسیده اند بنوسیار و این ناقص کمال سعی نموده از استادان و عاملان کامل این کتاب را صحت کرده این اسماء الهی را بع اسماء موکلان و معانی و تعداد آنها شرح اسماء جلالی و جمالی به صحت تمام به تصحیح و تنقیح بزرگان و عاملان نوشته است تاکه شاگردان و برادران مذهب را نفع تمام حاصل گردد و ما را دعا برسانند شرح اسماء الهی و موکلش اینست

| اسماء الحسنی | معنی اسماء | اعداد | جلالی یا جمالی یا مشترک | مواکیل | عناصر |
|---|---|---|---|---|---|
| الملک | بادشاہ مطلق | ۹۰ | مشترک | یاحرولسیّل رومائیل | خاکی |
| القدوس | بادشاہ پاک | ۱۷۰ | جمالی | یاہمرائیل عطرائیل | آبی |
| السلام | ہمیشہ قایم و بی عیب | ۱۳۱ | ایضا | یاروہائیل ہمواکییل | بادی |
| المؤمن | ایمن کنندہ | ۱۳۶ | ایضا | یارومائیل عولائیل | آتشی |
| المہیمن | گواہ راست | ۱۴۵ | ایضا | یاکلکائیل ہرکہتائیل | ایضا |
| العزیز | عزت دہندہ | ۹۴ | ایضا | یالومائیل عزرائیل | ایضا |
| الجبار | زور کنندہ | ۲۰۶ | جلالی | یاکلکائیل عطرائیل | ایضا |
| المتکبر | صاحب غرور | ۶۶۲ | ایضا | یاروہائیل ہرائیل | خاکی |
| الخالق | ہست کنندہ | ۷۳۱ | ایضا | یامیکائیل خورائیل | ایضا |
| الباری | آفریدگار مطلق | ۲۱۳ | مشترک | یاجبرئیل ہراطیل | آتشی |
| المصور | نگارندۂ صورتہا | ۳۳۶ | جمالی | یااجمائیل سرحماکییل | ایضا |
| الغفار | آمرزگار | ۱۲۸۱ | ایضا | یااوخائیل حماکییل | ایضا |
| القہار | غضب کنندہ | ۳۰۶ | جلالی | یاوروائیل غطرائیل | خاکی |
| الوہاب | بخشایندہ | ۱۴ | جمالی | یافتمائیل جبرئیل | ایضا |
| الرزاق | روزی دہندہ | ۳۰۸ | ایضا | یااسرافیل حرقائیل | آتشی |
| الفتاح | کشایندہ | ۴۸۹ | ایضا | یاسرخائیل تنکفیل | ایضا |
| العلیم | دانا بہمہ چیز | ۱۵۰ | ایضا | یااومائیل رومائیل | خاکی |
| القابض | قبض کنندۂ روزی | ۹۰۳ | جلالی | یاعطرائیل عطکائیل | بادی |
| الباسط | فراخ کنندۂ روزی | ۷۲ | جمالی | یاجبرئیل اسمائیل | ایضا |

| اسماء الحسنیٰ | معنی اسماء | اعداد | جلالی یا جمالی یا مشترک | مواکیل | عناصر |
|---|---|---|---|---|---|
| الرافع | بردارنده | ۳۵۱ | جمالی | یا ہرحمائیل لومائیل | بادی |
| الخافض | فرو برنده | ۱۴۸۱ | جلالی | یا جبکائیل عدلکائیل | آتشی |
| المعز | عزیز کننده | ۱۱۷ | جمالی | یا رومائیل لومائیل | خاکی |
| السمیع | شنونده ہمہ حال | ۱۹۰ | ایضا | یا ہمرائیل سرکیطائیل | آتشی |
| البصیر | بینندهٔ پنہان و آشکارا | ۳۰۲ | ایضا | یا جبرئیل رحمائیل | خاکی |
| الحکیم | صاحب حکمت | ۷۸ | جلالی | یا تنکفیل ہارومائیل | آتشی |
| العدل | دادگر خلق | ۱۰۴ | مشترک | یا طاطائیل لومائیل | ایضا |
| اللطیف | پاکیزه و مہربان | ۱۲۹ | جمالی | یا اسمائیل روحائیل | ایضا |
| الخبیر | خبردار ہمہ چیز و ہمہ حال | ۸۱۲ | ایضا | یا مہکائیل دردائیل | ایضا |
| الرقیب | نگاہبان مطلق | ۳۱۲ | ایضا | یا عطرائیل سرکیطائیل | ایضا |
| المجیب | قبول کنندهٔ دعا | ۵۵ | ایضا | یا کاکائیل جبرئیل | بادی |
| الواسع | بسیار عطا کننده | ۱۳۷ | ایضا | یا رفتمائیل لومائیل | آتشی |
| الحکم | استوار کار درست گفتار | ۶۸ | ایضا | یا تنکفیل خردرائیل | خاکی |
| الودود | دوست دار نیکان | ۲۰ | ایضا | یا رفتمائیل وروائیل | آتشی |
| المعظم | خداوند بزرگوار | ۱۰۵۰ | ایضا | یا لومائیل اسمائیل | ایضا |
| الغفور | آمرزگار | ۱۲۸۶ | ایضا | یا لومائیل رحمائیل | خاکی |
| الشکور | سپاس دارندهٔ نیکان | ۵۲۶ | ایضا | یا لومائیل سرکیطائیل | ایضا |
| المعلی | برتر از ہمہ برتران | ۱۱۰ | ایضا | یا لومائیل کیطرائیل | ایضا |
| الکبیر | بزرگوار بر ہمہ چیز | ۳۳۲ | ایضا | یا زہردرمائیل جبرئیل | آتشی |

| اسماء الحسنی | معنی اسماء | اعداد اسماء | جلالی جمالی مشترک | اسماء موکل | عنصر اسما |
|---|---|---|---|---|---|
| الحفیظ | نگاہدارندہ | ۹۹۸ | جمالی | یا سرحمائیل اوزرائیل | خاکی |
| المقیت | توانا و قوت دہندہ | ۵۵۰ | ایضا | یا رومائیل عطرائیل | آتشی |
| الحسیب | حساب کنندہ | ۸۰ | مشترک | یا ہمائیل سرکیطائیل | ایضا |
| الجلیل | بزرگوار بزرگان | ۷۳ | جلالی | یا کلکائیل یا جبرئیل | ایضا |
| الکریم | گرامی کنندہ | ۲۷۰ | جمالی | یا خورائیل ہراطیل | خاکی |
| المجید | بزرگوار از ہمہ | ۵۷ | ایضا | یا رومائیل کلکائیل | آتشی |
| الباعث | فرستندۂ رسولان | ۵۷۳ | مشترک | یا جبرئیل میکائیل | ایضا |
| الشہید | زندہ کنندۂ مردگان | ۳۱۹ | ایضا | یا عطرائیل تنکفیل | بادی |
| الحق | گواہ است مطلق | ۱۰۸ | ایضا | یا عطرائیل تنکفیل | آتشی |
| القوی | بخدائی و سلطانی درست | ۱۱۶ | جلالی | یا عطرائیل تنکفیل | ایضا |
| الوکیل | کاردان و نگہبان | ۶۶ | جمالی | یا خرورائیل طاطائیل | خاکی |
| المتین | توانا | ۵۰۰ | جلالی | یا عزرائیل حولائیل | آتشی |
| الولی | یار نیکوکاران | ۴۶ | جمالی | یا رقتائیل سرکمطائیل | خاکی |
| الحمید | ستودہ بصفت | ۶۲ | ایضا | یا تنکفیل مکائیل | ایضا |
| المحصی | شمار کنندہ | ۱۴۸ | ایضا | یا رحمائیل سرکیطائیل | آتشی |
| المبدئ | آفرینندۂ بار دیگر | ۵۶ | جلالی | یا جبرئیل دردائیل | ایضا |
| المعید | وعدہ کنندہ | ۱۲۴ | ایضا | یا رویائیل سرکیطائیل | ایضا |
| المحیی | زندہ کنندہ | ۶۸ | جمالی | یا حمرائیل تنکفیل | ایضا |

| اسماء الحسنیٰ | معنی اسماء | اعداد اسماء | اسماء جلالی جمالی مشترکہ | اسماء مؤکل | عناصر |
|---|---|---|---|---|---|
| الممیت | مردہ کنندہ | ۴۹۰ | جلالی | یاروماٸیل عزراٸیل | آتشی |
| الحی | ہمیشہ زندہ | ۱۸ | ایضا | یاعطراٸیل رقماٸیل | ایضا |
| القیوم | پایندہ ہمیشہ | ۱۵۶ | ایضا | یاعطراٸیل رقماٸیل | ایضا |
| الواجد | یکتا سازندہ کارہا | ۱۴ | جمالی | یاکلکاٸیل درداٸیل | خاکی |
| الماجد | بزرگی کنندہ | ۴۸ | ایضا | یاروماٸیل درداٸیل | ایضا |
| الواحد | تنہا و یکتا | ۱۹ | مشترک | یارقماٸیل درداٸیل | بادی |
| الاحد | تنہا بخدائی | ۱۳ | جمالی | یاتنکفیل درداٸیل | آتشی |
| الصمد | پاک بی نیاز | ۱۳۴ | ایضا | یااجماٸیل یاروماٸیل | خاکی |
| القادر | ہمہ خلق بیافریندہ و داند | ۳۰۵ | جلالی | یاعطراٸیل اہراطیل | آتشی |
| المقتدر | توانا و تقدیر کنندہ | ۷۴۴ | ایضا | یاروماٸیل عطراٸیل | ایضا |
| المقدم | از ہمیشہ ہست | ۱۸۴ | مشترک | یاعزراٸیل درداٸیل | ایضا |
| المؤخر | ہمیشہ خواہد ماند | ۸۴۶ | ایضا | یارقماٸیل میکاٸیل | خاکی |
| الاول | آنکہ ہمیشہ بود | ۳۷ | ایضا | یاطاطاٸیل رقماٸیل | آتشی |
| الآخر | آنکہ ہمیشہ باشد | ۸۰۱ | ایضا | یامیکاٸیل اہراطیل | ایضا |
| الباطن | پنہاں از چگونگی | ۶۲ | ایضا | یادرداٸیل اوراٸیل | خاکی |
| الظاہر | پیدا ہستی | ۱۱۰۶ | ایضا | یاجبراٸیل اسماٸیل | ایضا |
| الوالی | برتر بقدرت دوارث | ۴۷ | ایضا | یارقماٸیل سرکیطاٸیل | بادی |
| المتعالی | بزرگ و برتر | ۵۵۱ | ایضا | یاطاطاٸیل عزراٸیل | ایضا |

| اسماء الحسنیٰ | معنی اسم | اعداد | اسماء جلالی و جمالی و مشترکہ | اسماء موکل | عناصر |
|---|---|---|---|---|---|
| البر | نیکو کار مطلق | ۲۰۲ | جمالی | یا جبرئیل یا سمرائیل | خاکی |
| التواب | قبول کنندۂ توبہ | ۴۰۹ | ایضاً | یا عزرائیل جبرئیل | آتشی |
| الغنی | بی نیاز کنندہ | ۱۰۶۰ | مشترک | یا روحائیل حولائیل | ایضاً |
| المنعم | نعمت دہندہ | ۲۰۰ | ایضاً | یا اسمائیل رومائیل | خاکی |
| النعیم | نعمت دہندہ | ۱۷۰ | جمالی | یا حولائیل نومائیل | ایضاً |
| العفو | معاف کنندۂ گناہ | ۱۵۶ | ایضاً | یا لومائیل سرحمائیل | آتشی |
| الرؤف | درگذر کنندہ | ۲۸۰ | ایضاً | یا اہراطیل سرحمائیل | خاکی |
| مالک الملک | مالک ہمہ خلق | ۲۱۲ | جلالی | یا رومائیل خردائیل | آتشی |
| ذو الجلال | صاحب بزرگی | ۸۰۱ | ایضاً | یا خردائیل طاطائیل | ایضاً |
| والاکرام | " | ۹۹ | " | " | " |
| الرب | پروردگار | ۲۰۲ | جمالی | یا اہراطیل جبرئیل | خاکی |
| المقسط | دادگر | ۲۰۹ | جلالی | یا اہراطیل اسمائیل | آتشی |
| الجامع | فراہم کنندہ | ۱۱۴ | مشترک | یا کلکائیل لومائیل | خاکی |
| المغنی | بے نیاز | ۱۱۰۰ | جمالی | یا دردائیل لومائیل | آتشی |
| المعطی | عطا کنندہ | ۱۲۹ | " | یا لومائیل اسمائیل | آبی |
| الضار | زیان کنندہ | ۱۰۰۱ | جمالی | یا اجائیل اہراطیل | " |
| المانع | بازدارندہ | ۱۶۱ | جلالی | یا رومائیل لومائیل | " |
| النافع | سود کنندہ | ۲۰۱ | جلالی | یا حمولائیل سرحمائیل | " |

| اسمائے الٰہی | معنی اسم | اعداد | جلالی جمالی مشترک | اسم مؤکل | عنصر |
|---|---|---|---|---|---|
| النور | روشن کننده | ۲۵۶ | مشترک | یا رقتمائیل اہراطیل | آبی |
| الہادی | راه نماینده | ۲۰ | جمالی | یا دردائیل ہیر کنطائیل | ″ |
| البدیع | آفریننده نادر | ۸۶ | مشترک | یا جبرئیل لومائیل | خاکی |
| الباقی | پس از خلق بماند | ۱۱۳ | جمالی | یا عطرائیل لوعائیل | آبی |
| الوارث | میراث گیرنده | ۷۰۷ | جلالی | یا رقتمائیل میکائیل | ″ |
| الرشید | راست تقدیر و درست | ۵۱۴ | مشترک | یا ہمرائیل دردائیل | خاکی |
| الصبور | جلدی نکننده بعذاب | ۲۹۶ | جمالی | یا اہجمائیل اہراطیل | بادی |

شرح اسماء حسنیٰ تمام کرده شد اما طالب را در دریافت جلالی و جمالی و مشترک مشکلے خواہد بود ازین جہت اسماء مذکوره را یکجا مع اسناد کار کردن شرح نمایم که ہر یک را آسان باشد چنانچه اول اسماء جمالی که آنرا اسماء رحمت گویند برای علو درجات و فتوح رزق و فتح جنگ و سرخروئی پیش بادشاه و ملوک و سلاطین و امراء و وزراء و محبت و مودت باین اسماء عمل کنند تا بمقصود رسند و این اسماء جمالی جملہ چہل و پنج اسم است چنانچه ہر یک اسم مع اعداد بعد تکسیر این ہستند۔

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| یا رحمن ۲۹۹ | یا رحیم ۲۵۸ | یا سلام ۱۳۱ | یا مؤمن ۱۳۶ | یا مہیمن ۱۴۵ | یا وہاب ۱۴ | یا رازق ۳۰۸ |
| یا فتاح ۴۸۹ | یا باری ۲۱۳ | یا غفار ۱۲۸۱ | یا باسط ۷۲ | یا معز ۱۱۷ | یا لطیف ۱۲۹ | یا غفور ۰۲۸۱ |
| یا شکور ۵۲۶ | یا حفیظ ۹۹۸ | یا کریم ۲۷ | یا واسع ۱۳۷ | یا حکیم ۷۸ | یا حلیم ۸۸ | یا ودود ۲۰ |
| یا کفیل ۱۴۰ | یا ولی ۴۶ | یا مغنی ۱۱۰ | یا معطی ۱۲۹ | یا نافع ۲۰۱ | یا رشید ۵۱۴ | یا محیی ۵۸ |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| یا حی ۱۸ | یا قیوم ۱۵۶ | یا ماجد ۴۸ | یا صمد ۱۳۴ | یا برّ ۲۰۲ | یا تواب ۴۰۹ | یا عفو ۱۵۶ | یا رؤف ۲۸۶ | |
| یا نور ۲۵۶ | یا هادی ۲۰ | یا باقی ۱۱۳ | یا صبور ۲۹۸ | یا واجد ۱۴ | یا وکیل ۶۶ | یا احد ۱۳ | یا نعیم ۱۷۰ | یا ضارّ ۱۰۰۱ |

پس چون برای علو درجات وکشایش رزق عمل کردن منظور باشد برای این عمل هفت اسم اند ازان هفت اسم یک اسم را اختیار کنند وآن هفت اسم مذکوره این هستند

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| یا باسط | یا سلام | یا فتاح | یا معز | یا لطیف | یا کریم | یا واسع |

عدد این اسماء که بالا مذکور شدند بگیرد و نیز عدد موکلان آن بگیرد و عدد اسم صاحب طلب تا بنده جمله عددها را یکجا کرده نقش مربع از خانه سوم پر کند و بساعت مشتری نقش بنویسد و با ترکیب پر کردن نقوش مربع و مثلث وغیره و در یافتن ساعات سیارگان آینده خواهم نوشت انشاء الله پس جمله اعداد را برای هر روزه خواندن تقسیم کند موافق اعداد اسم بر آورده اسماء هر روزه میخوانده باشد و در آرد گندم نقشها نوشته گولی بند و در دریا اندازد همین طور تا یک چله کند انشاء الله تعالی کشایش رزق وفتوح بیشمار شود وبمرتبه عالی برسد۔
برای سرخروئی پیش بادشاه وامراء باید که ازین نه اسم یکی اختیار کند۔

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| یا رحمن | یا رحیم | یا حلیم | یا حفیظ | یا حی | یا قیوم | یا رافع | یا فتاح | یا هادی |

اعداد اینها در مجموعهٔ جمالی نوشته اند پس ازین اسماء یک اسم گرفته عدد صاحب مطلب و عدد موکل وغیره یکجا کرده در ساعت شمس از خانه یازدهم نقش مربع پر کند وان نقش را در دست راست ببندد یا بسر بدارد انشاء الله پیش بادشاه وحاکم سرخروئی یابد وحاکم رحیم گردد وبرای محبت ومودت وحب اگر عمل کند ازین سه اسماء یکی بگیرد دانسته

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| | یا ودود | یا بدوح | یا لطیف | |

پس ازین اسماء یک اسم را عدد گرفته واسم طالب مع اسم مادر واسم مطلوب مع اسم مادر گرفته اعدادش همه یک جا کرده در ساعت مشتری نقش مربع از خانه

دوم پرکند و فتیله سازد و در چراغ گلی که سفال آب نارسیده باشد از طرف اول که نشان سیاهی کرده است روشن کند و در روی چراغ سمت خانهٔ مطلوب کند و خود رو بروی چراغ نشسته موافق عدد اسماء الہی عزیمت که ترتیب کردن آن عزیمت این صورت ست بخواند انشاء اللہ تعالی بمقصود برسد عزیمت اینست که بطریق نمونہ نوشته است ۔
اللہم سخر قلب فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان بحق یا بدوح اجب یا جبرئیل یا دردائیل یار فتمائیل یا تنکفیل سامعا سطیعا بحق یا بدوح العجل العجل ۔ **وچون برای صحت بیماری عمل کند** ازین ہفت اسم اللہ تعالی یکی را انتیار کند ۔

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| یا حفیظ | یا سلام | یا نافع | یا باقی | یا کریم | یا غفور | یا ہادی |

عدد اینہا قبل مرقوم شد ند پس آن اسم را که گرفته است عدد برآورد و نقش مربع از خانهٔ اول پرکند و شوئیده برای خوردن مریض دہد انشاء اللہ بعد ہفتہ روز صحیح گردد ۔

## شرح اسماء جلالی که اسماء ہیبت اند

واین اسماء برای بغض و عداوت و جدائی افگندن درمیان دو کس و مقہور نمودن مر اعدارا و خراب کردن خانهٔ دشمن و روزی آن ہستند چون برین عمل کنند راست و درست آید و آن مجموعهٔ اسماء جلالی معظم و مکرم این ست ۔

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| یا عزیز | یا جبار | یا متکبر | یا قہار | یا قابض | یا مذل | یا علی |
| ۹۴ | ۲۰۶ | ۶۶۲ | ۳۰۶ | ۹۰۳ | ۷۷۰ | ۱۱۰ |
| یا جلیل | یا قوی | یا متین | یا مبدی | یا معید | یا ممیت | یا قادر |
| ۷۳ | ۱۱۶ | ۵۰۰ | ۱۲۴ | ۱۲۴ | ۹۰۴ | ۳۰۵ |
| یا مقتدر | یا منتقم | یا ذوالجلال | یا مقسط | یا مانع | یا وارث | یا مالک الملک |
| ۷۴۴ | ۶۳۰ | ۹۷۱ | ۲۰۹ | ۱۶۱ | ۷۰۷ | ۲۱۲ |

**این اسماء بست و دو اند ترتیبش اینکه اگر برای بغض و عداوت عمل کند**

| | | | |
|---|---|---|---|
| یاقوی | یاقابض | یاجبار | ازین اسماء الٰہی یک اسم اختیار کند اینست۔ |

پس اعداد اسم و عدد اسم مواکیل گرفتہ نقش مربع در ساعت زحل یا مریخ از خانہ نہم پر کند و آن نقش را در گور کہنہ دفن کند انشاء اللہ جدائی درمیان دو کس افتد۔

## وچون برای مقہوری دشمن وخرابی خانۂ او عمل اختیار کند

ازین سہ اسماء باری تعالیٰ معظم کہ مرقوم اند یکی را بگیرد

| | | |
|---|---|---|
| یاجبار | یامذل | یاقہار |

پس عدد اسم و عدد اسم عدو مع مواکیل گرفتہ نقش مربع در ساعت زحل یا مریخ از خانہ نہم پر کند و بدین تدبیر عمل کند کہ از ہفت جا خاک بیارد اول خاک چہار راہ کہ بہندی آنرا چوراہہ گویند دوم خاک مسجد سوم خاک گور کہنہ چہارم خاک خانۂ ویران پنجم خاک منارہ ویران کہ بہندی آنرا ڈھہ گویند ششم خاک جائیکہ خر خود را غلطانیدہ بود ہفتم خاک جائیکہ زغن نشستہ باشد ہمہ خاکہا را گرفتہ در آوند گلی بدارد و نقش کہ پر کردہ است در آن خاک بدارد و بر آن آوند مذکور اسم اللہ مع موکلات موافق تعداد عدد بخواند و بدمد و دراول تصور خراب گشتن عدو کردہ خواندہ باشد باز آن آوند را در جای خراب دفن کند انشاء اللہ بدخواہ زبون خواہد شد۔

## بیان اسماء مشترک کہ جمالی وجلالی ہر دو اند وہم نیک وبد بکار آیند

اول باید کہ ترکیب خواندن این اسماء یاد گیرد و آن اینست کہ چون برای دعوت و دادن زکات این اسماء را بخواند دانۂ تسبیح را بجانب خود بگرداند و برای خراب کردن دشمن وخانۂ او را تسبیح بوقت خواندن بجانب چپ بگرداند و برای علو درجات بوقت خواندن تسبیح جانب راست بگرداند و برای صحت مریض تسبیح کہ بر آن اسم ہر روز بطور وظیفہ میخواندہ است آن تسبیح را ہفت بار در آب طاہر و پاکیزہ شوئیدہ مریض را بنوشاند پس ہر آسیب کہ آنرا خواہد بود دفع خواہد شد و صحت کامل بامر شافی مطلق میسر گشتہ باشد

و مجموعهٔ اسماء مشترک این است۔

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| یا مالک | یا واحد | یا خالق | یا قدوس | یا مصور | یا علیم |
| ۹۰ | ۱۹ | ۷۳۱ | ۱۷۰ | ۲۳۶ | ۱۵۰ |
| یا سمیع | یا بصیر | یا حلیم | یا عدل | یا خبیر | یا عظیم |
| ۱۸۰ | ۳۰۲ | ۸۸ | ۱۰۴ | ۸۱۲ | ۱۰۴۰ |
| یا مقیت | یا حسیب | یا منعم | یا مجیب | یا باعث | یا شهید |
| ۵۵۰ | ۸۰ | ۲۰۰ | ۵۵ | ۵۷۳ | ۳۱۹ |
| یا حق | یا مقدم | یا مؤخر | یا اول | یا آخر | یا ظاهر |
| ۱۰۸ | ۱۸۴ | ۸۴۶ | ۳۷ | ۸۰ | ۱۱۰۶ |
| یا باطن | یا متعال | یا اکرام | یا جامع | یا غنی | یا بدیع |
| ۶۲ | ۵۵۱ | ۲۶۲ | ۱۱۴ | ۱۰۶۰ | ۸۶ |
| | یا رشید | | یا والی | | |
| | ۵۱۴ | | ۴۷ | | |

واین اسماء جمله سی و چهار اند پس در هر کار تصریح که مرقوم میشود عمل کنند و نیز بدریافت ساعت هر کار را آغاز کند و یا ساعت شبانه روز در باب پنجم خواهم نوشت اینجا این قدر کافی ست که بعضی را خیال باید چنانچه روز شنبه زحل بساعت اول نحس اکبر برای خراب کردن دشمن و جدائی دو کس ساعت دوم مشتری سعد اکبر برای علو درجات و دپیش بادشاه و ملوک رفتن و برای محبت و مودت و ساعت سوم مریخ نحس اصغر برای مقهوری اعداء و ساعت چهارم شمس سعد اکبر برای محبت و علو درجات ساعت پنجم عطارد نحس ذو جسدین برای زبان بندی و دیو بندی و حمله بلاها و ساعت ششم قمر سعد ذو جسدین برای گشایش رزق و فتوح و سرخروئی پس ساعت یکروزه را بطریق مثال

نوشته دادم وساعت هر روزه را در باب مذکوره خواهد شد لهذا این ساعت دیده هر اسم را
که در مربع برای هر کاری و هر مقصدی پر کند مثلاً برای حب یا برای بغض یا برای
فتحیابی و سرخروئی او ان اسم را نظر کند که چند حرف دارد پس هر حرف را موکل بگیرد بدین
طریق مثلاً اسم بدوح که این چنین حرف دارد (ب دوح) مواکیل آن موکل حرف
ب) جبرئیل (د) دردائیل موکل حرف (و) رفتمائیل موکل حرف (ح) -
تنکفیل فی الجمله این موکلها که مثالاً بیان شدند همین طور هر حرف را موکل بگیرد و همراه
اسم خدا تعالی داخل کند و بخواند در همان ساعت که برای هر کار مقرر است وصورت
ترتیب موکلات همراه اسم خدا اینست مثلاً حرف بدوح را موکل برآورده ام ترتیبش اینکه
یا بدوح اجب یا جبرئیل یا دردائیل یا رفتمائیل یا تنکفیل سامعًا ومطیعًا بحق یا بدوح
فاما همین طور هر اسم را بعمل آرد اشاره بعاقل کافیست وچون بساعت ستاره نقش
اسما نویسد یا موکلات را بترتیب مذکوره خواندن آغاز نماید آن وقت رجال الغیب را
پس پشت کند و دعاء رجال الغیب بخواند و اندک شیرینی در دهن کند برای محبت
وبرای عداوت چیزی تلخ وتیز در دهن بدارد وما بخورات واغذیات ستارگان
وطریق . انستن رجال الغیب در باب پنجم خواهم نوشت لیکن دعای رجال الغیب
اینست دعای رجال الغیب السلام علیکم یا رجال السلام علیکم یا ارواح
المقدس اغیثونی بعونه وانظرونی بنظره ویا قباد یا نجباد یا ابدال یا اوتاد یا غوث
یا قطب بحرمت النبی صلوٰة الله علیهم والسلام ؁ پس ای طالب در خواندن اسما
الٰہی هر سه گونه یعنی جلالی وجمالی ومشترک این همه طریق بجا آوردنی است و درست
افتاد والمحال ما ذکر آن اسماء باریتعالی کنم که از بزرگان باین نحیف رسیده است
وآن اینست عمل اسم باریتعالیٰ عطا فرموده مولانا السید زین العابدین صاحب
باید که این هر سه اسم که محاصر تمام کلام الله اند و در بسم الله والحمد آمده اند یکی اسم ذات

است دیگر اسم عادل سوم اسم رحمت و در صفت ہمین اسماء تمام کلام اللہ ست و در اسناد این ہر سہ زبان نیست کہ بیان کنم لہذا این اسماء را سہ ہزار و یکصد و بست و پنج مرتبہ مابین عصر و مغرب ہر روزہ بلا ناغہ در سایہ آسمان سر برہنہ مدام میخواندہ باشد اگر خدا تعالیٰ خواہد امیر کبیر گردد و برای ہر مطلبے کہ بخواند در عرصہ چہل روز آن مقصد بعون اللہ تعالیٰ بیشک بر آید آن اسماء معظم و مکرم اینند **یا اللہ یا رحمن یا رحیم**۔

دیگر عمل از زاہدی باین نحیف رسیدہ است اینکہ این ہر دو اسم مبارک تبارک و تعالیٰ یعنی **یا عزیز یا لطیف** کہ اسم ہر دو یک صفت دارند و یک اسم جلالی و دیگر جمالی ست پس ہر دو را دوازدہ ہزار مرتبہ بعد نماز صبح یا بعد نماز مغرب ہر روز سر برہنہ کردہ چادر در گردن انداختہ تضرع کنان بخواند و گریہ کند بیشک در عرصہ دوازدہ روز مطلب دنیا و دین حاصل گردد و اگر یک جلسہ ازین ہر دو اسم یکی را بوقت شام تا صبح یا تا شام دیگر سر برہنہ در مقام تنہا زیر آسمان نشستہ بخواند بیشک ہمان روز مطلب بر آید و لیکن یک لک و بست و پنج ہزار مرتبہ در یک جلسہ بخواند تا بمقصود رسد۔

## قاعدہ عجیب و غریب عنایت جناب حافظ اصغر علی صاحب۔

باید کہ اسم یا مستطیع را باول و آخر درود شریف سہ سہ مرتبہ خواندہ سیزدہ صد مرتبہ وقت نماز صبح دایم میخواندہ باشد بیشک مجمع خلائق پیش عامل شود مجرب است و برای دو کس تجربہ نمودہ شدہ است **عمل** دیگر برای زاہدان ہر کہ خواہد از گناہان صغیرہ و کبیرہ من حق تعالیٰ درگذرد و برحمت خویش معاف کند این اسم را بدین ترکیب مع درود یا محمد صلی اللہ علیہ خیر خلقہ محمد و آلہ اجمعین بعد نماز جمعہ صد بار بخواند بہ برکت این اسم در اندک مدت از مغفوران گردد اسم اینست **یا غفار** اغفر ذنوبی **یا قہار** ہر کہ این اسم مذکورہ را مدام بخواند محبت دنیا از دل آنکس بیرون رود و دیگر ہر کہ بعد از نماز چاشت سر بسجدہ نہد و ہفت کرت این اسم را بخواند بکرم الٰہی مستغنی گردد اسم اینست **یا وہاب** نوع دیگر در مقدمہ عداوت جانبین و جدائی

افگندن میان دو شیدا ہذا العمل مجرب از نادرات ست باید کہ این اسمار ادر تاریخ نحس دہن چیزی تلخ مثل سیاہ مرچ یا نمک شور انداختہ سہ روز متواتر بوقت دوپہر روی خود سمت جنوبی کردہ بخورات سوختہ بخواند و ہر روز دو ہزار مرتبہ خواندہ باشد و وقتیکہ تسبیح تمام شود بست و یک مرتبہ بر پارچہ قرطاس اسمار اہم نوشتہ باشد و بر آتش بسوزد الا صاحب ایمان را لازم ست کہ اسم باری تعالی را نسوزد بلکہ در یک ظرف نہادہ بر آتش نہد کہ گرمی آتش بر آن کاغذ برسد پس بعد سہ روز عامل این طریق شدہ ہرگاہ کہ جدائی بمیان دو کس انداختن منظور باشد ہمین اسماء قہاری را مع عبارت چنانکہ آیندہ نوشتہ است در پارچہ نوشتہ مع اسم جانبین و اسم مادر شان نوشتہ دہد کہ در رہگذر شان دفن کنند زکوۃ قدری شیر برنج با احتیاط خود پزیدہ سہ رکابی کند بر یکی نیاز جناب بی بی فاطمہ رض دہد و بر دوم نیاز جناب پیغمبر صلعم دہد و بر سوم نیاز موکلات کند پس پیغمبر صلعم بر ہر کہ دادہ است خود خورد و نیاز موکلات در مسجد فرستد کہ نمازیان بخورند و نیاز فاطمہ رض بدختران خوراند پس ہرگاہ کہ تعوید در رہگذر شان دفن کند چنان باہم دشمنی شود کہ یکی دیگر را نخواہد کہ بچشم اسماء اینند

**یا بدیع العجائب بتعہرک والتراق ۔**

نوع دیگر برائے ہلاکی و تباہی دشمن باید کہ این اسم قاہرہ را برای ہر کسیکہ یک لک و بست و پنج ہزار مرتبہ در عرصہ یک ہفتہ بسوی آسمان رو کردہ بخواند و سمت آنکس بدمد یقین کہ در یک ہفتہ دشمن تباہ شود و اگر نشود در ہفتہ دیگر چنین کند بیشک بحکم خدا عدو برباد گردد این عمل عنایت کردہ پیر خان ساکن ہانسی حصار ست کہ باین نحیف عطا شدہ اینست ۔

**المذل ۔** نوع دیگر این اسم باریتعالی کہ عملش عنایت فرمودہ جناب سبحان شاہ صاحب کہ ذی کرامات ست و در مقدمہ حب مجرب است اگر کسے بر کسے عاشق باشد و ہرگز با او ملاقات میسر نمیشود باید کہ این اسم اعظم را بوقت صبح و بوقت شام از یوم پنجشنبہ بعد نماز یکصد و یکمرتبہ اول و آخر درود میخواندہ باشد و مطلوب را در دل چنان تصور کند

کہ گویا روبرو استادہ است وچشم خود را بند دارد چون تمام شود و درخیال بسوی مطلوب کند
در عرصہ یک ہفتہ بیشک معشوق باو رجوع کند ولائق ست کہ از افعال شنیع پرہیز کند
یعنی زنانہ کند واگر برای زکوۃ یک لک وبست وپنجہزار مرتبہ این اسم بدمدعامل شود
ہرگاہ کہ بعد زکوۃ برائے کسے سہ روز بطریق مذکورۂ بالا بخواند مطیع فرمان شود مجرب ست
خطا و شک ندارد اسم مبارک اینست ۔ الحلیم ۔ **نوع دیگر عنایت ہمین درویش**
بزرگ مرقومۂ بالا این عمل اسم باریتعالی برای تسخیر انسان آشنا ومرد وزن آزردہ خاطر
کہ ہرگز طرف خود رجوع نمی کند پس باید کہ یک پیالہ بطہارت تمام از شربت تیار کند ودر آن
گلاب وکیوڑہ اندازد و لازم کہ روز پنجشنبہ باشد پس بوقت نماز عصر قبلہ رو نشستہ چشم بستہ
تصور سوی مطلوب کردہ یکہزار وچہارصد مرتبہ این اسم معظم بخواند **یاودود** چون تمام شود
بر آن پیالہ شربت کہ تیار کردہ حاضر نہادہ است نیاز موکلات اسم موصوف دادہ دم کند
وخود بنوشد انشاء اللہ تعالی در عرصۂ خواندن ہمان روز مطلوب حاضر شود اگر مطلوب
حاضر شود پس باید کہ ہرگز باو مخاطب نشود تا کہ عمل را تمام کند ہمین نوع تا سہ روز یا ہفت
روز کند تا مطلوب مسخر ومطیع گردد مجرب است ۔ وکلام نکند

## عمل دیگر درباب حب عنایت عابد وزاہد جناب محمد حسن صاحب رح

این عمل مجرب وآزمودۂ بارہا ست باید کہ در عروج ماہ بروز پنجشنبہ بر پارچۂ کاغذ اول
عدد اسم بسم اللہ بنویسد بعدہٗ اعداد تمام طالب ومطلوب مع اعداد اسم مادران ہردو
بنویسد وعدد اسم یاودود ہم بنویسد وباین طریق بنویسد کہ اول بر تختی چوب یا بر
کاغذ اسم طالب بنویسد وبعدہٗ اسم یاودود وبعدش اسم مطلوب بنویسد بدین طریق
مثال آن می نویسیم تا کہ در فہم آسان آید

| میر احمد علی | ودود | فاطمہ خانم |
|---|---|---|
| ۷۸۶ ۱۰۰۱ ۱۲۰۰ ۸۱ ۳۴۴ ۳۰۷ ۱۱ | ۲۰ ۶۴ | ۷۸۶ ۹۱۸۰ ۴۴۵ ۱۶۰۰ ۵۱۵ |

بعد نوشتن این اعداد را ادغم کند یعنی یک عدد از سر گیرد و یک عدد از پای اسم مطلوب نویسد چنانکه باہم تمام اعداد چسپیدہ باشد و من مثال ادغام ہم نویسم بدین طریق ...۴۴ ۴۴۶۶۱۴۱۰۸۰۳۰۱۷۰۹۴۴۴۴۰۵۸۶۰۰۱۱۲۰۰۵۱۰ پس تمام شد این اعداد را فتیلہ ساختہ سیاہی بر رخش مالیدہ در چراغ کہ سفال آب نا رسیدہ باشد روغن خوشبودار انداختہ و بر فتیلہ عطر مالیدہ و شہد خالص مزوج ساختہ پنبہ طاہر پیچیدہ در چراغ نہادہ روی چراغ جانب خانہ مطلوب کردہ از خس پاک روشن کند و خود روبروی چراغ استادہ شدہ پارچہ طاہر پوشیدہ یکصد و یکبار درود اول و آخر شریک کردہ این اسم یا ودود بخواند چون تمام شود اگرچہ مطلب محبت داشتہ باشد عرض حال خود کند اگر کسے را از قید رہائی دادن منظور باشد پس اول اسم مقید بنویسد در میانش اسم ودود در آخر بجای مطلوب اسم حاکم و بقاعدہٴ مرقوم الصدر ادغام کردہ فتیلہ روشن نمودہ بعد خواندن اسم عرض حال برای رہائی قیدی کند انشاءاللہ ہر مطلبے کہ داشتہ باشد در عرصہ ہفتہ روز یا چہاردہ روز تا بست و یک روز ضرور برآید اما لازم است کہ برای این عمل کردن چلہ اختیار کند پس خطای ندارد بیشک بحکم الہی مطلوب حاصل شود و قیدی رہائی بیابد الا لازم ست کہ تا چلہ باشد پرہیز از گوشت ماہی و گاؤ کند و در میان چلہ مذکور حرام نکند و دروغ نگوید مجرب است ۔

## عمل اسم باریتعالی در باب حب مجرب از پیرزادہ باین فقیر رسیدہ است

چون خواہد کہ باکسے تعلق تسخیر کند و او را دوست گردن خواہد یا از میرے نفع خواہد کہ بمن رسد باید کہ در عروج ماہ از یوم پنجشنبہ یا بروز جمعہ این عمل شروع کند بدین ترتیب کہ بوقت شب دوزانو و روی بجانب کعبہ کردہ نشیند و چشم خود بند کردہ اول یازدہ بار آیۃ الکرسی تا علی العظیم بخواند بعدہٗ یک ہزار و دہ مرتبہ این اسم معظم مع عبارت آن و مطلوب خود را در تصور پیش خود دست بستہ گویا استادہ کردہ بخواند چون اسم تمام شود

برسینہ او دم کردہ دہد و در دل خویش اشارہ کند کہ مطیع من شو ہمین نوع تا پانزدہ روز بدستور مسبوق الذکر بخواند و اگر ممکن باشد بر چیزی دم کردہ باو برساند کہ مطلوب بخورد البتہ انشاء اللہ مطیع و فرمانبردار خواہد شد و اگر زکوۃ این اسم تا بچہل روز ہزار ہزار بار ہر روزہ خواندہ بدہد عامل این اسم مبارک گردد پس در مقدمہ تسخیر و حب برای خود و برای دیگر ہر صورت بکار آید یعنی بہر چیز کہ دم کردہ برای خورد و نوش دہد اثر عظیم بخشد و نیز در زکوۃ او آیۃ الکرسی بدستور مذکورہ ہر روز میخواندہ باشد و در روز تمام شدن چلہ بر شربت دم کردہ فاتحہ بروح پر فتوح جناب پیغمبر صلعم دادہ خود بنوشد و ہمیشہ در وظیفہ خود قدری اجرای می داشتہ باشد تا ہمیشہ در اختیار خود ماند اینست **یا مقلب القلوب قلب قلبہ الی** و برای عورت بگوید **قلبہا الی** دیگر عمل اسماء الہی در مقدمہ تپ و لرزہ باید کہ ہر کسے را کہ تپ و لرزہ آمدہ باشد پس ازان شخص ہشت عدد ریزہ سفال نو کہ بہندی آنرا ٹھیکری گویند طلب کردہ بر یک ٹھیکری **یا محیط** بنویسد و بر بازوی صاحب تپ ببندد و یکی ہمین اسم نوشتہ دہد کہ مریض در آب پاک بنوشد و بروز دوم بر یک ٹھیکری کہ اسم نوشتہ است از بازو بش کشادہ در چاہ انداز دو دو ٹھیکری دیگر گرفتہ این بنویسد **یا محیطط** و یک را برای خوردن دہد و دیگر را در بازو بندد بروز سوم آن ٹھیکری را در چاہ اندازد و دو ٹھیکری دیگر گرفتہ این اسم بنویسد **یا محیطا** یکے را در بازو بہ بندد و دیگر را بنوشد و بروز چہارم ٹھیکری را در چاہ اندازد و دو ٹھیکری دیگر را گرفتہ بر آن این اسم بنویسد **یا محیطک** یکی را برای نوشیدن دہد و یکی را بر بازو بہ بندد و در عرصہ ہمین چہار روز انشاء اللہ لرزہ برطرف شود و تپ باز نہ آید مجرب است و باین ترکیب بعکس این اسماء العمل نمی آید از این جہت اثر نمیدہد ترکیب معتبر اینست کہ از امیر امام بخش صاحب پیرزادہ اولاد حضرت مخدوم اشرف جہانگیر باین نحیف رسیدہ است خطای ندارد نوع دیگر عمل اسم باری تعالی کہ در حقیقت اسم اعظم ہمین ست کہ پروردگار در کلام مجید اکثر ہمین اسم را یاد و

ذکر فرمودہ است و در بیان عظمت این اسم در کلام خود بسیار قسم دادہ است و در
بسم اللہ اول این اسم است کہ بسم اللہ سر کلام اللہ است و این اسم مبارک اینست
الرحمن پس ہر کس کہ یکصد و پنج مرتبہ در صبح و یکصد و یک مرتبہ بوقت شام ہمیشہ ورد
خود کند واللہ در ہر مقدمہ حب و تسخیر وغیرہ بر ہر شے کہ دم کند اثر تمام دہد و ہمیشہ آنکس متمول
ماند ہرگز محتاج نگردد و در تجربہ این فقیر آمدہ است و این اسم از درویش کامل باین احقر
رسیدہ است عزیز باید داشت و اگر زکوۃ یک لک و بست و پنجہزار مرتبہ دہد عامل کامل گردد
وصفت این اسم نوشتن نمی توانم۔ دیگر عمل اسم آلہ عنایت سبحان شاہ درویش
صاحب۔ اول زکوۃ این اسم بدہد یعنی یک لک و بست و پنجہزار مرتبہ در عرصہ یک چلہ بترک
حیوانات برای درویش صاحب کمال نہایت مفید است یعنی اگر خواہد کہ تسخیر خلق اللہ
کند حیوانات و پرہیز جلالی و جمالی کردہ بخواند و باشرح پرہیزات مذکورہ آیندہ بیان
خواہم نمود پس بعد چلہ عامل شدہ ہر روزہ صبح و شام یکصد و یک مرتبہ میخواندہ باشد تا
تسخیر خلائق حاصل آید، اسم مبارک اینست یا مؤخر ترکیبش مجرب است۔
نوع دیگر عمل اسم باریتعالی عطا فرمودۂ جناب پیر خان پیرزادہ موصوف
اسم بزرگ اینست اَلْاَمَانُ پس این را زکوۃ یک لک و بست و پنجہزار مرتبہ بترک حیوانات و
پرہیز مذکورۂ اول بدہد و در عمل خویش بیارد و بعدہٗ ہمیشہ یک صد و یکمرتبہ ہر روزہ صبح و شام
وردِ خود کند پس اگر در عرصہ دوازدہ سال در شکم کسیکہ درد باشد یا در ہر موضع وجود درد
باشد و عامل این اسم دم کند فوراً درد دفع شود و اگر حاملہ را درد باشد در شکم بدمد فوراً
دردش موقوف شود و بچہ صحیح پیدا گردد و اگر خود پیش مریض رسیدن نتواند بر دست قاصد
مرسولہ دم کند تا او دم کند و بر دست و جسم مریض دست خود بمالد فوراً درد دفع گردد و عامل
را لازم است کہ اسم را بر دم کردن موقوف ندارد بلکہ بر دست خویش دم کردہ بر موضع درد
دست ہم مالد مجرب است۔ عمل اسم باریتعالی آزمودۂ حقیر عنایت شاہ کریم درویش

هر زنی را که حمل همیشه اسقاط شده باشد پس باید که اسم موصوف آینده را شوهر آن زن بیاموزاند تا شوهرش زن را بر زمین غلطانیده از انگشت خود یازده مرتبه این اسم خواند از مقام سینهٔ زن تا به موی سیاه حصار کرده دهد در هنگام حمل یک ماهه و دو ماه این عمل کند انشاء الله هرگز آن حمل باز اسقاط نشود اسم مذکور این است۔ یامُبْتَدِءُ

**عمل دیگر عنایت جناب نوازش علیخاں الصاحب تلمیذ شاه عبدالرؤف صاحب**

مجرب و آزموده اگر امیری یا بادشاه کسے را از شهر بدر کرده باشد یا امیر بطرف خود راغب نمی باشد یا هر مطلبے که انسان در دنیا داشته باشد بلاشک بمقصود رسد بدین نوع باید که بروز پنجشنبه روزه بدارد و غسل کرده جامهٔ پاک و سفید بپوشد و عطریات مالیده روزه افطار کند بعدهٗ در جای تنها نشسته بخورات روشن کرده قدری شیر برنج از پیشتر تیار نموده پیش خود بدارد و نیاز بر آن شیر برنج چنین طور کند که آنرا سه رکابی کند بر رکابی اول نیاز موکل که اسم آن موکل آدم بنورست دهد و بر رکابی دوم نیاز جناب پیغمبر صلعم دهد و بر رکابی سوم نیاز جناب بی بی فاطمه رض دهد و دوازده صد مرتبه این اسماء الٰهی را در یک جلسه بخواند و چیزی غیر حیوانی خورده بخسپد و آن شیر برنج را در مسجد بفقرا رسید و نیاز جناب فاطمه رض بر دختران بخوراند اسمها این اند یاحی یاقیوم یاعلی یاولی یادنی یاغنی ۵۵

پس صبح آن مطلب بر آید یعنی آن بادشاه آنرا طلب کند و در صورت اگر در یک روز مقصود میسر نشود در روز دوم بغیر پختن شیر برنج روزه داشته اسمهای موصوف بتعداد مذکوره خوانده باشد و اگر باز مطلب نه بر آید بغیر روزه داشتن و بغیر شیر برنج تیار نمودن در وظیفه بطهارت تمام تا دوازده روز بخواند بادشاه و امیر و فقیر مسخر خواهند شد و بکرم الٰهی بمقصود خواهد رسید انشاء الله تعالےٰ و بفضله الاعلیٰ۔

**عمل اسم باری تعالی عطیه مرزا ابر علی صاحب ساکن بهرائچ** - عمل مذکور آزموده مرزا موصوف ست هرگز خطا نکند و این فقیر بهر کسیکه بخشیده در کار او آمده

این عمل برای کسیکہ بی روزی یا بی نوکری باشد یا کسیکہ اور ابرطرف کردہ باشد این ہر سہ اسمارا اول زکوٰۃ با ترک حیوانات تا یک چلہ شش صد و پنجاہ و ہشت مرتبہ موافق اعداد حروف تہجی ہر اسم کہ استادان مقرر کردہ اند بخوانند یعنی اسم اول رایکصد و نود و یکمرتبہ و اسم دوم را یکصد و چہل و ہشت مرتبہ و اسم سوم راسہ صد و نوزدہ مرتبہ جدا جدا یکوقت ہر روز در یک جلسہ با طہارت تمام میخوانندہ باشد چون چہل روزہ تمام شوند قدری موکلات را نیاز دادہ طفلان را تقسیم کنند پس عامل شد ہرگاہ کہ در ہر مصیبت و ہر مطالب برای خود یا دیگرے سہ روز یا ہفت روزہ بدستور بخوانند بلیشک مطلب برآید و روزگار شود اسماء معظم و مکرم ہر سہ گانہ این اند۔

| یا رازق | یا واسع | یا سمیع |
| --- | --- | --- |
| ۳۰۱۹ | ۱۰۰۴۸ | ۱۰۰۹۱ |

## عمل اسم وہاب نادر روزگار کہ مقر این اسم تمام جہان است

این اسم معتبر اند الا باین ترکیب کہ این فقیر را رسیدہ است یقین کہ در ہندوستان صاحب بخت را رسیدہ باشد ورنہ یقین دارم کہ کسے از اسرار این گنج واقف نباشد و این ترکیب این نیازمند را از عنایت درویش صاحب کمال و با عمل صاحب علم کیمیا و صاحب عبادت در مقام سورت بمبئی رسیدہ اسم شریف آن بزرگ حضرت شاہ اجنبی بود فی الحال شاہ صاحب روانہ کعبۃ اللہ شریف شدہ اند بوقت روانگی از فیض باطنی باین کمترین تلمیذ خود عطا فرمودند ہر چند کہ چیزہا دیگر ہم عطا فرمودہ بودند کہ آنہم بدوستان درین کتاب آیندہ یاد خواہم کرد و این فقیر در مقدمہ تنہا ازین عنایت شاہ صاحب فائز گردید الا نوبت زکوٰۃ نرسیدہ است باللہ التوفیق زبانی آنجناب ارشاد ست کہ اول مرتبہ این اسم سلطنت ست

وبمرتبۂ دوم وزارت وبمرتبہ سوم امارت وبمرتبہ چہارم تسخیر خلایق جملہ عالم وبمرتبۂ پنجم دست غیب اگر ترکیب اول زکوتش دہد بادشاہ گردد واگر ترکیب دوم دہد وزیر گردد و ترکیب سوم از زکوۃ دادن امیر کبیر گردد و ترکیب چہارم از زکوۃ دادن تسخیر عالم میسر گردد و ترکیب پنجم چون زکوۃ دہد دست غیب ہر روز میسر باشد ترکیب اول کہ متعلق بہ بادشاہت است اینکہ ترک لذات حیوانات و پرہیز جلالی اختیار کند وہروقت با وضو باشد وہر روز غسل کند وجامہ نمازی دارد وقریب زن نرود وچہاردہ مرتبہ دریک چلہ اسم مذکور را بخواند وہر روز چہاردہ نقش را نوشتہ در آرد گولی بستہ پیش خود جمع نماید بروز ہشتم ہمہ گولی را در دریا اندازد پس چون چلہ تمام شود بیشک بادشاہ گردد واگر این قدر بار برداشتن نتواند باید کہ در پرہیز تخفیف کند صرف جماع بازن نکند وگوشت کلان نخورد و از شے حلال رغبت کند واز حرام اجتناب کند وبوقت خواندن صرف وضو کند وبعد عرصۂ ہفت روز بروز جمعہ ضرور غسل کند وبدستور چہاردہ کرور وچہاردہ نقش نوشتہ خواندہ باشد چون تمام شود وزیر گردد وترکیب سوم اینکہ یک کرور در عرصہ ہفت روز ہر قدر کہ باشد بآن ترکیب کہ بمرتبۂ وزارت نوشتہ ایم خواندہ تمام کند امیر کبیر گردد وترکیب چہارم اینکہ سہ ہزار ویکصد وبست وپنج مرتبہ ہر روز ہمیشہ در وظیفہ خود با وضو مقرر کند ومعین دارد گاہی ناغہ نکند تا آن مدت کہ شوق تسخیر عالم داشتہ باشد بلاشک تمام خلایق مسخر شود ودر اوقات توکل زر کثیر بہم رسد وعامل محبّ عالم گردد ترکیب پنجم اینکہ دریک چلہ با ترک حیوانات ولذات مطلق وباصوم ہر روز وبا نان جوین ونمک لاہوری افطارش ودریک وقت بیک جلسہ سی وپنجہزار مرتبہ اول وآخر درود شریف مقرر نمودہ ہر روز میخواندہ باشد وہمونجا چہاردہ نقش نوشتہ در آرد گولی بستہ ہمان روز در دریا اندازد واین نقش کہ برای نوشتن گفتہ ایم بہ عدد اسم وہاب است وموکل آن جبرئیل؏ است ونقش

را بطور مثال خواہیم نوشت بدین طور عامل نویسد و بکار برد پس چون این قدر ہر روز بخواند در عرصہ چہل روز چہارده لک تمام خواہند شد آن روز ضرور انشاء اللہ صورت موکل پیدا خواہد شد و ہرچہ کہ دست غیب ہر روز عامل طلب کند قبول خواہد کرد ہمیشہ زیر جانماز خواہد نہاد و در اگر موکل حاضر آید بیشک بتعداد چہارده روپیہ ہر روز فتوح از عالم غیب باین کس خواہد شد خطاے ندارد پس باید کہ بعد ختم چلہ چہارده مرتبہ ہر روز علی الصباح بعد نماز خوانده باشد یک نقش نوشتہ نزد خود داشتہ باشد بعد از یک ماه در آرد ہمہ نقوش را گولی بستہ بدریا انداختہ باشد و اسم را کہ در ہر طریق براے خواندن گفتہ ایم بدین طریق در ہر پنج مراتب بخواند این است **اجب یا جبرئیل بحق یا وہاب** ۃ و صورت نقش کہ براے نوشتن معین است اینست مع موکل

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۱ | ۱۰ | ۳ |
| ۵ | اجب یا جبرئیل بحق یا وہاب | ۹ |
| ۸ | ۱۴ | ۲ |
| ۰ | ۰ | ۰ |

**نوع دیگر** عمل اسماء باریتعالی براے قیام حمل باید کہ این اسماء معظم را بر رشتہ خام خوانده گره دہد و بر آب تازه و طاہر دم کرده زن را بنوشاند و آن گنڈه را در کمر بندد انشاء اللہ تعالی حمل قایم ماند اسماء معظم و مکرم اینند **یا رقیب یا وکیل یا اللہ**- **عمل دیگر غنایت بزرگے براى کشایش رزق** باید کہ بروز پنجشنبہ و شب جمعہ در جاے پاکیزه تنہا نشستہ یکہزار مرتبہ بخواند بفضلہ تعالی از صبح آن شب مقصود رو نماید و کشایش رزق شود شک ندارد لیکن اول و آخر قدرے درود ہم بخواند ترکیب خواندن اسم مبارک و بزرگ اینست **المعطی ہو اللہ**-

**نوع دیگر عمل تکسیر از اسم باریتعالی** مجرب درباب حب و تسخیر قلوب امیر و فقیر از جناب شاہ صاحب مہربان ساکن قصبہ کاکوری باین ہیچمدان رسیده است بہتر

کشایش رزق
این اسم کشایش رزق است فقط بخوانند
المعطی ہو اللہ

ازین عمل در بارهٔ حب و تسخیر قلوب دیگر نیت باید که اول اسم مطلوب را بجای طالب بنویسد و اسم طالب را بجاے مطلوب بنویسد بدین طریق که فخر النسا مطلوب غلام حسین طالب پس ترکیب تکسیر این اسماء طریق باید کرد

ف خ ر ا ل ن س ا و د و د غ ل ا م ح س ی ن

این جملہ حروف را از طرف چپ و راست تکسیر کند چند انکہ سطر اول در سطر آخر بر آید و این را صدر مؤخرہ گویند بعدہٗ در زیر آن حرف تکسیر عزیمت ساختہ بنویسد و ترکیب عزیمت اینکہ حرف طالب و مطلوب را جدا نوشتہ اسم موکل حروف بنویسد و بعد آن موافق اسم موکلان اسم باریتعالی را بنویسد بعد ازان عبارت باقی ماندہ عزیمت بنویسد و ہر قدر کہ سطر تکسیر گشتہ اند ہمان قدر فتیلہ نوشتہ ہر روز روغن خوشبو روے چراغ خانہ مطلوب کردہ روشن کند بیشک مطلوب بیقرار شدہ حاضر شود ولیکن بر وقت بر آوردن موکلان از سطر اول کہ باسماست حروف مکرر بر داشتہ باقی ماندہ را موکلان و اسماء باریتعالی بگیرد و ما طریقہ تکسیر را امثال نویسیم تا تر اسہل گردد مثال اینست

ف خ ر ا ن س ا و د و د غ ل ا م ح س ی ن ن ف
ی خ س ر ح ا م ن ا س ل ا غ د و د و
ن د ف د ی د خ غ س ا ر ل ح س ا ا م ن
ن د م ن ر و ا ف س و ح ی ل د ر خ ا غ س
س ن غ د ا م خ ن ر و ا ا د د ل د ی ف ح س و
د س س ن ح غ ف د ی ا م ل خ د ن و ر ا ا
و ر س د س ن ن د خ خ ر غ ل ف م ا د ا ی ا ا
ی د ا ر د س م د ف س ل ن غ ن خ د ح ح
ا ا د ا ح ی ن د ا غ ا ن ر ل د س س ف م د

د ج م اف د س ا س خ د ی ل ن دون ع ا
ا د غ ح ن م دا ر ف ن و ل س س ی او س خ
خ ا س و د غ ا ح ی ن س م ل د د ا ن ر ف
ف خ ر ا ن س ا و د و د غ ل ام ج س ی ن

پس چون سطر اول در آخر بر آمد چنانکه درخنالش بر آمده است تکسیر شد پس موا کیل آن باین طریق بر آرند مثلاً (ف) موکل سرحما کیل حرف (خ) موکل ھولائیل حرف (س) موکل ہموا کیل وچون الف مکررست (ن) موکل ھولائیل حرف (س) موکل ہموا کیل وچون الف مکررست دور کردہ شد موکل اسم مطلوب بر آمدند فاما موکل اسم باریتعالیٰ حرف (و) موکل رفتمائیل حرف (و) موکل وروائیل وچون واو دال دیگر مکرر اند ساقط گشتند اسم طالب را موا کیل شلا حرف (غ) موکل لوخائیل حرف (ل) موکل طاطائیل والف کہ مکرر در اسم مطلوب ہیکجا ہست ازینجا نیز ساقط شد حرف (م) موکل آن رومائیل حرف (خ) موکل تنکفیل حرف سین مکرر در اسم مطلوب موجود است دفع کردہ شد حرف (ی) موکل سرکیطائیل پس سطر اول کہ اسماء طالب ومطلوب بود آن را موکل بر آمدند پس این موکلان را اسماء باریتعالی بدین طریق بر آوردم چنانچہ اول حرف (ف) موکل سرحما کیل ست اسم باریتعالی سرحمائیل ازاینست **یا فتاح** واین اسم باریتعالیٰ زبوریہ است یعنی از (ف) آغاز شدہ واسم کہ آخر حرف دارد مبینہ است چنانکہ درین مثال **یا رؤف** کہ در آخر حرف (فا) دارد موکل این حرف یعنی اسم باری تعالی نیز سرحما کیل ست پس اگر موقع گرفتن زبوریہ باشد اسم زبوریہ بگیرد واگر ضرورت گرفتن مبینہ باشد مبینہ بگیرد فی الجملہ حرف دوم اسم مطلوب (خ) است وموکلش میکائیل پس اسم باریتعالی زبوریہ یا خافض ویا خالق ست ویا خبیر ست

ومبینہ آن ینست پس اگر ضرورت خواہ مخواہ برای مبینہ باشد یا آخر را بنا جاری بگیرد آمدم بر سر مطلب حرف سوم اسم مطلوب (ر ا) است وموکل آن موائیل نام حق سبحانہ تعالیٰ زبور یہ یا ربّ یا رؤف یا رحیم یا رحمن یا رزاق ومبینہ این یا برہ یا قادر یا مقتدر یا ظاہر پس موکل حرف (ا) اسم مطلوب موکل آن اسرافیل نام باریتعالی زبوریہ است یا اول یا اللہ یا احد ومبینہ آن ینست وحرف اسم مطلوب (ن) موکل آن حولائیل اسم خدایتعالی زبوریہ یا نصیر یا ناصر یا نافع یا نور ومبینہ آن یا باطن یا مؤمن یا مہیمن وحرف اسم مطلوب (س) موکل آن ہموائیل اسم جناب باریتعالی زبوریہ یا ستار یا سمیع یا سلام یا سید ومبینہ آن یا قدوس بعد اسم مطلوب اسم خدارا یعنی یا ودود را (و) (د) گرفتہ ام وموکلان آن ہر دو حرف رقتمائیل ودردائیل اند فاما نام باری تعالیٰ آن موکلان زبوریہ برائے واو یا ودود یا واحد یا وہاب یا دلیل ومبینہ آن یا عفو وبرائے دال کہ موکل دردائیل ست اسم حق تعالیٰ زبوریہ یا دائم یا دیّان یا وکیل ومبینہ آن یا شہید یا ودود یا مجید یا حمید یا واحد یا احد یا صمد بعد آن در نام طالب حرف (غ) ست موکل آن لوخائیل مطابق اسم جناب احدیت زبوریہ یا غنی یا غفور یا غفار ومبینہ آن ینست بعد آن حرف (ل) موکلش لطاطائیل اسم عزوجل زبوریہ یا لطیف ومبینہ آن یا وکیل یا جلیل یا عدل بعدہ حرف (م) موکلش رومائیل اسم خدا زبوریہ یا ممیت یا مقیت یا مجیب یا مجید یا مجیب یا متین یا مہیمن یا محی یا محصی یا مبدی یا مقسط یا مالک یا مقتدر یا معطی ومبینہ آن یا کریم یا رحیم یا سلام یا علیم یا حکیم بعد آن در اسم طالب حرف (ح) است وموکلش تنکفیل پس نام باریتعالیٰ زبوریہ یا حمید یا حسیب یا حکیم یا حلیم یا حق یا حی ومبینہ آن یا فتاح بعد آن در اسم طالب حرف (ی) است وموکل آن

سرکیطائیل پس نام باریتعالی زبوریہ یحیی و ممیت و مبینہ آن یا قوی یا غنی یا حی و
غیرہ پس اسم خدا بر آوردند از ہمہ موآکیل سطر اول تکسیر اما خیال باید کرد کہ من مبینہ
و زبوریہ را برائے چہ بقید تحریر آوردم این قاعدۂ استادان برائے این نوشتہ
اند کہ اگر موکل حرف خلاف اسم باریتعالی باشد پس زبوریہ را ترک کند و مبینہ را
گیرد مثلاً حرف (خ) کہ موکل آن میکائیل ست پس نام باریتعالی زبوریہ در جدول
جستم **یا خافض** یا فتم و حرف (ح) موکل آن تنکفیل ست پس نام زبوریہ در
جدول جستم یا حفیظ یافتم پس موکل یا حفیظ را در جدول سرحمائیل دردائیل یافتم
لاجرم ضرورت او فتاد کہ یا حفیظ موافق موکل نیست آنرا ترک کنم و دیگر اسم
بگیرم چون باز جستم (حکیم) را یافتم کہ زبوریہ است و موکل تنکفیل و روماٹیل
دارد اما این را ہرچند کہ موافق اسم موکل یافتم لیکن ترک کردم و ہمین طور ہمہ
زبوریہ را ترک کردم و مبینہ کہ **یا فتاح** است اختیار نمودم و فائدہ در آن این
منصور ست کہ در اسم مطلوب (ف) و **الف** است و (ح) در اسم طالب پس در فتاح
یک حرف ت زائد است باقی ہمہ حرف مطابق اسماء طالب و مطلوب اند ازین وجہ
غلبہ درین اسم دیدم زبوریہ نگرفتہ این را قبول کردم لہذا برین قاعدہ عمل باید کرد
کہ اگر موکل موافق اسم باریتعالی نباشد آن اسم را نگیرد و اگر موافق باشد بہ بیند کہ در
زبوریہ حرف مطابق اسم طالب و مطلوب اند یا در مبینہ پس در ہرکدام کہ غلبہ موافقت
حرف باشد آنرا اختیار کنند حاصلش اینکہ چون اسم موکل و اسم باریتعالی و اسم طالب
و مطلوب ہمہ از تکسیر بسرانجام رسیدند پس عزیمت آن بدین طریق ساختن باید
کہ مطابق ہر موکل یک یک اسم باریتعالی بگیرد و اسماء کہ زائد نوشتہ ایم محض برای
مثال زبوریہ و مبینہ در ترقیم آوردہ ایم فاما ہمین حروف و اسماء را چنان عزیمت
ساختم کہ حرف تکسیر اسماء طالب و مطلوب را کہ اولاً نوشتہ ایم در آن حرف آنچہ

که مکرر بودند آن را رد کردم پس این حرف حاصل شدند ن ف ی خ س ر ح ا م ل غ د و این حروف سیزده هستند پس هر کلمه این را ادغم کرده بطریق ثلاثی ساختم و یک کلمه را رباعی مدغم کردم زیرا که در حساب ثلاثی یک حرف زائد ست اگر دوازده می بود سه برابر آمدے و این سیزده هستند لاجرم باین مرکب کردم نفی حسر حامل عدو و چون این کلمه مرکب شدند عزیمت باین نوع ساختم عزیمت مثالیه حرف تکسیر شده عزمت علیکم واقسمت بکم بکل اسم حامل من تکسیر ہذا الحروف نفی حسر حامل عدو ویا مواکیل ہذہ الحروف یا سرحماکیل یا میکائیل یا اہراطیل یا اسرافیل یا حولائیل یا ہمواکیل یا ہ فتمائیل یا درائیل یا لوخائیل یا طاطائیل یا روماثیل یا تنکفیل یا سرکیطائیل من اسماء ربنا وربکم والہنا والہکم و ہو اسماء الله تعالی یا فتاح یا رؤف یا خافض یا رحیم یا احد یا نافع یا سلام یا ودود یا شہید یا غنی یا لطیف یا مجید یا حمید یا قوی ومن اسماء واسماءہم والملئکۃ المقربین والارواح المقدس لتقتو وتہجو قلب فخر النساء علی حب والعطاء الرفعۃ والحشمۃ غلام حسین دائما ابدا اسرمدا فی کل حال وزمان ومکان العجل العجل العجل واگر برائے تسخیر بناشد چنان نویسد که علی حب غلام حسین عاشقا ومجنونا دائما ابدا اسرمدا الخ پس تمام شد آن عزیمت باینطریق ساخته گرداگرد تکسیر بنویسد ولازم ست که بجای نام باری تعالی اگر فتیله روشن کند هر حرف برآورده اسم را عدد نویسد نام خدا را نه نویسد زیرا که حرق نام خداوند را نشاید پس شمار کند که چند سطر در تکسیر اند بمقدار سطور ہمه سطور را فتیله نویسد یعنی اگر ده سطور باشند ده فتیله از ہمه سطور مع عزیمت تیار سازد پس مطلوب بیقرار خواهد شد بحکم خدا ہمچنین ای مومن ہر یک ازین نود و نه نام اثرے وخواصے عجائب دارد و ہر یک نام نود و نه ۹۹ خاصیت دارد نوشتن عملیات آن کتابے وطومارے باید بود و ہر اسم که درین اسماء الٰہی اسم جلالی ست

با عشرہ ... آنه مبلغ ۸۰ ۲۱۰۰ روپیه حسین به زر محمد حسین قرض دادہ

با عشرہ آنه مبلغ ۱۰۷ من شکر ... به زر عمر گل ...

با عشرہ آنه مبلغ ۵۰۷ تلخ شکر به زر عمر گل ... خان

مثلی شمشیر تیز اند و هرا و جمالی اند مثل مادر مهربان شفیق اند اگر این اسماء را بخوانند و در پرهیز فرق افتد نقصان نرسد و رجعت نکند و آنکه جلالی اند اگر بخوانند و در پرهیز فرق افتد مجنون کنند و رجعت دهند و افلاس آید پس این اسماء را نیز باید کرد و از استاد کامل دریافته بکار خواهد برد و این فقیر هرچند که شرح نموده اما احتیاط لازم ست و بعضی اسماء که عمل آن استادان مرا تعلیم نمودند بضرورت انتفاع دوستان پرنگاشته تا برادران ایمانی ازان فائده گیرند و این بی علم را دعای خیر نمایند و هر اسمی را که استاد مفصل نوشته ام آن اسم بکار و استعمال این فقیر آمده اند و ازایشان لذت یافته ام و تاثیرش بچشم خود دیده لهذا باب اول را درینجا ختم میکنم زیراکه آنچه تحقیق عامل را باید کردن مثل عدد اسم باریتعالی و اسم موکلان و عدد حروف تهجی و موکلان حروف و عناصر آن و بعضی اسماء که از تاثیرات آن بودم ای آگاه بودم نوشته انصاف فرمایند که چه قدر شرح اسماء الٰهی نوشته و مشروحا کردم۔

## باب دوم در خواص و شرح آیات کلام الله هر قدر که باین احقر رسیده است برمی نگارد ان شاء الله

درین باب بسیار آیات مجربات و ادعیات وغیره موثر خواهند شد و این باب از سوره یٰسین آغاز کرده ایم که سوره ممدوح جان کلام الله است بسیار شرح و توصیف دارد اگر در حقیقت حاکم یک مبین این سوره مبارک باشد بادشاه و چاکر حاکمان گردد اگر مسلمان با خدا در نماز و روزه مشغول باشد البته ذائقه عملیات یابد فاما ترکیب عمل سوره یٰسین صلی الله علیه وسلم را بیان سازم اینست آغاز عمل یٰسین و اسناد آن باید دانست که این عمل عجیب و غریب ست و هر کسیکه ازین سوره آگاهی و علمی داشته باشد هیچ پرواه او را بعمل دیگر نباشد که مقدمهٔ جمله جهان درین سوره ممدوح ست

واللہ باللہ کہ موکلان سورۂ ممدوح آنچنان باوفا وصاحب رحم وکرم ودانا اندکہ در
صفت آن ملائکان زبان این ہیچمدان قاصر مطلق ہست ہر کہ آشنا باشد بدرجۂ ادراک
خواہد رسید وصفت وخواص سورۂ مبارک نہ آنچنان اندکہ از زبان بشر ادا شوند
الا زبان نبی ورسل شاید کہ ادا کنند این فقیر ناچیز وناالائق را بزرگیکہ نام مبارکش
حضرت عبد القادر خان بودہ کہ خان ممدوح مرید حافظ ولی اللہ صاحب کہ حاجی وزوار
بودند وحافظ صاحب ہفت بار پاپیادہ حج کردند ازان جناب نیز این فقیر فیضیاب
شدہ وجناب عبد القادر خان صاحب ہم این نعمت عظمیٰ عطا فرمودند اللہ تعالیٰ
آن حافظ صاحب را غریق رحمت کند وخان موصوف قدس سرہ را از ین جہان نعمتہا
گوناگون باطنی عطا فرماید وبعد حصول این عمل ہزاران توصیف درین عمل بفضل خالق
عز وجل بغیر اظہار استاد یافتم کہ در تشریح آن چند جز کتاب برای انتفاع دوستان بہ صحیح
نگارد کہ اسرار الٰہی را زیادہ بہ اہل دنیا ظاہر کردن خطاست واللہ کہ اگر آگاہ اند ہر
عمل مستغنی شوی پس اول باید کہ زکوٰۃ سورۂ ممدوح وہی بدین نوع کہ سورۂ مبارک
را صحیح مطلق مع اعراب از کسی حافظ یاد میکنی وحافظ این سورۂ معظم شوی بعد آن
در ماہہای حرام یعنی رجب یا شعبان یا رمضان یا محرم الحرام ہر روزہ علی الصباح
بکنارہ دریا ے روان رفتہ غسل کنی وبہ لب ساحل تنہا نشستہ عزیمت سورۂ یٰسین
یکہزار یک مرتبہ مع درود اول وآخر باز بخواند عزیمت سورۂ موصوف مع موکلات
اینست عزمت عزمت علیکم بربیٰسین والجبرئیل والمیکائیل فانہ عزمت علیکم بخاتم سلیمان
بن داؤد علیہما السلام الذی سخر لہ کل شئ من امر اللہ سراجہرا باذن سبحان اللہ تعالیٰ
عما یصفون۔ چون تمام شود قدرے درود خواندہ اندرون دریا درمیان آب
روان تا ناف رفتہ تن برہنہ شدہ سورۂ یٰسین چہل مرتبہ بخواند وہرگز از ہیچ شے نترسد
بلکہ حصار آنکہ وہر چہ کمت عامل را یاد باشد گرد خود کند کہ در ہنگام خواندن عزیمت وبوقت

خواندن سورهٔ بخاطر جمع بخواند چون چهل بار تمام شود از دریا بیرون آید همین نوع
تا چهل روز خوانده باشد و درین عرصه پرهیز جلالی کردن شرط عظیم ست یعنی پرهیز
مطلق با ترک لذات و حیوانات نمودن واجب پس بعد ختم چله مذکور عالم همه اسرار
باطن خواهد شد و عامل کامل کل شئ خواهد گردید بروز چهل ویکم نیاز پیغمبر صلعم و هر
چهار موکل یعنی جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام بر شیرینی تقسیم نمود
آنچه خواهد بکند ترکیب زکوة دادن چون بیان کردم الحال شرح چند آیات این سورهٔ
موصوف ست برای حب بر شیرینی وغیره دم کرده مطلوب را بخوراند یا برای دیگر
دم کرده دهد و الله که اگر کافر حربی و دشمن جانی بود غلام و مطیع گردد آیه اینست وجعلنا
من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و سواء علیهم اعراب
هر آیه از فرقان مجید صحیح باید کرد اندرین سبب ترقیم ننمودند نوع دیگر برای نفاق
این آیهٔ بزرگ را بر پرچه کاغذ دو تعویذ نوشته با دو کس که محب باشند مع نام شان
و نام مادران او شان یعنی باین عبارت که مشهور ست یعنی البغض فلان بن فلان
والعداوة بین فلان بنت فلان) نوشته آن هر دو تعویذ با آب طاهر شسته هر دو
را بنوشاند قاطبه دشمنی و عداوت تا بمرگ قایم شود آیه مکرم و معظم اینست وسواء
علیهم انذرتهم الخ نوع دیگر اگر کسی را برده گریخته باشد یا کسی آزرده خاطر شده رفته
باشد همین آیه مذکوره که برای عداوت نوشته ایم یازده مرتبه خواند سمت هر چهار سم
کمنه آن گریخته باز گردد و آزرده محب باشد نوع دیگر اگر عداوت را خواهد که محبت
دهد این آیه شریفه را نوشته بنوشاند باز مدعیان محبت و محب جانی شوند آیت
شریف اینست انما تنذر من اتبع الذکر الی آخره نوع دیگر برای مریض اگر این آیه
را نوشته شسته بنوشاند یا بر آب دم کرده برای نوشیدن دهد بکرم الٰهی صحت
مطلق یابد آیه اینست انا نحن نحی الموتیٰ و نکتب ما قدموا تا به مبین نوع دیگر

و ازین مبین تا مبین دیگر یک آیت زیاده که تمام بر منا عذاب الیم شده است برائے
نفاق و بغض و حسد و زبان بندی و آزار دشمن بکار می آیند اختیار بعامل است
بهر نوع که خواہد و بهر ترکیب که عقل راہ دہد جاری نماید اثر دہد چنانچه مثل مشهور ست
که رائے طبیب مسلم است برای کتاب نوع دیگر و اگر در جماعت منازعت و
مخاصمت افتاده باشد یا جنگ عظیم واقع بود و خواہد که صلح شود این آیۂ شریف
را نوشته بسمت آن جماعت دم کند و اگر دم کردن نتوانند بر کاغذ نوشته در کوزۂ
آب شسته همه مخاصمان را بنوشانند و اگر نوشانیدن هم نتوانند در چاہ که در خانه ہر کس
بود شسته بیندازد در میان آن جماعت بعون الله تعالیٰ صلح شود آیۂ اینست
وجاء من اقصی المدینة رجل یسعیٰ قال یاقوم اتبعوا المرسلین اتبعوا تا به مهتدون
**نوع ثانی** برائے ہلاکی و تباہی دشمن اگر این آیت نوشته یا بر چیزی دم کرده به
عدو بخوراند دشمن ہلاک و تباہ شود الاشرط اینست که نام آن دشمن مع نام مادر
او شان بگیرد و عبارت ہلاکی یعنی (فلان بن فلان احزب و اخبث بین الناس و
اہلک بعذاب الشدید) مع این عبارت خوانده یا نوشته چند بار بخوراند بیشک آن
دشمن تباہ و برباد شود آیہ مکرمہ اینست - وما انزلنا علیٰ قومه من بعده من جند من السماء وما
کنا منزلین ان کانت الا صیحة واحدة فاذا ہم خامدون - دیگر آنکه این آیات برای پیدا
کردن زراعت و میوه باغ یعنی از زمین و زراعت من غله بسیار شود یا برائے محافظت
زراعت نوشته در محل باغ و زراعت دفن کند یا در آب شسته و به آب بسیار
آمیخته بپاشد بسیار شود و بر غله که در زمین تخم اندازند دم کرده تخم انداز د غله از خدا
زیاده پیدا شود آیه ہائے معظم اینند و آیة لهم الارض المیتة تا به یاکلون وجعلنا فیها
جنات تا به من العیون لیاکلوا من ثمره تا به یشکرون - نوع دیگر اگر این آیۂ معظم
را ہر آن عورت که عقیمه باشد یا حملش ساقط میشود و یا حمل نمی ماند بر چہل پرچه قرطاس

نوشته هر روز یک پرچه در آب تازه بآن زن نوشانیده دهد انشاء الله تعالی زن حامله گردد و اگر نوشته در شکم به بندد هرگز حمل زن ساقط نشود آیه اینست سبحان الذی خلق الازواج کلها تا به یعلمون بنویسد نوع دیگر اگر این آیت را برای نفاق وجدا کردن دو کس نوشته هر دو را بنوشانند یا بخورانند و اسمها مع نام مادران اوشان چنانچه بالا جا بجا مذکور شده نویسید بیشک درمیان محبان آن هر دو جدائی ومهاجرت واقع گردد آیه هاے معظم ومکرم این هستند و آیة لهم اللیل نسلخ منه النهار تا به مظلمون والشمس تجری تا به عزیز العلیم والقمر قدرناه منازل به عرجون القدیم لا الشمس ینبغی لها تا به فی فلک یسبحون ۔ نوع دیگر اگر این آیت را برای آنکه کسے را حمل ساقط شود و درد استقاط پیدا باشد پس این را نوشته سه تعویذ نموده سه روز بنوشانند و یک پرچه نوشته تعویذ ساخته در کمر به بندد بعون الله حمل قایم ماند و نیز اگر کسی بر کشتی سوار شود این آیه را بخواند بآرام تمام عبور دریا شود انشاء الله آیه معظمه اینست و آیة لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون وخلقنا لهم من مثله تا به الی حین نوع دیگر اگر این آیه شریفه را برای مال دزدیده بر نان روغنی بنویسد و ملیده ساخته تمام جماعت مشتبهه را بخورانند که یکیک لقمه بدست هر یک جمع شده بخورند لیکن اول بر تمام ملیده سوره یٰسین دم کرده دهد انشاء الله تعالیٰ از دهن دزد زیر حلق آن ملیده نخواهد شد و بیرون خواهد افتاد همچو غلوله پس دزد ظاهر خواهد شد آیه مبارک اینست فالیوم لا تظلم نفس شیئا ولا تجزون الا ما کنتم تعملون دیگر آنکه اگر این آیات را در قند ونبات دم کرده یا بر گلاب دم کرده آن زن را دهد که شوهرش بیزار باشد و آزار نمود پس آن زن شوهر را بنوشاند یا تعویذ کرده این آیه را نزد خود دارد شوهر او مطیع او گردد آیات معظم ومکرم اینند ۔ ان اصحاب الجنة الیوم تا به فاکهون هم وازواجهم تا به متکئون لهم فیها فاکهة تا به یدعون نوع دیگر اگر این آیات شریف بر روی خود هفت مرتبه دم کرده پیش بادشاه رود اگر هزار خون کرده باشد بادشاه بروے رحم کند و با فتح و نصرت باز آید آیه معظم اینند سلام قولا

قولا من رب رحیم تا به ایها المجرمون نو عدیکر اگر برای زبان بندی مردم غمازان و بدزبان این
آیت را هفت بار بخوانده در موی سر آنکسان که بدزبان بوند گره دهد و در صورت اگر غمازان بسیار شوند
و موی سر آنها دستیاب نشوند این تدبیر کند که رشته از دختر نابالغ و نارسیده ریسابینده سیاه و نیلگون کند
پس از آن رشته هر قدر که غمازان باشد آن قدر تار بگیرد و بنام هر کس آیه خوانده هفت گره دهد یعنی آنکه
هفت گره بر یک نام و هفت گره بنام دیگر پس آن گنڈه را در چاه تیره تار انداز د ان شاء الله بیشک
زبان هر کس از بدگوئی و غمازی بسته گردد آیه معظم اینست و نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم تا به بما
کانوا یکسبون نو عدیکر اگر خواهد که دشمن را اذیت دهد این هر دو آیه را نوشته سه روز بدشمن بنوشاند
و اگر نوشایندن نتواند بر کنگرها که از چهار راه آورده باشد دم کرده در خانه عدو بیندازد ان شاء الله
عدو از کار دنیا باز ماند و یقین که کور و لنگ گردد آیه مجرب اینست ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم
تا به یبصرون و لو نشاء لمسخناهم تا به لا یرجعون نو عدیکر این آیه برای آنکه اگر هجوم کفار بر
مسلمانان در کسی مقدمه زیاده تر باشد این آیه را بر کنگرها هر روزه دم کرده سمت آن کافران انداخته
باشد آن کافران دور و رد شوند و اگر مستعد جنگ شوند هزیمت خورند آیه متبرکه اینست واتخذوا
من دون الله آلهة لعلهم تا به محضرون بعد این آیه تا به خصیم مبین تمام آیات در شان قهار
هستند که برای نفاق و هلاکی عدو بکار می آیند و بعد این آیات برای ساختن نسخه کیمیا
که پیش هر کسی که نسخه کیمیا باشد و هرگز درست نمی شود و تیار شدن را نیاید درحالیکه مجبور باشد
این آیات را تا به آخر سوره وظیفه خود سازد و در هنگام بوٹی کندیدن و تیار ساختن و
آتش دادن و گداختن مس و هر شئی که جزو آن باشد از زبان خود بی تعداد جاری دارد به
برکت این آیات معظم نسخه درست شود و اگر برای مریض بر آب دم کرده بنوشاند مریض
از هر مرض شفا یابد آیات را نشان اینست و ضرب لنا مثلا و نسی خلقه تا به آخر سوره
یعنی تا و الیه ترجعون بدان ای عاقل همین طور درین سوره آیات برای حب و بغض و
برای دفع امراض هستند ما شرح و تصریح تا کجا نمائیم چرا که این سوره معظم اسرار عجائب و غرائب

دار. اندک شرح نوشته ایم الحال مجملا قدری اسناد این سوره می نویسیم بشنو و به نااہل پوشیده دار - اول اینکه اگر عامل سورۂ این شوی خود از ہر بلا و جادو و غیره محفوظ باشی واگر این سوره بر خود دم کرده پیش امیر روی معزز و مشرف شوی واگر بوقت صبح قبل از طلوع آفتاب میخوانده باشی بیشک در قبر تو پس از مرگ یسین بهتر از آفتاب خواهد بود ولحد منور خواهد شد و ہر مہمیکه برای خود یا برای دیگرے پیش آید سورۂ ممدوح سه روز با عزیمت یکہزار و چہل مرتبه بخوانی و به سویکه در آن سمت آن مہم باشد دم کنی انشاء الله تعالی آن مطلب بیشک بر آید و مہم روا گردد واگر خواہد که کسی را در عشق خود بیقرار گرداند تمام سوره را بر دانۂ فلفل گرد دم کرده در فتیله آمیخته در روغن خوشبودار انداخته روشن کند و روی چراغ سمت آن مطلوب کند انشاء الله تعالی مطلوب فریفته و بیقرار شده باز آید واگر زیاده تر محبت بکسے میخواهی باید که قدری گل از قبر کهنه که قبر مسلمان باشد بیارد و در دست گرفته سورۂ ممدوح تمام و کمال بخوانی و بروح صاحب قبر ثواب آن بخشی و بر گل ہم دم کنی و آن مرده را قسم دہی که اے صاحب این قبر ترا قسم خدا و رسول میدہم که ہر که را این گل قبر تو بخورانم آنکس مطیع من شود پس آن گل را قدرے برابر یک ماشه در شکر و قند آمیخته مطلوب را بخوراند بیقرار و بیتاب گردد دیگر آنکه اگر حامله بدرد گرفتار باشد این سوره را بر قند یا شکر دم کرده دہد بمجرد خوردن آن قند درد دفع شود یا فرزند از شکم بیرون آید دیگر آنکه اگر مردمان پیش تو آیند و ترا بسیار دعوت کنند که برای خدا نام و زر برمن روشن گردان پس لایق ست که پاؤ آثار آرد طلبیده آب از چاه تازه کشانیده سه مرتبه تمام سوره ممدوح بر آن آب دم کرده آرد تر نموده یک چهٹانک روغن زرد در آن آمیخته نان روغنی بپزد چون نان تیار شود بر آن نان نقش عدد این آیه که در سوره یسین ست و آیه مذکور جان سوره موصوف ست و جمله موکل قرآن مجید مطیع این آیت ہا ہستند نویسید و عدد این آیت که سلام قولا من رب رحیم ست جمله ہشت صد

وهیزده هستند از آن اعداد درینجا نقش مینویسیم که همون نقش بزنان مینویسی و ترکیب پر کردن نقش آینده در همین فصل تحریر خواهم ساخت که اگر لک عدد باشند یا یک ساخت بآن قاعده پر خواهی ساخت و اینجا نوشتن تفریق در باب خواهم شد نقش آیه مذکور

اینست که بزنان نوشته دهی

پس گرد این نقش آیه لا تظلم نفس شیأ ولا تجزون الا ما کنتم تعملون -

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۰۴ | ۲۰۷ | ۲۱۰ | ۱۹۷ |
| ۲۰۹ | ۱۹۸ | ۲۰۳ | ۲۰۸ |
| ۱۹۹ | ۲۱۲ | ۲۰۵ | ۲۰۲ |
| ۲۰۶ | ۲۰۱ | ۲۰۰ | ۲۱۱ |
| جمله ۸۱۸ | جمله ۸۱۸ | جمله ۸۱۸ | جمله ۸۱۸ |

ساخته سه بار بازیٰسین ............ را ایلیده

دم کرده دهد و یک مشت بهر کس که شبهه بر آن بود بدهد که دفعةً بخورند انشاء الله هر که دزد بود از حلق او فرو نخواهد رفت و غلوله شده بر زمین خواهد افتاد طریقهٔ دوم نامه کشائی دزد که مشهور بهمه عالم ست اینکه برنج از قسم ساٹھی طلبیده در آب طاهر بشسته و در آفتاب خشک کرده سه دفع سورهٔ یٰسین دم کرده باز در آب تر نماید و همه شب تر دارد صبح با روپیه که شهرت بر چهار یاری روپیه دارد و کلمه بر آن نقش ست وزن کرده به هر یک احبان که شبهه دزدی بر آن بود بدهد تا هر یک بخورد انشاء الله تعالی از دهن دزد فرو نخواهد رفت و این عملیات آنوقت اثر می آیند چنانکه اول گفته ام که زکوة روزه بکنار دریا بدهی و اگر بدون زکوة دادن همین نوع بملاحظه کتاب سورهٔ مذکور را در کار آری عمل موثر نخواهد شد و در صورت اگر از اثر کلام الٰهی از دهن دزد برنج پایلیده فرو نشد پس آنوقت ضرر عظیم برای عامل ست زیرا که موکلان سوره مطیع فرمان نه اند و این کس حاکم آن موکلان نیست پس آنکس که از دهن او برنج فرو نشده اند مبادا او دزد نیست

و آن صاحب عزت در مجلس رسوا شده و باز مال برو ثابت نشده او بپاس عزت خویش
عامل داند انیم چه ضرر ها خواهد رساید یقین که هلاک خواهد ساخت لهذا هرگز کسی اراده چنین
بیوقوفی نکند و بدون دادن زکوة هیچ کار نکند آینده مختار فعل خود ست ما همه شرایط تعلیم
بجا آوردیم طریقه سوم کشائی نامه - دزد اگر کسی از دست دزد بسیار تنگ بود آنوقت
لازم است که یک کارد بقیمت دو نیم فلوس تیار کند و عامل چهل بار سوره یٰسین بر آن کارد
کند و آن کارد را در جای ایستاده در زمین پنهان کند و دسته او برابر زمین قدری کشاده
دارد و بر آن آتش روشن کند آنقدر که هفت روز هر وقت آتش بر او قایم ماند انشاءالله در عرصه
هفت روز خون از شکم دزد جاری خواهد شد تا آنوقت که کارد از زیر آتش نبر آرد صحت نخواهد شد
بدان ای برادر که این فقیر را آنچه جناب عبدالقادر خانصاحب ممدوح بالا و پیر آنصاحب جناب
حافظ موصوف الصدر تعلیم نموده بودند تحیط تحریر در آوردم الحال از بزرگان دیگر که عملیات
این سوره یافته ام مینویسیم اما شرط عظیم در همه امر اینست که زکوة سوره ضرور بدی و عامل با
تاهر شی و هر مرض و هر درد که دم کنی اثری عجب ملاحظه کنی و لذت ها یابی و ما را بدعا هر زمان یاد کنی

## قاعده ها لسوره یٰسین که از دیگر استادان بر ضمیر این فقیر مکشوف گشته اند مع اسناد و اسامی آن بزرگان

قاعده برای دریافت غالب و مغلوب اگر دو لشکر با هم جنگ کنند یا دو کس با هم مخاصم باشند و خواهد که
دریافت نماید که کدام فتح از این خواهد یافت پس دو عدد تیر که در کمان میکنند طلب نماید و بدست کسی
دهد که آنکس با وضو در هر دو دست از طرف پر تیر بگیرد و سر سنان پیکان بزیر زمین آرد و فاصله
درمیان هر دو بیکدست دارد و هر یک تیر اسم یک کس نویسد و بر دوم تیر اسم آن دوم بنویسد و
عامل سوره ممدوح خواندن شروع نماید و لیکن اول چند بار عزیمت که اول در زکوة دادن
نوشته ایم بخواند انشاءالله هر کسیکه عزیمت در نصیب اوست از پیش آن تیر که اسمه بر آن
نوشته است بگریزد و چنان بسمتی بی اختیار روان شود که اگر بزور گیرند قایم نماند و اگر صلح

شدنی ست هردو تیر باهم ملاقات کنند پس معلوم شد که صلح شدنی ست **قاعده** هر کسی را که
مهمی پیش آید پس سورهٔ موصوف را حفظ کند و اگر یاد داشته است مکرر برای صحت احتیاط
کند و بوقت شب هنگام نماز عشا هر روز غسل کند و بر جای نماز قبله رو استاده کلام اللّٰه شریف هفت
هفت بار سورهٔ موصوف بخواند و حاجت خود از خدا تعالی خواهد و بروح پر فتوح جناب
پیغمبر صلعم یٰسین که خوانده است بخشد بیشک حاجتش در عرصهٔ هفت روز بر آید شک نه
آرد که صاحب شک از اهل ایمان نیست **قاعده** هر کسی را که معاملے لاحل پیش آید که هرگز
علاجش نباشد سه روز بوقت نیم شب در قبرستان رفته بر یک قبر نشسته چهل بار سورهٔ یٰسین
بخواند مگر باواز بلند قرات بخواند و بارواح مقبوران بخشد و حاجت خود از خدا خواهد ان شاء اللّٰه
تعالی در عرصهٔ سه روز ضرور مرادش بر آید **عمل دیگر** از بزرگی مولنا کمال الدین شاه صاحب
که عامل باعمل بودند این فقیر را بهم رسیده اگر باین طریقه عمل کند تسخیر از بادشاه و فقیر گردد مجرب
است خطای ندارد پس باید که دل گوسفند نر برای تسخیر کردن مرد طلب کند و برای مسخر کردن
زن دل گوسفند ماده بگیرد و دل مسلم بود از جای چاک و بریده نباشد در آن دل بروز
یکشنبه یا سه شنبه اسم مطلوب نوشته نهد و آنرا در آن مقام دفن کند که زن آنجا نرود و
سایه کسی زن آنجا نه افتد پس بر آنجا آتش چنان روشن کند که هر وقت تا یک چله آتش
روشن ماند که در امی وقت افسرده نشود و عامل هر روزه بوقت نماز صبح بعد نماز رو بروی آن
آتش نشسته کعبه رو سورهٔ یٰسین یکمرتبه خوانده باشد باین صورت که در مقام هر لفظ مبین
مطلب خود گوید چنانکه فلان کس مطیع من شود و مسخر با من گردانیده حاضر گردد و لیکن بجای
عدو مبین و خصیم مبین هیچ نگوید و باقی در هر مبین مطلب مذکور گفته باشد و تمام سوره مع
درود ختم کند پس درین چله اگر مطلوب بمسافت پانصد فرسنگ بود حاضر آید و جابر و قاهر
بادشاه مهربان گردد مجرب ست **قاعده** در باب هلاکی و تباهی دشمن و خرابی خانه‌اش
باید که تا هفت روز بوقت نیم شب غسل کرده کعبه رو نشسته سورهٔ یٰسین از اول تا یک

مبین خوانده باز عود کند و از ابتدا الیٰسین باز شروع کند و تا بہ مبین ثانی بخواند از انجا نیز عود کرده
از آغاز لیٰسین شروع کند و باز بہ مبین سوم رسد و از انجا مراجعت کند ہمین طور از ہر مبین عود
نماید تا اینکہ از مبین ششم مراجعت کرده اتمام سوره کند و بر سینہ او دم کرده دہد و منت بر پلوی
او دارد انشاء اللہ تعالی عدو در یکہفتہ تباه و برباد شود نوع دیگر از زین العابدین باین
کمترین رسیده این عمل بسیار مجرب ست و در ہر مقدمہ تیر بہ ہدف ست و زین العابدین صاحب
این عمل از مجذوب حاصل ساختہ بودند و صد مرتبہ در تجربہ آمده است ہرگز خطای ندارد ہر
گاه کہ عامل و سائل از دست مخاصمان و دشمنان و جنگ جویان گرفتار باشد و بسیار
عاجز بود یا آن شب کہ داند در صبح مقدمہ من ابتر خواہد شد پس درین وقت این عمل کند
کہ اگر روز یکشنبہ بود بسیار خوب ست در آن روز وقت صبح بر خشت خام کہ تر باشد سوره
لیٰسین بخواند و چہل و یک مرتبہ بخواند و چون بر ہر آلیہ ترجعون برسد بر خشت مذکوره از
کارد دیگر خم خط دہد و آنرا چاک کند و ہمانجا بگوید کہ فلان را قطع کردم یا قتل نمودم یا تباه
کردم پس ہمون طور چہل و یکمرتبہ تمام کند ہمان وقت آن خشت را بدریا اندازد انشاء اللہ
چون گداختہ خواہد شد دشمنان ہلاک خواہند شد و مقدمہ شان ابتر و منقلب خواہد گردید
مجرب ست شکے ندارد۔ **دیگر طریقہ کہ معظم و مکرم ست و از امیر صاحب**
**ممدوح بالا نیز بہم رسیده و طریقہ صوفیہ است**۔ پس باید کہ چون ہمی و مشکلے پیش آید
در آخر شب کہ بعد نصف اللیل ست سوره لیٰسین آغاز کند و بہ ہر مبین این اسماء اولیاء
اللہ را نیز میخوانده باشد یا سلطان شاه صفی اصفہانی۔ یا سلطان بایزید بسطامی۔ یا
سلطان ابوالخیر ماژندرانی۔ یا سلطان ابوسعید سامانی۔ یا سلطان محمود غزنوی۔ یا سلطان
ابراہیم ادہم خراسانی۔ یا سلطان غازی بخارائی۔ بعد ازین حاجت خود از خدا خواہد
و آنچہ کہ از عداوت و حب و تسخیر و قضاء حاجت مطلبے داشتہ باشد از خدا طلب کند و بر
ہمین ترتیب سوره مذکوره ہفت بار خوانده برخیزد روز دوم نیز ہمین عمل کند تا یک ہفتہ

هر روز بدستور مذکور خوانده باشد انشاء الله تعالیٰ حاجتش روا گردد ولیکن لازم ست
که ترک حیوانات کند و از زن جماع نه کند و بهتر این ست که سورهٔ ممدوح را مع اسم اولیاء الله
علیحده در یک جزو بجای هر مبین بنویسید تا در خواندن سهل افتد و مغالطه واقع نشود طریقه
نقش مثلث درین سورهٔ موصوف آیه سلام قولا من رب رحیم ست عدد این آیهٔ
برآورده نقش مثلث پر کند برای تسخیر قلوب امیر و فقیر بسیار مفید ست چون نزد کسی برود
نقش مذکور پیش خود در سر بدارد و یا در دهن زیر زبان نهاده برود ضرور آنکس که نزد او شان
رفته است رحیم گردد چنانچه عدد آیهٔ مذکور برآورده بنویسیم که ناظر را آسان شود فاما عدد این
آیهٔ جمله هشتصد و نوزده ست پس دوازده ازین کم کردم و بقیه را سه حصه نمودم و از
سوم حصه نقش را آغاز کردم مثلث کامل الاعداد برآمده ما شرح پر کردن نقش آینده
خواهم نوشت آیهٔ مذکور اینست که مثلث نوشته ایم

نقش محمد مذکور ۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲۷۶ | ۲۶۹ | ۲۷۴ |
| ۲۷۱ | ۲۷۳ | ۲۷۵ |
| ۱۷۰ | ۲۷۷ | ۲۷۰ |

نوع دیگر که از استاد صادق و صاحب کمال
حاجی سید درویش خوبصورت فاضل اجل
و صاحب رزق حلال بود این طریقه بمن خاکسار
رسیده و حاجی صاحب موصوف بعنایت باطنی
خویش ما را عنایت فرمودند والله به همین سورهٔ
مقدسه قسم میخورم که تاثیر این عمل همچو معجزه بظاهر
تمام و فقیر با این فقیر بظهور رسیده که عاشق این عمل شده ام و آنجناب موصوف اجازت
باین آثم چنان داده اند که هر کسیکه مسلمان محتاج باشد او را این قاعده لله خواهد بخشید تا در
عرصهٔ یک چله غنی گردد اگر خواهی که موکلان سورهٔ یٰسین دوست و مطیع و فرمانبردار تو شوند و
خود را بظاهر و باطن پیش تو حاضر باشی کنند پس این سورهٔ مبارک را تا به مبین اول یاد
کنی بعده ترک حیوانات نموده در مسجد یکه بی بام و سایه باشد خواندن عمل را جا مقرر کنی د

جامۂ طاہر مہیا سازی کہ بوقت خواندن وظیفہ آن پارچہ کہ لباس تن بود از جسم دور کردہ
آن جامۂ طاہر را پوشیدہ و عطریات مالیدہ کعبہ رو نشستہ ہر کہ بخورات میسر آید روشن
نمودہ آنجا را از دود خوشبو معطر ساختہ بوقت شام بعد از نماز مغرب سورہ را تا بہ مبین اول
بخوانی و ابتداء بروز پنجشنبہ کنی پس یکصد و یکبار بوقت مذکور بخوانی بعدۂ نیاز موکلات
دادہ آنچہ وظیفہ خواندۂ بنام پیغمبر صلعم بخشی و بنام موکلان ہم بخشیدہ دہی و برخیزی اما شرط
لازم آنست کہ ہمہ وقت کلمۂ طیب بر زبان خویش جاری نمائی و نماز پنجگانہ را ترک نکنی و
از دروغ گفتن و فحش پرہیز نمائی و گر ممکن بود روزہ نیز بداری و اگر نتوانی ناچار ترک
صوم کنی و چون روز پنجشنبہ دیگر رسد آن روز ضرور روزہ بداری و خوشبویات و قدر
شیرینی مہیا ساختہ پیش خود بداری و یک چادر سفید طاہر روبرو خود مثل قبر بگسترانی و
آن را روضۂ مقدس جناب نبوی صلعم پنداری و خود را مجاور آن لحد مبارک گردانی و
وظیفہ با نیاز و تضرع و گریہ تمام بخوانی چون با تمام رسد بروح خواجۂ عالم صلعم و بنام
موکلان ہبہ دہی و از قبر مطہر عرض کنی کہ میخواہم موکلان این سورۃ تا بہ مبین حوالہ من
فرمایند و بر من بارحمۃ للعالمین بکرم خویش ترحم فرما و بگریہ درآئی بعدۂ برخیزی و
آن چادرۂ مقبورہ را تہ کردہ مثل جا نماز بداری و نیز اگر میتوانی بروز پنجشنبہ بقدر سہ
رکابی شیر برنج از دست خویش بطہارت تیار کنی و بوقت وظیفہ نیاز بعادت معہودہ
دادہ برابر یک رکابی خود بخوری و برابر دو رکابی بدست خویش گرفتہ در دریا اندرون
آب تا بہ ساق رفتہ بگذاری انشاء اللہ تعالیٰ بیشک در عرصۂ یکماہ موکل بصورت مرد عرب
دو کس با عمامۂ متبرک یکی با قامت دراز سبز رنگ باشد و دیگری سرخ رنگ با دستار سبز
بشکل طالب و از پس طالب آمدہ ایستادہ خواہند شد یا روبروی آمدہ سوال خواہند
کرد کہ چہ طلب داری بعد فراغت وظیفہ عرض نماید کہ از شما دوستی و ملاقات میخواہم و
لازم ست کہ اگر روبرو آیند سلام علیکما بگوئی و درود بر محمد صلعم بفرستی و از او شان سوال

بکنی کہ ہرگاہ کہ شمارا طلب کنم توجہ وکرم بر حال من فرمایند و ہرچہ کہ فرمایش عرض کنم بجا آرند پس چون این سوال قبول کنند اگر چلہ تمام شدہ باشد شیر برنج بروز آخری تیار ساختہ نیاز دہانیدہ بدستور اول بدریا رسانیدہ باشد وطریقۂ چلہ کہ اختیار کردہ است موقوف کند۔ لیکن ہر روز بوقت معینہ ہمون قدر سورہ را خواندن ضرورت و بروز پنجشنبہ ہرچہ میسر آید نیاز موکلان وجناب رسالتؐ مع خوشبویات دہانیدن لازم ست پس عامل شدہ ہرگاہ کہ غرضے لاحق حال گردد روشنی وخوشبویات مہیا ساختہ بخواند وموکلات را طلب نماید وعرض حال کند کار اورا بالانصرام خواہند رسانید این تمام قاعدۂ زکوۃ کہ نوشتہ دادم کامل ست واگر برای یک حاجت کسی مسلمان را احتیاج باشد پس بدون دادن زکوۃ عمل مذکور را شروع کند واراد٭ یک چلہ نماید وبطہارت تمام بر بام خود کہ بی سایہ باشد یا اگر مسجد باشد یا اگر مسجد بنا شد وبام داشتہ باشد مضائقہ نیست قدری عطر شیشی یک ماشہ ہر روز پیش خود داشتہ یکصد ویکبار ہر روز میخواندہ باشد و نیاز پیغمبر صلعم وموکلات دادہ برخاستہ باشد و بروز پنجشنبہ روزہ داشتہ وبوقت شام بعد نماز مغرب قبر مطہرہ از چادر پاک تیار کردہ میخواندہ باشد در حاجت خود میخواستہ باشد روزیکہ موکلات در خواب بصورت مذکورہ بنظر آیند صبح آن مطلب طالب بیشک بر آید وچون مطلب بر آید وحاجت روا گردد یعنی روزگار بدست آید یا مطلب دیگر پس آن روز شیر برنج تیار ساختہ نیاز پیغمبر صلعم وموکلات بدہد لیکن شیر برنج بمقدار آن ظرف کہ در ہندی آنرا کونڈہ گویند باشد پس ہر قدر کہ خود خوردن تواند از کونڈہ برآوردہ ہمونجا بخورد باقی را بدریا رساند وبطریق مسبوق الذکر بگذارد تمام شد عملیات سورۂ یٰسین بدان ای طالب شرح عملیات سورۂ یٰسین نہ نوشتہ ام آنچہ کہ نعمتہا درین سورہ ہست۔ زبان احقر العباد لذات آن بداند ویارای ندارم کہ زیادہ ازین بنویسیم۔ فقط

## عملیات دیگر سُوَر و آیات فرقان مجید وطریقۂ زکوۃ دادن وترکیب عملیات حب وبغض وغیرہ

بدانکه این آیات مجموعه برای محبت و تسخیر عالم و حب میان شوهر و زن و برای تسخیر بادشاهان و امیران و تمام جهان اند اگر زکوة این آیات موصوفه دهد و بعد دادن زکوة برای هر مقدمهٔ تسخیر و محبت وغیره خوانده دم کند اثر عظیم بخشند و در معنی این آیات کلام الله هم تمام مقدمهٔ محبت مشحون است اگر علم داشته باشد دریافت نماید لهذا طریق زکوة دادن این آیهٔ شریفه اینست که در مدت یکصد و بست روز بمقدار پنجاه و دو هزار و سه صد و چهل و هشت مرتبه بخواند عامل کامل این آیات معظم گردد و طریقهٔ خواندن اینست که اگر هر روزه چهار صد و چهل و هفت مرتبه خوانده باشد در عرصهٔ مذکور تعداد معینهٔ بالا اتمام گردد و لایق است که بروز پنجشنبه خواندن آغاز نماید تا بروز ختم جمعه افتد و در یک محل نشسته بخواند و قبله رو جلوس کند و بوقت خواندن عنبر و سنبل و صندل را بخور کند و چون ختم شود فاتحه بروح پر فتوح سید ابراهیم بر شیر برنج یا موکلات این آیات دهد و آن شیر برنج را به معصومان تقسیم کند بعدهٔ در مقدمهٔ حب و محبت برای دو کس خواه امیر خواه فقیر خواه برای خود سه روز خوانده باشد و نام آن هر دو گیرد بایطریق که (علی حب فلان بن فلان عاشقا و مجنونا و مفتونا دائما ابدا سرمدا) باذن الله تعالی بیشک در میان شان محبت از جانبین واقع شود الا مقدمهٔ حلال باشد حرام نبود و اگر خود خواهد که عالم مطیع و مسخر من شود پس ابتّ و یکبار هر روزه ورد خود سازد بفضل الهی در یک فن که خواهد تمام خلائق مطیع شود و دیگر اینکه اگر زکوة نداده باشد برای هر کسیکه چهار مرتبه بر شکر یا بر میوه دم کند و نام هر دو بگیرد یا نام خود و نام او بگیرد و دم کند و بخوردن مطلوب دهد مطیع حکم او شود مجرب است و اگر این آیات نوشته پیش خود دارد اثر آن عظیم و فوائد آن بسیار بیند و بلکه آیات را معطر دارد و پاک و عزیز بدارد تا خواص بسیار بیند و اگر خواهد که کسی را در عشق خود بیقرار گرداند بیارد هفت موی از سر مطلوب و هفت موی از سر طالب بگیرد یا خود اگر طالب است موی سر خود گرفته و هر دو را آمیخته هفت گره دهد و بر هر گره یک یکبار این مجموعه آیات بخواند و گره داده پیش خود نگاهدارد عاشق و معشوق باهم مبتلا شوند و خواص این آیات اکثر هستند

برای اسیر کردن محبت و تسخیر
برائے محبت

علی وحب
میاں
شوہر
و زن
و بسیار
بادشاہان



مختصر نوشتہ ام ہر کہ عامل باشد برو مکشوف گردد و آیات مکرم امینند ما لنشانی آنہا اینجا بر مینگارم
باید کہ از کلام اللہ شریف آیات را مع اعراب بصحت تمام تر یاد کنند نشان آیات اینست در نصف
پارہ تلک الرسل این آیہ ہست حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ الی آخرہ تا بہ حسن مآب در ثلث پارہ سوم
ایضا قُل ان کنتم تحبون اللہ فاتبعونی یحببکم اللہ الخ تا بہ غفور رحیم در ربع اول پارہ چہارم
لن تنالوا البر این آیہ است ھا انتم اولاء تحبونہم ولا یحبونکم تا بہ بالکتاب کلہ در تمامی نصف پارہ
چہارم ایضا فبما رحمۃ من اللہ لنت لہم تا بہ یحب المتوکلین ۞ در ربع اول پارہ دوم سیقول
این آیہ ہست یحبونہم کحب اللہ تا بہ اشد حبا للہ ۞ در آغاز ربع پارہ ششم لا یحب اللہ الجہر
این آیہ ہست فسوف یاتی اللہ بقوم یحبہم تا بہ واسع علیم ۞ در ربع پارہ دہم واعلموا این
آیہ ہست ھو الذی ایدکم بنصرہ بالمؤمنین والف بین قلوبہم تا بہ عزیز حکیم ۞ در نصف
آغاز پارہ یازدہم یعتذرون در تمامی سورہ توبہ این آیہ ہست لقد جاءکم رسول من انفسکم۔
عزیز علیہ ما عنتم تا بہ رؤف رحیم ۞ در ثلث پارہ شانزدہم در سورہ مریم پارہ قال الم اقل
لک این آیہ ہست والقیت علیک محبۃ منی تا بہ علی عینی و این آیہ شریف برای بغض و ضدا
نکونی ہم فائدہ دارد اگر در یک چلہ یک لک و بست و پنجہزار مرتبہ باوضو تمام خواندہ زکوۃ دہد
بعد اتمام چلہ عامل بیشک خواہد شد پس در ہر مقدمہ بغض اثر این چون تیر بہ ہدف یا بد و اگر
یکصد و یازدہ مرتبہ مع درود اول و آخر تا یک چلہ بخواند امیر و فقیر مسخر شوند در ثلث پارہ
شانزدہم ایضا این آیہ ہست وعنت الوجوہ للحی القیوم در ربع چہارم پارہ شانزدہم
ایضا این آیہ ہست فاکلا منہا فبدت تا بہ غوی در پارہ سی ام در سورہ بروج این آیہ ہست
وہو الغفور الودود تا بہ فعال لما یرید۔ در پارہ ایضا در سورہ عادیات این آیہ ہست
وانہ لحب الخیر لشدید۔ تمام شد۔ نوع دیگر این آیہ معظم کہ در سورہ آل عمران ہست لا
تذرنی الخ را اعداد برآوردہ نقش در خانہای مربع پر کند و مدام نزد خود دارد بہ برکت
آیہ شریفہ خدا تعالی اورا فرزند صالح عطا فرماید و ما النقش آیہ مذکور نوشتہ دہم تا بہ کردن

اَن آسان باشد و ما را دعای خیر دہد چنانچہ اعداد آیہ ہٰذہ جملہ سہ ہزار و دو صد و پنجاہ اند و آنرا قسمت کردم نقش این است

٧٨٦

| | | | |
|---|---|---|---|
| ٨١٢ | ٨١٥ | ١٨٨ | ٨٥ |
| ٨١٧ | ٨٦ | ٨١١ | ٨١٦ |
| ٨٧ | ٨٢٠ | ٨١٣ | .١٠ |
| ٨١٤ | ٨٠٩ | ٨٨ | ٨١٩ |

**نوع دیگر** این معظم آیت را کہ در پارہ الم سیت صم بکم الخ کسی عدد برآوردہ مع نام بدگویان نزد خود دارد یا در خانہ آن کسان کہ غمازان باشند دفن کند بہ برکت آیۂ شریفہ زبان آنہا بستہ گردد نقش اعداد آیت برآوردہ ما پر کردہ دہم تا بر تو سہل گردد و نیز اگر کسی زن را پالیش کشادہ باشد این نقش نوشتہ او را دہند کہ در کمر خود بندد انشاء اللہ خون کہ جاری باشد بند گردد چنانچہ اعداد آیۂ مذکورہ جملہ ہشت صد و ہفت اند آنرا قسمت کردم نقش اینست

٧٨٦

| | | |
|---|---|---|
| ٢٧٠ | ٢٦٥ | ٢٧٢ |
| ٢٧١ | ٢٦٩ | ٢٦٧ |
| ٢٦٦ | ٢٧٣ | ٢٦٨ |

**نوع دیگر** برای حب مجرب و آزمودہ از سورہ (اذا السماء انشقت) اگر چہل روز زکوٰۃ این سورہ دہد یعنی پرہیز ترک حیوانات کردہ ہر روزہ یکصد و یکبار بخواند بعد چلہ عامل خواہد شد پس اگر خواہد کہ کسی را در محبت خویش گرفتار کنی باید کہ اسم طالب مع مادر از حروف سورہ مذکورہ ضم کردہ بنویسد و بجای منقلب اسم ہر دو طالب و مطلوب بنویسد و بر درخت بیاویزد یا در چوب بلند بیاویزد کہ در ہوا بپرود سورہ مذکور بدینصورت بنویسد

ذ ال س م اء ال ن ش ق ت و اذ ن ت ل ر ب د

اوح ق ت و اذ ل ال ارض م د ت و ال ق ت

اف ی ہ ا و ت خ ل ت و اذ ن ت ل ر ب ہ ا و ح

ق ت ی اا ی ہ ال ان اس ا ن ا ن ک ـ

ک ا و ح ا ل ی ر ب ک ک د ح ا ف م ل ا ق

ی ہ ف ام ام ن ادت ی ک ت اب ہ ب ی م ی
ن ہ ف س دف ی اح اس ب ح س ا ب
ای س ر می اوی ن ق ل ب م ت ہ
ن ص اح ب ہ بنت فلان ع ل ی ح ب غ ل ا
م ح س ی ن ب ل س ی دم ح م د س
رو را ب ح ق ی او دد ب ی ہ م ا الفتا و محبتا
دائما ابدا سرمدا یا اللہ یا اللہ **نوعدیگر عمل گوسفند** این ادعیہ رابخوانند وگوسفندرا

ذبح کنند دعا اینست اللہم یا منزل الشفاء و یا مذہب الداء صل علی محمد وانزل علی ہذا المریض

الشفاء انک علی کل شئی قدیر **عمل گندم** این دعا بر گندم بخوانند وانرا بدرویشان دہد

اللہم انی اسئلک باسمک الذی اذا سئلک بہ المضطر کشفت ما بہ من ضر و مکنت لہ فی الارض
وجعلتہ خلیفتک علی خلقتک ان تصلی علی محمد واہل بیتہ وان تعافینی من علتی **نوع**
**ثانی** این آیت فرقان برای محبت زن وشوہر مجرب ست اگر اعداد بر آوردہ نقش مثلث
پرکنند وآنرا اشتہ ہر زنی راکہ برائے خوردن شوہر او دہد بسیار محبت گردد آیہ وافی ہدایہ

را اعراب از کلام اللہ صحت کنند واینجا بطور نشانی نوشتہ دہم اینست عسی اللہ ان یجعل

بینکم وبین الذین عادیتم منہم مودۃ واللہ قدیر واللہ غفور رحیم واعداد آیہ معظم سہ
ہزار وہشت صد وبیست وچہار اند ونقش مثلث مذکور این ست فافہم

**نوعدیگر** استاد این آیہ معظم عنایت محمد حسن
صاحب بزرگے برای سہ مراتب بہ مقصد مجرب ست
وآز مودہ است اگر سہ چلہ تمام کنند وبر زمین بخسپد

| | | |
|---|---|---|
| ۱۰۱۲ | ۱۰۹۷ | ۱۰۱۴ |
| ۱۰۱۳ | ۱۷۱۱ | ۱۰ ۹۹ |
| ۱۱۹۸ | ۱۰۱۵ | ۱۰۱۰ |

یا بر تخت بخسپد ودست زیر گوش داشتہ خفتہ باشد وبعد از نماز عشا ہر روز ۱۸ مرتبہ
میخواندہ باشد انشاء اللہ تعالی بعد سہ چلہ یا روزگار معقول بدست آید یا فتوح قوی

بدست آید یا نسخہ کیمیا شخصے در خواب تعلیم کند شک نہ آرد کہ کافر گردد نشان آیہ مذکورہ
اینست در سورۂ رعد انزل من السماء ماء فسالت اودیۃ بقدرہا تا بہ زبدا رابیا۔ **نوع**
**دیگر** این آیات بزرگ را اگر ورد خود کند در چشم خلایق محترم و معزز باشد آیات بزرگ
این ہستند در سورۂ یٰسین سلام قولا من رب رحیم در سورۂ **صافات** وسلام
علی المرسلین در سورۂ ایضاً سلام علی الیاسین در سورۂ ایضا وسلام علی نوح فی العالمین
در سورۂ ایضا سلام علی موسیٰ و ہارون ہ در ہمین سورہ سلام علی ابراہیم ہ در سورۂ
انا انزلنا سلام ہی حتی مطلع الفجر در سورۂ اعراف سلام علیکم طبتم فادخلوہا خالدین
**نوع دیگر قاعدہ** سورۂ قل اعوذ برب الناس معکوس در باب بغض و حسد جانبین ہر
شش آیہ را معکوس نمودہ بہ جاے ہر آیہ اسم عدد مع نام مادر و اسم کہ تفریق کردن
ازومی باید مع اسم مادر بنولسید و در زیر دیگدان نہد کہ گرمی آتش باو رسد و قل اعوذ
برالناس معکوس اینست فافہم

س النا و تنجل نم فلان بن فلان علی بغض فلان س النار دوص یف سوسوی یندلا
فلان بن فلان س الناخل سوسوال ارش نم فلان بن فلان علی بغض فلان بن فلان
س الناہلا فلان بن فلان علی بغض فلان بن فلان س الناک ل م فلان بن فلان
علی بغض فلان بن فلان س النا برب دو عائق ہ تمام شد۔ **نوع دیگر** آیۂ
معظم در باب محبت بسیار مجیب بزرگان ست و مجرب ست اگر بر مصری و قند و شکر یکصد و
یک مرتبہ و اولیٰ اینکہ یکصد و شصت بار دم کردہ دہد کہ بمطلوب بخوراند مطیع و عاشق گردد و اگر
موم را خلولہ ساختہ بران ہفت بار دم کند و آنرا بمطلوب زند انشاء اللہ موم گردد چنان
رحیم شود اگر امیر و بادشاہ را مسخر کردن منظور باشد بر گلہای خوشبودار کہ ہفت گل باشند
ہشت بار بران دم کند و آنرا کہ مطیع کردن ست براے بوئیدن بدہد چون بوید مسخر
گردد اکثر بہ تجربہ آمدہ است ولاکن مردیکہ این عمل کند مرد نمازی و پرہیزگار و متقی باشد

که در زبانش اثر باشد که در دم کردن اثر پدید آید الا نه آهن موجود ست وست داود ع
کجاست و عصا موجود ست وست موسیٰ ع کجاست پس باید که در شوق عملیات تقویٰ و
طهارت اختیار کند تا هر شئی و عمل درست آید فی الجمله آیۂ مذکور اینست مع بسم الله
الرحمن الرحیم نحو اللہ ولقد فتنا سلیمان والقینا علے کرسیہ جسدا ثم اناب نوع دیگر
آیات کلام الٰہی مع اسماء موکلان در باب حب مجرب ست باید که این اسماء و آیات را
بخون گنجشک بروز یکشنبه بر کاغذ بنویسد و به ریسمان سرخ ابریشمی ببندد و در ختیکه در مقام
تنها باشد یعنی گرد او درختان نباشند بیاویزد چنانکه نه روز و شب آنرا باد بجنباند انشاء
الله مطلوب اگر بصد فرسنگ دور باشد در آندم در اندام او درد پیدا شده شوق محبت
طالب غلبه کند تا پیش طالب حاضر نباشد قرارش نشود مجرب ست واو اینست فسطوس
سمهص وبرص سمعطیطهر اصل سطوس یابس سبورا سد و باره فلان بن فلان علے حب
فلان بن فلان سبحان الذی اسریٰ بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا
حولہ لنریہ من آیاتنا انه هو السمیع البصیر ه یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حباً لله
نوع دیگر همین هر دو آیه که مرقوم گشته اند باین عبارت که اینست بدین ترکیب د یحبونهم الخ
سبحان الذی اسریٰ الخ یا مسخر من فی السماوات والارض فلاناً اللهم لینه علی ذلک لی
وسخره لی اللهم الق محبتی فی قلب واجعله رؤفا مجبا رحیما بحق یا الله یا رحمن یا رحیم ) اگر بر
گلهای خوشبودار دم بروز دوشنبه ببت ویکبار کند و اولی اینکه پنجاه بار دم کرده به
مطلوب بشماند اگر او هرگز مخاطب گاهی نمیشود مجبور شمیدن مطیع گردد بروز جمعه ببت ویکبار
بر شیرینی دم کرده و به که بخورد در محبت و دوستی بیقرار گردد اگر بروز یکشنبه بر فلفل گرد بر
هفت دانه و بهر دانه هفت بار دم کرده بنام مطلوب در آتش اندازد و نام آن کس بر
زبان راند مطیع فرمان گردد و اگر بر آب دم کرده چهار بار آن آب بنوشاند اثر تمام
بخشد و اگر بر سرمه شصت بار دم کند و در چشم کشد و پیش هر کسیکه رود او فریفته شود واگر

در شکم ماہی نوشتہ بنہد لیکن مع نام مطلوب بنویسد و در دریا بیندازد در میان مطلوب محبت بسیار شود و لایق ست کہ آیتہای مذکورہ و ہر آیت را کہ بنویسد مع بسم اللہ نویسد و اگر بخواند مع بسم اللہ بخواند نوع دیگر قل ہو اللہ احد را مع موکلات باین ترکیب زکوۃ دہد و من قل ہو اللہ احد را زکوۃ دادن بچند ترکیب خواہم نوشت اینجا این طریقہ از بزرگی علیحدہ باین نحیف رسیدہ اینست کہ نقش اعداد آن در مربع پر کند و در خانہ شانزدہم سیاہی مالد و بدست طفلک بدہد کہ درو نظر کند و آنچہ کہ بیند بعامل بگوید انشاء اللہ احوال مریض زود در نظر طفل خواہد آمد و قدری عطر بر خانہ شانزدہم نقش ہم مالد چنانچہ طریق زکوۃ آیندہ بیان خواہم کرد کہ بدون دادن زکوۃ ہیچ عمل راست و درست نخواہد آمد لیکن قل ہو اللہ مع موکلان بترکیب کہ ذکر کردم اینست یا عطرائیل بحق قل ہو اللہ احد یا ہمواکیل بحق اللہ یا طاطائیل بحق لم یلد و لم یولد یا اجمائیل بحق و لم یکن لہ کفواً احد و نقش بر آوردہ.
اعداد سوای اسماء موکلان اینست کہ بدست طفل دہد.

٧٨٦

| | | | |
|---|---|---|---|
| ٢٣٥ | ٢٤٩ | ٢٤٥ | ٢٤٢ |
| ٢٤٦ | ٢٤١ | ٢٣٦ | ٢٤٨ |
| ٢٤٠ | ٢٤٣ | ٢٥١ | ٢٣٧ |
| ٢٥٠ | ٢٣٨ | ٢٣٩ | ٢٤٤ |

نوع دیگر برای بردہ گریختہ این آیۃ شریف را مع علامت مرقومہ ذیل نوشتہ در شاخ درخت بلند بیاویزد انشاء اللہ بردہ باز گردد آیہ معظم مع علامت اینست و الضحی و اللیل

اذا سجیٰ ما ودعک ربک وما قلیٰ ) و علامت اینست نوع دیگر اگر ہمین آیۂ والضحیٰ را باین علامت نوشتہ در چرخہ بہ بندد بردہ گریختہ باذن اللہ باز گردد علامت اینست

ع دم ف ط

۶ ۸ ۷

الم یجدک یتیما فاوی ۱۱۱۱ الم ت ی ج س س

نوع دیگر اگر سورۂ یٰسین تا بہ من المکرمین بر قفل ہفت بار خواندہ دم کردہ نام گریختہ در آخر گرفتہ بند کند و آن قفل در آب روان بیند ازو گریختہ سرگردان شدہ باز آید انشاء اللہ

نوع دیگر اگر برای جدائی افگندن وتباہ نمودن عدو خواہد این آیہ معظم را مع اسماء مؤکل برگل میخ آہنی بطہارت تمام ہشت ویک مرتبہ خواندہ دم کند وچون تمام شود بخور صندل سرخ و میخ سیاہ آن وتد را دود دہد و اسم مواکیل بر دند باز دم کند و در نقش مربع کہ نوشتہ ام آن وتد را بخلاند و نام ہر دو محبان کہ جدائی بمیان آن افگندن منظور ست مع نام مادران شان بگوید وبعدہٗ آن وتد و نقش را در خانۂ آنہا دفن کند انشاء اللہ جدائی بمیان اوشان قریب ترافتد اسماء موکلان مع آیۂ معظم ونقش اینست قال ہذا فراق بینی وبینک اجب یا وردائیل یالومائیل یا تنکفیل یا سموطیشا یا مہرائیل یا سعیوتا - یا عطرائیل یا یموثا یا خلخائیل یا دہموتا یا نورائیل البغض فلان بن فلان علی البغض فلان بن فلان سریعا قریبا ابدا ابدا ) ونقش کہ وتد بروزند این ست فافہم -

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۹ | ۸۳ | ۸۶ | ۷۲ |
| ۸۵ | ۷۳ | ۷۸ | ۸۴ |
| ۷۴ | ۸۸ | ۸۱ | ۷۷ |
| ۸۲ | ۷۶ | ۸۵ | ۸۷ |

نوع دیگر ہرکسیکہ ہر روزہ پیش ظالمی میرود وترسان باشد یا در محل غیر برای انفصال مقدمہ میرود یا برای روزگار میرود وباید کہ

قبل ازان از ابتدای روز پنجشنبه بعد نماز صبح قدرے روغن خوشبودار و اندک مشک
باعطر آمیخته این آیات بزرگ ہا را چہل بار ہر روزه تا روز جمعه دم کرده باشد چون یک
ہفته دم کرده تمام کند پس آن روغن را پیش خود نگاہدارد و ہر روزه بر روی خود مالیده
پیش او رفته باشد انشاء اللہ تعالی در عرصهٔ قلیل مطلب ازان کس برآید و اگر حاکم ظالم
باشد رحم مطلق کند و با فتح و نصرت در جنگ و مقابله باز آید و اگر بکسے دیگر دوست خود
را اینطر نقه دہد یا عطر دہد بکار او ہم مجرب ست و آیهٔ اینست مع بسم اللہ بخواند و اعراب ش
از کلام اللہ صحت کند - یا ایہا النبی انا ارسلناک شاہدا و مبشرا و نذیرا و داعیا الی اللہ باذنہٖ
و سراجا منیرا و بشر المومنین بان لہم من اللہ فضلا کبیرا ولا تطع الکافرین والمنافقین ودع
اذاہم و توکل علی اللہ وکفی باللہ وکیلا ٭ نوع دیگر کسیکه خوابہای پریشان بیند و بترسد
این آیه شریف تعوید نموده در گلوی او بندد خواب دفع گردد آیهٔ مکرمه اینست مع بسم اللہ بنویسد
و نیز برائے دفع تپ اگر نوشته در گلوے مریض بندد از صحت یابد
یا ایہا الذین آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا اللہ لعلکم تفلحون دفلان در خواب نہ شد
نوع دیگر برائے درد چشم اگر خوانده بخضوع تمام دم کند و نوشته بہ بند چشم بہ شود اینست
فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید اللہم بارک علینا وادفع بلائنا یارؤف لبیک
وارحم لبیک واشفع لبیک وان یبعث من فی القبور وصلی اللہ علی خیر خلقه محمد و آلہ
وصحبه اجمعین نوع دیگر سورهٔ والعادیات را بر بازوی برده گریزپا نوشته بہ بندد ہرگز
آن باز نہ گردد نوع دیگر این آیه را بر برده گریزنده و ہر زنیکه بشوہر خویش آرام نگیرد بر
نان نوشته برائے خوردن دہد آن زن و آن برده آرام پذیرد آیهٔ معظم که بالا نوشته
ام اینجا انشاء اللہ اینست - یا ایہا الذین آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا الخ نوع دیگر
اگر خواہد که بکسی محبت پیدا کنی باید که این آیهٔ معظم را ہفت مرتبه بر پھول بیلا و یا بر نان و
شکر و شیرینی بخوراند مطلوب بعون اللہ و خاتم النبیین برحمتک یا ارحم الراحمین طریقه

دادن زکوٰۃ آیۃ **القطب** و این طریق مشهور بهمه عالم ست و صفت این آیت بزرگ
از حد زیاده است که در بیان نمی گنجد آنچه که باین فقیر رسیده است درین کتاب نوشته داد
باید که این آیۃ را اول زکوٰۃ بدین نوع دهد و بعده همیشه در ورد خود دارد و طریقه از کوتش
اینکه در عروج ماه بروز پنجشنبه علی الصباح غسل نموده پارچه طاهر پوشیده و صوم هم بدارد
و درمیان عصر و مغرب این آیۃ مبارک را در جاے تنها یا در مسجد تنها یا در حجره نشسته
یکصد و سی و سه ۱۳۳ مرتبه بخواند چون تمام شود بوقت افطاری به نیت زکوٰۃ صوم را افطار
کند و از ظرف گلی که نو باشد آب از دست خود در آن ظرف بیارد و جائے را از گل پاک کند و
پاؤ آثار برنج بے نمک بپزد و از آن برنج نصف به فقرا دهد و نصف خود بخورد و
صبح آن بدستور باز غسل کند و جامۂ پاکیزه دیگر بپوشد یا همون جامه را شوئیده بپوشد
و روزه بدارد و بوقت عصر همون قدر آیۂ شریفه را بخواند و صوم به نیت زکوٰۃ افطار
نماید و برنج بطور مذکورهٔ بالا پزیده نصف طعام مسکین کند و نیم آن خورده گسپید
صبح آن که روز سوم باشد بدستور روزه نهد و جامه را بشوید و طریق مذکوره بجا آرد پس
زکوٰۃ سه روز تمام شد از ابتدا و در چهارم طریقه مذکوره موقوف سازد و از همان روز
مدام پنج مرتبه خوانده باشد و الله ثم بالله از هر آفت و هر بلاها و بیماری و غم و جنگ و قصه
وغیره محفوظ باشد و ملائکه آیۂ قطب همیشه مطیع فرمان و نگاهبان این عامل باشند و گاهے
قرضدار نبود و رزق و روزی فراخ گردد و هر مهمی لا حل که پیش آید همین طور سه روز
به نیت حل مشکل آیۂ موصوفه را بخواند در عرصۂ سه روز ضرور آن مشکل حل شود و در هر
درد و درمان هر کسے که دم کند و بر هر شئے که دم کند اثر تمام دهد آیۂ مذکوره را نشان اینست
از کلام الله شریف اعراب و الفاظ صحیح نموده حفظ باید کرد اینست در نصف پارۂ
چهارم لن تنالوا البر۔ ثم انزل علیکم من بعد الغم امنة نعاسا یغشی طائفة منکم و طائفة
قد اهمت انفسهم یظنون بالله غیر الحق ظن الجاهلیه الخ تا به علیم بذات الصدور ۔ ط

**عمل ثانی** در مقدمۂ حب مجرب از سورۃ یٰسین باید کہ این آیہ معظم و مکرم را یکصد و یکبار بر شیرینی بروز یکشنبہ دم کند و بمطلوب برائے خوردن دہد عاشق و بیقرار گردد آیہ شریفہ اینست۔ فسبحان الذی بیدہ ملکوت کل شیئ و الیہ ترجعون ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم۔ **نوع دیگر** برای حب مجرب اگر خواہد کہ مطلوب را در محبت خود بیقرار کند این آیہ یعنی اسماء معظم را بروز آدینہ از مشک و زعفران و گلاب بوقت نماز بنویسد و پیش خود دارد و خود را بہ محبوب بنماید بمجرد دیدن مطلوب بیقرار گردد و ہمیشہ طالب آن باشد چنانچہ اگر در حصار آہنی باشد پیش طالب حاضر شود باذن اللہ تعالی جل شانہ آیہ موصوفہ مع اسماء مکرم اینست۔ بسم اللہ الرحمن الرحیم ہ الم اللہ لا الہ الا ہو الحی القیوم اللہ اللہ یا مارج یا معارج یا حی یا حی یا حی یا قیوم یا قیوم یا قیوم یا قیوم یا رب یا رب یا رب برحمتک یا ارحم الراحمین ہ وصلی اللہ علی سیدنا محمد وآلہ اجمعین یا رب احرق قلب فلان بن فلان علے حب فلان بن فلان یحبونہم کحب اللہ والذین آمنوا اشد حبا للہ عملاعم یا عاطمحا سحا باسا سا یا لھو یا بالحی یا طمعوا یا من باسعی یا طلعوا یا دوسم طعم اربا عاکسو بابوکع سا محبوب باسح یا مطظرب وحج باست یا اسح صلعوا اللہ وطا الاصبو ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم۔ **نوع دیگر** دعوت الدراہم والدنانیر باید کہ یکہفتہ ترک حیوانات کند و از روز اول روز چہارشنبہ شروع کند و در خلوت اسم اسرافیل را بر پارچۂ کاغذ بنویسد و در سر خود نہد و نگاہ را بالا دارد و باید کہ سر خود را در پس افگند و نگاہ بالا کند و در خواندن این اسماء مکرم مشغول گردد انشاء اللہ چون چہارشنبہ دیگر مقصود حاصل شود و دولتمند گردد اسماء معظم این اند عقشد لقطوشش مطزہوا طسل عواطسل اجیبوا عند من الدراہم والدینار بحق یا اسرافیل علیہ السلام اوقونی وقوعلی اعطاء۔ **نوع دیگر** برای فرزند پیدا شدن از شکم عقیمہ باید کہ این حروف مقطعات را مع اسماء الٰہی بروز پنجشنبہ روزہ

داشتہ بوقت شب بعد نماز عشاء چہل نقش بنویسید و از صبح آن یک نقش ہر روزہ داشتہ بوقت شب بآب تازہ زن و مرد ہر دو شستہ بخورند و ہمبستر شوند بفضل آلہی بیشک حمل بآن روز تا عرصۂ یک چلہ بماند شک نہ آرد کہ کافر گردد آیات حروف مقطعات و اسماء معظم این ہستند مع بسم اللّٰہ این بنویسید کھیعص علی علی علی طط طکھیعص کھیعص کھیعص حمعسق حمعسق ہو ہو ہو اللّٰہ اللّٰہ صلے اللّٰہ تعالیٰ خیر خلقہ محمد و آلہ اجمعین **نوع دیگر** این دعا اسماء موکلان برای ہر امر مجرب و آزمودہ است اگر برای حب چہل بار بر شیرینی دم کردہ مطلوب را بخوراند بیشک مطیع فرمان گردد اینست عزمت علیکم یا معشر الارواح و صاحب الشر والوسواس الخناس جنود ابلیس خاتم سلیمان بن داؤد علیہما السلام و بحق ہاروت و ماروت ہو الاذکر للعالمین فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان دائماً ابداً و لازم ست کہ اول زکوٰۃ این باین تدبیر بدہد کہ از روز یکشنبہ شروع کند و یازدہ بار نوشتہ در دریاے روان گولی از آرد بستہ انداختہ باشد پس ہمین طور تا ہفت روز بکند اگر معشوق در ہزار فرسنگ باشد حاضر گردد مجرب ست **نوع دیگر** براے کشایش رزق و فتوح غیب از روز مرہ ہزار بار بخواند و براے محبت ہم مجرب ست اگر دم کردہ مطلوب را بر شیرینی بخوراند مطیع گردد اسماء مکرم و معظم اینند **جل جملیس ہلیس شلیش کلیش بدنیش** **قاعدہ عمل خطبۂ آدم** علیہ السلام مجرب ست اگر این خطبۂ محمودہ را حفظ کند و تا چہل روز با ترک حیوانات یکصد و یکمرتبہ در جاے تنہا بخواند و برین منوال یک چلہ تمام کند عامل کامل گردد پس در ہر مقدمہ کہ دم کند اثر بخشد اگر بر سرمہ دم کند و در چشم کشد در چشم خلایق و ہر کہ دوست و دشمن باشد مطیع گردد اگر بر جامۂ معشوق چہل و یکبار دم کند و آن پارچہ را بتی ساختہ مثل فلیتہ نمودہ در چراغ بسوزد معشوق بیقرار گردیدہ بیاید و اگر بر میوہ یا بر شیرینی دم کند پس بہر کس کہ بخوراند مطیع فرمان گردد اگر خواہد کہ زبان مردم از بدگوئی باز ماند بر جوز بوا چہل مرتبہ دم کردہ بخوراند زبان از بدگوئی باز ماند اگر چہ خواہد کہ در میان دو کس جدائی

افتد وخصومت واقع شود برپنج دانہ سیر یعنی لہسن چہل مرتبہ دم کند و در سرکہ سہ روز اندازد
بعدہ بآن ہر دو کسان خوراند جدائی قاطع بر تن شود اگر بر آسیب زدہ آب دم کردہ بنوشاند
و برروے او زند آسیب بگریزد و ہمین طور این خطبہ مد وجہ خاصیت بسیار دارد اگر
عامل شود البتہ واقف گردد اینست بسم اللہ الرحمن الرحیم الحمد ثنائی والکبریاء ردائی و
العظمۃ ازاری والخلق کلہم عبیدی وعیالی ومحمد مصطفےٰ عبدی وحبیبی ورسولی والی
قدزوجت الشائی لیسد توبہا علے وحدانیتی لامعقب لحکمی ولا مبدل لقضائی اشہد
ملائکتی وحملۃ عرشی وساکنی سعادتی وبدیع صنعتی وقدرتی وآدم خلیفتی بصداق تسبیحی و
تہلیلی وتکبیری وہی آیۃ الکرسی لشہادتی ان لا الہ الا اللہ محمد رسول اللہ یا آدم یا حوا
غاد خلافی عبادی وادخلا جنتی

نوع دیگر اگر کسی را روزی کم بدست می آید یا دوکان اجراء نمی شود باید کہ این آیہ مکرمہ
را نوشتہ در اسباب کار خود بدارد انشاء اللہ دوکان بسیار جاری شود و برکت بسیار باشد
اگر کسی بند کردہ باشد بند کشادہ گردد وخریدار بسیار آیند و روز بروز فروخت زیادہ شود آیہ
معظم اینست اعراب از کلام اللہ صحیح کنند ۔ وہو الذی مد الارض وجعل فیہا رواسی
وانہارا ومن کل الثمرات جعل فیہا زوجین اثنین یغشی اللیل النہار ان فی ذلک لآیات
لقوم یتفکرون ہ نوع دیگر ہر کسیکہ در غم مبتلا باشد و بکسی وجہ رنج او قضائی باشد
باید کہ این آیۂ معظمہ را ہر روز ہزار بار بخواند قسم واللہ ہا باللہ ثم تاللہ از ان غم نجات
یابد اینست لا الہ الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین ہ

نوع دیگر ہر کسیکہ در دست دشمن گرفتار باشد ہر روز این آیت تا مدت گرفتاری ہزار بار
بخواند بلاشک از دست آن ظالم نجات یابد آیۂ معظم و مکرم این است
حسبنا اللہ نعم الوکیل نعم المولیٰ ونعم النصیر ہ

نوع دیگر ہر کسیکہ شخصی بہتان کند و آنکس دران علت نباشد یا مقدمہ در عدالت پیش

حاکم رجوع شدہ باشد و یا میراث آنکس کسی بزور می گیرد باید کہ این آیت معظم را تا انفصال معاملہ ہر روز ہزار بار بخواند بیشک از ان بلا سبحانہ وتعالیٰ محفوظ دارد و از ہر آفت محفوظ ماند آیۃ اینست

و افوض امری الی اللہ ان اللہ بصیر بالعباد ط

نوع دیگر پیش کسیکہ مال باشد و از دزدان میترسد یا کسیکہ دعوی باطل کند یا املاک یا باغ یا حویلی کسی ظالم بظلم می ستاند این آیہ شریفہ یازدہ بار بعد ہر نماز مع اول و آخر درود می خواندہ باشد حق تعالی از ظالم رہائی دہد و مال محفوظ ماند آیہ اینست



ماشاء اللہ لاقوۃ الا باللہ العلی العظیم ط

نوع دیگر ترکیب دعوۃ قل ہو اللہ بیک ترکیب در اوراق سابق الذکر نوشتہ ام الحال چون ترکیب دو سہ دعوت دیگر باین نخیف با موکلات رسیدہ است و معتبر و آزمودہ است ازین جہت باز می نویسم باید کہ از عروج ماہ با ترک حیوانات یک چلہ این سورہ را بخواند یعنی آن قدر ہر روز مقرر کند کہ یک لک و بست و پنج ہزار بار در یک چلہ تمام شود و چون خواندن آغاز نماید باید کہ آنچہ بخورات میسر آید روشن کند تا موکلات مثل مگسان جمع شوند چون چلہ تمام شد عامل این ترکیب شدہ آن وقت بر ہر شئی کہ سورۂ موصوفہ دم کند در اثر ہمچو تیر بر ہدف یابد و بہر ترکیب کہ جاری نماید جاری شود و لاکن این قدر تمیز باید کہ در ہنگام اجراء ساعت نیک و بد دانستہ جاری نماید یعنی برای حب بساعت مشتری بنویسد و دم کند و برای بغض و حسدت بساعت زحل و مریخ جاری نماید و با ساعت شبانہ روز آیندہ خواہم نوشت انشاء اللہ و چون برای محبت دم کند بر شیرینی دم کند و برای عداوت بر نمک و سرکہ و خاک دم کند مطابق خواہد افتاد و اگر حاضرات کند سورہ را عدد بر آوردہ آنچہ کہ نقش بیشتر در زکوۃ سورہ مذکورہ نوشتہ ام بنویسد و بدستور مذکورۂ بالا سیاہی در خانہ نشانز دہم دادہ عطر مالیدہ بدست طفلک بدہد تا در حال مریض و دزد ببیند آنچہ کہ حال خواہد بود ظاہر خواہد شد انشاء اللہ و قل ہو اللہ بسیار خاصیت دارد و آنجا

مع موکل باز بترکیب دیگر این سوره می نویسم زیرا که بیک ترکیب در سابق نوشته ام اگر عامل شوی لذت یابی چنانچه قل ہو اللہ موصوف بترکیب دیگر مع موکلات اینست قل ہو اللہ احد یا جبرئیل اللہ الصمد یا میکائیل لم یلد ولم یولد یا اسرافیل ولم یکن لہ کفوا احد یا دردائیل

نوع دیگر ترکیب دیگر سورۂ اخلاص اینکہ واین ترکیب از بزرگی متوطن کشمیر باین لحیف رسیده مجرب است الا در عمل آوردن و بدست آوردن سرمہ این عمل اندک دشوار نیست کہ بتلاش تمام بدست خواہد آمد و آن اینست کہ اول گربۂ سیاه نر ولایتی کہ از طرف ولایت مرد کاشمیری یا کابلی می آرند آنرا بدست آرد واگر بچہ گرفتہ پرورش کند تا جوان گردد نقصان بنست الغرض گربہ مذکور نر باشد و جوان آنرا قدرے روغن زرد خورانیدن ہر روزه مقرر کند و روز بروز روغن زیاده کند تا آنکہ نوبت بہ پاؤ آثار آید یعنی یکپاؤ دفعۃ بخورد پس بروز یکشنبہ یک دیگچہ کلان بی قلعی از جای بہم رسانیده در جای تنہا کہ کسے دیگرا در آنجا نباشد اول خود غسل کند و یک لنگی کھاروا کہ نو باشد بہ بندد و آن گربہ سیاه را در دیگ بیندازد و سرش را از سرپوش بند کند و بر آن سرپوش از رومال سفید مضبوط بستہ کند تا آن گربہ بیرون نجہد بعده زیر آن دیگ شش عدد خشت کہ سہ تہ باشد بطور دیگدان سہ جا نہد و روی آن دیگ وان سمت مشرق کند و زیر آن دیگ یک چراغ از روغن زرد کہ فتیلہ اش بکار باشد روشن کند کہ نور آن دیگ یعنی نور آن فتیلہ تا بہ تن دیگ میرسد و تہ دیگ گرم شود و گربہ را سوزش معلوم شود بمجرد گرم شدن دیگ در تمام دیگ دود آن چنان غلبہ خواہد کرد کہ دماغ گربہ پریشان شده سہ مرتبہ دفعۃ باواز مہیب چنانکہ کسے آسیب زده راجی زند آواز خواہد کرد بعد آواز کردن در آن دیگ گربہ قی خواہد کرد آن آواز بسیار مہیب خواہد شد باید کہ عامل بیم را در دل خود راه نہ دہد و نترسد واگر ترسد فوراً ہلاک خواہد شد پس و بروی آن دیگ دو زانو نشستہ سورۂ قل ہو اللہ

هذا کتاب کنز الحسین



بلا تعداد خوانده باشد تا به آن عرصه که آواز قی آید چون قی کند فوراً سرپوش کشیده گربه را
بیرون انداز دو دیگ را خالی کند و آن روغن قی در ظرف پاک تمام و کمال بر دارد و
در آن روغن هر قدر سرمه پاک سیاه که ممکن باشد حل کند و خود نگاهدارد و پس آن سرمه
تمام عمر را کافیست گویا اکسیر حب بدست آمده این سرمه را اکسیر حب گویند روبروی هر کسی
امیر و فقیر و معشوق که دو میل در چشم خود از آن سرمه کشد و چشم خود مقابل چشم آن
کند عاشق و مطیع فرمان شود و اگر کسی را این سرمه دهد بکار او این سرمه نوع بیاید آزموده
شده است **عمل دیگر** همین سورهٔ موصوف عنایت جناب امیر زین العابدین صاحب
اگر حاجتی صعب پیش آید که روز اول بعد نصف شب تا صبح اختیار دارد و برخاسته
غسل کند و اگر تواند هر روزه غسل کند و الا نه روز اول ضرور غسل نماید و بر چوکی چوبین
زیر آسمان نشسته یکصد و یکبار مع درود اول و آخر سورهٔ موصوف بدین عبارت مع
موکلان که در ینجا می نویسیم بخواند اینست یا احد یا صمد یا ملک عبد الصمد بسم الله الرحمن الرحیم

قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

روز دویم بدستور نشسته دو صد مرتبه درود باول و دو صد مرتبه آخر و دو صد مرتبه مع السوره
مذکور بخواند روز سوم باز بدستور سه صد مرتبه درود اول و سه صد مرتبه آخر و سه صد مرتبه
عبارت مع السوره بخواند انشاء الله در عرصهٔ سه روز مطلب بر آید همین نوع تا نه روز
کند در هر سه چله ضرور مطلب بر آید شکی ندارد لیکن از روز چهارشنبه آغاز کرده باشد
تا بروز جمعه تمام شود و یک شی شیرین بخورد و از جمله لذات پرهیز کند و الا خطا خواهد شد
و اغلب که موکل که اسم آن عبد الصمد است بنظر خواهد آمد باید که نترسد **عمل دیگر** قل هو الله
معکوس مجرب عجائب و غرائب قسم کلام الله که اگر فقط بر همین سورهٔ محمد و حه عامل حاکم
باشد سلطنت پیش آن ذره بی مقدار است هیچ شی نیست که مسخر پیش آن عامل نشود
ولیکن عمل سخت است و بدست آمدن دشوار تر است و این فقیر را بدولت عبد الرؤف

شاہ صاحب زبانی نوازش علیخان بامداد شاہ صاحب موصوف عنایت شدہ از
عرصۂ چند سال در فکر زکوٰۃ این عمل ہستم ولیکن ہنوز بحصول نہ انجامیدہ کہ سرانجامش
بسر نمی بردالا در عمل شاہ صاحب چنان دیدہ ام کہ ہمہ عملیات را فراموش کردہ ام ای
برادر قسم باللہ العظیم کہ شرعی قسم ست علم کیمیا و ریمیا و سیمیا ہمہ ہا پیش این عمل سورۂ معکوس
ادنی است و عبدالرؤف شاہ بدولت این عمل بزرگ در مقام فیض آباد سلطنت می
کنند ہر چند کہ از خواہش شاہ صاحب موصوف این عمل بدست این فقیر نیامدہ بلکہ بخواہش
موکلات کہ حاکم این عمل مجرب ہستند بدست این نحیف آمدہ کہ ذکرش آیندہ خواہد آمد چنانچہ
این عمل را دوازدہ الفاظ ہستند و مطابق آن الفاظ دوازدہ موکل ہستند ہر کسیکہ عامل
این سورہ شود آن دوازدہ موکل مطیع فرمان آنکس شوند اگر خدا خواہد والا نہ بسیاران
محروم در اشتیاق مردند غرض اگر فرصت دست دہد و فضل الٰہی شامل حال باشد چند روز
کہ حصول این نعمت عظمے نماید باید کہ ترک دنیا کنند زیراکہ بدون ترک دنیا چند روزہ این
نعمت حاصل نخواہد شد پس لازم ست کہ یک خادم نمازی پرہیزگار رفیق خود گرداند و مسجدے
تنہا کہ در قریۂ متصل دریاے روان باشد یا در باغی مکانی پاکیزہ بہ تخلیہ تمام بدست آید
از ابراے چند روزہ گرفتہ قیام گزینید و آن مقام را پاک مطلق کنند و ہرگز کسے دیگر متصل
و اندرون آن مکان نباشد صرف تنہا باشد و آن خادم رفیق را نیز از خود دور کنند و وظیفہ
را تنہا خواندن بر خود واجب گرداند و بعدہٗ وظیفہ خادم را نزد خود نہادن مضایقہ نیست و لایق
ست کہ اول سو آثار میوہ ولایتی و بخورات و عطر و گلہاے خوشبودار و شیرینی لطیف مہیا
ساختہ در حجرۂ خود جمع نماید و دہ آثار نخود پیش رفیق خود نہادہ دہد و دو نیم آثار قند سیاہ نیز پیش
رفیق نہد و دو چادر ریک پاٹ در حجرہ مہیا دارد و دو جانماز تیار کنند و چٹائی پاک بگسترد و
بر آن یک جانماز بگسترد و بروز شنبہ در عروج ماہ غسل کنند و بعد نماز مغرب کعبہ رو
نشستہ اول تمام اسباب میوہ و شیرینی و گلہا خوشبودار و عطریات بر جانماز دارد و یک

طرف پیالہ نہادہ بخورات بسوزد و در بدن و تسبیح عطریات مالد و آن یک چادر نیم بند و
نیم بہ پوشد و آن بر فیق یک پاؤ نخود بریان کنانیدہ مع یک چھٹانک قند سیاہ در برگ
ڈھاک کہ بہندی دونا گویند در آن اشیاء مذکورہ بیارد و آنرا ہم پیش خود بدارد و قل ہو اللہ
معکوس بخواند یعنی اول چند بار قل ہو اللہ بعبارت کلام اللہ بخواند چون تمام شود
حصار گرد خود کند و مرشد خود را در تصور خود دارد و پیغمبر صلعم را بدست راست خود در تصور
پندارد و یکہزار و یک مرتبہ آن قل ہو اللہ معکوس بخواند بعد اتمام آن درود بعد طاق
یعنی یازدہ یا لبست و یکبار وغیرہ بخواند و بعدہ بر آن بخور و قند سیاہ نیاز موکلات دہد
و آن تمام اشیاء علیحدہ بدستور بدارد و خود بر آن جا نماز خواب نماید چون صبح شود آن
نخود و قند سیاہ لطفلان تقسیم نماید و خود از دست خویش نان جو بہ نمک لاہوری بہ آب
تازہ و طاہر پزیدہ بخورد و بآن خادم اگر پزیدہ دہد مضایقہ ندارد و بخورد و برای بیت
الخلا یکبار از حجرہ بیرون آید بعد آن جا کسی دیگر جانہ رود و وضو ہر وقت قایم دارد و
ہر روز صوم دارد و درود از زبان خویش جاری دارد چون شام شود باز غسل کند و بدستور
با سباب معہودہ برای خواندن نشیند انشاء اللہ تعالی بروز لبست و یکم اگر قسمت درست
است در ہنگام وظیفہ خواندن باری روشنی در تمام مکان پیدا خواہد شد و شخصے بر تخت
سوار با چند کسان دیگر صاحب جمال در آن حجرہ حاضر خواہند شد پس عامل از و شان
بتضرع سلام علیکم کند و اگر آنان خود گویند جواب بگوید و گفتگوی معقول کند و آنچہ آن
بگویند قبول کند و خود آنچہ ترکیب منظور باشد از وشان اظہار کند و اقرار بگیرد ہر چہ کہ برای
خود مقرر کناند ہر روز بایں عامل خواہند رسانید و تمام عالم از بادشاہ تا بہ فقیر مسخر کردہ
خواہند داد و احوال ہر کس از عالم شش ماہ ماضی و شش ماہ مستقبل را ہمیشہ بایں
عامل ظاہر خواہند کرد و ہر کسے را کہ طلب کند حاضر کنند و آنوقت از صاحب تخت عرض
کند یک یا دو شخص را از درمیان خود نزد من متعین کردہ دہند کہ ہر وقت حاضر باشد

آنچه ضرورت پیش آید تا از ایشان گفته آید ہمون وقت شخصے عبدالرحمن نامی از آن جملہ یا
بنام دیگر معین خواہند کرد آن موکل بصورت انسان در چشم عامل ہر روز و ہر وقت بنظر خواہد
آمد آنچه که در روز و شب گفتن منظور خاطر باشد حکم کند تا فوراً آن بجا خواہد آورد پس
ہر روزه بعد احضار آن موکلان و تمامی چله یکصد و یازده مرتبه ہر روزه ورد و وظیفهٔ خود
دارد آن اسباب که مہیا کرده بود ہمون وقت نذر موکلان مرقومه صاحب تخت نماید خواہند
برد و نیز اوقات ہر روزهٔ خود حسب خواہش خود اذن گیرد و قطع حجت عمری کند تا خطا
نخورد و این عمل از مسخرات تمام عالم ست و این عمل چنانست که تمام احوال را آن موکل عرضی
تمام جہان از نیک و بد دستخط خواہند کرد عامل ہمیشه یک حجره قایم کند که در آن جا ملاقات
اوشان ہمیشه قایم دارد و اگر میوجات و عطریات و شیرینی از ہر کسیکه حاصل شده باشد
در آن حجره نہاده حوالهٔ آن موکلان خود اجازت بر عرضی دستخط کرده داده بودند اُستاد
من با من داده اند بعنایت و بمحبت خویش لہذا قل ہو اللہ معکوس اینست و اگر آن
موکلان در عرصهٔ بست و یک روز حاضر نشدند در عرصهٔ چہل روز ضرور حاضر خواہند شد چله
را نشکنند و قایم دارد این قل ہو اللہ معکوس ست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ قل | ۲ ہو | اللہ ۳ | احد ۴ |
| ۵ اللہ | الصمد ۶ | ۷ لم یلد | ولم یولد ۸ |
| ۹ ولم یکن | لہ ۱۰ | ۱۱ کفوا | احد ۱۲ |
| ۱ دحا | ۲ وگ فکّ | ۳ ہُل لَّ | ۴ ہ نکی ملوٗ |
| ۵ وَلوی ملوٗ | ۶ وَلی مل | ۷ ومص | ۸ واللہ |
| وحا ۹ | ۵ اللہ ۱۰ | وَہٗ ۱۱ | لقوٌ ۱۲ |

نوعدیگر عمل حب مجرب و آزموده از بزرگی ساکن جونپور بدست این نحیف آمده است
وباری این فقیر برای شخصے آزموده است عزیزا باید یاد داشت که بروز یکشنبه یا سه شنبه
بهر صورت که ممکن بود از صبح تا یکپاس روز برآمده ناخن هر دو دست و هر دو پای مطلوب
بهر نوع که میسر آید از حجام یا به ترکیب دیگر بدست آیند بگیرد و همان وقت دوو بخورات سوخته
نام مادر آن کس و نام خود و نام مادر خود گرفته سوره القارعة ما القارعة الخ تمام
وکمال هفت بار بر ناخنها خوانده دم کند و در پارچه پاکیزه بسته مثل تعویذ بر بازوے
راست خود بندد انشاء الله بیشک آن مطیع فرمان خود گردد ولیکن لایق ست که حرام
نه کند اگر مرتکب فعل حرام خواهد شد بعد مجامعت مطلوب به عدد خواهد گردید قاعده
دیگر در مقدمهٔ حب مجرب ست و معروف اگر کسی را تسخیر کردن منظور باشد پس طالب را باید
که بحساب ابجد عدد اسم مطلوب برآورده موافق آن عدد اسم باریتعالی از نود و نه ۹۹ نام
یکی برآورده جلالے و جمالے را شرط نیست بعد آن طالب بحساب ابجد عدد اسم خود
جمع کند و اسم باری که موافق عدد اسم خود باشد برآورده هر دو را عدد جمع کند و تمام
اعداد را جمع کرده با ترک حیوانات قبل از طلوع آفتاب تا بست و یک روز وظیفه نماید
مطلوب رام شود و همچنین وظیفه اسم مخرجه حسب التعداد کند قاعده دیگر اینکه اسم خود عدد
اسم مطلوب هر دو جمع کرده تمام هر دو اسم را برابر عدد هر دو اسم یک اسم باریتعالی -
استخراج کند و موافق جمله عدد هر روزه وظیفه نماید در عرصهٔ بست و یک روز مطلوب مطیع
فرمان خود گردد از قاعدهٔ اولیٰ این افضل ترین ست و اول قبل از خواندن وظیفه
قدرے درود خوانده در هر دو طریقهٔ مذکوره سوره اخلاص خوانده باشد و ازین جهت
در باب شرح آیات این طریقهٔ اسماء نوشته ام در اسماء حُسنیٰ بیان نه کردم که شرط خواندن
سوره هم دارد **شرح سورهٔ الم ترکیف مع موکلات** هرچند که صفت این سوره
جائی نوشته ام الحال در ینجا مینویسم که از بزرگی باین نحیف رسیده است چنانچه برای هر

حاجتی و ہر مہمیکہ باشد تا ہفت روز ہر شب چہل و یکمرتبہ بخواند ہر مطلب کہ داشتہ باشد حل شود
مجرب و آزمودہ است و این سورہ در شان قہار لسیت و سورہ ممدوحہ مع موکلات اینست
الم ترکیف فعل ربک یا جبرئیل باصحاب الفیل یامد کائیل الم یجعل کیدہم یالومائیل
فی تضلیل یا میکائیل وارسل علیہم طیرا ابابیل یا نزمائیل ترمیہم بحجارۃ یا عزرائیل
یا بدوح من سجیل - یاکشفائیل - فجعلہم - یا عجمائیل - کعصف ماکول یا تنکفیل یا
معاطیعا القضی حاجتی بحق الم ترکیف فعل ربک - نوع دیگر برای ہلاکت
دشمن و در مقدمہ شکست دادن بدشمنان ہر جاکہ غلبۂ حاسدان و دشمنان باشد ہفت
روز ہفتصد مرتبہ ہر روزہ میخواندہ بر کنکرہای پہاررا بہ دم کردہ در مکان دشمنان و حاسدان
انداختہ باشد پس آنان مقہور و مسدود زبان شوند و باہم متفرق شوند و پشیمان شوند
و ہر گاہ کہ رو بروے دشمن رود بسوی او دم کند از شر حاسدان محفوظ ماند و اگر
خواہد کہ درمیان دو کس جدائی اختد بر سر شف دم کردہ در خانۂ آن کسان انداختہ دہاند
جدائی افتد مجرب است و آیۂ اینست - والقینا بینہم العداوۃ والبغضاء الی یوم
القیامۃ کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاہا اللّٰہ ویسعون فی الارض فسادا واللّٰہ لا
یحب المفسدین ہ العجل العجل العجل اگر بر پارچۂ کہنہ بدن ہر دو کسان کہ محب
باشند نوشتہ در کوزہ نہادہ بر کنار دریا دفن کند بیشک جدائی درمیان آن کسان افتد
و اگر نقش از اعداد آیۂ موصوفہ بر آوردہ از خانۂ مربع پر کردہ در آتش نقش را بسوزد -
جدائی افتد و اگر آن نقش را در گور کہنہ دفن کند عدو ہلاک گردد و ما اعداد آیہ را بر آوردہ
نقش پر کنیم تا بر تو سہل گردد اما باید کہ در آن نقش عبارت جدائی ہر دو کسان ضرور
بنویسد باینطریق کہ البغض والعداوۃ بین فلان بن فلان علی البغض فلان بن
فلان دائما ابدا و نقش اعداد آیۂ موصوفہ مذکورہ این ست فافہم
و در اعداد و شمار این آیہ شکے نیست

**نوعدیگر**

این نقش از آیۂ بزرگ ست که اسمش نشان دادن حکم استاد ما نیست الا نقش عدد برآورده نوشته ام برائے بغض و بخل و حسد مجرب و آزموده و کامل است و نقش مذکوره اینست بهر ترکیب که مناسب داند بکار آرد اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۴۷۴ | ۱۴۷۷ | ۱۴۸۰ | ۱۴۶۷ |
| ۱۴۷۹ | ۱۴۶۸ | ۱۴۷۳ | ۱۴۷۸ |
| ۱۴۶۹ | ۱۴۸۲ | ۱۴۷۵ | ۱۴۷۲ |
| ۱۴۷۶ | ۱۴۷۱ | ۱۴۷۰ | ۱۴۸۱ |

**نوعدیگر شرح سورۂ**

مزمل بدان ای عزیز هر چند سورۂ یٰسین دل کلام الله است ولیکن سورۂ مزمل هم تاثیر و خواص آنچنان دارد که اگر عامل برآن قادر باشد عجائبات بیند فاما بدون دادن زکوٰة عمل هیچ صورت بدست نمی آید باید که سورۂ ممدوحه را با موکلات بهم رسانیده زکوٰة بدین نوع دهد که در سورۂ مزمل موکل بر هر آیت است پس تمام سوره را مع موکل بکنار دریا رفته یک چله کشد که آنجا در حجرۂ طاهر با ترک لذات و ترک حیوانات کرده گرد خود حصار بوقت خواندن نماید و چهل بار هر روزه میخوانده باشد و عود و عنبر هرچه بدست آید مهیا ساخته روشن کرده باشد و در اثناء چله بوقت خواندن هیچ صورتی که بنظر آید هرگز خوف نکند انشاء الله در عرصۂ یک چله بعمل خواهد آمد چون بعمل آید این قدر اثر دارد که اگر این عامل بر سر قبر کسی بزرگ نشسته بخواند در عرصۂ یکپاس هر قدر که طاقت بآن روح خواهد بود جسم یافته بصورت انسان حاضر خواهد شد

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۹۸ | ۱۰۱ | ۱۰۴ | ۹۱ |
| ۱۰۳ | ۹۲ | ۹۷ | ۱۰۲ |
| ۹۳ | ۱۰۶ | ۹۹ | ۹۶ |
| ۱۰۰ | ۹۵ | ۹۴ | ۱۰۵ |

هرچه مطلب باشد ازان بگوید آن حل خواهد کرد بامر اللّٰہ تعالیٰ و باقی برای هر کار سه روز
چهل چهل بار بخواند بعد سه روز مطلب بر آید و برای هر مقصد بر هر چیز یکه دم کرده دهد اثر
تمام کند اینجا دانائی عامل ست شرح این سورهٔ مبارکه زبان ندارم که بیان کنم بدین نوع
قاعدهٔ خواندن ست که ترقیم نموده ام و چند آیات این سوره هم مینویسم مع موکلات که مبتدی
را در بر آوردن موکلات آسانی باشد و جمله سورهٔ موصوف بجهت مطول گشتن کتاب نوشته
شده باید که بهر ترکیب که من چند آیات را موکل بر آرم همین ترکیب عامل موکلات سوره بر آرد اینست
- یا ایها المزمل قم اللیل الا قلیلا یا جبرائیل نصفه او انقص منه قلیلا یا میکائیل او زد علیه
و رتل القران ترتیلا یا اسرافیل انا سنلقی علیک قولا ثقیلا یا عزرائیل پس همین صورت بر آرد
نوع دیگر ترکیب عمل همین سوره ممدوحهٔ بالا مجرب و آزموده عنایت میر صاحب قبله سید رحم علی
صاحب متوطن مقام بارها پیرزاده مطلق و برحق هر کسی را که هرگز حمل نمی ماند باید که از عروج ماه
عامل سوره مزمل را چهل بار هر روزه میخوانده باشد تا سورهٔ ممدوحه در عمل خود آید بعدهٔ در
روز پنجشنبهٔ نوکه آن را نوچندی گویند شوهر و زن هر دو روزه بدارند و عامل قدرے شیر برنج
و شکر از او شان طلب کند و آن شیر و برنج باین ترکیب بپزد که شیر را در تمام روز جوش دهد
چون شام شود آن برنج پخته تیار کند و چهل و یکبار سورهٔ مزمل بر آن شیر دم کند و بر شکر نیز دم کند
و آن شیر و شکر و برنج با آن هر دو بوقت افطار روزه بخوراند و دیگر هیچ در آن شب نخورند و بوقت
شب همبستر شوند اگر همان شب درمیان آن هر دو مرد و زن قی شود حمل نماند و اگر هر دو
را هضم شود بلاشک همان شب باذن قادر مطلق حمل ماند خطای ندارد پس بوقت صبح آن
شب نقش که همراه این سوره است هشت عدد بنویسد یکے را عورت موم کرده در کمر به بندد
و یکی را شسته آن هر دو زن و شوهر بنوشند انشاء اللّٰہ در عرصه یک هفته ضرور بارور شود باقی شش
نقش صرف زن نوش کند مرد را احتیاج نوشیدن نیست نقش مذکور که همراه سوره است اینست
نهایت با تحقیق و تدقیق نوشته میشود فافهم

| | | |
|---|---|---|
| | بسم اللہ الرحمن الرحیم | |
| دوده | ع وه | ید ما |
| ٨ ١١ ع | امراع | مال |
| ٤وه | ی ط | الله الله |
| ع اوا٦ | ح ط | ا و ح |
| اولح س | او ع | ١١ |
| مِن | طاع | ١١ |

نوعدیگر بیان عمل سورهٔ جن بدان ای عزیز اگر عامل شدن میخواهی عمل سورهٔ جن
نیز در عمل آری که این سورهٔ ممدوحه درحق عملیات خود عامل و حاکم تمام جنات ست و دور مقدمه

عمل ہر کہ سورۂ جن آشنا نباشد گویا آشنای عمل نیست زیرا کہ ہر عمل را کہ آغاز کنی در
ہنگام چلہ در ہر نماز بہر رکعت سورۂ جن باید خواند و حصار نیز ازین سورۂ باید کرد گویا بادشاہ
جنات را گرد خود انداختہ مع لشکر محافظت خود میگردانی پس لایق ست کہ این سورہ را حفظ باید
کرد و ہر وقت در مواظبت خود در ہر مقدمہ و ہر جلسہ پیش باید نمود کہ فوائد ہا کمال بعامل
دہد و طریقہ زکوٰۃ این سورہ بدین نوع است کہ شریک این سورہ اسم موکلات نہ کنند
زیرا کہ کعبہ را احتیاج سمت نیست بہر سمت کہ خواہند در کعبہ نماز کنند چنانچہ این سورہ خود
در معنی دعوت ہمہ جنیان ست کہ اللہ تعالیٰ در کلام مجید بعبارت ہمین سورہ خطاب
بہر یک جن نمودہ است گویا تمام عبارت این سورہ اسما ہر موکلات ست پس چہ حاجت
کہ اسم دیگر موکل شریکش نمایند الا باید کہ از عروج ماہ زکوٰۃ این سورہ بدین ترکیب دہد
کہ ہر روزہ غسل کند و بوقت نماز عشاء در یک چادر جسم خویش پوشیدہ کعبہ رو نشستہ چہل
بار بخواند و اول و آخر چند بار درود میخواندہ باشد و حصار گرد خود نیز کند ہمین نوع چلہ تمام
کند پس عامل شدہ ہر گاہ کہ خواہد شخصی را مسخر گرداند یا کسی امیر را پیش خود طلب کند یا بادشاہ
را پیش خود مسخر کردہ طلب نماید پس بیارد بوزن پنج تولہ تخم باقلا کہ سیاہ برابر نخود کابلی می
باشند اول دانہ را از گل تر پاک نماید و نزد خود در پارچۂ طاہر بدارد و بر یک پہل طرف دانہ
اسم مطلوب بنویسد و در طرف پہل دوم اسم قارون بنویسد تا شمار دہ دانہ و بعدہ دانہ
دہم و در یک پہل اسم مطلوب بنویسد و در پہل دوم اسم فرعون بنویسد و بعدہ در دہم
در یک پہل اسم ہامان بنویسد و بر دہ عدد دانہ بدستور اسم مطلوب طرفی و طرف
دیگر اسم شیطان بنویسد چون تمام شدند آتش از کشت صادق در ظرف طاہر نہادہ
بوقت نیم شب بر جانماز نشستہ دود خوشبویات روشن ساختہ سورۂ جن اول بر یک
دانہ قارون موسوم یکبار دم کردہ در آتش اندازد ہمین قسم بر ہر دانہ یک یکبار سورۂ
محمدوحہ میخواندہ درجہ بدرجہ مقدم مؤخر اسماء مرقومہ در آتش انداختہ باشد و در دل احضار

مطلوب را القصور وارد کہ فلان کس مسخر من شود پس آن را در القصور گو یا دست بستہ
استادہ کردہ باشد ہمین نوع تمام کند سہ روز برین منوال بعمل آرد انشاء اللہ بیشک
اگر بادشاہ والی شہر ست پیش عامل حاضر خواہد شد اگر در عرصۂ سہ روز حاضر نشود در عرصۂ
ہفت روز بیشک حاضر خواہد شد ہرچہ مطلب باشد ازو حکم کند بجا خواہد آورد و مدام
مسخر خواہد ماند ہمچنین بسیار خواص دارد الا در عمل باید کہ بیار د عامل را خود لذت خواہد
داد و دیگر اینکہ آسیب بہر نوع کہ خواہد بود بمجرد دم کردن بر وغن سیاہ بر پیشانی ہر مریض آسیب
زدہ کہ بمالد و عامل سورہ ممدوحہ خواندن شروع نماید حاضرات نماید خواہد شد کہ آسیب
حاضر شدہ اطاعت خواہد کرد و اگر آسیب صد سالہ در وجود شخصی موجود باشد آن روغن
را آن کس در وجود خود ہر روز بمالد و پرہیز گوشت داشتہ باشد در عرصۂ بست و یک روز
آب دم کردہ بر رویش زند متکلم شود این قدر صفتہا دارد عامل را سورۂ جن گویا مرشد
است از طاقت سورۂ ممدوحہ حاکم تمام عملیات و تمام عامل خواہد شد سورۂ جن از کلام
اللہ یاد باید کرد باقی چہ نویسیم **بیان عمل سورۂ الم نشرح** این عمل از استاد محمد اعظم
خان ساکن ہانسی حصار باین نحیف رسیدہ مجرب در باب حب ست ہرگز خطا نکند اول
باید کہ زکوٰۃ سورۂ مذکور بدین ترکیب دہد کہ از عروج ماہ من یوم یکشنبہ یا پنجشنبہ غسل نمودہ
بوقت عصر یک جلسہ نشستہ چہل و یکبار سورۂ مذکور بخواند ہفت بار اسم موکیل آن سورۂ
ممدوحہ بخواند اسم موکیل اینست

| ابرصا صبر صا - صار صار صور صاہٗ |
|---|

چون تمام شود برخیزد و بروز پنجشنبہ اول ہمون روز یک چھٹانک میدہ و یک چھٹانک روغن
زرد و یک چھٹانک شکر تری پاکیزہ از بازار طلبیدہ آب طاہر از چاہ از دست خود کشیدہ در
ظرف پاک حلوا تیار کند و بر جانماز داشتہ نیاز حضرت مرتضی علی رضی اللہ تعالی عنہ
دادہ آن را خود بخورد و اگر طاقت خوردن زیادہ ازین داشتہ باشد زیادہ وزن حلوا

مساوی الوزن ہر اشیاء طلبیدہ باشد غرض تا بہ چہل روز ہر روزہ چہل بار سورۂ مع موکلات میخواندہ باشد غرض کہ در عرصۂ چلہ مذکور بروز پنجشنبہ حلوا الطریق مذکور تیار کردہ میخوردہ باشد ہمین نوع چون چلہ تمام شود پس عامل شدہ ہر روزہ در وظیفہ چہل بار الم نشرح در وظیفہ ہم قایم دارد ہرگاہ کہ خواہد کسے را تسخیر دل کند بروز یکشنبہ علی الصباح در یک باغ رفتہ ہر گلے خوشبودار کہ دران فصل باشد بر دو یک کلی دہن بستہ نشان خود برائے شناخت ساختہ وچہل بار سورۂ ممدوحہ دم کردہ دہد وبعد تمامی اسم موکلات موصوفہ ہم دم کند واسم طالب ومطلوب ومادران ہر یک گرفتہ دہد بدین نوع علے حُب فلان بن فلان گفتہ برخاستہ آید وروز دوم باز صبحے رفتہ چہل بار بدستور خواندہ دم کند وباز آید ہمچے رفتہ در عرصۂ سہ روز آن کلی دہن بستہ گل وغنچہ خواہد شد پس بروز سوم اول سورہ مع موائیل واسماء محبت وغیرہ بتعداد مذکور خواندہ دم کردہ آنرا بشکستہ آید ودر برگ سبز داشتہ بہر طریق آن گل ہارا باز کردہ خواہ در گلہای دیگر شمول ساختہ در گلوے مطلوب اندازد یا تا بہ دہن وبینی معشوق رساند بمجرد شمیدن مسخر تمام عمری خواہد شد واین سورہ ہم بسیار صفات دارد من یک ترکیب نوشتہ ام وتا بکجا نویسیم واین عمل خواہ برائے خود کند خواہ برائے دیگری کند اختیار ست عمل انا اعطینا واین عمل چنان پر تاثیر ست کہ بدون زکوۃ دادن اثر ہا بخشد اگر خواہد کہ دشمن ہلاک وتباہ گردد بیارد قدرے نمک سانبہر کنکران برابر سن عدد چیدہ جمع کند وآن کنکر برابر قامت باشند کم وبیش نہ باشند پس بوقت شب اول یکصد ویک مرتبہ بر جانماز نشستہ بخواند بعدہٗ آتش نزد خود داشتہ چہل بار بر یک کنکر دم کردہ در آتش انداختہ دہد ہمین قسم چہل دانہ چہل چہل بار دم کردہ در آتش انداختہ باشد چہل روز ہمین قسم کند انشاء اللہ تعالیٰ دشمن تباہ گردد یا ہلاک گردد الا نام عدو بمقام ابتر گرفتہ باشد وسہ بار لفظ ابتر گرفتہ باشد مجرب ست خطای ندارد وانا اعطینا بدین ترکیب بخواند این ست

**انا اعطیناک الکوثر فلان ابتر فصل لربک وانحر فلان ابتر ان شانئک**

هو الابتر فلان ابتر هو الابتر هو الابتر هو الابتر ۔
واگر اعداد این سوره بر آورده برای بغض و ہلاکی دشمن نقش مربع از خانه اول پر کرده و بر پشت نقش اسم عدو و نام مادرش نوشته در آب دریای روان انداخته باشد و یکی نقش نوشته در خانهٔ عدو دفن کند یقین است که بامر خدای تعالیٰ در عرصهٔ چهل روز عدو تباه و برباد گردد و اما اعداد بر آورده نقش پر کرده ذہم تا بر تو سہل و آسان طریق گردد چنانچه جمله عدد این سوره دو ہزار و ہفت صد و شصت و چہار اند نقش آن را تقسیم نہایت باکوشش کرده نوشتم این ست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۶۸۳ | ۶۹۷ | ۶۹۴ | ۶۹۰ |
| ۶۹۵ | ۶۸۹ | ۶۰۶۴ | ۶۹۶ |
| ۶۸۸ | ۶۹۲ | ۶۹۹ | ۶۸۵ |
| ۶۹۸ | ۸۸۶ | ۶۸۷ | ۶۹۳ |

این عمل
**نو عدیگر و عمل اذا جاء ۔**
اعظم خان صاحب است که ساکن ہالسنی ہنسار ہستند اگر صبح شام بوقت صبح و بوقت عصر یک صد و یک مرتبه ہر دو وقت برای ہر مہمی و حاجتی تا بر یک ہفته بخواند بعون الله تعالیٰ حاجت بیشک بر آید اگر از طرف اعدای اندیشه پیش آید ہمین نوع تا بر روای حاجت میخوانده باشد بر عدو فتحیاب گردد خطای ندارد واگر نقش این سوره بنویسد در مقدمات بسیار بکار آید و در جنگ ہر که نقش عربی در بازوی راست بندد و نقش اعداد ہمین سوره بر آورده در بازوی چپ بندد بیشک بر دشمن فتحیاب گردد و در جنگ و قضایا و غیره از پیش حاکم ظالم با فتح و نصرت باز آید و ہیچ گزند باو نرسد و اگر مریض دوازده ساله را چہل روز نوشته بنوشاند بر ہر مرض که داشته باشد صحت یابد برای ہر مطلب و مراد که خواسته باشد ہفت روز از ابتدای پنجشنبه

چہل نقش ہر روزہ بہ میان عصر و مغرب نوشتہ آرد گولی بستہ بدریا انداختہ باشد بمطلب خود برسد و نقش عزبی و عددی ہر دو اینجا می نویسیم تا بر تو آسان باشد ایشند چنانچہ اعداد ہمہ سورۂ موصوفہ جملہ شش ہزار و نود و سہ اند آنرا قسمت کردم نقش مربع درست آمد اینست

[illegible] اذا جاء نصر اللہ والفتح ورأیت الناس

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۵۱۵ | ۱۵۳۰ | ۱۵۲۶ | ۱۵۲۲ |
| ۱۵۲۷ | ۱۵۲۱ | ۱۵۱۶ | ۱۵۲۹ |
| ۱۵۲۰ | ۱۵۲۴ | ۱۵۳۲ | ۱۵۱۷ |
| ۱۵۳۱ | ۱۵۱۸ | ۱۵۱۹ | ۱۵۲۵ |

و نقش عزبی بعد نقش عددی این ست کہ نوشتہ می شود باید کہ این نقش را بسیار عزیز و گرامی دارند و ما بخدمت چند سالہ این طریق را از اعظم خان صاحب حاصل کردہ ام و بہ ہانسی ہمنشار افتادہ ام بر در آن حضرت آن وقت از راہ عنایت و کرم عطا بمن کردند نقش موصوف اینست

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| اذا جاء | نصر اللہ | والفتح | ورأیت | الناس | یدخلون | فی دین | اللہ |
| نصر اللہ | والفتح | ورأیت | الناس | یدخلون | فی دین | اللہ | اذا جاء |

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| والفتح | ورایت | الناس | یدخلون | فی دین | الله | افواجا | فسبح |
| ورایت | الناس | یدخلون | فی دین | الله | افواجا | فسبح | بحمد |
| الناس | یدخلون | فی دین | الله | افواجا | فسبح | بحمد | ربک |
| یدخلون | فی دین | الله | افواجا | فسبح | بحمد | ربک | واستغفره |
| فی دین | الله | افواجا | فسبح | بحمد | ربک | واستغفره | انه کان |
| الله | افواجا | فسبح | بحمد | ربک | واستغفره | انه کان | توابا |

**نوع دیگر شرح سورۂ الحمد** - این سورۂ معظم را سورۂ فاتحہ و سبع مثانی ہم نام است و امہات کلام اللہ ہم گویند و سر کلام اللہ است و دو بار بر پیغمبر صلعم نازل شدہ و ہفت آیات دارد اگر زکوٰۃ این سورہ مبارک با ترک لذات دہد و در یک چلہ لک و بست و پنج ہزار مرتبہ بخواند بر ہر شے کہ دم کند اثر اعظم دہد اگر مریض را بر آب دم کردہ بنوشانند شفا یابد و اگر کسے را تنگی رزق باشد نقش عزلی و نقش اعداد بر آوردہ پر کردہ تا چہل روز علی الصباح با وضو ہر دو نقش بنویسد و بست نقش عددی و بست نقش عزلی ہر روز نوشتہ باشد و در آردہ گولی بستہ بدریا انداختہ باشد انشاء اللہ تعالیٰ در عرصۂ چہل روز

روزیش فراخ گردد یا روزگار گردد یا صورت دیگر واقع شود و برای هر مرض که نوشته
بنوشانند در عرصهٔ سه روز شفای کلی بخشد اگر برای دوستی نوشته در قند و نبات شسته
بدشمن بنوشانند بیشک محب گردد اگر برای زبان بندی بنوشانند زبان دشمنان از بدگوئی
باز ماند اگر ببازوی خود هردو نقش نوشته به بندد باین نوع که در بازوی راست
نقش عربی و در بازوے چپ نقش عدوی نوشته بدارد و از هر بلاے آسمانی و جنگ
و آفت محفوظ ماند و این نقش باین نحیف از مرشدی کامل رسیده است که خطائے
ندارد و در مقدمهٔ چیچک طفلان اگر در ایام چیچک که قبل از بخار چیچک نوشته در گلوی
طفلان صغیر بیندازد و یکے نوشته شسته بنوشانند هرگز چیچک آن طفل بر نه آید بر آن
طفل هرگز ایذا نرسد مجرب ست و براے عامل شدن این نقش بارے چهل روز پرضرور
هر دو را نوشته نقشها را آرد گولی بسته در آب روان بیندازد و ما هردو نقش را براے
فهمیدن می نویسیم تا براے هرکسے آسان باشد و این سوره بسیار اثر و خواص عجیب
دارد بیان کردن زبان ملائک قاصر ست ما خاکی بنیان را چه یارا که اوصافش را بر
زبان آریم اگر عامل شوی قدرے پنداری و انصاف نمائی که چه پردهٔ اسرار بمیان کار
برداشته ام و این دولت عظمیٰ و خزانهٔ لعلی را الله درصرف دو وقف آورده ام چنانچه
آن نقوش مذکور هردو که بیان کرده ام اینند

| جبرئیل | | بسم الله الرحمن الرحیم | | | | میکائیل | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| الحمد لله | رب العالمین | الرحمن | الرحیم | مالک یوم الدین | ایاک نعبد | وایاک نستعین | اهدنا الصراط |
| رب العالمین | الرحمن | الرحیم | مالک یوم الدین | ایاک نعبد | وایاک نستعین | اهدنا الصراط | المستقیم |

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| الرحمن | الرحیم | مالک یوم الدین | ایاک نعبد | وایاک نستعین | اهدنا الصراط | المستقیم | صراط الذین |
| الرحیم | مالک یوم الدین | ایاک نعبد | وایاک نستعین | اهدنا الصراط | المستقیم | صراط الذین | انعمت |
| مالک یوم الدین | ایاک نعبد | وایاک نستعین | اهدنا الصراط | المستقیم | صراط الذین | انعمت | علیهم |
| ایاک نعبد | وایاک نستعین | اهدنا الصراط | المستقیم | صراط الذین | انعمت | علیهم | غیر المغضوب |
| وایاک نستعین | اهدنا الصراط | المستقیم | صراط الذین | انعمت | علیهم | غیر المغضوب | علیهم |
| اهدنا الصراط | المستقیم | صراط الذین | انعمت | علیهم | غیر المغضوب | علیهم | ولا الضالین |
| اسرافیل | | نقش عزمی | | | | شمعرائیل | |

ونقش دوم عددی می نویسیم عزیز باید داشت و عدد این سورهٔ جمله نه هزار و دو صد و یازده صحیح مطلق هستند و آن را نقش خماسی مقرر ست و این ست که در هر مقام خیر اثر تمام دهد بارها تجربه آمده است و نقش معظم و مکرم اینست

۲۴۵ ۷۸۶ ۱۰۱

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۹۵ | ۲۲ | ۰۵ | ۲۳ | ۹ | ۲۳ | ۲ | ۲۳ |
| ۰۶ | ۲۳ | ۰۱ | ۲۳ | ۹۶ | ۲۲ | ۰۸ | ۲۳ |
| ۰۰ | ۲۳ | ۰۳ | ۲۳ | ۱۱ | ۲۳ | ۹۷ | ۲۳ |
| ۱۰ | ۲۲ | ۹۸ | ۲۳ | ۹۹ | ۲۲ | ۴ | ۲۳ |

۳۸۲ بهر چار گوشه اسماء موکل چهار اند ۱۰ ۳

نوع دیگر- عمل آیات مجرب در باب عداوت و بغض و حسد درمیان دو کس اگر محب جانی باشند خصومت افتد باید که از عروج ماه بروز یکشنبه اول نیاز موکلات این آیات بدین نوع دهد که دو کس درویش را بنام موکلات طعام خورانیدن بوقت صبح بعده بوقت دوپہر غسل نموده چادر سفید پوشیده چهار راهه رفته چهار عدد کنکر باریک برابر دانه موٹھ برداشته بی سخن گفته در حجرۂ خالی کعبه رو نشسته بر پارچۂ کاغذ آن سنگریزه ها را برداشته این آیات هر دو را باین عبارت بخواند و هر بار بر سنگریزه دم کند و شمول باین آیات اسمای هر دو کسان مع مادرانش میگرفته باشد و یکصد و هشت مرتبه خوانده دم کند چون تمام شود اگر جاے رسیدن خود باشد خود بے سخن گفته در مقام آن هر دو کسان محب آن سنگریزه انداخته بیاید و اگر خود رسیدن نتواند بدست آدم که نمازی باشد یا طفل نابالغ دهد تا او بے سخن گفته انداخته آید و چهار روز باین نوع بکند بروز پنجم اگر جدائی و قضایای درمیان آن هر دو کسان پیش آید بهتر و الا نه بروز پنجم علی الصباح برخاسته بکنارۂ دریا که مرگھٹ باشد رفته قدرے راکھ خاکستر مع باریک استخوان مرده یک آثار از کوزۂ مرده سوخته برداره و در کاغذ بسته و در رومال کرده بکناره دریا نهاده غسل کند و غسل آن را گرفته بخانه آرد و بر وقت معهوده دوپہر همراه آن کنکر مسطوره قدرے از آن راکھ در پڑیه داشته بدستور بخواند و چون خواندن تمام کند پڑیه بسته حواله آن شخص نماید و بگوید که سنگریزه ها را بدستور زیر پا انداخته دهد و خاکستر در بدن برهنه آن هر دو کسان بمالند بهر نوع که تواند و اگر مالیدن در جسم نتواند در دو پٹا دانگرکھا مالیده دهد و همین نوع تا چهار روز همراه سنگریزه عمل خاکستر کند ان شاء الله دشمنی جانبین بوقوع آید مجرب ترست و آیات بتقدیر خواندن گفته ایم باین صورت هستند

وَمَا رَمَیْتَ اِذْ رَمَیْتَ وَلٰکِنَّ اللّٰهَ رَمٰی كَلَّاۤ اِذَا دُکَّتِ الْاَرْضُ دَکًّا دَکًّا وَّجَآءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ بین فلان بن فلان بنت فلان بن فلان صفًّا صفًّا یا قاهر یا قاهر یا قاهر ان شاء الله تعالے بشک خصومت واقع خواهد شد و اگر چه خواهد تا مرگ باز درمیان آن هر دو کسان ملاقات

وصفائی نشود باید کہ این مجموعہ آیات مع ہر دو اسماء جانبین نوشتہ تعویذ نمودہ در روز یکشنبہ یا شنبہ در گور کہنہ افتادہ بر سینہ مردہ تا یکدست قریب استخوانش دفن کند و بار دیگر ہمون روز در پارچہ بدن از ان ہر دو کسان شوئیدہ نیلگون رنگ کنانیدہ در سیاہی قدرے سر کہ انداختہ بران این آیات واسم ہر دو مع اسماء مادرانش نوشتہ در کوزہ نو داشتہ قدرے رائی بران انداختہ بر لب دریا تا یک دست کندیدہ دفن کند کہ قریب آب باشد انشاء اللہ تعالیٰ قاطبتہ بین ہر دو واقع شود مجرب است اینست

یا تمخلشا یا تمخیشا العداوۃ والبغضاء الی یوم القیامۃ اذا زلزلت الارض زلزالہا واخرجت الارض اثقالہا وقال الانسان مالہا العداوۃ والبغض بین فلان بن فلان وفلان بن فلان ط

نوع دیگر عمل بغض والعداوۃ از امیر امام بخش صاحب پیرزادہ حضرت سید اشرف کچھوچھوی بدست این نحیف آمدہ ہرچند کہ این فقیر گاہی نیاز مودہ الامجرب است وآزمودہ ہمان بزرگ ست باید کہ دو عدد ماہیان کہ قوم روہہ باشند در عروج ماہ بروز یکشنبہ بیارد وشکم ہر دو چاک کند و بر دو پارچہ کاغذ این آیات مع ہر دو اسم محب بنویسد و نیز نام مادرانش بنویسد و در ہر دو شکم ماہیان ہر دو پارچہ داشتہ از سوزن شکمہا یدوزد و بر لب دریاے روان یا تالاب کلان بر بردو قدر یکدست در طول زمین کندیدہ ہر دو ماہیان را بصورت غواصیدن کج بدارد یعنی ہر دو را سیل دریا نزدیک باشد و دُمش رو برو نباشد و داشتہ خاک بران اندازد و دفن کند و بباید بوقت سہ پہر دہ عدد برگ کنیر سبز بیارد و بران ہمان آیات بدستور بر ہر یک بنویسد و قدرے آتش گرفتہ بر پشت ماہیان رفتہ آتش روشن کند وآن ہر برگ را جدا جدا دم کند و در آتش انداختہ باشد و آتش آنچنان روشن کند کہ گرمی آتش تا بماہیان برسد و عمق دفن ماہیان تا شش انگشت باشد زیادہ نباشد پس ہر روزہ تا شدن جنگ درمیان محبان رفتہ دہ برگ نوشتہ دم کردہ می سوختہ باشد انشاء اللہ تعالیٰ

بیشک از جانبین دشمنی واقع شود آیات معظم مع اسماء مکرم اینست کذلک الطریق قال ہذا فراق بینی وبینک وظن انہ الفراق الحاقۃ ما الحاقۃ القارعۃ ما القارعۃ کلا لینبذن فی الحطمۃ وما ادراک ما الحطمۃ الفراق والعداوۃ بین فلان بن فلان وفلان بن فلان

نوع دیگر عمل عداوت وہلاکی مجرب وآزمودہ من عنایت نوازش علی خان صاحب باید کہ اول زکوٰۃ این دعا چہل روز ہا ترک حیوانات از عروج ماہ دہد یعنی سہ ہزار ویکصد وبست وپنج مرتبہ ہر روزہ خواندہ باشد چون تمام شود عامل خواہد شد الا درین چلہ دریک جلسہ این قدر میخواندہ باشد کہ بالا مذکور گشت وبروز تمامی قدرے شیرینی براے نیاز موکلات طلبیدہ و دہانیدہ دہد ودرین چلہ درود اول وآخر ہرگز ہرگز نخواند زیراکہ درود رحمت ست واین عمل براے غضب ست پس اگر ہلاکی دشمن یا تباہی او خواہد دوازدہ روز بدین نوع بخواند کہ بوقت دوپہر غسل کند وروبروی آفتاب استادہ شدہ چشم با قرص آفتاب باری مقابل کردہ درتصور بداند کہ گویا صورت آن ہردوکسان درآسمان پیداست و در تصور خود دردل بگوید کہ فلان کس ہلاک شود یا تباہ گردد از دست فلان ذلیل وخراب گردد بعد ازان آن شخص خود روطرف آسمان کردہ وگاہی سمت آفتاب کردہ این اسماء ودعا بر یکصد ودوازدہ مرتبہ بر تسبیح کہ دست خود زرجبہ باشد بخواند واز این عمل پرہیز کردن ترک لذات وحیوانات پرضرورت ست پس چون خواندن تمام کند بسوی آسمان دم کردہ دہد تا دوازدہ روز ہمین منوال کند بیشک آنکس ہلاک وتباہ شود وآن آیہ اینست یا قاہر ذا البطش الشدید انتَ الذی لایطاق انتقامہ یا قاہر یا قاہر یا قہر خدا یا قہر بادشاہ بر فلان بن فلان نازل گردد واو مقہور وخراب گردد یا قاہر یا قاہر یا قاہر

نوع دیگر۔ عمل حب مجرب من عنایات میر منور علی صاحب پیرزادہ شاہجہان آباد من آیات کلام اللہ مجرب وبیشک اگر درمیان دو مرد وزن ویا دو برادر یا دوکس یا دہ کس باہم اتفاق نباشد این آیات معظم را بنویسد در رکابی چینی ودر آن رکابی شہد انداختہ بمالد

و آن شهد در طعام انداخته و آمیخته همه را باهم بخوراند بکرم الٰهی باهم متفق و محب شوند شک
نیارد و نیز در آیات معظم اعداد بسم اللہ هم شریک اند آنرا هم ضرور بنویسید چنانکه من نوشته
بدین طریق بنویسید و تاثیرات به بینید آیات معظم و مکرم این اند مع اعداد بسم اللہ
۷۸۶ ان الذین کفروا سواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لایؤمنون ط الحب فلان بن
فلان علی حب فلان بن فلان ۷۸۶ اللهم احفظنی الحمد الده حیات شهد المودة سلونی
هم اذا اخوان حفظ لا الٰہ الا اللہ بحق ایاک نعبد و ایاک نستعین ۔ **نوع دیگر** عمل حب
مجرب از امیر صاحب موصوف الصدر بهم رسیده مجرب و آزموده است باید که پارچه هیزم درخت
ریڈ بروز یکشنبه بیارد و بوقت آوردن نیت کند که برائے حب می برم پس آن هیزم را
از درخت شکسته در سایه خشک کند چنانچه شعاع آفتاب بروی نیفتد چون خشک شود
بروز یکشنبه یا پنجشنبه در ظروف گلی نهاده پارچه پارچه کند و یک صد و یکبار این آیت بر او دم
کند و آتش داده خاکستر کند و بر آن خاکستر یکصد و یکبار باز آیت موصوف دم کند اما باوضو
آیه معظم را بخواند و آن خاکستر را پیش خود نگاه دارد و هر کسے را که در عشق خود بیقرار گردانیدن
منظور بود قدرے برابر یک رتی در شیرینی آمیخته از دست خود بخوراند مطیع و بیقرار گردد
و هر کسیکه بدهد شوهر بزن و زن بشوهر اثر تمام بخشد اینست و اذ قلنا للملٰئکة اسجدوا
لاٰدم فسجدوا الا ابلیس ابیٰ و استکبر و کان من الکافرین

**نوع دیگر** در باب حب از همین میر صاحب موصوف بالا ممکن شده مجرب برای امیری و معشوقی
و هر ظالمی که از خود غافل و دشمن باشد پس باید که بروز یکشنبه یا چهارشنبه روزه بدارد
و بوقت شب بعده و هر دو رکعت نماز استجابت قربۃ الی اللہ بگذارد و هفت پیپل در از خار دار پیش
خود داشته و قدرے بخور و آتش پیش خود نهد و اول روز هفت مرتبه بر هر پیپل مذکور آیه موصوف
دم کرده و نام آنکس گرفته می سوخته باشد و بروز دوم که پنجشنبه باشد روزه دارد و بدستور پیپلها
یازده یازده بار دم کرده بسوزد و بروز سوم که جمعه باشد بدستور روزه بدارد و بر هر پیپل سابق

و یکبار دم کرده سوخته باشد و بسوی مطلوب آن هم دم کند اگر خدا خواهد صبح آن مطلوب
حاضر شود و اطاعت کند اگر در صورت حاضر نشود چون چهارشنبه دیگر آید سه روزه بطریق بالا
مذکور بدستور عمل کند مطیع شود و اگر احیانا مطلوب حاضر نشود بار سوم بدستور مذکور عمل نماید
بیشک و بحق مطیع و منقاد شود آیات معظم و مکرم که بر پیپل باید خواند این هستند
وَاَلْقَیْتُ عَلَیْکَ مَحَبَّةً مِّنِّی وَلِتُصْنَعَ عَلٰی عَیْنِی اِذْ تَمْشِی اُخْتُکَ فَتَقُوْلُ هَلْ اَدُلُّکُمْ عَلٰی مَنْ یَّکْفُلُهٗ فَرَجَعْنٰکَ
اِلٰی اُمِّکَ کَیْ تَقَرَّ عَیْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّیْنٰکَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنّٰکَ فُتُوْنًا۔

نوع دیگر در باب تسخیر خلق و حاجت روائی آزموده بارها هست خطائی ندارد یعنی اگر کسی را
مسخر کردن خواهد باید که دویست بار بوقت زوال آفتاب بخواند یقین است که در عرصه سه روز
خواندن آن کس مطیع گردد هر حاجتی که پیش و اگر دو آیهٔ معظم و مکرم اینست۔

اللهم انت القادر وانا المقدور فمن یدع المقدور الا القادر یا رب یا رب یا رب۔

نوع دیگر مجرب در باب پابندی سفر اگر کسی آزرده شده قصد سفر کند باید که سنگی ازان راه
که آن ازان طرف خواهد رفت برداشته بر آن سنگ این آیهٔ معظم بنویسد مع نام
آن کس و نام مادرش و در چاه اندازد و مادام که آن سنگ در آن چاه بماند هرگز آن مرد
عزم سفر نکند اگر آن سنگ از چاه بر آرد البته روان شود آیهٔ معظم و مکرم اینست
۷۸۶ قَالُوْا یٰمُوْسٰۤی اِنَّا لَنْ نَّدْخُلَهَاۤ اَبَدًا مَّا دَامُوْا فِیْهَا فَاذْهَبْ اَنْتَ وَرَبُّکَ فَقَاتِلَاۤ اِنَّا هٰهُنَا
قٰعِدُوْنَ ہ

نوع دیگر این آیه معظم در باب دفع درد شکم مجرب و آزمودهٔ این فقیر است که بارها تجربه
نموده ام اگر کافی مطلق کسے را بدرد شکم مبتلا سازد این آیه شریفه را بنویسد و بخوراند فی
الحال درد موقوف شود آیهٔ موصوف اینست عزیز باید داشت۔ اللهم انت الباسط
وانا المبسوط فمن یدع المبسوط الا الباسط یا اللہ یا اللہ یا اللہ۔ عمل حصار
مجرب از میر منور علی صاحب اگر پیش قاهر و جابر کسے را رفتن باشد و خواهد که آن جابر مسخر

گردد پس این عمل حصار ہفت مرتبہ بر خود خوانده دم کند و نزدش برود مطیع و مسخر گردد
این عمل عجیب وغریب ست و این ست لا الٰہ الا ہو الحی القیوم یا الٰہ الاولین ہر کہ
مارا بد گوید زبانش بند شود و ضربت علیہم عصاء موسیٰ بر جگر او و واره حضرت زکریا بر تن
او و کرمان حضرت ایوب در دہن او و مہر سلیمان بر زبان او و تیغ رجال الغیب بر
جان او و قہر خدا بر آن مقہور زہق یا بدوح یا بدوح یا بدوح واللہ المستعان
علیٰ ما تصفون یا اللہ یا اللہ

**عمل دیگر در مقدمہ نفاق** - عنایت فرموده جناب میر احمد علی شاه صاحب پیرزاده
مجرب و آزموده باید کہ بروز شنبہ ابتدائی روز بوقت دوپہر سر برہنہ نموده غسل کرده جاء
تنہا نشستہ رو بجانب جنوب نموده چہل و یک دانہ سرشف یارائی پیش رو نہاده بر ہر دانہ
چہل و یکبار سورۂ کوثر خوانده دم کرده باشد یعنی ہر بار تف زده باشد چون بجای ہو الابتر
آید گوید فلان ابتر ہمچنین طریق تمام کرده بکسی آن دانہ ہا را دہد کہ در خانۂ خصم انداختہ آید
انشاء اللہ در عرصہ ہفت روز بیشک خصم تباه گردد بلکہ آن مقام کہ رائی انداختہ است
از جا برکنده شود اگر در عرصۂ ہفت روز اثر نہ بخشد چہارده روز کند و اگر در چہارده روز نشود
بست و یک روز کند و خواندن موقوف نہ نماید پس دانستہ و یک روز خطائی ندارد
مجرب است **نوع دیگر** - سورۂ انا اعطینا را برابراده استخوان شتر بروز یکشنبہ یا سہ شنبہ
یکصد و یک مرتبہ خوانده دم کند و در خانۂ دشمن اندازد عدو تباه و برباد شود اگر در میان
دو محبان جدائی انداختن منظور باشد بجای ہو الابتر نام ہر دو بدین نوع بگیرد کہ در فلان
و فلان جدائی و نفاق ہو الابتر ہو الابتر انشاء اللہ تعالیٰ در انداختن سہ روز برابر
جدائی افتد و جدائی واقع شده تباه شوند **عمل دیگر** سورۂ القارعہ - اگر بمیان دو کس
جدائی انداختن منظور باشد این نقش بر خشت خام از سیاہی طیب و طاہر بنویسد و در
دریای بہر روز انداختہ باشد انشاء اللہ تعالیٰ در عرصۂ ہفت روز اگر محب جانی باشند بغض

وعداوت واقع گردد که دشمن جانی شوند ویکی دیگر را برائے کشتن خواہد نقش اینست

اَلْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ وَمَا اَدْرٰکَ مَا الْقَارِعَةُ یَوْمَ یَکُوْنُ النَّاسُ کَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوْثِ وَتَکُوْنُ الْجِبَالُ کَالْعِهْنِ الْمَنْفُوْشِ فَاَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِیْنُهٗ فَهُوَ فِیْ عِیْشَةٍ رَّاضِیَةٍ وَاَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِیْنُهٗ فَاُمُّهٗ هَاوِیَةٌ وَمَا اَدْرٰکَ مَاهِیَهْ نَارٌ حَامِیَةٌ البغض والنفاق والعداوۃ بین فلان بن فلان و فلان بن فلان.

**عمل نفاق** مجرب وآزمودہ عنایت جناب شیخ نجف علی شاہ صاحب تجربہ کار باید کہ بروز شنبہ اول خاک از ہفت مسجد در یک پڑیہ بیارد پس بوقت نیم شب غسل کند و متصل قبر کسے شہید رفتہ نیاز جناب پیغمبر صلعم دہد بعدہٗ دوگانہ نماز بہ نیت جدائی دو کس یا تباہ کردن دشمن استادہ شدہ ادا نماید بایں طریق کہ در رکعت اول بعد فاتحہ سورہ انا اعطینا یازدہ بار بخواند و در رکعت دوم بعد الحمد سورہ انا انزلناہ یازدہ مرتبہ بخواند و در مقام ابتر در سورہ کوثر نام عدو گرفتہ باشد و نماز را تمام کند پس متصل قبر رفتہ استادہ شدہ ہفت صد و ہفت بار کلمہ طیب بطریقیکہ در ذیل نوشتہ است بخواند و بر خاک دم کند بعد اتمام کلمہ ہو دست خود بر قبر زند و بگوید کہ فلان را تباہ کنند یا جدا کنند نیاز شما خواہم داد بعدہ آن خاک را ہفت پڑیہ سازد و بخانہ خویش بیاید بصبح یک پڑیہ بدست کسی دہد یا خود دہ بخانہ عدو انداختہ بیاید و بوقت دوپہر ہر روزہ یکصد و یک مرتبہ ہمون کلمہ بخواند و بسوے عدو تف زند انشاء اللہ دشمن تباہ شود از شہر بیرون رود و جدائی درمیان محبان واقع گردد و کلمہ کہ برای خواندن

ازبرحی جدی دوکسن ن



است اینست لااله لگاوی الا اللہ سُلگاوی محمد رسول اللہ فلانے سے فلانے کو جلاوے جلاوے جلاوے نوع دیگر در مقدمۂ حب مجرب و آزمودہ ۔

عنایت درویش تارک الدنیا کامل اکمل اگر خواہد کہ کسے را محب خود گرداند و در عشق خود بیقرار گرداند باید کہ این سورۂ معظم را بر شکر بدستوریکہ در عبارت آن نوشتہ است دم کردہ بخوراند انشاء اللہ مطیع فرمان گردد و اگر او را خوانیدن نتواند بمورچگان بخوراند اثر تمام بخشد سورۂ معظم اینست

الم ترکیف بستم خواب و خور فلان افسون فلان بن فلان علی حب فلان بن الفلان فعل ربک باصحاب الفیل الم یجعل کیدہم بستم خواب و خور فلان بن فلان علی حب فلان بن الفلان ۔ فی تضلیل وارسل علیہم طیرا ابابیل ترمیہم بحجارۃ من سجیل فجعلہم کعصف ماکول بستم خواب و آرام فلان بن الفلان علی حب فلان بن الفلان

نوع دیگر مجرب در باب طلب مطلوب در حب خویش باید کہ یک چلہ اختیار کند و در عروج ماہ روز اول وقت شب غسل کند و اول و آخر درود بیست و یک مرتبہ بخواند و چہل و یک عدد سیاہ مرچ گرفتہ این عبارت بہر مرچ کلمۂ طیب دم کردہ ہمان جا سوختہ باشد انشاء اللہ تعالیٰ در عشرہ و ہفتہ مطلوب مطیع و مسخر گردد کلمہ کہ بر مرچہاء مذکورہ بالا خواندن آنہا را گفتہ ایم اینست

لاالٰہ ائیس الا اللہ ان ملائیس محمد رسول اللہ مجھ بن فلانے کو چین ندلیس چین ندلیس

نوع دیگر برائے تخلیص محبوس مجرب و آزمودہ شدہ در سورۂ یوسف علیہ السلام کہ این آیۂ معظم ہست برائے قیدی در ہر نماز پنجگانہ صد مرتبہ تا ہفت روز بخواند انشاء اللہ محبوس بیشک خلاصی شود آیۂ مکرم اینست ۔ یابنی لاتدخلوا من باب واحد وادخلوا من ابواب متفرقۃ وما اغنی عنکم من اللہ من شئی ان الحکم الا للہ علیہ توکلت وعلیہ فلیتوکل المتوکلون ٥ یا

خالص یا مخلص نوع دیگر عمل آیات برای قبض حمل باید کہ چہل و یک رشتہ سرتاپاے زن پیمون کردہ چہل و یک بار رہد و بر تمام گنڈہ بازآیۂ موصوف دم کردہ موم جامہ کند و در کمر زن بندد انشاء اللہ تعالیٰ حمل قایم ماند این عمل عنایت میر رحم علی صاحب ساکن بارہ است مجرب است و قدرے شکر ازین آیت دم کردہ دہد ہفت روز بخورد آیہ اینست یا ایہا الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدۃ و خلق منہا زوجہا یا حفیظ یا حافظ یا نصیر یا ناصر یا رقیب یا وکیل یا اللہ یا اللہ یا اللہ

نوع دیگر در باب تسخیر امیر و فقیر باید کہ این آیۂ معظم کہ عنایت فرمودہ برادر میر بخش صاحب است دہ بار بر روغن خوشبودار یا عطر دم کردہ بر روی خود یا ہر کہ بمالد و پیش امیر رود نزد او معظم و مکرم باشد و باحترام باز گردد آیۂ موصوف اینست عسی اللہ ان یجعل بینکم فلان و بین الذین عادیتم فلان منہم مودۃ واللہ قدیر واللہ غفور الرحیم ہ۔

نوع دیگر براے ماندن حمل نوشتہ بخوراند بحکم خدا حمل ماند آیۂ معظم این است اذ قالت امرأۃ عمران رب انی نذرت لک مافی بطنی محررا فتقبل منی انک انت السمیع العلیم بحق یا ہادی یا ہادی یا ہادی یا ہادی یا ہادی ہ نوع دیگر اگر کسی را حمل خام میرود آن زن را این آیہ نوشتہ براے بستن دہد خدا اگر خواستہ است حمل قایم ماند آیہ اینست یا حفیظ یا مالک یا مالک ذو الجلال والاکرام فاللہ خیر حافظا و ہو ارحم الراحمین۔

نوع دیگر برای حب سورۂ الم نشرح ہفت بار بر نمک خواندہ وقت شام در آتش اندازد انشاء اللہ تعالیٰ آن کس مبتلا گردد نوع دیگر برای دفع تپ ہر قسم این ترکیب را نوشتہ بخوراند یا گنڈہ بر ریسمان سوت درست کردہ دہد از فضل خدا تعالیٰ تپ ہر قسم کہ باشد دفع گردد اینست بسم اللہ الرحمن الرحیم الٰہی بحرمت حضرت شمس الدین تبریزی این تپ بجاری بگریزی والا نہ در گور قاضی رشوتی گرفتار شوی لاحول ولاقوۃ الا باللہ العلی العظیم نوع دیگر عمل آیات عنایت میر بخش صاحب مجرب و آزمودہ در باب روشنی چشم

یا اللہ یا اللہ یا شعمٰہ عماع ٦١٠ ١٨١٨ ١١ ٹہر سر
یا اللہ یا اللہ



ہر کسیکہ از ہر نوع در چشم بصارت کم داشتہ باشد یا عیب شب کوری وپھولی وجالہ وغیرہ در چشم بود باید کہ این آیات شریف را حفظ کند وبعد ہر نماز اول و آخر درود یک مرتبہ بخواند وآیت ہاے ممدوحہ سہ مرتبہ بخواند وبر ہر پنج انگشت جمع نمودہ دم کردہ انگشتان دست راست را بر چشم چپ بمالد وانگشتان دست چپ را بر چشم راست بمالد سہ نوبت ہمین طور بکند انشاء اللہ تعالیٰ در عرصۂ چند روز رفتہ رفتہ روشنائی در چشم باز آید وعوارض مذکورۂ چشم دفع خواہند شد آیات این ست۔

یوسف ایہا الصدیق اذہبوا بقمیصی ہذا فالقوہ علی وجہ ابی یات بصیرا وآتونی باہلکم اجمعین فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید فرددناہ الی امہ کی تقر عینہا ولا تحزن ولتعلم ان وعد اللہ حق ولکن اکثرہم لا یعلمون وما امر الساعۃ الا کلمح البصر او ہو اقرب ان اللہ علی کل شیٔ قدیرہ یا اللہ

**نوع دیگر** عمل آیات در باب مال دزدیدہ باید کہ این آیۂ معظم را مع ہر چہار اسماء موکلات یک لاکھ وبست وپنج ہزار بار بخواند ولازم ست کہ بوقت خواندن یک وقت مقرر نمودہ شکر ولودیان وصندل سفید باریک ساختہ دود آن می دادہ باشد ودر عرصۂ چہل روز تمام کند وپرہیز از گوشت وماہی خیز کردہ باشد چون تمام شد عامل گردد ہر گاہ کہ اسم دزد را معلوم کردن منظور باشد باید کہ بروز شنبہ یک استرہ از حجام گرفتہ ہفت مرتبہ آیات مع آیات واسماء موکیل بر روی استرہ دم کردہ قدرے شنگرف بر ویش مالیدہ بر بلندی مثل چھپر بدارد وبوقت صبح آنرا گرفتہ باز ہفت مرتبہ آیۂ معظم دم کردہ بنام ہر یک مشتبہان بال ران خویش از راست وچپ بتراشد انشاء اللہ ہر دزدیکہ باشد موے سرش خود بخود تراشیدہ خواہند شد آیۂ موصوف مع اسماء موکیل اینست

**علیقا بلیقا ملیقا خلقا** فالقی السحرۃ ساجدین قالوا آمنا برب العالمین رب موسیٰ وہارون۔ **نوع دیگر** عمل آیات بنا بر مال دزدیدہ این آیۂ معظم کہ در سورۂ واقع است این

آیہ ہزار مرتبہ باطہارت تا بہ چہل روز بخواند و ہر روزہ در وظیفہ خوشبویات روشن کند چون فارغ شود پس عامل شدہ ہر گاہ کہ مقدمۂ دزدی پیش آید این آیۂ مبارک را بزمان روغنی کہ بطہارت تمام پزانیدہ باشد بنویسد و چند بار یعنی ہفت بار جا بجا از ہر گوشہ بران نان بنویسید و بلیدہ ساختہ یکیک کف دست بہر یک مشتبہ بخوراند انشاء اللہ تعالیٰ ہرگز از دہن دزد خوردہ نشود یعنی از گلوی دزد فرو نرود و دزد صاف پیدا شود اکثر این فقیر آزمودہ است اگر بدون زکوٰۃ دادن کند ہم تاثیر ظاہر خواہد شد و آیۂ موصوف برای ہلاکی دشمن نیز بکار می آید این ست **فلولا اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون** درین آیۂ ظفر یابی بر دشمن نیز ہست - نوع دیگر - این آیہ را اگر کسی آن زن را کہ حمل نمی ماند چہل روز در پیالۂ چینی نوشتہ بخوراند و یکی در کاغذ نوشتہ در کمر آن زن بہ بندد انشاء اللہ تعالیٰ بار ور شود این عمل از یکے عابد و زاہد کہ معلم بودند بدست این نحیف رسیدہ است

لِلّٰہِ ملک السموات والارض یخلق من یشاء یہب لمن یشاء اناثا و یہب لمن یشاء الذکور او یزوجہم ذکرانا و اناثا و یجعل من یشاء عقیما انہ علیم قدیر ہ یا اللہ

**نوع دیگر عمل آیات بنا بر مال دزدیدہ** این آیۂ معظم کلام اللہ کہ در مقدمۂ دزد حکم خدا تعالیٰ شدہ است این را بر پرچہا کہ از اسماء مشتبہان باشند ہمہ را جدا جدا بنویسید و آن پرچہ ہا را گولی بستہ در گانٹھ زر گر برابر وزن کردہ در ظرف گلی آب پر کردہ ہر یک را گولی علیحدہ علیحدہ در آن آب باندازد و ہر گولی ہا کہ از ہمہ گولی ہا بر آب تر شدہ برخیزد و ہرگز غرق نشود ہمان کس دزد بیشک باشد مجرب ست و آزمودہ است آیۂ معظم و مکرم مذکورہ این است

السارق والسارقۃ فاقطعوا ایدیہما جزاء بما کسبا نکالا من اللہ واللہ عزیز حکیم ہ

**نوع دیگر** ہر آن عورت کہ بدروزہ مبتلا باشد و ہرگز بچہ پیدا نمی شود باید کہ این آیت شریف را یکی نوشتہ در ران چپ بہ بندد و یکے نوشتہ در قند شربت نمودہ بنوشاند بحکم الٰہی زود بچہ پیدا شود مجرب ست آیات معظم اینند۔

اذا السماء انشقت و اذنت لربها و حقت و اذا الارض مدت و القت ما فیها و تخلت لا یستوی
اصحاب النار و اصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون لو انزلنا هٰذا القرآن علی جبل لرأیته
خاشعا متصدعا من خشیة اللّٰه و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون

نوع دیگر آیات کلام اللّٰه در مقدمهٔ روزی هر کسیکه محتاج مطلق باشد این آیت شریف را
در هر نماز پنجگانه یازده بار اول و آخر درود مقرر نموده مدام میخوانده باشد انشاء اللّٰه تعالی
در عرصهٔ چند عنقریب رفع عسرت او گردد از بزرگی باین نحیف بطریق دیگر مجرب رسیده که این
عمل در تجربهٔ آن بزرگ آمده بود اینست آن طریقه که از عروج ماه من یوم یکشنبه علی الصباح
برخاسته یک لنگی پاک بسته غسل کند و مع آن لنگی تر از آب که هست سمت قرص آفتاب
ایستاده شده آیت این را الست و یکبار مع ما شاء اللّٰه و هو العلی العظیم بخواند و بطرف
آفتاب دست خویش برداشته بگوید که ای آفتاب عالمتاب جهانتاب آنچه که از طلوع ... تا غروب
بماند بحول و قوت الٰهی در عرصهٔ چهل روز آن کس بلا ... بیشک بهر صورت امیر کبیر
گردد اگر تواند در ایام امارت هم جائز و مقرر بر خود بدستور خواندن دارد اگر موقوف
شود دولت کم گردد مجرب ست آیهٔ معظم این ست

وَمَنْ یَّتَّقِ اللّٰهَ یَجْعَلْ لَّهٗ مَخْرَجًا وَّیَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُ وَمَنْ یَّتَوَکَّلْ عَلَی اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهٗ
ان اللّٰه بالغ امره قد جعل اللّٰه لکل شئ قدرا این قدر عبارت ازین آیه جداست ماشاء
اللّٰه و هو العلی العظیم

نوع دیگر اگر بکسی میل دوستی داشته باشد این آیت شریف را هر روز هزار بار مع آن اسماء
که در آخر نوشته است خوانده بر شیرینی دم کرده دهد یا بر گلها دم کرده دهد که آن کس را بخوراند
یا ببویاند بیشک مطلوب مطیع فرمان گردد مجربست و این طریق از پیرزاده هم رسید اینست
واللّٰه المستعان علیٰ ما تصفون یا رفیق یا شفیق نجنی من کل ضیق۔

نوع دیگر بدانکه صفت سورهٔ الم نشرح درین باب سابق نوشته ایم و برای دفع تپ لرزه نوع

دیگر از بزرگے باین نحیف رسیده مجربست عزیز باید داشت چنانچه اگر کسے مریض تپ
لرزه داشته باشد باید که قبل از آمدن لرزه او را بوقت یک پاس روز بر آمده خواه یک
پاس روز باقیمانده مریض را بر زمین استاده کرده از کارد سایهٔ آن را از سر تا به پای تمام
ببرد یعنی ببرّد و در هنگام بریدن سایه سورهٔ الم نشرح از زبان خود جاری کند چون
نوبت بریدن تا به پا رسد تمام کند همین نوع تا به سه روز تواتر بیرد انشاء اللّٰه تعالی در
عرصهٔ دو سه روز مریض صحت یابد مجرب تر ست و این سورهٔ ممدوحه خواص بسیار دارد اگر
در عمل آرد بکار آید و الا نه بدون عمل هم این قدر اثر کند که اگر از دست کسی معاند بدگو و
غیبت کننده عاجز باشد برای زبان بندی سه مرتبه سورهٔ ممدوحه بر دانهٔ گندم خوانده دم
کند و در آخر نام آن معاندین مع نام مادرش گرفته باشد یعنی باین طریق که دبستم زبان
فلان بن فلان از بدگوئی پس آن دانه ها را پیش مرغان اندازد که بخورند همان روز
زبان از بدگوئی باز ماند اینقدر ترکیب عمل این سورهٔ معظم باین نحیف رسیده بود که نوشته شد
نوع دیگر ترکیب الحمد و نقوش آنچه که این فقیر را رسیده بود سابقاً نوشته شد الا این عمل
برای دوستان درین اوراق می نویسیم که این عمل مجرب از مرزا بیر بیگ صاحب بزرگ
باین نحیف رسیده است و در عمل مرزا ممدوح آمده بود اوصاف آن بچشم خود دیده ام و این
عمل برای تسخیر ست باید که در عروج ماه بروز یکشنبه و اولی اینکه شب جمعه و روز پنجشنبه باشد
غسل کند و جامهٔ پاک پوشد و هر قدر خوشبویات و بخورات که میسر آید مهیا ساخته و دو نان
روغنی پزیده و دو لڈو شیرین بر آن نهاده و عطر و هار گلهای خوشبو او همراه گرفته بوقت
نیم شب به کنارهٔ دریاے روان رفته در ان گوشه نشیند که آواز مردم نرسد و کسے متعرض
حال نشود پس تمام اسباب رو بروی خود داشته و بخورات سوخته گرد خود یا سورهٔ
یٰسین و آیة کرسی حصار کند باین طریقیکه از انگشت تر گرد اگرد خویش حلقه کشد بعده یازده
مرتبه درود خواند و یک هزار و یک مرتبه سورهٔ الحمد مع اسماء موکلات که در میان عبارت

الحمد است بخواند واگر در میان خواندن صورتی و شئے کہ بنظر آید ہرگز خوف را در دل راہ ندہد و نہ ترسد وآنچہ از ان اشیاء کہ نہادہ است کسے طلب کند از در میان حصار حوالہ کند و بعد تمامی وظیفہ آنچہ کہ شیرینی و نان وغیرہ باشد ہمو بجا بخورد انشاء اللہ تعالی بروز ہشتم یا روز ہفتم صورت چہار زنان پیش عامل حاضر آیند باحسن وجمال ولباس آرایش پیش آیند و از عامل راز و نیاز کنند ہرگز تا تا تمام شدن وظیفہ راغب بادشان نشود و بعد تمام نمودن وظیفہ ہرچہ منظور خاطر باشد از ہمان زنان بگوید و برای خود روزینہ ہر قدر کہ صرف کردن در یکروز تواند مقرر کند ہمیشہ تمام عمر خواہند رسانید انشاء اللہ تعالی در صورت اگر در عرصہ ہفت روز زنان حاضر نشوند در عرصہ چہاردہ روز حاضر خواہند شد والا نہ در عرصہ بست و یک روز حاضر خواہند شد حاجہ ترک نہ کند خطاے ندارد مجرب ست وعامل کامل باید کہ بدستور تدبیر کامل کردہ خواندہ باشد بہ تدبیر کہ روز اول نوشتہ ایم بہ ہمان تدبیر باید خواند مشقت ہرگز ضائع نخواہد شد و ترک حیوانات ولذات ہم ضرورت ست و ترکیب الحمد باین طریق ست الحمد للہ رب العالمین الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم یا رؤف یا عطوف مالک یوم الدین یا قادر یا مقتدر یا حکیم یا علیم غیر المغضوب علیہم ولا الضالین امین ۃ دیگر آنکہ چون در باب دوم اسماء الٰہی و آیات کلام الٰہی آن قدر کہ باین نحیف رسیدہ بود نوشتہ دادم صرف بر خاتمہ اسناد بسم اللہ باقی بود آن ہم ترقی می نمایم واین عمل از مولوی غلام مرتضے صاحب مشہور ست باید کہ از عروج ماہ برای ہر مطلبیکہ بسم اللہ را وظیفہ مقرر کند بیشک مطلب برآید چنانچہ دو رکعت نماز اول گذارد و بعدہٗ دوازدہ ہزار بار بسم اللہ اول و آخر درود بخواند و در یک جلسہ بخواند انشاء اللہ صبحے مراد برآید اگر در یک روز مطلب نہ برآید ہفت روز بدستور بخواند بیشک مطلب برآید و اگر این قدر خواندن نتواند ہر روزہ دو رکعت نماز گذارد از دہ دہ مرتبہ قل ہو اللہ در رکعت اول و ہمین قدر در رکعت دوم بخواند و یازدہ بار درود و یازدہ بعدہ بار بسم اللہ بخواند در عرصہ ہفت روز مطلب برآید الحمد للہ کہ این باب مجموعہ آیات کلام

اللہ ہر قدر کہ باین نحیف رسیدہ و در تجربہ خود یا استادان دیگر آمدہ بودند بوجہ احسن مشروحاً نوشتہ دادم کہ ہیچکس عاملے این نعمت عظمیٰ ندیدہ بود این فقیر بطمع دعای خیر نوشتہ دادہ امید کہ ما را بہ فاتحہ فراموش نہ کنند

## باب سوم کہ مجموعۂ نقشیات و علامات و عملیات و ترکیب پر کردن و کشیدن نقش ست اینست

**اول ترکیب پر کردن و کشیدن نقش باید دانست** کہ وقف اعداد بر دو نوع ست کامل و ناقص پس لازم ست کہ معرفت مصطلحات کہ موضوع این فن ست پندارد و آن دانستن شکل بود کہ در آن اعداد نہادہ شود بطریق تام و ناقص و فرد و زوج و پنداشتن آنکہ شکل صحیح ست یا نہ و دانستن ضلع و قطر و سطر و حواشی و بطنی و ذیلی و عدد عدل و عدد طبعی وغیرہ اما شکل کامل و تام آنرا گویند کہ در شکل شکلے مندرج باشد و ناقص آنکہ در آن شکل دیگر پیدا نہ آید چنانچہ مثلث و مربع حقیقی پس درین شکل یک خاصیت باشد بخلاف مخمس کہ در آن شکل مثلث و مسدس کہ دران شکل مندرج ست و چند خاصیت دارد و مسبع و مثمن ہر چند علے ہذا القیاس اما دانستن صحت شکل بر ینوجہ است ضلع با ضلع و سطر با سطر و قطر با قطر برابر آید بداند کہ شکل صحیح ست و الا نہ در یافتن عدد عدل برین سند ست کہ عدد بیوت یک سطر را در ذات ہمان عدد ضرب کند و یکعدد بر حاصل ضرب بیفزاید تا آن عدد عدل باشد و این براے استخراج عدد طبعی لابد ست و ضرور ست کہ عدد بیوت سطر را تنصیف نمودہ عدد عدل را در آن زند کہ حاصل ضرب وقت طبعی باشد پس در پر کردن ہر شکل کم از وقف طبعی ہرگز نباید اگر عدد ہفت یک سطر را در ذات خود زدہ یک عدد از ان کم نماید باقی را در نصف عدد بیوت سطر زند حاصل الضرب عدد سطر وضع باشد کہ از مجموعۂ اعداد اول طرح باید داد و باقی را موافق اعداد بیوت یک سطر قسمت

مساوی کرده از یک سطر قسمت پر کردن آغاز کند چنانچه در مثلث حقیقی که بیوت یک سطر ست
و یک سطر که سه است آن را تنصیف کردم یک از نیم آمد و عدد عدل که در آن ده است زدیم یعنی
دو را بسبب یک دو نیم شدن ده و پنج کردم پانزده آمد دانستم که در مثلث حقیقی لابدست که از
پانزده عدد کم نباشد و اگر زائد بود روا است و همچنین در مربع حقیقی که عدد بیوت سطر چهار است
اجزا در چهار زدیم شانزده شدند یک عدد عدل افزودیم هفده شدند و چهار را که اصل عدد اند
آن را نصف کردم دو آمدند پس هفده را دو چند کردم سی و چهار شدند پس این عدد وقف طبعی
اند در مربع حقیقی کم از سی و چهار نه آیند زیاده را مضائقه نیست و عدد مطروحه در مثلث سه را
در سه زدیم و یک عدد کم کردیم هشت ماندند هشت را در چهار امتزاج کردم بحساب یک و نیم
دوازده آمدند و در مربع چهار در چهار زده یک عدد کم کردم پانزده ماندند آن را در دو که نصف
چهار ست زدیم سی آمدند دانستیم که در مثلث دوازده و در مربع سی از اعداد مجموعه طرح باید
کرد آنچه باقی ماند در مثلث سه حصه کردم پر کند و در مربع چهار حصه نموده بقسمت برابر شروع نماید
و یکعدد در هر هفت بیفزاید تا منتهی شود و اگر کسر واقع شود در مثلث هرگز رفع نگردد و هیچ وجه
از هر چهار طرف برابر نیاید و در مربع بقایا بر آید از برای کسر از خانه که مخصوص برای کسر
است یک عدد دیگر افزاید پس کسر از سه واقع شود از خانهٔ پنجم و اگر دو بود از نهم و اگر یک
بود از سیزدهم یک عدد افزاید و در مثلث برای دو از چهارم و بجهت یک از هفتم
یک عدد دیگر افزاید تا راست آید و تفصیل اشکال اینکه اشکال بر سه قسم اند اول فرد
دوم زوج الفرد سوم زوج الزوج شکل فرد آن باشد که عدد بیوت سطر نصف صحیح نداشته
باشد چنانچه که نصف سه گان یک و نیم و مخمس که نصف آن دو نیم آید همبرین قیاس آن
شکل را شکل فرد گویند و اگر نصف صحیح بی کسر ست پس نصف را باید نگریست اگر فرد بود مثل
شکل مسدس که نصف آن سه بود که فی نفسه و ذاته فرد ست چرا که زوج هم دارد پس این شکل
را زوج الفرد گویند و اگر نصف صحیح بی کسر دارد پس آن نصف را باید نگریست اگر آن

زوج ست مثل مثمن پس آن را زوج الزوج گویند و چون این قدر گذارش رفت همین طور شکل مرتب نموده بر سر ضلع و قطر و حواشی و بطنی ایماے دهم در حواشی نقاط یعنی خیالی گذارم تا در ایام تعلیم دریافت کنی و هر اسم را که خواهی تا تکسیر کنی و در شکل حساب نموده پر کنی پس اول در مثلث باید رفت بدین صورت

پس در شکلهاے فرد مجرد کامل و ناقص مثال اول عدد شکل مثلث حقیقی

| | | | |
|---|---|---|---|
| ضلع ⁝ | | ⁝ | ⁝ ضلع |
| قطر سوم | | سطر آخر | قطر چهارم |

را پیدا کنم یعنی عدد خانهٔ یک سطر که سه باشد در سه ضرب کنم نه آمد و یک عدد براے ضابطه افزودیم ده عدل عدد بر آمد چون این عدل را در نصف عدل بیوت سطر که یک و نیم باشد زدیم پانزده عدد وقف طبعی شد پس آن پانزده را از هر ضلع باین طور پر کردیم که دوازده عدد مطروحه طرح دادیم سه ماندند آن را سه حصه کردم یک ماند اینست

۷۸۶ آتشی ۷۸۶ ۷۸۶

| | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | ۱ | ۶ | ۴ | ۹ | ۲ | ۸ | ۳ | ۴ | بادی |
| ۳ | ۵ | ۷ | ۳ | ۵ | ۷ | ۱ | ۵ | ۹ | |
| ۴ | ۹ | ۲ | ۸ | ۱ | ۶ | ۶ | ۷ | ۲ | |
| ۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | خاکی | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | |

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۴ | ۳ | ۸ | آبی |
| ۹ | ۵ | ۱ | |
| ۲ | ۷ | ۶ | |
| ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | |

پس هر چهار قطر گذاشته از هر ضلع که خواهد۔ آغاز نماید بدین قانون که بیت دو اسپ و رخ دو فرزین باز رخ گیر ٭ شده آخر مثلث راست تدبیر ٭ و می باید که چون عدد در خانهٔ اول پر کند یکبار بگوید اطهیال دور

خانهٔ دوم چون عدد پر کند دو بار گوید لططهیال و در خانهٔ سوم سه بار بوقت عدد نوشتن بگوید حططهیال و در خانهٔ چهارم چهار بار بگوید دططهیال و در خانهٔ پنجم پنج بار بگوید هططهیال و در خانهٔ ششم شش بار بگوید وططهیال و در خانهٔ هفتم هفت بار بگوید زططهیال و در خانهٔ هشتم هشت بار بگوید حططهیال و در نهم ۹ بار بگوید ططهیال و هر روز چهل و پنج بار نقش بهمین طور نوشته باشد تا چهل و پنج روز طریق زکوٰۃ ست و طریق شاه مغرب همین بود اما طریقه پر کردن مربع چار در چار زدیم شانزده شدند یک عدد بران افزودم هفتده شد آنرا در دو که نصف سطر اول بود زدیم سی و چهار شدند پس عدد وقف طبعی حاصل شدند پس ازین شانزده یک کم کردم پانزده شدند آنرا دو چند کردم سی گشتند آنرا مطروحه پنداشتم طرح دادم باقی ماندند چهار چهار را چهار حصه نمودم یک حاصل گشت از یک نقوش را پر کردم اما ازین شانزده خانه مربع را خاصیت جداگانه است که در بیان زکوٰۃ دادن مثلث و مربع را بیان خواهد آمد این جا نقش می نویسیم خاصیت هم نویسم و طریق پر کردن نوشته

۷ ۸ ۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| اسپ | فیل | رخ | فیل |
| فیل | اسپ | فرزین | فیل |
| فرزین | فیل | شانزدهم | اسپ |
| فیل | رخ | اسپ | فیل |

دهم بدین صورت بیت اسپ فرزین و رخ باز اسپ فرزین اسپ گیر ٭ فیل دارد در مربع هر طرف دورے پذیر ٭ و این چهار خانه یکے آتشی و یکے خاکی و یکے بادی و یکے آبی است و از هر چهار آغاز همین تسلسل است پس برای هر کار از هر خانه آغاز نماید تا بمقصود رسد و این نقوش را نقش اجل گویند و مثلث را نقش جوّاد و ترکیب کسر دادن اول مذکور شد فاما بطور مثال نمائیدن مر ترا یک نقش اینجا مے نویسم و آن مثال اینست پس هم برین طریق از یک تا صد و لک

وگرو رپر کند و درخانه ترکیب اینکه خانهٔ اول براے وصحت ومحافظت ست خانه آتشی ست ..... این ست ..........

پر کردن تندرستی و این نقش .....

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۱۷ | ۱۴ | ۱۰ |
| ۱۵ | ۱۹ | ۲ | خانہ کسر یک ۱۶ |
| ۸ | خانہ کسر دو ۱۲ | ۱۹ | ۳ |
| ۱۸ | ۴ | خانہ کسر سہ ۷ | ۱۳ |

خانهٔ اولؔ براے صحت

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۱۴ | ۱۱ | ۸ |
| ۱۲ | ۷ | ۲ | ۱۳ |
| ۶ | ۹ | ۱۶ | ۳ |
| ۱۵ | ۴ | ۵ | ۱۰ |

خانهٔ دومؔ برای محبت

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۴ | ۱ | ۸ | ۱۱ |
| ۷ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۲ |
| ۶ | ۹ | ۳ | ۱۶ |
| ۴ | ۱۵ | ۱۰ | ۵ |

خانهٔ سوم براے دولت

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۱ | ۸ | ۱ | ۱۴ |
| ۱۳ | ۱۳ | ۱۲ | ۷ |
| ۱۶ | ۳ | ۶ | ۹ |
| ۵ | ۱۰ | ۵ | ۴ |

خانهٔ چہارم آبی برای خوف وامان از دشمن

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۱۱ | ۱۴ | ۱ |
| ۱۳ | ۲ | ۷ | ۱۲ |
| ۳ | ۱۶ | ۹ | ۹ |
| ۱۰ | ۵ | ۴ | ۱۵ |

خانہ پنجم آتشی برای امان غرق شدن

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۴ | ۷ | ۹ | ۴ |
| ۱ | ۱۲ | ۶ | ۱۵ |
| ۸ | ۱۲ | ۲ | ۱۰ |
| ۱۱ | ۳ | ۱۶ | ۵ |

خانہ ششم خاکی براے بیمار سرخ باد

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۴ | ۱۵ | ۱۰ | ۵ |
| ۱۴ | ۱ | ۸ | ۱۱ |
| ۷ | ۱۲ | ۱۳ | ۲ |
| ۹ | ۶ | ۳۰ | ۱۶ |

خانہ ۷ بادی برای زیادتی مال

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۵ | ۱۰ | ۱۵ | ۴ |
| ۱۱ | ۸ | ۱ | ۱۴ |
| ۲ | ۱۳ | ۱۲ | ۷ |
| ۱۶ | ۳ | ۶ | ۹ |

خانہ ۸ آبی برای جدائی

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۴ | ۹ | ۷ | ۱۴ |
| ۱۵ | ۶ | ۱۲ | ۱ |
| ۱۰ | ۳ | ۱۳ | ۸ |
| ۵ | ۱۶ | ۲ | ۱۱ |

خانہ ۹ آتشی براے فتحیابی جنگ

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۱ | ۲ | ۱۶ | ۵ |
| ۸ | ۱۳ | ۳ | ۱۰ |
| ۱ | ۱۲ | ۶ | ۱۵ |
| ۱۴ | ۷ | ۹ | ۴ |

خانهٔ دهم خاکی برای حصول علم وعزت - خانهٔ یازدهم بادی برای وصل دوست خانهٔ دوازدهم آبی برای صلح و مغلوبی دشمن

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۶ | ۳ | ۶ | ۹ |
| ۲ | ۱۳ | ۱۲ | ۷ |
| ۱۱ | ۸ | ۱ | ۱۴ |
| ۵ | ۱۰ | ۱۵ | ۴ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۹ | ۶ | ۳ | ۱۶ |
| ۷ | ۱۲ | ۱۳ | ۲ |
| ۱۴ | ۱ | ۸ | ۱۱ |
| ۴ | ۱۵ | ۱۰ | ۵ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۱ | ۲ | ۱۶ | ۵ |
| ۸ | ۱۳ | ۳ | ۱۰ |
| ۱ | ۱۲ | ۶ | ۱۵ |
| ۱۴ | ۷ | ۹ | ۴ |

خانهٔ سیزدهم آتشی برای دفع کرم کشت خانهٔ چهاردهم خاکی برای افزونی زراعت وسرعورت - خانهٔ پانزدهم بادی برای عشق مردمان و آوردن معشوق

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۰ | ۵ | ۴ | ۵ |
| ۳ | ۱۶ | ۹ | ۶ |
| ۱۲ | ۲ | ۷ | ۱۱ |
| ۸ | ۱۱ | ۱۴ | ۱ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۵ | ۱۰ | ۱۵ | ۴ |
| ۱۶ | ۳ | ۶ | ۹ |
| ۲ | ۱۳ | ۱۲ | ۷ |
| ۱۱ | ۸ | ۱ | ۱۴ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۴ | ۱۵ | ۱۰ | ۵ |
| ۹ | ۶ | ۳ | ۱۶ |
| ۷ | ۱۲ | ۱۳ | ۲ |
| ۱۴ | ۱ | ۸ | ۱۱ |

خانهٔ شانزدهم آبی برای پیش روی بادشاه و ملوک و عاقبت کار و سلامتی نفس وذات و خوبی تدبیر و صلاح کار بدرستی رسیدن و بهتری امورات

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۵ | ۴ | ۵ | ۱۰ |
| ۶ | ۹ | ۱۶ | ۳ |
| ۱۲ | ۷ | ۲ | ۱۳ |
| ۱ | ۱۴ | ۱۱ | ۸ |

## بیان شکلهای مخمس که منسوب بزهره است چون اصل آن -

مخمس بود پس پنج را در پنج زدیم بست و پنج حاصل شد ند یک عدد عدل اضافه کردم پس بست و شش شد ند پس آن را در سطر اول که چون پنج را نصف کنی دو نیم میشود این بست و شش را در آن زدیم شصت و پنج شد ند دانستم که در مخمس کم از شصت و پنج نخواهند آمد و چون خواستم که اعداد مطروحه برآرم از بست و پنج یک کم کردم بست و پنج یا چهار شد ند آن را در دو نیم زدیم شصت شد ند پس این را طرح کردم باقی ماند ند پنج آنرا پنج حصه کرده از یک حصه نقش پر کردم و ترکیب روش مخمس اینکه در ان شکل اول

قرار واقعی باید کرد که یک و هفت و هیژده و بست و چهار و پنج و شش و دوازده برابر خواهند بود و سیزده و نوزده و بست و پنج برابر و ده و بست و دو و چهارده برابر اند و در سطر و با ضلع حواشی افتاده اند در هر شکل و باقی اعداد در بیوت حواشی انبساط بروش مزبور غوب یاد کنند و مخمس ناقص بی تامل صحیح پر کنند و ترکیب دیگر اینکه مثل مربع روش پندارد یعنی طول و اسپ و رخ و دو اسپه و غیرها چنانچه من یک شکل هم نوسیم اینست

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۱۴ طول | ۲۲ | ۱۰ طول | ۱۸ |
| ۲۵ | ۸ | ۱۶ رخ | ۴ طول | ۱۲ طول |
| ۱۹ | ۲ اسپ | ۱۵ اسپ | ۲۳ | ۶ رخ |
| ۱۳ دو اسپه | ۲۱ اسپ | ۱۹ اسپ | ۱۷ | ۵ اسپ |
| ۷ دو اسپه | ۲۰ | ۳ اسپ | ۱۱ طول | ۲۴ |

و در این شکل چهار ضلع و چهار قطر واقع شدند بدین ترتیب که ضلع فوقی یعنی ضلع بالا و ضلعیکه مقابل آنست آنرا ضلع تحتی گویند و ضلع که در دست راست است ضلع یمنی گویند و ضلع که سمت چپ است ضلع یساری گویند و در هر ضلع سه خانه میباشند که مجموعهٔ آن دوازده خانه شدند و چهار قطر و از قطر مراد گوشه است همه شانزده شدند باقی نه خانه ماندند و این نه خانه مثلث از چهار سمت برابر آید پس بهمین ترتیب از هر خانه نقش را پر کنند و من برای امثال چند نقوش می نگارم اینست

خانه ۱

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۲۵ | ۱۹ | ۱۳ | ۷ |
| ۱۴ | ۸ | ۲ | ۲۱ | ۲۰ |
| ۲۲ | ۱۶ | ۱۵ | ۹ | ۳ |
| ۱۰ | ۱۴ | ۲۳ | ۱۷ | ۱۱ |
| ۱۸ | ۱۲ | ۶ | ۵ | ۳۴ |
| ۱۹ | ۱۸ | ۲۱ | ۴ | ۳ |

خانه ۴

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۷ | ۱۳ | ۱۹ | ۲۵ | ۱ |
| ۲۰ | ۲۱ | ۲ | ۸ | ۱۴ |
| ۳ | ۹ | ۱۵ | ۱۶ | ۲۲ |
| ۱۱ | ۲۷ | ۲۳ | ۴ | ۱۰ |
| ۲۴ | ۲۵ | ۶ | ۱۲ | ۱۸ |
| ۳ | ۴ | ۲۱ | ۱۸ | ۱۹ |

| | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۲ | ۱۶ | ۹ | ۱۴ | ۱۴ | | ۱۴ | ۱۴ | ۹ | ۱۶ | ۲ |
| خانه ۱۵ | ۱۱ | ۱۳ | ۱۵ | ۲۵ | خانه ۱۱ | ۲۵ | ۱۵ | ۱۳ | ۱۱ | ۱ |
| ۲ | ۲ | ۱۷ | ۱۰ | ۶ | | ۶ | ۱۰ | ۱۷ | ۱۲ | ۲۰ |
| ۲۳ | ۸ | ۵ | ۲۲ | ۷ | | ۷ | ۲۲ | ۵ | ۸ | ۲۳ |
| ۷ | ۲۲ | ۲۱ | ۸ | ۲۳ | | ۴ | ۱۹ | ۲۱ | ۱ | ۲۰ |
| ۶ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۰ | ۲۰ | | ۲۴ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۰ | ۲ |
| ۲۴ | ۹ | ۱۳ | ۱۷ | ۲ | | ۲۳ | ۹ | ۱۳ | ۱۷ | ۳ |
| ۲۵ | ۱۶ | ۱۱ | ۱۲ | ۱ | | ۸ | ۱۶ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۸ |
| ۳ | ۴ | ۵۱ | ۱۸ | ۱۹ | | ۶ | ۷ | ۵ | ۲۵ | ۲۲ |

خانه ۱۶ — خانه ۲

برای همین نقوش از خانه هاے مختلف نوشته دادم که بدین روش از هر خانه که خواهد نقش پر نماید و برین ترتیب عدد وقف طبعی برآورده مسدس شکل سازد و عدد مطروحه برآورده طرح دهد باقی را برابر حصه نماید و از یک حصه نقش را پر نماید مثلاً مسدس که اصل ششش است شش را در شش زدیم سی و شش شدند یک عدد عدل افزودم سی و هفت شدند آنرا سه حصه چند نمودم زیرا که سطر اول شش ست چون نصف کنی سه خواهد شد پس سه چند کردم یکصد و یازده شدند دانستم که ازین عدد کم در مسدس نه آیند زیاده را مضائقه نیست پس عدد مطروحی اینکه از سی و شش یک نقصان کردم سی و پنج شدند آنرا سه حصه کردم یکصد و پنج شدند آنرا طرح دادم باقی ماندند از یکصد و یازده شش آنرا سه حصه کردم یکصد و پنج شدند آنرا طرح یک حصه نقش پر کردم و طرز رفتارشان همچو مثلث و اسپه است پس همین تدبیر نقش مسبع و مثمن نیز پر کنند اما ترتیب و طریق دعوت همه نقوش اینکه نقوش مثلث نوشته بالا را دعوة بر عناصر ست یعنی هر چهار نقش را تا ۴۰ روز با ترک لذات حیوانات پانزده بار هر یک را بنویسد و آتشی را در آتش گذارد و بادی را در باد پانزده بار نوشته پانزده روز گذارد و آبی را در آب نوشته اندازد و خاکی را در خاک بنویسد و در خاک پانزده روز گذارد و بعد گذشتن چهار روز نقش هر روزه نوشتن

معمول کنند پس در مقدمہ محبت و تسخیر و فتوح و صحت بیماری آتشی را اجرا دارد و در مقدمہ
جنگ و فتح و خرخشہ و دفع بیمار و آسیب خانہ و فلیتہ و حاضرات و بیماری کہنہ وغیرہ بادی
را اجرا دارد و در مقدمہ محبت زن و مواصلت و کندیدن چاہ و تیاری باغ و رفتن
پیش امیر و تسخیر عالم نقش آبی را اجرا دارد و بمقدمہ نفاق و جدائی دو کس و زبان بندی و
دفع حسد حاسدان و تحصیل مال و ساختن عمارت و رفتن بسفر و تیار ساختن نسخہ ادویہ و
کیمیا وغیرہ از خانہ خاکی اجرا دارد کہ اثر تمام بخشند و اکثر جا بجا در عملیات استادان این ہر
یک نقش را نوع بنوع طریقہ زکوٰۃ نوشتہ اند وجہ اینکہ ہر کس را بہر یک وجہ کہ از استادان
خویش رسیدہ بآن طریق نوشتہ ہمہ صحیح ست آنچہ کہ خاصیت باشد باعث استعجاب نیست زیرا کہ
عجائب گنج مخفی در این ہر دو نقش اجل و خواہستند و استادان تراکیبش مخفی داشتہ اند
ازین نقوش زر نقد و زر نقرہ تیار شدن این فقیر بچشم خود دیدہ است و باید دانست
کہ نقش آتشی را موکل عزرائیل ست و نقش بادی را موکل جبرئیل و نقش آبی را موکل
میکائیل و نقش خاکی را موکل اسرافیل ست و ہمین طور موکلات ہر خانہ در مربع -
ہمین موکل اند و ترکیب زکوٰۃ مربع اینکہ آتشی نقش راسی و چہار نوشتہ در آتش کند و بادی
را در باد بپرانند و قس علی ہذا و ترکیب احسن اینکہ در ساعت زہرہ ۶۵ نقش نوشتہ
بخورات روشن کردہ در آرد گولی بستہ بدریا تا شصت و پنج روز رسانیدہ باشد در ین
زکوٰۃ از ہر کدام نقش پرہیز ترک لذات و حیوانات ضرورست پس اینقدر شرح نقوش
کردہ دادم کہ بکار دوستان آید فاما نقوش کہ از بزرگان باین تخفیف آمدہ است
برمی نگارم و از ناظرین کتاب طمع دارد کہ فقیر را در جلسہ خلوت لی مع اللہ وقت یاد نمایند
و بدعا خیر آمرزش این تخفیف دست اجابت بردارند باللہ التوفیق و نقوش را از
نقش بسم اللہ آغاز نمایم کہ بسم اللہ سر کلام اللہ است و آغاز مہر کار از ین بہتر ست
نقش بسم اللہ عجیب نقش ست اگر کسے این نقش را از قاعدہ عربی نوشتہ

بدارد و از قاعدهٔ اعداد چهل روز بدین تدبیر پر کند که چهل و یک نقش عبارت و چهل و یک نقش اعداد هر روز علے الصباح با وضو در یک جلسه نوشته در آرد گولی بسته بدریا رسانیده باشد عامل این هر دو نقش گردد و در هر مقدمه که بنولسید اثر تمام بخشد خصوصاً در مقدمه مریض اگر هر روزه هر دو نقش نوشته شسته بنوشاند زود صحت یابد اگر کسے را مرض خونی که از دهن خون بر می آید یا از شکم خون آمده باشد نوشته سه روز متواتر بنوشاند شفائے مطلق یابد و اگر بر سفر و جنگ و قضیه رود هر دو نقش نوشته بر بازوی خویش به بندد به فتح و نصرت باز آید و این نقوش بسیار اسناد دارند اگر عامل باشد بظهور آید نقوش عربی و عددی هر دو اینند

بسم اللہ الرحمن الرحیم

ب ب ب ب ب
س س س س
م م م م
ا ا ا ا ا
ل ل ل
ہ ہ ہ ہ ہ ہ ہ ہ
ا ا ا ا ا ا ا ا ا
ل ل ل ل ل ل ل ل

بسم
اللہ
حمن
حیم
الر الر

بسم اللہ الرحمن الرحیم

ر ر ر ر ر ر ر ر ر ر ر
ح ح ح ح ح ح
م م م م م م م م م
ن ن ن ن
ا ا ا ا ا
ل ل ل ل ل
ر ر ر ر ر ر ر ر ر ر ر ر
حیم حیم حیم حیم حیم حیم حیم

و این نقش عددی بصورت اعداد این است و اعداد بسم اللہ صحیح ۷۸۶ است

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲۶۵ | ۲۵۸ | ۲۶۳ |
| ۲۶۰ | ۲۶۲ | ۲۶۴ |
| ۲۶۱ | ۲۶۶ | ۲۵۹ |

نوع دیگر نقش سورهٔ یٰسین هر چند که در باب دوم صفت این سورهٔ معظم بسیار کرده ام آن اسناد آیات بود که دران باب توصیف ہے

ایت کرده بودم چون این باب سوم که پر از نقشیات است و ابتداء از نقش بسم الله کردم و
نقوش الحمد و اذا جاء و انا اعطینا بضرورت و بمناسبت ذکر و عبارت در باب دوم نوشته شده
اما این نقوش سوره یٰسین بهزار مشقت و تلاش بهم رسانیده و صحیح نموده برای عاشقان
این علم نوشته دادم که اگر ضرورت تمام یٰسین را نوشتن بود آنجا موقع نوشتن مطول نباشد آنجا
نقش سوره مذکور که از یک پاؤ پاره اندک زیاده است این نقش مثل دریا در یک کوزه هست
باید نوشت وصف کردن این نقش زبان ندارم که بیان نمایم اگر چهل روز بکنارهٔ دریا رفته
غسل کرده این نقش پر کند و در شکر و آرد گولی بسته به ماهیان میداده باشد و چون چله تمام
شود آن روز شیر برنج یک کونڈه تیار کرده نیاز موکلات و نیاز پیغمبر صلعم داده قدری بقدر اشتها
خود بخورد و باقی را بدریا تا بساق رفته بگذارد بنماز روز عامل این نقش خواهد شد پس در هر مقدمه که
این نقش بنویسد اثر عظیم دارد و در میان کٹوره اگر نویسد بنام دزد کٹوره جاری شود و اگر نوشته
پیش خود دارد و خون از دست خود شده باشد و پیش بادشاه برای مواخذه رود خون بیشک
معاف شود و در جنگ بفتح و نصرت باز آید و هر کسیکه از پنجاه ساله رفته بود و خبر زندگی و مرگ
هرگز نباشد اگر این نقش معظم و مکرم نوشته و جامه طاهر پوشیده بعد نماز عشا زیر سر داشته و نیز
پشت نقش اسم آن غائب مع مادر نوشته بدارد بیشک آن غائب در خواب آمده تمام کیفیت
خود بیان نماید و اگر نقش مذکور برای آمدن غائب زیر بار گران نهد غائب هر جا که باشد بیقرار
شده حاضر شود و اگر معشوقه یا شوهر از زن و یا زن از شوهر یا هر کسیکه جدا شده باشد این نقش
با مشک و زعفران نوشته و عطریات مالیده در روغن خوشبودار بروز پنجشنبه با طهارت تمام
چراغ روشن کند و روی او سمت مطلوب کند و در سه فلیته انشاء الله مطلوب حاضر شود اگر
بر کسیکه دشمن خود شده باشد یا از خود آزرده خاطر باشد سه نقش نوشته در قند آمیخته با او
بنوشانند مطیع گردد اگر زنی عقیمه باشد چهل روز هر روزه یک نقش در گلاب و کیوڑه شسته
بخورانند حامله گردد اگر بر کسی دخل سحر شده باشد این نقش سه روز نوشته بنوشانند بیشک صحت یابد

واگر مریض قریب ہلاکت باشد واین نقش نوشتہ ہر روزہ در آب تازہ بنوشاند اگر خواستہ
خداست وزندگیش باقی باشد در ساعتہا صحت وآرام یابد وروز بروز صورت صحت
پدید آید اگر خواہد کہ درمیان دوکس جدائی وخصومت واقع شود این نقش معظم ومکرم
دریو ترکیب بنولیسد یکے بوقت ساعت مریخ دریافتہ بر پارچۂ کہنہ سفید از پوشش ازان
ہردو یکے را بود بروز شنبہ برو بنولیسد وبرپشت نقش ہذا این عبارت بنولیسد۔
والبغض والعداوۃ بین فلان بن فلان وفلان بن فلان واقع شود بحق سورۂ ہذا
پس آن پارچہ را در گور کہنہ دفن کند وآن گور کہ از بام خویش افتادہ بود بر سینہ مردہ
کندیدہ دفن کند ونقش دیگر نوشتہ در آبخورۂ خرد داشتہ باین ترکیب بکنارۂ دریای
دفن کند کہ در سیاہی سرکہ کہنہ آمیختہ بر جامہ آن دوکسان عمرو وزید ہرکہ باشد بروز
سہ شنبہ بنولیسد ودر کوزۂ مسطور نہادہ قدرے رائی بر نقش ہم نہد ودہن کوزہ بستہ
برلب آب دریا دفن کند انشاء اللہ تعالی در عرصۂ چند روز خود بخود درمیان آن ہردو
کسان آنچنان نزاع پیدا شود کہ قاتل جانبین شوند واگر خواہد کہ کسی را در نکاح خود آرد
این نقش سہ بار در قند وشکر مع نام خود ونام او برپشت نقش نوشتہ بنوشاند زن خود بخود
بنکاح راضی شود گردد اگر کسے را مردی بستہ باشد بر ظرف چینی از گلاب وکیوڑہ بنویسد
وہفت روز بنوشاند انشاء اللہ تعالی مرد گردد اگر زبان بندی جماعتے منظور باشد سہ
روز باین نقش نوشتہ در چاہ بیندازد آن ہمہ کسان چون بنوشند زبان ہمہ از بدگوئی
باز ماند اگر مسافری سفر کند وپیادہ باشد کہ این نقش نوشتہ در ران راست بہ بندد و
لاکن ظاہر باشد وتمام راہ باوضو رود اگر پنجاہ فرسنگ در یک روز رود ہرگز ماندہ نشود
ودر منزل فرود آمدن بکشاید اگر آسیب زدہ ومجنون شدہ را سہ روز نوشتہ بنوشاند
صحت یابد اگر در مکانی کہ دخل آسیب باشد نوشتہ در دیوار بچسپاند آسیب ازان

همگان گریزان شود و اگر حمل حامله قایم نمی ماند تعویذ نوشته در کمر به بندد و بینک حملش قایم ماند تا که شاید بچه پیدا نشود و بهر مکانیکه آسیب کلوخ می اندازد نوشته بدیوار بهر طرف بچسپاند سنگ باز نه آید اگر کسے را مال وزر دزد رفته باشد این نقش را نوشته در زیر سر بوقت خفتن بدارد صورت دزد در خواب صاف بنظر آید و برائے مار گزیده نوشته بنوشاند اثر تمام بخشد و اگر در زراعت خود دفن کند زراعت بجد شود و اگر بمال خود همیشه دارد مال هرگز کم نگردد و برکت زیاده شود و این نقش و این ترکیبات فقیر را از بزرگی ذو کمال بهم رسیده است استاد او اکثر اند اینجا بنوشتن کتاب مطول میگردد لهذا با یجاز کوشیدم و باید که در بر مقدمه اسماء موکلات هر چهار که بر گوشهٔ نقش نوشته اند بضرورت باید نوشت و اعداد این هر چهار موکل یعنی جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل بر آورده بر گوشهٔ نقش نوشته شده اند که هر چهار موکل حاکم این نقش اند بدون هر چهار گواهان اجرائے کار این نقش دشوار است و اعداد تمام سورهٔ موصوف دو لک پانزده هزار ششصد و پنجاه و سه اند و کامل اعداد هستند و عدد اسماء موکلات برین عدد مزید هستند و بیرون این نقش اند و این سوره جان تمام قرآن و این نقش جان سورهٔ ممدوح است زیرا که عبارت قرآن مثل تن است و عدد الحروف مثل روح در قالب هستند پس بزرگی روح مزید از تن باشد عزیز باید داشت نقش اینست

۲۴۵ ۷۸۶ ۱۰۱

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۱۱۸ ۴۳ | ۱۴۳ ۴۳ | ۱۳۷ ۴۳ | ۱۳۱ ۴۳ | ۱۲۴ ۴۳ |
| ۳۲ ۴۳ | ۱۲۵ ۴۲ | ۱۱۹ ۴۳ | ۱۳۹ ۴۲ | ۱۳۸ ۴۳ |
| ۱۴۰ ۴۳ | ۱۳۴ ۴۳ | ۱۳۳ ۴۳ | ۱۲۲ ۴۳ | ۱۲۰ ۴۳ |
| ۱۲۷ ۴۳ | ۱۲۱ ۴۳ | ۱۴۱ ۴۳ | ۱۴۵ ۴۲ | ۱۲۹ ۴۳ |
| ۱۳۶ ۴۳ | ۱۳۰ ۴۳ | ۱۲۳ ۴۳ | ۱۲۱ ۴۳ | ۱۴۲ ۴۳ |

۳۸۲ ۳۱۹

نوع دیگر نقش آیة الکرسی مجرب و آزموده در صفت آیه ممدوحه نقش بهم رسانیده ام -
زبان در صفت این نقش قاصر است که آیهٔ شریفه حصار هفت افلاک و زمین ست
خاصیت نقش عدوی و عزبی از حد مبرهن ست اندک از آن مینویسیم اول اینکه هر زنی را که حمل
ساقط میشود یا بچه شده فوت میشود این نقش معظم را بر لوح نقره بساعت مشتری در گلوی بچه بندد
انشاء الله تعالیٰ از مرض محفوظ ماند و چیچک وام الصبیان و آسیب و تشنگی دهن و تشنج
عروق و واژگون نمودن چشم و آنچه امراض که طفلان لاحق میشوند مصئون و محفوظ ماند و اگر
و اگر بر کاغذ از مشک و زعفران نوشته در کمر حامله بندد هرگز حمل ساقط نشود و نیز اگر گنڈہ چہل گره با
آیة الکرسی خوانده مع آن نقش در کمر بندد حملش قایم ماند و اگر از کمر نکشاید بچه پیدا نشود و اگر در
بازوی مرد طرفی عزبی و طرفی عدوی هر دو نوشته به بندد در هر جنگ و قضایا که رود در حفظ حافظ ازلی
باشد و اگر زن حامله بندد بالفرض اگر از بام بیفتد حملش ساقط نگردد و چون هشت ماه حمل شود گنڈہ بکشاید
و بدارد و قتیکه بچه پیدا شود نیاز پیغمبر صلعم دهانیده در گلوی بچه بیندازد محفوظ ماند و در هر مرض که سه روز
شسته بخوراند صحت یابد و در دل هر کسیکه از طرف خود دشمنی و نفاق باشد نقش ممدوحه را نوشته
و بر پشت نقش این عبارت بنویسید فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان و آنکس را بنوشانند
بیشک از خاطر آنکس دشمنی بدر رود - نقش ممدوح اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۵۱۱ | ۳۵۲۳ | ۳۵۲۰ | ۳۵۱۷ |
| ۳۵۲۱ | ۳۵۱۶ | ۳۵۱۲ | ۳۵۲۲ |
| ۳۵۱۶ | ۳۵۱۸ | ۳۵۲۵ | ۳۵۱۳ |
| ۳۵۲۴ | ۳۵۱۴ | ۵۱۴ | ۳۵۱۹ |

وبعد نقش عدوی آیة الکرسی نقش عزبی نگاشته می آید و نقش عزبی هر آن خاصیت که عدوی
دارد این هم دارد بلکه اکثر از آنست و نقش عدوی نوشتن سهل ست که در مطالب باطنی بکار

نمی آید و نقش عزبی مطول و دشوار ست و در ظاهری مقدمات مثل بیماری و جنگ وغیرہ بکار می آید و آنچہ صفات عددی نوشتہ ام این را نیز در آن کار جاری کند خطائے ندارد عزیز باید داشت نقش اینست

بسم اللہ الرحمن الرحیم

جبرئیل ۷۸۶ میکائیل

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| اللہ لا الہ الا ھو الحی | القیوم | لا تاخذہ سنۃ | ولا نوم | لہ ما فی السمٰوٰت | وما فی الارض | من ذا الذی یشفع عندہ الا باذنہ | یعلم ما بین ایدیھم |
| القیوم | لا تاخذہ سنۃ | ولا نوم | لہ ما فی السمٰوٰت | وما فی الارض | من ذا الذی یشفع عندہ الا باذنہ | یعلم ما بین ایدیھم | وما خلفھم ولا یحیطون |
| لا تاخذہ سنۃ | ولا نوم | لہ ما فی السمٰوٰت | وما فی الارض | من ذا الذی یشفع عندہ الا باذنہ | یعلم ما بین ایدیھم | وما خلفھم ولا یحیطون | بشیء من علمہ الا بما شاء |
| ولا نوم | لہ ما فی السمٰوٰت | وما فی الارض | من ذا الذی یشفع عندہ الا باذنہ | یعلم ما بین ایدیھم | وما خلفھم ولا یحیطون | بشیء من علمہ الا بما شاء | وسع کرسیہ السمٰوٰت والارض |
| لہ ما فی السمٰوٰت | وما فی الارض | من ذا الذی یشفع عندہ الا باذنہ | یعلم ما بین ایدیھم | وما خلفھم ولا یحیطون | بشیء من علمہ الا بما شاء | وسع کرسیہ السمٰوٰت والارض | ولا یؤدہ حفظھما |
| وما فی الارض | من ذا الذی یشفع عندہ الا باذنہ | یعلم ما بین ایدیھم | وما خلفھم ولا یحیطون | بشیء من علمہ الا بما شاء | وسع کرسیہ السمٰوٰت والارض | ولا یؤدہ حفظھما | وھو العلی |
| من ذا الذی یشفع عندہ الا باذنہ | یعلم ما بین ایدیھم | وما خلفھم ولا یحیطون | بشیء من علمہ الا بما شاء | وسع کرسیہ السمٰوٰت والارض | ولا یؤدہ حفظھما | وھو العلی | العظیم عزرائیل |

نوع دیگر نقش قل ھو اللہ عددی و عزبی اینست بدانکہ عمل قل ھو اللہ در باب دوم مع نقش معنون و ترکیبات مجرب و نقش حاضرات آنچہ کہ باین فقیر رسیدہ بود نوشتہ دادم

چون این باب از زیور نقشیات آراسته است از نوجه اینجا نقش عزبی و عددی که عطا
فرموده حضرت شاه اجنبی ساکن سورت بمبئی ست بر مینگارم و صفت این هر دو نقش
چه ادا نمایم و از کجا زبان ملک آرم. هیچ تاثیری نباشد که درین هر دو نقش نبود اگر مریض
مرض تپ دق را و انداختن خون از دهن و شکم و جذام و هر مرض که لا دوا باشد بدارد و این
نقش عزبی چهل نقش نوشته در چهل روز بنوشاند بیشک صحت یابد بشرطیکه باوضو باشد آن
وقت نقوش بنویسید و اگر نیز بر پوست آهو که در شکم اندرون او باشد بروز پنجشنبه نوشته
بر بازوی محبوس به بندد بیشک رهائی یابد و اگر شخصی که مالش بدزدی رفته باشد نوشته در
کلام مجید بدارد صورت دزد در خواب بیند اگر شخصی از پنجاه سال گم شده باشد و هیچ خبرش
نرسیده باشد اگر از مشک و زعفران نوشته باوضو در زیر سر نهاده بخسپد او را با کیفیت تمام در
خواب بیند و اگر حامله را حمل ساقط میشود نوشته در کمرش بندد فوراً خون و درد موقوف شود
اگر غائب را طلبیدن منظور باشد نوشته درمیان دو سنگ گذارد و متصل آتش دان یا در
سایهٔ آفتاب بدارد بیشک باز گردد و حاضر شود و در هر مقدمه که نویسید بکار آید و در مقدمه محبت
نیز بهدف ست بهر ترکیب که از عقل خویش اجرا کنند اثر تمام بخشد و خواصات نقش عزبی و
عددی یکسان ست و در عمل فقیر روزمره بکثرت تمام همیشه هر دو نقش که سریع التاثیر اند جاری
هستند و بدانکه اگر از هر دو نقش زکوٰة بدین نوع بارے چهل روز دهد عامل هر دو نقش باشد
مجرب است و در هیچ مقدمه هیچگاهے خطا نکنند و طریقه زکوٰة دادن اینست که از عروج
ماه زائد النور هر روزه چهل نقش عزبی خواه عددی باوضو نویسید و هر روزه در آرد گولی بسته
بدریا رسانیده باشد و بروزه تمامی شیر برنج پخته از دست خود باحتیاط تمام فاتحه داده به دریا
رساند و اندک ازان خود بخورد پس عامل شود نقش ممدوح که اکنون او را
بنهایت کوشش و جان فشانی کثیره بیان کردم

قابل یاد است عزیز باید داشت و بنا اہل نباید داد انتشار اینست

| جبرئیل | بسم اللہ الرحمن الرحیم | | | | | | میکائیل |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| قل ۱۳۰ | ہو ۱۱ | اللہ ۶۶ | احد ۱۳ | اللہ ۶۶ | الصمد ۱۶۵ | لم ۷۰ | یلد ۴۴ |
| ہو | اللہ | احد | اللہ | الصمد | لم | یلد | ولم ۷۶ |
| اللہ | احد | اللہ | الصمد | لم | یلد | ولم | یولد ۵۰ |
| احد | اللہ | الصمد | لم | یلد | ولم | یولد | ولم ۷۶ |
| اللہ | الصمد | لم | یلد | ولم | یولد | ولم | یکن ۸۰ |
| الصمد | لم | یلد | ولم | یولد | ولم | یکن | لہ ۳۵ |
| لم | یلد | ولم | یولد | ولم | یکن | لہ | کفوا ۱۰۷ |
| یلد | ولم | یولد | ولم | یکن | لہ | کفوا | احد ۱۳ |
| اسرافیل | اعداد کل ۱۰۰۲ | | | | | | عزرائیل |

ونقش عددی قل ہو اللہ کہ بہر صحت پیراستہ است اینست نگاہ باید داشت مراورا

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۴۳ | ۲۵۶ | ۲۵۳ | ۲۵۰ |
| ۲۵۴ | ۲۴۹ | ۲۴۴ | ۲۵۵ |
| ۲۴۸ | ۲۵۱ | ۲۵۸ | ۲۴۵ |
| ۲۵۷ | ۲۴۶ | ۲۴۵ | ۲۵۲ |

نوع دیگر نقش قل اعوذ برب الفلق از بزرگی بہم رسیده مجرب ست و آزموده اگر کسے در خواب بترسد یا خواب بد نظر می آید یا در مکان خوف پیدا میشود باید که این نقش نوشته در گلوی خود بندد از خواب بد و خلاف نجات یابد اگر بر بازوی خود بروز پنجشنبه بندد محبوس زود خلاص شود و ہر کسے را که وسوسهٔ شیطان مثل خفقان در مزاج باشد سه روز نوشته شسته بخورانند صحت یابد و ہر کسے را که احتلام زیاده میشود این نقش برابر دل دارد از وسوسهٔ احتلام محفوظ ماند و بر ہر کسیکه سحر کرده باشد یازده نقش نوشته یازده روز بنوشاند و یکی در بازوے مریض به بندد صحت مطلق یابد و نیز ہمچنین مجنون را چہل روز نوشته بنوشاند صحت ہمگی یابد مجرب ست و نقش ہذا این ست به صحت تمام

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۴۶ | ۲۶۰ | ۲۵۷ | ۲۵۴ |
| ۲۵۸ | ۲۵۳ | ۲۴۷ | ۲۵۹ |
| ۲۵۲ | ۲۵ع | ۲۶۲ | ۲۴۸ |
| ۲۶۱ | ۲۴۹ | ۲۵۱ | ۲۵۶ |
| | اعداد ۸۲۱۷ | | |

نوع دیگر نقش کلمهٔ طیب که پر از نور وحدت الوجود و ایمان کل المؤمنین ست و اذن عمل این نقش باین فقیر در خواب از طرف بزرگے شده است و این نقش ایمان دول

وجان قرالست وقفل جنت چنانچه در حدیث آمده من قال لا اله الا الله محمد رسول الله دخل الجنة ه - پس بدان ای عزیز که این چنین نعمت متکاثره برا ے هر مسلمان داخل این کتاب کرده ام بگیر و این فقیر را بدعای خیر یاد کن وتوصیف این نقش چگونه یاد کنم که صفات این نقوش هر دل عزیز بر خاطر فیض مآثر هر امیر وفقیر واضح ولائح اند وآنچه که لذت این معنی در دل صوفی جا یافته خدا ایش آگاه باشد وخدا تعالے نصیب هر مومن کند و عدد تمام کلمۂ طیب شش صد وبست اند وبروایتے بسمع این فقیر آمده که پیش هرکسیکه این نقش باشد ششصد وبست ملائکه همراه آن کس باشند ومدام آن کس فراخ روزی وکامل الایمان باشد وهیچ نوع دخل شیطان بر و نه آید و در هر مرض مریض را نوشته بنوشاند صحت یابد و در هر جنگ که رود دارندۂ این نقش زخم هرگز نخورد و با فتح ونصرت باز آید وآنکه میگویند که مهر نبوت بر پشت صلعم بود العیز بینیاک همین نقش بر پشت آن صلعم بود که مهر نبوت مشهور ست وهر که این نقش هر روز چهل عدد نوشته در شکر وآرد گندم گولی بسته بدریا رسانیده باشد بیشک جناب رسالت مآب را در نوم زیارت کند وهمان روز عامل این نقش مکرم گردد وبرای هر مطلبیکه این نقش هم روزه بنویسد در آرد وشکر آمیخته گولی بسته بدریا افگند مطلبش بر آید و در دل هرکسیکه دشمنی باشد اگر سه نقش نوشته او را بنوشاند بیشک آن دشمن محب مطلق گردد واگر در میان زوجین الفت نگردد یکی نوشته زن پیش خود دارد ویکی نوشته در گلاب وقند شسته بمرد بنوشاند ونام هر دو بقاعدۂ دستور بر پشت نقش نوشته دهد تا شوهرش مطیع گردد وبهر مقدمه که بعمل آرد اثر تمام بخشد هر که فنک آرد کافر گردد من نقش عددی وعزلی هر دو نوشته ام که هر دو خاصیت یکے دارند آن اینند

| جبرئیل | ۷۸۶ | ۷۸۶ | میکائیل |
|---|---|---|---|
| ۱۴۷ | ۱۶۱ | ۱۵۸ | ۱۵۵ع |
| ۱۵۹ | ۱۵۳ | ۱۴۸ | ۱۶۰ |
| ۱۵۲ | ۱ع۶ | ۱۶۲ | ۱۴۹ |
| ۱۶۲ | ۱۵۰ | ۱۵۱ | ۱۵۷ |
| اسرافیل | | | عزرائیل |

## نقش عزلی اینست
۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| لا | اله | الا | الله |
| اله | الا | الله | محمد |
| الا | الله | محمد | الرسول |
| الله | محمد | الرسول | الله |

نوع دیگر نقش عجیب و غریب حامل هفت زمین و آسمان برای صفت این نقش و نوشتن اسناد و آن زبان ملائکه و قلم قدرت می باید که بیان نماید این ذره بمقدار را چه یارا که توصیف بر زبان آرد و خواص اسماء الهی که در میان این نقش با موقع و مناسب عدد مطابق داخل هستند و حروف مقطعات کلام الهی که مشحون برکت و با عظمت تمام تر هستند داخل این نقش اند و آیات کلام الله که چهار آیات معظم هستند و آن آیات اینچنین هستند که اگر ازین یک آیت بدست کسی می باشد و آن را در انگشترے بکنند اند و پیش خود بدارد هرگز محتاج نشود و زیاده صفت این نقش چه بیان نمایم الا از بانی بزرگے شنیده ام که این نقش را مشکل کشا میگویند امتحانش در گلوے گوسپند بسته شمشیر زند یقین است که زخم نه افتد و هر کسیکه خون کسے کرده باشد و خونی مقید باشد اگر بر بازوی آن خونی بسته باشد مدعی خونش بخشیده دهد و اگر مسافر در کمر بندد اگر در یک روز صد فرسنگ راه رود مانده نشود و در مقدمهٔ محبوس و روزگار

بهر ترکیب که عامل از عقل خود راه دهد یقین ست که تیر بهدف باشد ای برادر نقش مشکل کشا را بسیار عزیز و پوشیده داری و از قدر کیمیا زیاده قدر پنداری اگرچه قابل نوشتن کتاب این نقش نبود الا همه نعمت که داخل این کتاب کرده ام بس بر

این نقش چه بخل نمایم بناچاری نوشته دادم اگر صاحب علم و عمل باشی خود بانصاحب قدر این نقش پنداری و از نااهل پوشیده داری و زکوة این نقش همین که چهل روز باصوم باشی و افطار با شربت نمائی و هر روز آن قدر طعام پخته نمائی که خود بخوری و یکی در دیش را نیاز موکلات این نقش داده بخورانی پس بعد چهل روز عامل شوی نقش این ست

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| الر الر الر المص ... حم | یا جامع | | ن ق | حم حمعسق | |
| | بسم الله الرحمن الرحیم ماشاء الله لاقوة الا بالله العلی العظیم | بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین | بسم الله الرحمن الرحیم وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد | بسم الله الرحمن الرحیم حسبنا الله ونعم الوکیل علی الله توکلنا | المص الر کهیعص طس طسم ص ص |
| | ع٧ لا ا ٣ | ١٦٢١ | ١٢ ٦ ٩ | ٣٩ ٣٣ | |
| | ل ٣٩٣ | ١ ٢ لالا ٣ | ل ل ١٢ | غ ٥ ٧ ٢٦ | |
| | ٦ ل ١٣ | ٦ لا ا ٢ | ٦ ٣ ٩ ٣ | لالا لا ٣ | |
| | طس یس ٢١ ص حم | | عسق ق ن الم | | |

نوع دیگر عمل نقش تسخیر دست غیب و کشایش رزق این نقش مع اسماء الهی قبل از طلوع آفتاب از عروج ماه اول زکوة بدین طریق دهد که چهل نقش هر روز تا به یک چله نوشته در آرد گندم گولی بسته بدریا رسانیده باشد و هر روز یکصد و هشتاد بار این اسماء الهی قبل از نقش نوشتن میخوانده باشد و پرهیز با ترک حیوانات صرف داشته باشد چون برین منوال چهل روز تمام کند عامل شود پس هر روز یک نقش نوشته در جیب یا در همیان زر یا در غله هر قسم که باشد بیندازد و یکصد و هشتاد مرتبه این اسم هر روز وظیفه دارد انشاء الله همیشه کیسه او از زر پر ماند هر چند که صرف کند خالی نشود و هر چند غله که در اصراف آید

تمام نشود و هر روزه نو داخل شده باشد تمام عدد این اسم یکهزار و هشت صد و هفتاد و یک عدد اند و این نقش باین ضعیف از امیر امام بخش صاحب پیرزاده اولاد سید اشرف جهانگیر قدس الله سره در مقام اترولہ بہم رسیده و آزموده شده است الا بغیر دادن زکوة بعمل نمی آید اسماء که قبل نوشتن نقش خوانند اینست یا مفتح فتح بالخیر و نقش اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| اینخانه را خالی نگاه داشت ۴۶۰ عدد بالا بنویسید | | ۷۸۶ | |
| | ۴۷۴ | ۴۷۰ | ۴۶۷ |
| ۴۷۱ | ۴۶۶ | ۴۶۱ | ۴۷۳ |
| ۴۶۵ | ۴۶۸ | ۴۷۶ | ۴۶۲ |
| ۴۷۵ | ۴۶۳ | ۴۶۴ | ۴۶۹ |

نوع دیگر نقش در باب گریخته هر کس که باشد خواه برده بود یا کنیزک و من هر چند که در باب دوم از آنچه که آیات کلام الله شریف بود درین مقدمه نوشته دادم ولیکن درین باب امتیاز خاص کرده به نقشیات است لهذا نقش نوشته میشود چنانچه این نقش اگر برده یعنی غلام یا کنیزک گریخته باشد یا هر کسیکه آزرده خاطر از خویشان خود رفته باشد نوشته از درخت بر ریسمان سرخ ابریشم به بندد و چون باد خاص آن نقش را به جنباند آن کس که رفته باشد بشیک پریشان و نادم شده و باز گردیده انشاء الله تعالی نزد مالک یا پیش والدین آید این نقش مجرب و آزموده است و این نقش از عنایت و مهربانی شیخ سید بزرگ و اکمل و افضل بی مثل زمانه و علامه که در مقام بلرام پور ساکن بودند هست و بارها در چند جا آزموده شده است و چون آن کس باز آید زیر آن درخت که نقش در آن بسته است چیز شیرینی طعام و مانند آنچه که میسر باشد و نقش ممدوح اینست

| | | |
|---|---|---|
| بحق میکائیل والانجیل | ۱۱۱ ۹ ۱۱۰ ۵ ۱۵ ع۵ ۱۱۱ ط ۵۵ ۹ ۱ و | بحق جبرئیل والتوریت |
| | کھیعص لا الٰہ الا اللّٰہ محمد الرسول اللّٰہ  | |
| بحق عزرائیل والفرقان | ۱۱۵ ۱۱۵ ۱۱۵ ۱ ۵ | بحق اسرافیل والزبور |
| | ۵ ۱۵ ۱۱۱ ۱۱۵ ک ۱۵ ۱۱۱۱ | |



| | | |
|---|---|---|
| ۶ | ۴ | ۹ |
| ۱ | ۲ | ۹ |
| ۱ | ۲ | ۱ |

نوع دیگر عنایت مرزا ابراہیم بیگ صاحب بارۂ حاملہ ہر زنی را کہ حمل نمیماند یا حاملا می افتد باید کہ این نقش نوشتہ در کمر بندد بکرم الٰہی آن زن حاملہ گردد و تا ایام حاملہ و نقش ذیل کہ پر عدد است ہم پر ضرور باید نوشت و کسیکہ ضرر مزاحمت میرساند بآب شستہ بروئیش زند خواہ بحکم الٰہی دفع گردد و اسم ہر چہار ملائک مقربان مع نقش عددی کہ در چکر مست برشتہ نقش بنویسید این است

۷۸۶




| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| یا اللّٰہ | یا اللّٰہ | یا اللّٰہ | یا اللّٰہ | یا اللّٰہ |
| یا حکیم | یا حکیم | یا حکیم | یا حکیم | یا حکیم |
| یا مطیع | یا مطیع | یا مطیع | یا مطیع | یا مطیع |
| یا رحیم | یا رحیم | یا رحیم | یا رحیم | یا رحیم |
| یا رحمن | یا رحمن | یا رحمن | یا رحمن | یا رحمن |

نوع دیگر در مقدمۂ زبان بندی کسیکه حاسد و بدگو باشد این نقش که از اسم الٰہی ست و عدد نقش استادی برآورده نوشته مجربست وصفت این نقش در باب اول آنچه باین فقیر رسیده بود بوجه احسن نوشته ام پس این نقش در باب اول بدہان ماہی نہاده دہانش بند کرده و بسوزن دوخته بدریا اندازد انشاء اللہ زبان آن نمام بسته گردد نقش معظم و مکرم و اصح اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۲ | ۳۶ | ۳۲ | ۲۹ |
| ۳۳ | ۲۸ | ۲۳ | ۳۵ |
| ۲۷ | ۳۰ | ۳۸ | ۲۴ |
| ۳۷ | ۲۵ | ۲۶ | ۳۱ |

نوع دیگر نقش اسم شافی عنایت میر خدابخش صاحب رمالؒ در باب مریض بهر نوعیکه مرض داشته باشد یکی نوشته در گلویش بندد و چهار نقش نوشته بنوشیدن دہند در عرصۂ چهار روز صحت یابد و نقش مکرم و معظم اینست۔

۷۸۶

| ش | ا | ن | ی |
|---|---|---|---|
| ۷۹ | ۱۱ | ۲۹ | ۲ |
| ۸ | ۷۸ | ۳ | ۲۸ |
| ۴ | ۲۱ | ۹ | ۷۷ |

نوع دیگر برای دفع چیچک مجرب عنایت فرمودۂ میر بہادر علی شاہ ہر بچہ راکه در موسم چیچک اندیشۂ بر آمدن چیچک باشد یا تپ چیچک در وجود آن کودک مستولی شده باشد پس دو سه نقش نوشته یکے در چارپائی سمت سر به بندد و یکی در بازوی آن بچه به بندد و یکے نوشته بنوشاند بکرم الٰہی ہرگز چیچک بر نه آید و اگر بر آید ہرگز بآن بچه ایذا بهم نرسد مطلق آسان گردد و خطای ندارد نقش این ست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| الحمد للہ رب العالمین | یا رحمن | یا رحیم | یا کریم |
| یا حنان | یا منان | یا دیان | یا برہان |
| یا سلطان | یا حیُّ | یا قیوم | برحمتک |
| یا ار | حسم | الزا | حمین |

نوع دیگر نقش در مقدمهٔ تسخیر فتوح من عنایت میر بهادر علی شاه صاحب ساکن هانسی حصار مجرب وآزموده مطلق اگر این نقش در ساعت مشتری با مشک وزعفران بطهارت تمام بنویسد و در کیسهٔ زر بدارد انشاء الله هر روز در آن کیسه زر نو بنو داخل شود و هر چند که اصراف کند زیاده تر آید و اگر در غله بدارد هر روز در غله حق جل وعلا برکت فراوان ارزانی فرماید یعنی اگر غله صرف شود باز آنجا جمع گردد اگر در میان زمین زراعت دفن کند غله بسیار پیدا شود و اگر در دست خود بجای کلائی بربندد دست هر روز پر از مال ماند مجرب وآزموده است و این است

۲۴۵ ۷۹۸ ۱۰۱

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۹ | ۱ | لله | ۲ |
| ۱۱ | ع | ع | ۶ |
| ۱۵عه | ۱۳ | ۵ع | ۱ع۵ |
| ع شه | ۸ | ۳ | ۱۶ |
| ۳۹۲ | | | ۳۱۹ |

نوع دیگر نقش در مقدمهٔ بغض وحسد اگر خواهد که کسی را تباه کند یا ویران کند سه روز تواتر بست دو یا یک نقش بنویسد و بر پشت نقش مذکور اسم او و مادر او بنویسد و هر روز بوقت دوپهر در جای تنها نشسته همه نقش را در آتش تیز یعنی بر آتش ساکهو بسوزد و انا اعطینا میخوانده باشد و بجای لفظ ابتر سه بار بگوید که فلان هو الابتر هو الابتر هو الابتر در عرصهٔ سه روز بوجود دشمن آبله خواهند افتاد و تباه خواهد شد اگر همین نوع سه روز نوشته بوقت دوپهر به کنارهٔ دریای روان استاده شده انا اعطینا بطریق مذکوره بخوانده یک یک نقش بدریای روان کرده باشد بیشک در عرصهٔ هفته عشره آن کس از خانهٔ خود

ویران و تباه گردیده آواره دشت حرامان گردد مجرب است و عنایت میر بهادر علی شاه
است چون به مطلب خود برسد یکبار به روغن و شکر نیاز حضرت عزرائیل دهاینده در نار
آتش بسوزد خواه بدریا اندازد و الا نه وبال بر خود خواهد افتاد بسیار فهمیده بکار برد نقش
معظم و مکرم این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷ | ۷ | ۵ | ۱۲ |
| ۱ | ۱۷ | ۶ | ع ۶ |
| ۸ | ۱۳ | ۳ | ۹ ۷۰ |
| ۱۱ | ۲ | ۱۶ | ۶۷ |

**نوع دیگر** نقش حروفی معروف از بزرگی مجرب و آزموده در هر مقدمه بکار آید و این
نقش را بروایتی از حضرت امام جعفر صادق نزار دایر تمامی کنند از بزرگی باشد متاعی
نیک ست عزیز باید داشت و مع عبارت عربی و اسماء موکل می نویسند و بکار می برند.
در مقدمهٔ حب و بغض و تباهی دشمن و تسخیر عالم العبارت مختلف نویسید بدین ترکیب که
من نوشته ام اینست

۷۸۶

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| م | ح | م | د | ص | ی | ح | ت |
| ت | م | ح | ی | ح | ص | م | د |
| د | ت | م | ی | م | ص | ح | ح |
| ح | د | ح | ت | ص | ی | م | ا |
| م | ح | م | و | ص | ی | ح | ت |

نزمت علیکم و اقسمت علیکم یاروماییل ویا شرحاییل ویا اعجمون اشفعوا فلان بن
فلان بحق اسم اعظم المجیبی والصبور القو حب فلان بن فلان فی قلب فلان بن فلان
**و درصورت حب عبارت مرقومہ بنویسد و درصورت بغض بجای حب این**
بنویسد البغضوا فلان بن فلان بحق اسم اعظم المجیبی والصبور البغضوا علی البغض فلان
**بن فلان فی قلب فلان بن فلان و برای تسخیر عالم این عبارت**
**بنویسد** سخرونی قلب فلان بن فلان و برای تسخیر نیز عدد این کلمات کہ نوشتہ
میشود برآرد **قد شغفها حبا انا لنراها فی ضلال مبین** و ازین اعداد یک
صد و بست طرح دہد از باقی چہارم حصہ بگیرد و از خانۂ اول پر کند چہار در خانہ بیفزاید
و ہمراہ این نقش اول بکار برد مثلا ما۔ عددش برآوردم جملہ دو ہزار و ہفت صد
و نود و سہ شدند ازین یک صد و بست و یک طرح دادم باقی ماندند دو ہزار و ہفت
صد و ہفتاد و سہ حصۂ چہارم آن گرفتم شش صد و نود و سہ شدند یک باقی ماند
پس در ہر خانہ چہار چہار افزودہ کردہ بدین صورت نقش پر کردم او این ست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۶۹۳ | ۷۴۶ | ۷۳۳ | ۷۲۱ |
| ۷۳۷ | ۷۱۷ | ۶۹۷ | درین خانہ یک افزودم ۷۴۲ |
| ۷۱۳ | ۷۲۵ | ۷۵۴ | کہ یک باقی ماندہ بود ۷۰۱ |
| ۷۵۰ | ۷۰۵ | ۷۰۹ | ۷۲۹ |
| ۲۸۹۳ | ۲۸۹۳ | ۲۸۹۳ | ۲۸۹۳ |

پس درین نقش بشمارید کہ جملہ اعداد با وجود افزون چہار چہار در ہر خانہ دو ہزار و ہشت آمد

ونود و سه اند که ہمین اعداد آیۂ مذکورہ بالا اند **نوع دیگر** فلیتہ و نقش در باب محبت کسیکہ بر شخصے میل محبت داشتہ باشد بروز یکشنبہ خواہ پنجشنبہ خواہ سہ شنبہ این نقش را نوشتہ در روغن خوشبودار روشن کند و روے چراغ جانب خانۂ مطلوب کند بحول آلہی معشوق حاضر شود و اطاعت کند مجرب است مع اعداد زیرین بطوریکہ نوشتہ است بنویسد اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| سلح | هو | ملح | مسجد |
| امو | ملح | ملاغ | سمع |
| طلس | سلح | سلح | اسلح |

فلان بن فلان علے حب فلان بن فلان یا بنت فلان -

ط۱۹۱۱ ما ۱ ۹۱ ۱۷ ۱۱ ۹۱

ط۱۹۱ ۱۶ ۱۱ ۹۱ ۱۷ ۱۱ ۴۲ ۱۹ ۱ ۹۱ ۱۸ ۱ ۵

ط۱۱ امو ۱۷ ۹ ۱۱ ۷ ۵

**نوع دیگر** این علامت ہم براے محبت در پارچۂ معشوق کہ کہنہ باشد بنویسد و در چراغ نو بروغن کنجد بسوزد بر ضرور دلبر حاضر شود علامت اینست

و ٮ ھ ھ ھ

و لا ھ ھ ھ

الحب فلان بن فلان

**نوع دیگر** این نقش مجرب در مقدمۂ تپ و تپ لرزہ بسیار صحت باید کہ سہ نقش بر

طہارت تمام نوشتہ برائے نوشیدن دہد و یک نقش نوشتہ بر بازوی یا در گلوئے مریض بہ بندد انشاءاللہ تعالے در اندک عرصہ صحت مطلق یابد و باید کہ نقش ہذا مع بسم اللہ نوشتہ بکار برد نقش معظم و مکرم این ست

| قلنا یا نار کونی بردا | وسلاما علی ابراہیم | وارادوا بہ کیدا | فجعلناہم الاخسرین |
|---|---|---|---|
| ۷۳۶<br>۷۳۶ | ۴۰۷<br>۴۰۷ | ۶۲۰<br>۲۶۰ | ۱۲۳۱ |
| ۲۶۱ | ۱۲۳۰ | ۷۳۷ | ۴۰۶ |
| ۱۲۳۹ | ۲۴۸ | ۷۴۰۹ | ۷۳۸ |
| ۴۰۸ | ۷۳۹ | ۱۲۲۸ | ۲۴۹ |

اے برادر این نقشہا کہ بدوان دادن زکوٰۃ نوشتہ ام پس زکوٰتش ہمین ست کہ اکثر جا بکثرت تمام نوشتہ میدہی و کثرت درود شریف خواندن بیمانی و ہر کسیکہ با تقوی و طہارت باشد و ہمیشہ مصروف نماز و روزہ باشد و عبادت گذارد احتیاج در دادن زکوٰۃ بایں نقش نباشد الا عابد و زاہد شدن شرط است　　نوع دیگر این نقش

مجرب و آزمودہ برای گریہ کودک ست اگر کسی را کودک بسیار گریہ و نالہ کند و شب و روز مے نالد باید کہ این نقش معظم نوشتہ در گلوے آن طفل بہ بندد بفضل الٰہی گریہ آن کودک موقوف شود نقش معظم و مکرم رابع اعداد بسم اللہ و ترکیب آیۂ شریف زیر آن نوشتہ است بنویسد و این خیال درین نقوش کہ روش درست نباید و ہندسہ مکرر اند نکند نقش اینست

باب سوم باب سوم ۷۸۶ باب سوم



۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۱۳ | ۳۴ | ۷ |
| ۳۴ | ۶۱ ۶۰ | ۳۴ | ۱۷ |
| ۱۲۳ | ۱۷ | ۱۳۴ | ۱۷ |
| ۱۲ | ۹ | ۹ | ۴ |

لَا یَرَوْنَ فِیْهَا شَمْسًا وَّلَا زَمْهَرِیْرًا

نوع دیگر این نقش مجرب باسماء الٰہی براے ہر مرض و آسیب وغیرہ بکار آید بہر ترکیب کہ بنویسد اثر تمام بخشد شک نہ آرد و چند بار در مقدمہ مریض آزمودہ این نخیف ست و در مقدمہ حب نیز بکار آید نقش معظم و مکرم اینست بہمین ترکیب بنویسد

بسم اللہ الرحمن الرحیم

یا غفور یا غفور یا غفور ام ع ف ح ح ج م ا ع یا سید اشرف جہانگیر بحق اسماء ہذا و الجبرئیل ع

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۶ | ۲۹ | ۲۶ | ۲۳ |
| ۲۷ | ۲۲ | ۱۷ | ۲۸ |
| ۲۱ | ۲۴ | ۳۱ | ۶۸ |
| ۳۰۰ | ۱۹ | ۲۰ | ع ۲ |

**نوعدیگر** نقش مجرب در مقدمۂ درد عورت اگر زنی در درد گرفتار باشد و بکسی نوع بچہ پیدا نمیشود باید کہ این نقش نوشتہ در ران چپ بہ بندد فوراً بحکم الٰہی بچہ پیدا شود لیکن بعد وضع حمل زود بکشاید و نیز اگر کسے را بول بند شدہ باشد این نقش را نوشتہ در فخذ یسار آن بستہ دہد بفضل الٰہی بول کشادہ گردد این نقش را بسیار عزیز باید داشت و اگر قیدی کہ در قید شدہ باشد بر بازویش بہ بندد ان شاء اللہ زود رہائی یابد نقش معظم و مکرم اینست

جبرئیل ۷۸۶ عزرائیل

| | | |
|---|---|---|
| ح ۸ | ا ۱ | و ۶ |
| ج ۳ | ہ ۵ | ز ۷ |
| د ۴ | ط ۹ | ب ۲ |

میکائیل اسرافیل

**نوعدیگر**

صورت این علامت برائے دفع تپ لرزہ بسیار مجرب است باید کہ بر برگ پیپل این علامت را بنویسید و بر ہفت برگ بنویسید و ہمہ را لیسانند تپ لرزہ دفع گردد و اگر این علامت برای مصروع از خون مرغ سپید بر برگ پیپل نوشتہ در سر مصروع بندد بحول و قوت الٰہی جل شانہ و اعظم نوالہ صرع دفع و دور گردد و این نقش مجرب و آزمودہ شدہ است از استاد باین فقیر رسیدہ اینست



نوعدیگر نقش مجرب در مقدمۂ کودک و حمل خام کہ ہر زنے را حمل خام میرود یا حمل در حقیقت قایم نمی ماند باید کہ این نقش نوشتہ یکے بہ نوشیدن دہد و دیگری را در گلوبہ بندد و یا این نقش را نوشتہ در کمر بہ بندد و نقش معظم و مکرم بطوریکہ نوشتہ است نوشید اینست

| | | |
|---|---|---|
| جبرئیل | الٰہی بحرمت عبد الکریم و نوح کریم | میکائیل |
| الٰہی بحرمت عبد اللطیف و ابراہیم خلیل بزرگ | ۱۱ ع ۲۱ ۱۱ ۱۱ ع ۱۱<br>یا محمدؐ یا محمدؐ<br>یا حی یا قیوم<br>یا قایم یا قایم | الٰہی بحرمت عبد الرحمٰن و اسمٰعیل سعید |
| ہتوا سرا | الٰہی بحرمت عبد الرحیم گویند | ہہتا آ ہ ہ |

نوعدیگر نقش برای آنکہ ہر کسے را کہ کودک گریہ لبسیار کند و ہرگز قرار نمیگیرد باید کہ این نقش چہار عدد نوشتہ یکے در گلوے کودک بہ بندد و دیگر سہ عدد ششتہ بنوشاند بفضل الٰہی طفل قرار گیرد و از ہر آسیب و سحر و نظر بد وغیرہ محفوظ و سالم ماند و این نقش را مضاعف اجل گویند ہزار ہا خواص دارد ہر کہ عامل باشد قدرش داند اگر وقت ولادت بعد تولد فرزند نقش نوشتہ موم جامہ کردہ در گلوے طفل بیندازد ہرگز آن طفل بحکم خدا تعالی در مرض اُم الصبیان و جھوگہ وغیرہ مبتلا نہ گردد و مادرش نیز اگر آنرا نوشیانید و بر دیوار طرف سر بچسپاند بکرم الٰہی از ہر وقت از ہر آفت محفوظ ماند نقش مکرم اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۱۹ | ۲۲ | ۱ |
| ۲۱ | ۲ | ۷ | ۲۰ |
| ۳ | ۲۴ | ۱۷ | ۶ |
| ۱۸ | ۵ | ۴ | ۲۳ |

**نوع دیگر** این الفاظ را بطوریکه نوشته اند بهمین صورت بنویسد و برای آماس گلو و آماسیکه در زیر گوش میشود برائے آن ورم بر برگ پیپل نوشته آن برگهارا بر آن آماس ببندد انشاء اللہ تعالیٰ آماس و درد هر دو موقوف شوند الفاظ ممدوحه که بسیار مجرب و آزموده اند باین تدبیر اند

**نوع دیگر** در مقدمۂ حب مجرب و آزموده عنایت میر بهادر علی شاه صاحب ساکن هانسی هنسار هر کسیکه بر شخصے عاشق باشد یا اینکه تسخیر مرد یا زن خواهد پس باید که این نقش را که هشت در هشت است در عروج ماه از ابتداء روز دوشنبه

۷۸۶

| | |
|---|---|
| علق | علقه |
| سیه | بهم |

بکناره دریا روان رفته باوضو غسل نموده دو زانو نشسته چهارده نقش بنویسد و همونجا در آرد و شکر گولی بسته در دریا بماهیان دهد و باید که هر نقش مع اسماء طالب و مطلوب بنویسد تا به سیزده روز متواتر همین طور نوشته در بحر اندازد چون روز چهاردهم رسد بخانه خود غسل نموده قدری برنج تنها تیار ساخته در ظرف گلی که نو باشد در آن گرفته برابر آن شکر و برابر آن روغن زرد و برابر آن میوه و یک مرغ سفید همه را گرفته از کسی سخن نگفته بکناره دریا مذکور رفته اول مرغ که باواز بلند تکبیر اللہ اکبر بگوید ذبح کند و مثل ذبیحۂ شرعیه ذبح کند و تمام اسباب مع مرغ زرد پیش داشته فاتحه بر همه بنام موکلان این نقش و بنام پیغمبر صلعم دهد و بعده بدستور نقش نوشته و هر یک نقش را گولی بسته تا به سیزده نقش یک پیش خود دارد و دیگر را در دریا اندازد و نیز بر آن نقش اسماء طالب و مطلوب نوشته باشد و چون از نوشتن و گولی بستن فارغ گردد آن اسباب فاتحه مع مرغ وغیره همونجا دفن کند اگر بگذارد و هر که بخورد بیشک دیوانه خواهد شد و کار سائل بر آید لهذا دفن کند و گولیها را در دریا انداخته ما بقی نقش را گرفته بخانه باز آید و آن نقش را طالب بر بازو بندد انشاء اللہ بیکساعت مطلوب پیش او حاضر شود و اطاعت کند و اگر نه آید دیوانه و مجنون گردد و در عرصۂ چهارده روز پرهیز جلالی و جمالی کند تا راست آید نقش معظم و مکرم اینست

جبرئیل ۷۸۶ عزرائیل

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸۰ | ۴۸ | ۳۲ | ۱۲۰ |
| ۲۴ | ۱۲۸ | ۷۲ | ۴۸ |
| ۱۰۴ | ۱۶ | ۵۶ | ۹۶ |
| ۶۴ | ۸۸ | ۱۱۲ | ۸ |

میکائیل ۷۸۶ اسرافیل

نوعدیگر نقش در مقدمہ حب مجرب و عنایت میر بہر علی صاحب واوشان را از درویش ذوکمال صحر انشین حصول شدہ بود پس باید اول بوقت عشا این فلیتہ بنولیسد و یک ٹکٹی از چوب پنبہ زمہ تیار کردہ بر آن چراغ نونہادہ در روغن چمبیلی خوشبودار روشن کند و دیگر خوشبو و گلہا وغیرہ مہیا باشد انسب است و چراغ مسی اگر تیار کناند و در آن روغن کند نہایت بہتر و خود پیش روی چراغ نشیند و در روشنی آن نقش کہ در آخر لعدہٗ نوشتہ ام بنولیسد چنانچہ فلیتہ کہ روشن خواہد شد اینست

۷۸۶

| | |
|---|---|
| ۱۵ | ۱۰ |
| ۱۰ | ۱۵ |
| اسم خود | اسم مطلوب |
| اسم پدر خود | اسم مادر مطلوب |

پس در روشنی ہمین فلیتہ نقش لعدہٗ والیمع اسماء طالب و مطلوب بنولیسد و گولی بستہ در آتش کہ لوہان دران سوختہ است بیند ازد ہمین طور سہ نقش بسوزد و آن نقش مذکور بدین صورت ست

پس بعد سوختن نقش یکصد و یکعدد مرچ در دست گرفتہ بر ہر مرچ قل ہو اللہ خواندہ دم کردہ در آتش بیند ازد و در ہنگام انداختن مرچ گوید الساعۃ الساعۃ العجل العجل العجل بگردان زبان و دل فلان بن فلان واشغف دل و زبان بحبّا و پس ہمہ مرچ را بہمین نوع بسوزد تا چون فلیتہ تمام شود برخیزد و تا چہاردہ روز ہمین طور کند پس مطلوب مطیع و مسخر شود مجربست نوعدیگر طریقہ دعوت نقش بسم اللہ بقاعدہ دیگر از استادی ہم رسیدہ با نقش مربع کہ باین قاعدہ نوشتہ ام باید نوشت پس عامل بسم اللہ خواہی شد و این قاعدہ از ہمہ بہتر ست پس باید کہ بروز پنجشنبہ یا دوشنبہ در ایام زائد النور عشرہ اول آغاز نماید و در شب بعد نماز عشا پنجہزار و ہفتصد مرتبہ باین نوع بخواند واجب یا جبرئیل بحق بسم اللہ الرحمن الرحیم) و صبح بعد از نماز فجر نود و نہ ۹۹ نقش بر کاغذ سفید بنولیسد و ہمہ را جمع کردہ

در دریا روان بیندازد و عزلت اختیار کند و در حجره اکثر نشسته باشد چون ضرورت باشد
بیرون آید و نیز ترک حیوانات جلالی و ترک لذات کند تا یک چله بعد تمام شدن عامل شد
در هر مقدمه که نقش نوشته بکار برد اثر تمام بخشد و اگر بر چیزی که از زبان هفت مرتبه دم کند شفا
بخشد چون عدد بسم الله جمله هفتصد و هشتاد و شش اند از آن عدد نقش مربع که از استادی در دعوت
بدین صورت مقرر ست این ست **نوع دیگر** بدانکه نقش بست
در بست در جهان بهزار ترکیب مشهور ست لیکن بصحت نرسیده
که کدام صحیح تر ست و نقش بست در بست عدد اسم بدوح ست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۹۶ | ۱۹۹ | ۲۰۲ | ۱۸۹ |
| ۲۰۱ | ۱۹۰ | ۱۹۵ | ۲۰۰ |
| ۱۹۱ | ۲۰۴ | ۱۹۷ | ۱۹۴ |
| ۱۹۸ | ۱۹۳ | ۱۹۲ | ۲۰۳ |

و اکثر مردم مثلث بچند ترکیب مینویسند چون به دو سه طور باین فقیر این نقش بهم رسیده است
و اکثر اوستادان معتبر پنداشته اند لهذا در اینجا یاد کردم و نوشتم اگر کسی بنویسد اثر دهد جای
استعجاب نیست طریقه اول اینست - طریقه دوم اینست فافهم

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۱۰ | ۹ | ۱ |
| ۶ | ۲ ۷ ۸ ۳ | ۱۴ |
| ۴ | ۱۱ | ۵ |

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| | ۴ | |
| ۷ | ۱۰ | ۲ |
| | ۶ | |

و باز این نقش معروف بست در بست از شاه غلام حسین صاحب
در گوپاموباین فقیر رسیده مجرب ست و اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۸ | ۲ | ۱۰ |
| ۵ | ۷ | ۴ |
| ۳ | ۱۱ | ۶ |
| ۲۰ | ۲۰ | ۲۰ |

**دیگر آنکه نقش بست در بست** چهار گوشه دارد این را در چراغ
مسی بکنند اند و تمام مطلب آنچه که داشته باشد نیز کننده کنانند و چیزی نیاز
جناب پیغمبر صلعم یا امام رضا رض نموده چهل روز روشن کند انشاء الله بمراد رسد نقش بدوح اینست

**طریقه دعوت اسم بدوح** نقش بست در بست
مربع پس باید که پنجهزار و پانصد و چهل و پنج بار باین طریق
بخواند احب یا جبرئیل بحق یا بدوح ) و بعد از نماز فجر

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| | ۷ | ۶ | ۲۰ | ۷ |
| ۲۰ | ۸ | یا بدوح | ۲۰ | ۴ |
| ۲۰ | ۵ | ۶ | ۲۰ | ۹ |
| ۲۰ | ۲۰ | ۲۰ | | ۲۰ |

چهل نقش یا بدوح بنویسد و یکیک بار کرده در دریا اندازد تا چهل روز بهمین طور چله کند بعد

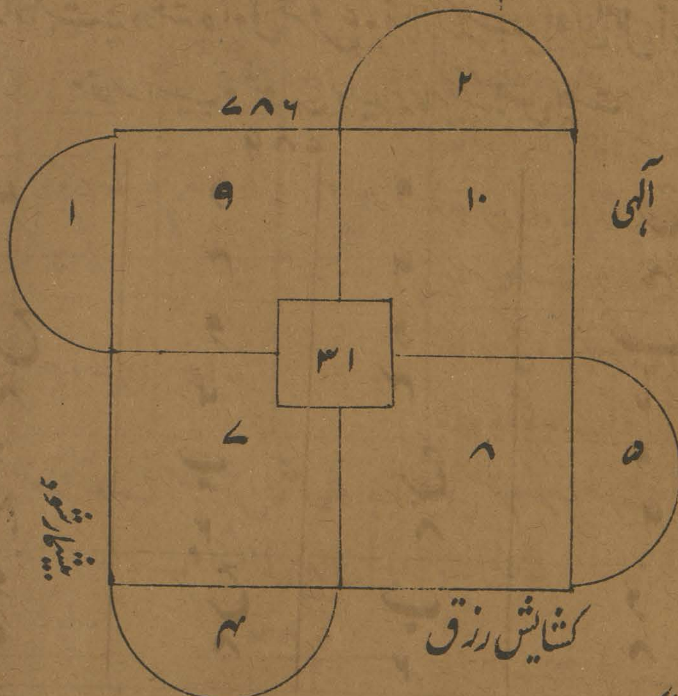
نصاب پنج یادہ بار وظیفہ نوشتن نقش مدام وہمیشہ دارد و ہر یک را جمع کردہ در دریا
و باید کہ چلہ از پنجشنبہ در عشرۂ اول شروع و آغاز کند پس چون بعمل آید در ہر
مقدمہ آسیب و فتوح نویسد اثر تمام بخشند نقش اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ب ۲ | د ۴ | و ۶ | ح ۸ |
| ح ۸ | و ۶ | د ۴ | ب ۲ |
| د ۴ | ب ۲ | ح ۸ | و ۶ |
| و ۶ | ح ۸ | ب ۲ | د ۸ |

نوع دیگر نقش لبنت در لبست مجرب و آزمودہ است باید کہ این نقش را
بدین ترکیب بعمل آرد کہ تا ۲بنت و یک روز بہ کنارۂ دریاے روان نشستہ نویسد
ہر روزہ با خوشبویات و طہارت تمام ۲بنت و یک نقش نوشتہ در آرد گولی بستہ
۲بنت نقش در دریاے روان اندازد و یک نقش باقی ماندہ را بر بازوے
خویش بہ بندد پس بروز دوم آن نقش را کہ بر بازوے خویش بستہ است کشادہ
یعنی از بازوے خود کشادہ در آرد گولی بستہ بدریاے اندازد و باز ۲بنت و یک
نقشہا بنویسد و ۲بنت را بدریا گولی بستہ بیندازد و یک را بر بازوی خویش بہ بندد
و ہم چنین یعنی بطریق مذکور تا ۲بنت و یک روز کند روز آخر نقش آخری بر بازوے
خویش بستہ دارد انشاء اللہ تعالےٰ زر بسیار و بیشمار بدست آرد و فتوح در ہر

مقدمہ یعنی در ہر قسم رود مد و برائے ہر کار کہ بنویسد اثر دہد مجرب است و اینست




نوع دیگر نقش حب مع آیات کلام اللہ اگر کسی پیش امیر ظالم رفتن خواہد پس مرا ورا
باید کہ آیۂ معظم را نوشتہ مثل تعویذ سیاہی بالا کردہ در موم پیچیدہ زیر زبان بمقام کہ
دھار است نہادہ رود و کلام کند بیشک آن امیر ظالم و حاکم مسخر شود و رحیم گردد
ہمین آیہ موصوف را عدد بر آوردہ نقش مربع پر کند و اگر آن نقش نوشتہ مع اسم
پدر مطلوب ہر کہ را بنوشاند آن مطیع گردد و اگر آن نقش را بر بازوے خویش بستہ
دارد عزیز خلائق گردد اینست

**وتمت کلمۃ ربک صدقا و عدلا لا مبدل لکلماتہ وھو السمیع العلیم**

و چون عددش بر آوردم دو ہزار و ہشت و ہفتاد و شش عدد شد ندان را
حصہ کردہ نقش پر کردم بدین طریق نقش اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۱۱ | ۷۲۵ | ۷۲۲ | ۷۱۸ |
| ۷۲۳ | ۷۱۷ | ۷۱۲ | ۷۲۴ |
| ۷۱۶ | ۷۲۰ | ۷۲۷ | ۷۱۳ |
| ۷۲۶ | ۷۱۴ | ۷۱۵ | ۷۲۱ |

نوعدیگر اگر کسے را اطلاق حمل بود و او را امید فرزند بود پس این تعویذ را که بخشیدہ جناب محمد باقر شاہ معتقد حضرت دہومن شاہ درویش مرحوم آلہ بیامر زوست دو تعویذ را بر نگارند یکی را بر شکم زن بہ بندد و دیگرے را در آب شستہ بنوشاند بفضلہ تعالے مطلبش حاصل خواہد شد نقش معظم و مکرم اینست عزیز باید داشت و از نااہل پنہان باید داشت اینست

۷۸۶

| | |
|---|---|
| بسم اللہ الرحمن الرحیم | الحمد للہ رب العالمین الرحمن الرحیم |
| مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین اہدنا الصراط المستقیم | صراط الذین انعمت علیہم غیر المغضوب علیہم ولا الضالین این خانہ را از زعفران باید نوشت |

نوع دیگر از شیخ بہاؤالدین آملی علیہ الرحمۃ منقول ست کہ این طلسم را ہرکس کہ برگ مدار کہ آن برگ زرد شدہ باشد بنویسید و در آتش اندازد مطلوب مطیع شود اینست

ط ططط ط

احرقت و اخذت

فلان بن فلان علے

حب فلان بن فلان بالمحبۃ والشفقۃ العجل

۱۳ الدحا ۳ الساعۃ

ط ع ع ع

نوع دیگر این نقش

آیۂ شریفہ ربّ لاتذرنی فرداً وانت خیر الوارثین است ہرکہ را اولاد نباشد این نقش معظم ہر روز یک صد و یک نوشتہ در آرد گندم گولی بستہ بدریا رساند انشاء اللہ فرزند نرینہ در خانۂ آنکس پیدا شود نقش اعداد آیۂ بہزار صحت الشتیۃ

نوع دیگر این نقش جناب فضیلت مآب مولانا اسد اللہ صاحب سکنۂ بہانی است و حضرت مولانا صاحب مغفور و مرحوم فرزند من سید محمد حسین جاہ بودند مولانا صاحب را در عالم خواب بزرگے این نقش را بخشیدہ و مبشر بہ بشارت کرد

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸۱۲ | ۸۱۵ | ۸۱۸ | ۸۰۵ |
| ۸۱۷ | ۸۰۶ | ۸۱۱ | ۸۱۶ |
| ۸۰۷ | ۸۲۰ | ۸۱۳ | ۸۱۰ |
| ۸۱۴ | ۸۰۹ | ۸۰۸ | ۸۱۹ |

که این نقش دو نعمت متکاثره است و صاحب دولت وافره هست که هر که نزد خود دارد
صاحب دولت شود و تسخیر قلوب هر کس نماید نقش ممدوحه این ست عزیز باید داشت

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۸ | ۲۱ | ۲۴ | ۱۱ |
| ۲۳ | ۱۲ | ۱۷ | ۲۲ |
| ۱۳ | ۲۶ | ۱۹ | ۱۶ |
| ۲۰ | ۱۵ | ۱۴ | ۵ ۵ ۵ ۵ ۵ |

نوع دیگر برای بردۀ گریخته این نقش نوشته زیر سنگ گران نهد بحکم الهی گریخته باز آید نقش معظم این است

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۶ | ۷ | ۲ |
| ۱ | ۵ | ۹ |
| ۸ | ۳ | ۴ |

نوع دیگر نقش برای زبان بندی باید که این طلسم را نوشته بر بازوی خویش
بندد از بدگوئی حاسدان محفوظ ماند نقش امینت

ھے ص ه حاد ع ع ع ع بالله

لاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم

نوع دیگر برای درد سر این طلسم نوشته بر سر بندد درد دفع شود و آن طلسم این ست

نوع دیگر برای بردۀ گریخته این نقش را که طلسمی ست بنویسید و در چرخه بسته منقلب حرکت دهید

۱۱ ۱۹ ۹ ۱۱۷ ۱۹ ۹ ۱۱۱ صلعا

ص ۱۲ ۹۱ ۹۱ ۱ ۱۱ ط ۱ لم

انشاءاللہ تعالیٰ بردہ گریختہ در عرصۂ دو سہ روز باز آید نقش معظم و مکرم این است

نوع دیگر نقش عجیب غریب کہ در عین تجربہ و کمال از مرزا خانی صاحب معتقد حضرت دھومن شاہ صاحب در عین عنایت بہم رسیدہ است این نقش نادیدہ و ناشنیدہ است برائے ہر حاجت و ہر مرض بکار

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| دو " | ۵ع | ک |
| ال | ح | ال |
| ک | ۵ع | ک |

می آید عامل خود قدر آنرا خواہد ہد پیدا ساختن بشت مار نوشتن ہیچ ضرورت نیست پس نقش مکرم و معظم اینست فافہم

بسم اللہ الرحمن الرحیم

حق حق حق موجود

| | | | |
|---|---|---|---|
| کشتگان | خنجر | تسلیم را | ہر زمان |
| خنجر | تسلیم را | ہر زمان | از غیب |
| تسلیم را | ہر زمان | از غیب | جانے |
| ہر زمان | از غیب | جانے | دیگر است |

بحق ھا ھا ھو ھو ھی ھی آنچہ کند بندہ ضعیف البنیان چہ کند و اضح باد کہ این عبارت مرقومہ زیر جدول آخر نقش بنویسد آنچہ کہ بسطر اول است ۔
نوع دیگر این نقش معظم برای بردہ گریختہ است اگر کسے را بردہ گریختہ باشد نقش موصوف را نوشتہ بر آنجا بہ بندد کہ در باد متحرک شود انشاء اللہ گریختہ باز آید اکثر بتجربہ رسیدہ ست باید کہ در مربع خرد نام گریختہ بنویسد اینست

بسم اللہ الرحمن الرحیم

یا محمد یا علی

الٰہی فلان برگردد و سوای خانہ خویش قرار نہ گیرد

نوع دیگر برای حب از کرامات است وگاہے خطا نہ کردہ اکثر در تجربہ دوستان آمدہ باید کہ این علامت را کہ بر نقش ست صحیح مطلق بنویسد کہ خطا نخواہد شد

نوشتن بسہ نوع اختیار دارد خواہ بر پارچہ کاغذ نوشتہ عطریات و شہد بر کاغذ مالیدہ فتیلہ ساختہ در روغن خوشبو و از پنبہ طاہر پیچیدہ و در چراغ نو نہادہ روے چراغ جانب مطلوب کردہ روشن کند و خود حاضر ماند اگر فتیلہ علی التواتر فتیلہ شب و روز تا ہفتہ روشن دارد مطلوب بیقرار شدہ بیاید و ترکیب دوم اینکہ بر شانہ گوسفند نوشتہ شہد مالیدہ زیر آتش دفن کند۔ آتش ہر وقت بماند مطلوب بیقرار گردد ترکیب سوم اینکہ در سفال آب نا رسیدہ بنویسد و در زیر آتش بدارد مطلوب بیقرار شود این عمل از افلاطون ست و اینست

نوع دیگر این نقش برای محبت و بیقرار نمودن بنویسد و در کوزه نهاده قدرے شکر بر آن نهد و آن کوزه را زیر آتش دفن کنند چندان که گرمی آن آتش بوے

| |
|---|
| ۱۱ ۱۸ ھ ۱۱ ۱۸ ۹ |
| ک ۱۱ ۱ ع ۱۸ ۱۱ |
| ۱۱۱ ۹ ۱۱ ع ۱۹ ۱۱۱ ھ ۱ |
| لا ۲۱ ۱۱ لا ۱۱ ۱ ع ۸ ۱۱ ک ۱۱ |
| ھ ۱ ۹ لا ھ ۱ ۹ ۲ و ۱ |
| ۱ ۰ لا ۱ ۱۱ ۱۴ ۸ # ۸ |
| ۸ ۵ الساعة * |
| فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان |

رسد پس بعد از رسیدن آتش بر آن کوزه مدفونه انشاء اللہ تعالی مطلوب بے قرار شده حاضر گردد این است

نوع دیگر این نقش را بر که نزد خود دارد حق تعالے آنرا از وبا و بیماری طاعون محفوظ دارد و نیز صاحب این امراض این نقش را اگر نوشته در آب تازه شسته بنوشانند

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۶۵ | ۳۷۹ | ۳۷۵ | ۳۷۲ |
| ۳۷۶ | ۳۷۱ | ۳۶۶ | ۳۷۸ |
| ۳۰۰ | ۳۷۳ | ۳۸۱ | ۳۶۷ |
| ۳۸۰ | ۲۶۸ | ۳۶۹ | ۳۷۴ |

از کرم الهان مریض شفا یابد و نیز صاحب این نقش از نظر بد و آسیب در حفظ خدا تعالی بود این است

نوع دیگر این نقش برای بواسیر خونی و بادی مجرب است وعنایت فرمودهٔ مرزا باقر صاحب ساکن محلهٔ جامه بافان است هرکه نوشته در تعویذ نقره نهاده در دست به بندد بکرم الٰهی از بواسیر ایذا و اثر نرسد و اگر تعویذ نقره ممکن نبود در تار نقره پیچیده به بندد اثر تمام بخشد اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۷ | ۲ | ۹ |
| ۸ | ۶ | ۴ |
| ۳ | ۱۰ | ۵ |

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۱۹۸ | ۱۹۱ | ۱۹۶ |
| ۱۹۳ | ۱۹۵ | ۱۹۷ |
| ۱۹۴ | ۱۹۹ | ۱۹۲ |

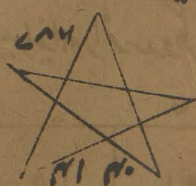
نوع دیگر این نقش اعظم برای بواسیر مجرب و کامل است هرکه این نقش را نزد خود دارد به طریقیکه اول مذکور شده است حق تعالیٰ از بواسیر خونی و بادی هر قسم شفا یابد و غلبهٔ و ایذاے بواسیر مطلق نماند بکرم و فضل الٰهی نقش ممدوح اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۳۳۸ | ۱۳۴۲ | ۱۳۴۵ | ۱۳۳۱ |
| ۱۳۴۴ | ۱۳۳۲ | ۱۳۳۷ | ۱۳۴۳ |
| ۱۳۳۳ | ۱۳۴۷ | ۱۳۴۰ | ۱۳۳۶ |
| ۱۳۴۱ | ۱۳۳۵ | ۱۳۳۴ | ۱۳۴۶ |

نوع دیگر این نقش از عزیزان معروف و مشهور است هزارها کس ازین صحت پذیر شده اند برای بواسیر کامل تر است هرکه بندد بکرم الٰهی صحت شود نقش ممدوح اینست

نوع دیگر نقش بواسیر آزموده قدیم باید که بروز چہار شنبہ اول وقت نوشتہ در دست صاحب مرض بہ بندد زود صحت یابد خونی بود یا بادی لیکن در نقرہ پیچیدہ بندد این است مجرب ست




۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۲ | ۱۵ | ۱۸ | ۵ |
| ۱۷ | ۶ | ۱۱ | ۱۶ |
| ۷ | ۲ | ۱۳ | ۱۰ |
| ۱۴ | ۹ | ۸ | ۱۹ |

نوع دیگر این نقش را برائے دفع درد سر بنویسد و بر سر بہ بندد انشاء اللہ تعالےٰ درد بہر نوع کہ باشد زود دفع گردد اینست

نوع دیگر برائے درد زہ این نقش معظم نوشتہ در پای چپ زن بہ بندد بفضلہ تعالیٰ زود بچہ پیدا شود

وچون بچہ پیدا شود زود نقش را کشادہ در چاہ بیند ازد غفلت نہ کند نقش اینست

۷۸۶

یا بدوح یا بدوح یا بدوح

واللّٰہُ غَالِبٌ عَلٰی اَمْرِہٖ وَلٰکِنَّ اَکْثَرَ

النَّاسِ لَا یَعْلَمُوْنَ یا کبیکج یا

کبیکج یا کبیکج

نوع دیگر برائے محبت وبیتابی
این طلسم را در شب جمعه بر پارچهٔ
جامهٔ مطلوب بنویسد و فلیته کرده
در چراغ نو با روغن خوشبودار
بسوزد و روے چراغ جانب
خانهٔ مطلوب کند بمجرد روشن شدن
فلیته مطلوب بیقرار شود اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| لوع لو | لوع لو | لوع لو |
| لوع لو | لوع لو | لوع لو |
| | | |

لعاد حسم

۱۱ ۱۱ امص ۱۱ " ۱۱ عام ۱۱ ۱۱ ۱۹ و ۱۱

| | | |
|---|---|---|
| ۱ | ۱۲ | ۱ |
| ۱۹ | ۱۹ | ۹ |
| ۲ | ۹ | ۱ |

نوع دیگر عمل و نقش لبغض وحسد جانبین عاشق ومعشوق صد ساله بمجرد در آوردن عمل دشمن جانبین باشد و از استاد کامل بهم رسیده است باید که اول زکوتش بدین نوع دهد که از عروج ماه من ابتداے روز یکشنبه غسل کند و ترک حیوانات اختیار کند و هفتاد و دو نقش بر کاغذ پر کند و در میان نقش خالی دارد فقط نقطه دهد اگر اسم بدوح هم نویسد مضایقه نیست پس تا شنبت ویک روز بدستور هر روز نوشته هر روز گولی در آرد بسته بدریا رسانیده باشد چون لسبت و یک روز تمام شوند آنگه عامل خواهد شد بعد آن روزے که شنبه آید در صحرا رفته در یک شیشی آب پر کرده نقش بنام هر دو کس که نوشته است زیر جهنڈی پتا در شیشی نهاده

آید صبح آن رفتہ آن نقش مذکور بیاورده در رہگذر آن ہر دو محبان برده بشکنند انشاء اللہ فوراً فاطمبۃً دشمنی شود نقش ممدوح این است

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۴ | ۱۴ | ۲ |
| ۶ | بحق یا بدوح فلان بن فلان جدا شوند | ۱۵ |
| | | |

نوع دیگر قاعدهٔ عمل نقش حواللّٰہ بطرز وطریق دوم از اُستادی بہم رسیده است و بغایت معتبر است یعنی این نقش آتشی حوارا کہ بروش اسپ و بہ یک چال فرزین تمام کند یعنی تمام نقش بطوریکہ زردو چال اسپ فرزین تمام کند نوشتہ باشد پس باید کہ بہ کنارۂ دریاے روان علی الصباح بے سخن گفتہ رفتہ غسل کند بعدهٔ کعبہ رو نشستہ چہل نقش مذکوره بنویسد و آن ہریک را در روغن زرد و شکر و آرد گولی بستہ جدا جدا بدریا انداختہ دہد بعدهٔ عزیمت نقش رابخواند و یازده تسبیح عزیمت بخواند چنانچہ عزیمت این ست بدین طریق فافہم

اِنَّ اللّٰہَ عَرَضَ کُلِّ کُلِّ ظَلَّ عَطَاءُ الْمَطْلُوْبِ

چون چہل روز بدستور تمام کند شخصے موکل حاضر آید و غرض پرسد ہرچہ مطلب باشد عرض نماید اگر در عرصۂ چہل روز موکل حاضر نہ آید دو سہ روز باز رفتہ آن نقشہا را کنارہ ور دفن کند پس موکل زود حاضر شود اگر دست غیب طلب کند بدست آید و اگر سوال حب نماید عمل حب آید الا منع مسکرات و زنا تمام عمر ست فقط نوع دیگر ترکیب ہمین نقش آتشی کہ ذکر رفتہ بطریق عمل دیگر بدست آمده کہ این ہم معتبر بسیار و اکثر ست باید کہ از عروج ماه تا چہل روز چہل نقش باین ترکیب بنویسد یعنی ہر روزه چہل نقش بہ محافظت عدد و اسم بنویسد یعنی بمقام عدد الف اسم موکلات حیالا۔

گوید و بجاے عدد (ب) کہ دو عدد دارد باہت حیالا گوید و بر عدد (ج) کہ سہ عدد دارد اسم جت حیالا گوید و بر عدد چہارم (و) وت حیالا گوید و عدد پنجم کہ (ہ) است ہست حیالا گوید و بر عدد ششم کہ (د) دت ہست حیالا گوید و زیر نقش اول اسم یا حیطفورش بنویسید بدین طور کہ شکم ہر چشمہ کشادہ نماید و بروز پنجشنبہ ہشتم گولی بستہ بدریا انداختہ باشد براے فتوح وحب و ہر مطلب کہ بعد زکوۃ جاری کند بلا شک اثر تمام بخشد چنانچہ نقش آتشی کہ براے ہر دو طریقہ گفتہ ام این است

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۸ | ۱ | ۶ |
| ۳ | ۵ | ۷ |
| ۴ | ۹ | ۲ |

**نوع دیگر** براے نان خورانیدن دزد این آیہ شریفہ بنویسد (فلولا اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون) باید کہ آیت مجسم نہ نویسد کہ بی ادبی ست این نقش مرکب آیت مذکور ست خواہ تعویذ در برنج خواہ نقش بر نان بنویسد تا بی ادبی نہ شود نقش نوشتہ نان را لیسیدہ ساختہ دزد را بخوراند ہر کہ دزد باشد از حلق فرو نمیرود و نقش مذکور اعداد آیہ شریفہ اینست فافہم

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۳۳۴ | ۱۳۴۸ | ۱۳۴۵ | ۱۳۴۱ |
| ۱۳۴۹ | ۱۳۴۰ | ۱۳۳۵ | ۱۳۴۷ |
| ۱۳۳۹ | ۱۳۴۳ | ۱۳۵۰ | ۱۳۳۶ |
| ۱۳۴۶ | ۱۳۳۷ | ۳۳۸ | ۱۳۴۴ |

نوعدیگر این نقش را نوشته در آب تازه شسته بهر یک مشتبه را بنوشاند انشاءالله
هر کس که دزد باشد ازان روز تا یک هفته بیمار ضرور شود مجرب است و نقش معظم اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲۰۸ | ۲۰۲ | ۳۱۰ |
| ۲۰۹ | ۲۰۷ | ۲۰۴ |
| ۲۰۳ | ۲۱۱ | ۲۰۶ |

نوعدیگر نقش اجل از مثلث بهر عضرست و این نقش را نقش دل گو اگر کسی این هر چهار نقش را زکوة دهد بدین نوع که تا سی و چهار روز عزلت گزیند و هر یک نقش را سی و چهار بار هر روز نوشته گولی بسته بدریا رساند و درین چله پرهیز جلالی اختیار کند پس عامل شود و برای هر کار که بنویسد اثر تمام بخشند نقوش اینند

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۸ | ۱۴ | ۱۲ |
| ۱۶ | ۱۱ | ۷ |
| ۱۰ | ۹ | ۱۵ |

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۱۳ | ۷ | ۱۵ |
| ۱۴ | ۱۱ | ۹ |
| ۸ | ۱۶ | ۱۰ |

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۱۲ | ۱۴ | ۸ |
| ۷ | ۱۱ | ۱۶ |
| ۱۵ | ۹ | ۱۰ |

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۱۰ | ۱۶ | ۸ |
| ۹ | ۱۱ | ۴ |
| ۱۵ | ۷ | ۱۲ |

نوعدیگر نقش کلام الله شریف صحیح الاعداد و براه تبرک نوشته میشود هر که نزد خود دارد
حق تعالی از جمیع آفات دینی و دنیوی او را محفوظ دارد عدد جمله قرآن صحیح مطلق چهل و

یک کرور و نود و نه لک و شصت و چہار ہزار و ہشت صد و ہشتاد و شش اند چنانچہ نقش اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| الله ۲۱ ۱۲ ۸ ۹ ۱۰۴ | الله ۱۰عہ ۹ ۸ ۱۲ ۱۲ | الله ۲۷ ۱۲ ۸ ۹ ۱۰۴ | الله ۱۰عہ ۹ ۸ ۱۲ عہ۱ |
| الله ۱۰عہ ۹ ۸ ۱۲ ۲۶ | الله ۱۵ ۱۲ ۸ ۹ ۱۰۴ | الله ۱۰عہ ۹ ۸ ۱۲ عہ۰ | الله ۲۵ ۱۲ ۸ ۹ ۱۰۴ |
| الله ۱۶ ۱۲ ۸ ۹ ۱۰۴ | الله ۱۰عہ ۹ ۸ ۱۲ ۲۹ | الله ۲۲ ۱۲ ۸ ۹ ۱۰۴ | الله ۱۰عہ ۹ ۸ ۱۲ ۱۹ |
| الله ۱۰عہ ۹ ۸ ۱۲ عہ۲ | الله ۱۸ ۱۲ ۸ ۹ ۱۰۴ | الله ۱۰عہ ۹ ۸ ۱۲ ۱۷ | الله ۲۴ ۱۲ ۸ ۹ ۱۰۴ |

این ہر دو نقش بترکیب ذو الکتابۃ نوشتہ شد کہ ہر کس را سہل شود و باختلاف
اعداد اگر خواہند نقوش پر کنند بدین صورت اینست

۷۸۶ ۷۸۶

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۹۸۵ | ۲۰۰ | ۳۰۸ | ۷۲ | ۵۳ | ۹۲ | ۴۷ | ۲۵۹ |
| ۳ ۷ | ۷۳ | ۴۸۸ | ۲۰۱ | ۴۶ | ۲۶۰ | ۵۲ | ۹۳ |
| ۷۴ | ۳۰۱ | ۱۹۸ | ۲۸۷ | ۲۶۱ | ۴۹ | ۹۰ | ۵۱ |
| ۱۹۹ | ۴۸۶ | ۷۵ | ۳۰۹ | ۹۱ | ۵۰۰ | ۲۶۲ | ۴۷ |

نوع دیگر این ہر سہ نقوش را برائے اینکہ ہر کسی را کہ فرزند در خرد سالی می میرد این را نوشتہ بروز چھٹی در گلوے بچہ بیند از دحق تعالیٰ جلشانہ اورا از ہر آفت و بلا محفوظ دارد و عمر زیادہ عطا کند نقوش ممدوحہ اینند فافہم

۷۸۶

| | |
|---|---|
| ۲ | ۱ |
| ۸ | ۹ |
| ۸ | ۴ |
| ۳ | ۶ |

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۸ | ۲ | ۱۰ |
| ۹ | ۷ | ۴ |
| ۳ | ۱۱ | ۶ |

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۴ | ۲۷ | ۳۰ | ۱۷ |
| ۲۹ | ۱۸ | ۲۳ | ۲۸ |
| ۹ | ۳۲ | ۲۵ | ۲۲ |
| ۲۶ | ۲۱ | ۲۰ | ۳۱ |

نوع دیگر روّ جھوگہ دعوت ہفت مرتبہ بر ہر طفل کہ خواندہ دم کند یا نوشتہ دہد بفضلہ تعالےٰ رفع شود و بار دیگر در گلویش انداز د بحکم خدا تعالیٰ ہرگز نہ شود دعوت مذکور اینست - علیقاً ملیقاً خالقاً مخلوقاً کافعاً شافعاً ارتضیٰ مرتضیٰ بحق یا بدوح وننزل من القرآن ما ہو شفاء ورحمۃ للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا بحق اناسانا سالاسالوسا بحق
کہیعص وبحق حمعسق یا اللہ یا اللہ یا اللہ

نوع دیگر برائے روّ جھوگہ بر لوح مس یا آہن یا نقرہ یا بر زمین این نقش کردہ یا بر کاغذ نوشتہ در گلویش بند د انشاء اللہ تعالیٰ جھوگہ دفع شود و بکرم الٰہی باز خلل آن نشود نقش این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۳۳۰ | ۳۳۳۵ | ۳۳۳۷ | ۳۳۴۳ |
| ۳۳۴۱ | ۳۴۴۰ | ۳۳۳۴ | ۳۳۳۱ |
| ۳۳۳۶ | ۳۳۲۹ | ۳۳۴۳ | ۳۳۳۵ |
| ۳۳۳۹ | ۳۳۳۲ | ۳۳۴۲ | ۳۳۳۳ |

نوع دیگر چند نقوش دست غیب مع نقش باسط مجرب و نہایت معتبر تجربہ نمودہ و آزمودہ
را برحی نگارم اگر این ہمہ نقوش را یا یک نقش را چہل و یک روز چہل و یکمرتبہ ہر روزہ با ترک
حیوانات بنویسید و در آب روان ہر روزہ انداختہ باشند و خوراک غلہ گندم یا آرد جو
بے نمک بخورد و بعد از مدت مذکور ہر وقتیکہ خواہد نقش مذکور را پر کند بفضل الٰہ عامل گردد و
دوازدہ روپیہ از غیب باو رسد نقش ہائے معظم و مکرم اینند عزیز باید داشت
اجب یار قتمائیل بحق یا باسط ۷۸۶ اجب یا جبرئیل بحق یا واجب ۷۸۶

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| ۳ | ۸ | ۱ | ۱۸ | ۴۸ | ۶ |
| ۲ | ۴ | ۶ | ۱۲ | ۲۴ | ۳۶ |
| ۷ | خانہ مطلب واجب | ۵ | ۴۲ | خانہ مطلب واجب | ۳۰ |

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۵ | ۱۳ | ۹ | ۱۷ |
| ۸ | ۱۸ | ۱۴ | ۳۲ |
| ۱۹ | ۱۱ | ۲۹ | ۱۳ |
| ۳۰ | ۱۲ | ۲۰ | ۱۰ |

| ۷۸۶ | | | |
|---|---|---|---|
| باسط | فتاح | رزاق | منعم |
| ۳۰۹ | ۱۹۹ | ۷۳ | ۳۸۸ |
| ۱۹۸ | ۱۳۶ | ۳۹۱ | ۷۴ |
| ۳۹۰ | ۷۵ | ۱۹۷ | ۳۰۷ |

| ۷۸۶ | | | |
|---|---|---|---|
| ب | د | د | ح |
| ح | د | د | ب |
| د | ب | ح | د |
| د | ح | ب | د |

نوع دیگر برائے بستہ شدن حمل رفتہ اگر خون اسقاط جاری باشد بر رشتہ سرخ برابر قد کہ از انگشت پاے چپ تا کاچک سر بہ پیمودہ باشد بر آں ہفت مرتبہ این اسم مع کلمۂ طیبہ خواندہ گرہ دہد و بر ہر گرہ ہفت بار خواندہ باشد و در کمر زن ببندد از کرم الٰہی حملش برقرار ماند و ہرگز نیفتد اینست

الصبور لا الہ الا اللہ محمد رسول اللہ

نوع دیگر برائے خلاصی محبوس اول و آخر سہ مرتبہ درود و یک صد و چہار مرتبہ این دعوت بخواند محبوس زود رہائی یابد این است

یا غیاثی عند کل کربۃ و مجیبی عند کل دعوۃ و مناذی عند کل شدۃ و رجائی حین تنقطع حیلتی فقط

نوع دیگر این اسماء را بہ طہارت تمام چہل روز چہل و یک بار بخواند شش تنگہ از غیب او را برسند اسماء مذکورہ اینند

اسا موسیٰ عیسیٰ طوسیٰ لا سا نمرود شداد ہامان او باؤلا ومتوالا و منو الحق (بدرو
بدرو بدرو) واین عمل از اسفل ست

نوع دیگر اگر درخانۂ کسے ہر بار دختر متولد میشده باشد وخواہد کہ پسر تولد شود پس
باید کہ در ماہ اول یا دوم وسوم از ماہ ہاے حمل زن این آیۂ معظم نوشتہ در کمر زن
بہ بندد انشاء اللہ فرزند نرینہ درخانۂ آنکس پیدا شود آیۂ شریفہ اینست

بسم اللہ الرحمن الرحیم بسم اللہ و باللہ ومن اللہ ومن اللہ فاوجف منہم خیفۃ قالوا
لاتخف وبشروہ بغلام حلیم فاقبلت امراتہ فی صرۃ فصکت وجہہا وقالت االدو
انا عجوز عقیم قالوا کذالک قال ربک انہ ہو الحکیم العلیم ط

نوع دیگر اگر در ایام رضاعت طفل شیر زن کم بود پس باید کہ این آیۂ شریف را نوشتہ
در گلوے زن بہ بندد از دتا بر پستان او بماند انشاء اللہ شیر زیادہ شود آیۂ شریف اینست
اللہ یعلم ما تحمل کل انثی وما تغیض الارحام وما تزداد وکل شئ عندہ بمقدار عالم الغیب
والشہادۃ الکبیر المتعال برحمتک یا ارحم الراحمین

نوع دیگر عمل مشک وایذا دادن دزد را باید کہ این طلسم اول بر پارچۂ کاغذ
بنویسد ومع آیۂ شریفہ بنویسد وباید کہ اول بجماعت مردمان گوید کہ ہر کہ کالای من
ستانیدہ است باز دہد اگر نہ دہد این عمل کنم چنانچہ آیہ وطلسم اینست
افرایت من اتخذ الٰہہ ہواہ واضلہ اللہ علی علم وختم علی سمعہ وقلبہ وجعل علی
بصرہ غشاوۃ ولہم عذاب عظیم فان تولوا فقل حسبی اللہ لا الٰہ الا ہو علیہ توکلت
وہو رب العرش العظیم لہ لہ لہ لہ لہ لہ لہ ک ک ک ک ک
ی ی ی ی ی ی ی الا الا الا الا الا الا
الا الا الا اللہم فتح البطن السارق من ہو سارق بحق
لا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم ج احد

جیالمر اا جبرئیل احب یا ابیض اجبّ اجبّ لنا یکور ھا بہ

دریںجا دزد را نام بنویسید و اندرون مشک نہادہ مشک را از پر کردن باد پر کند و دہن از ریسمان کہ موی زنان از ان بندند مشک را ببندد و بجائیکہ کالا بدزدی رفتہ است در آنجا مشک را بیاویزد و از چوب درخت انار سہ بار بر مشک ندکور آہستہ بزند و بگوید کہ شکم دزد مثل مشک پر باد شود انشاء اللہ تعالی شکم دزد مانند مشک بیاماسد و چون کالاے گم شدہ باز دہد دہن مشک را وا کردہ دہد و دزد را شکم بہ شود - این عمل آزمودۂ فقیر پر تقصیر ہست

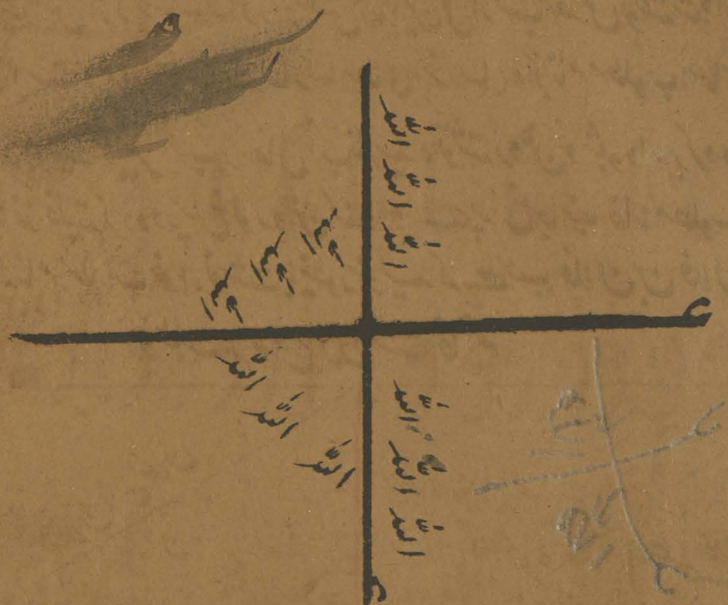
الحب براے محبت در شب یکشنبہ ہفت عدد این طلسم بنویسید و از مشک و زعفران و گلاب در وقت مشتری نویسید در ساعت آفتاب بر کاغذ نوشتہ فلیتہ کند در روغن خوشبودار بسوزد و محبوب اگر نزدش آید سخن نگوید مطیع و فرمان بردار تو گردد و نزد کسے دیگر نرود و از عشق تو دیوانہ و بیقرار گردد این است

۹ ا ۹ ۲ ۸ اا ی اا ۹ ی ا السعط اا ۸ ا ۰ ۹ اا ۷ ۸ ۶ ااا ۸ ا - ۹ ۸ اا ط

علی حب فلان بن فلان

فلان بنت فلان

دیگر بغض برائے جدائی نوشتہ در گور کہنہ دفن کنند و درمیان ظرف گل نہادہ دفن کنند و زیر تعویذ این آیۂ معظم بنویسد و باید کہ این عمل در آخر ماہ بتاریخ نحس در عمل آرد نقش و آیۂ معظم اینند بدین صورت و شکل



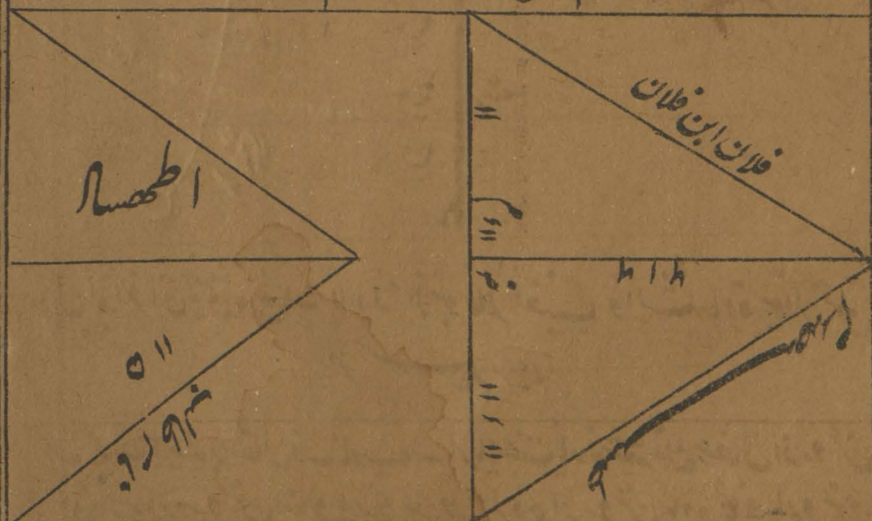
قَالَ ہٰذَا فِرَاقُ بَیْنِیْ وَبَیْنِکَ لَا اِلٰہَ اِلَّا ہُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّہَادَۃِ ہُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ

الحب مجرب باید کہ بر سفال آب نارسیدہ سہ بار یا ہفت بار نوشتہ آن سفال از روغن خوشبودار پر کردہ روشن کند و یا بر کاغذ فلیتہ کردہ از روغن مادہ گاو یا روغن کھیلیل بسوزد انشاء اللہ تعالےٰ مطلوب بیقرار شدہ حاضر آید و آن این ست

طع ۱۱۶۱۶ طک ۱۶۱۹۱۱۶ ۶۶

فلان ابن فلان علےٰ حب فلان ابن فلان بیقرار گردد بحق الحب

این الفاظ را بر پارچهٔ کاغذ نوشته زیر سنگ گران نهد و هر پنج وقت نماز بر آن کاغذ پنج پنج کفش زند از قدرت خدا بر آن کس که نام او بر وقت کفش زدن گرفته باشد بر آن هم کفش خواهند افتاد و هر پنج وقت این اسماء را هم خوانده باشد و بعد از صد بار یک نقش از زیر سنگ بر آورده کفش زند این عمل از کتب مقدس نوشته شده آزموده بنیت این است (سرسا ابرصا سار سار سا سطای آخر رسا) و اگر نام مطلوب اسمای بزرگ نباشد بنویسد **دیگر الحبّ** بر سفال آب نارسیده نوشته روغن خوشبودار پر کرده روشن کند و یا بر کاغذ فلیته کرده در چراغ نو روشن کند و روے چراغ جانب خانهٔ مطلوب کند و در خانه که نام طالب خواهد نوشت بدینطور بنویسد که علے حب فلان بن فلان مجرب است وطلسم ممدوح این است فافهم




نوعدیگر عمل حب و تسخیر چون خواهی که کسے را حاضر کنی دائرهٔ نقش چنانچه نموده شده به مشک و زعفران بر پوست آهو بنویسد و میخے کو چک بر سر حروف فرو برد این اسم از مجربات است و باید که این هم بخواند یا بدوح انشاء الله مطلوب بیقرار شود و حاضر شده اطاعت کند نقش ممدوحه اینست

نوعدیگر چون بردہ کسے گریختہ باشد باید کہ
ہفت مرتبہ سورہ یٰسین بخواند چون آیہ
من المکرمین رسید نام گریختہ یاد کند و بر قفل
قف زند و بہ بند و قفل را در ہوا انداز دا و
سرگردان شدہ باز آید مجرب ست و آزمودہ

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ب | و | د | ح |
| ۵ | ۶ | ۳ | ۲ |
| ۴ | ۲ | ۸ | ۴ |
| ۶ | ۸ | ۲ | ۴ |

نوعدیگر برائے عقد حمل تا ہفت روز مرد
و زن ہر دو روزہ بدارند و وقت افطار این
مربع را بمشک و زعفران نوشتہ بخورانند امید ست کہ در عرصہ ہفت روز حاملہ شود این ست

بسم اللہ الرحمن الرحیم

یا حیین بحق یا باسط ۷۸۶

یا جبریل بحق یا باسط ۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ب | ا | س | ط |
| ۱۹ | ۳۸ | ۳ | ۱۲ |
| ۱۸ | ۲۷ | ۴ | ۲۳ |
| ۲۳ | ۶ | ۵ | ۲۵ |

نوعدیگر برائے محبت در قند سفید گولی بستہ در آتش بسوزد و وقف این است فافہم
و ہو ۹۹۳۲ و باید کہ برائے محبت این ہر دو نقش بہم نوشتہ گولی در قند کوبستہ
بخوراند محبت و الفت از طریقہ اول بسیار زیادہ شود و چون او را نخوراندن
تواند حرف وقف را بسوزد انیست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۵ ۲۴ | ۸۹ ۲۴ | ۸۶ ۲۳ | ۸۲ ۲۴ |
| ۸۷ ۲۴ | ۸۱ ۲۴ | ۷۶ ۲۴ | ۸۸ ۲۴ |
| ۸۰ ۲۴ | ۸۴ ۲۴ | ۹۱ ۲۴ | ۷۷ ۲۴ |
| ۹۰ ۲۴ | ۷۸ ۲۴ | ۷۹ ۲۴ | ۸۵ ۲۴ |

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۱۲ ۹۹ | ۱۱ | ۸ |
| ۱۲ | ۷ | ۲ | ۱۱ ۹۹ |
| ۶ | ۹ | ۱۴ ۹۹ | ۳ |
| ۱۳ ۹۹ | ۴ | ۵ | ۱۰ |

**نوع دیگر** اگر خواهد که کسے را مسخر کند پس این شکل را بنویسد و در هر قطب عدد این هر چهار اسم ثبت کند آنچه که دران وقت اسماء طالب و مطلوب باشند و این اعداد را در خانه هاے بطریقیکه اضلاع و اقطارش راست باشند تمام کنند و نزد خود نگاهدارد مطلوبش مسخر شود اینست

۷۸۶

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| نام طالب طالب | ۱۶ | ۱۴۷ | ۴۰۴ | مادرش فاطمه |
| ۴۰۵ | ۱۳۶ | ۱۱۱ | ۱۲ | ۱۴۸ |
| ۱۳ ۱۳۸ | ۴۴ ۱۳ | ۴۰۶ ۱۴ | ۱۳۷ ۱۴۵ | ۱۱۲ ۴۰۲ |
| مطلوب عالم | ۴۰۳ | ۱۳۴ | ۱۱۴ | مادرش ضمیرا |

نوع دیگر نقش سورة النساء معظم ومکرم برائے فتوح در ہر چہار کنج خانہ دفن کند انشاء اللہ تعالیٰ فتوح بسیار شود واگر کسے را زن بود کہ اورا دوست نہ داشتہ باشد وہر وقت جنگ میدارد پس این نقش بر پیش خود نوشتہ دارد زنش مطیع شود نقش اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۱۶۴۷۰ | ۳۱۶۴۸۴ | ۳۱۶۴۸۱ | ۳۱۶۴۷۸ |
| ۳۱۶۴۸۲ | ۳۱۶۴۷۷ | ۳۱۶۴۷۱ | ۳۱۶۴۸۳ |
| ۳۱۶۴۷۶ | ۳۱۶۴۷۹ | ۳۱۶۴۸۶ | ۳۱۶۴۷۲ |
| ۳۱۶۴۸۵ | ۳۱۶۴۷۳ | ۳۱۶۴۷۵ | ۳۱۶۴۸۰ |

نوع دیگر جہت ازدیاد دوستی و مبتلا کردن و کسے را نزد خود طلبیدن باید کہ این طلسم را بر قرطاس بنویسد و درمیان دل گوسفند دارد دلبر فریفتہ حاضر آید اینست

۹۱۱ ۱۸۸ ۸۱۸۱ ۱۱۱۱ ۱۲

عم اطہلہ البلاد . جمع

بہ لو ۱۱۱۱ ھمع ، ورحرار

ھصراع وصا السرحسہ اھطن

ووسطاہ ط

فلان ابن فلان علے حب فلان ابن فلان حرک اک اوک

حرک اک اوک کونائن سوا ہا را این الفاظ زیر جدول بنویسید چنانچہ کہ نوشتیم ا
نوع دیگر اگر کسے را در عشق خود مبتلا کنی باید کہ یک نعل اسپ بیارد لیکن شش سوراخ درست داشتہ باشد و برو نام مطلوب و نام مادرش و نام طالب مع نام مادرش و این نقش را بنویسید و زیر نار نعل را دفن کند مدام آتش بر آن نعل تیز ماند تا بہ مقصود رسد اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲ ۶ ۲ ۱۰ ۲۰ | ۱۱۸ | ۱ ح ۴۴ |
| ۲۰ ۷ ۲ ۲۰۰ ۱ | ۲۰۰ ۱۰۹۰۲ ۵ | ۸ ۱۰ ۹ ۳۶ ۳ |
| ۶ ۱۲ ۲۰۰ ۱۰ | ۱۹ ۱ | ۸ ۱۰۰ ۴ ۱۰ ۲۰۰ |

نوع دیگر برائے پیدا کردن دزدیدہ و گریختہ بنویسید این شکل را بر بیضہ مرغ و نام دزد یا رفتہ یا گریختہ را نوشتہ نزدیک آتش دفن کند چون گرمی آتش بوے رسد آن رفتہ باز گردد و در محل دفن بگوید اجمع بینی و بین فلان

وشکل مذکور کہ بر بیضہ نوشتہ شود این ست

و ھ ۱۱ ۱۱ ۱۹ سحہ ۱۱۱ ۵

یسحہ ج ۰ ہمویا اگ ہیر ہیر

۱۱۵ صحرا ۱۱۱ ھ و

اوفی السموات اوفی الارض

| | | |
|---|---|---|
| | | |
| | | |
| | | |

یٰبنی انہا ان تک مثقال ذرہ

و ھ ۱۱۱۱ صحرا ۱۱۱ ۵

یأت بہا اللہ

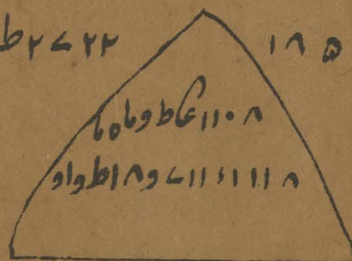
۵ ۱۱۱ صحراط ۱۱ ۱۱ ھ و ۵ ۱۱۱ صحراط ۱۱ ۱۱ ھ و

۱۱۱۵ صحراط ۱۱ ۱۱ ھ و

نوعدیگر ہر کہ این نقش را در بارہ عداوت بنویسد در پارہ کاغذ نوشتہ شوید واز محبان ہر دو یکی را بخوراند چون آنشخص بخورد درمیان ہر دو جدائی افتد وتاقیامت قایم ماند اینست

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| ٢٥ | ٢١ | ٢٢ | ٢١ | ھ٥ | ٩ |
| لا | دہ | ٦٤ | ٩٣ | ٧٥ | ٧ |
| ٤٢ | ک | ٦ | ع | ھ | ٩٣ |

نوعدیگر این طلسم برای حب بسیار مجربست باید کہ این را در ساعت آفتاب برشانہ گوسپند بنام ہر چہار کس نوشتہ در زیر تنور یا دیگدان دفن کند ودر آتش بسوزد درہمان ساعت مطلوب بیقرار گردیدہ حاضر شود طلسم اینست




علی حب فلان بن فلان علی حب
فلان بن فلان

نوعدیگر این نقش در باب حب بسیار مجرب وآزمودہ است اگر مطلوب ناراض گردیدہ است یا محبت والتفات باو نمی کند پس باید کہ بساعت مثل زہرہ یا مشتری وغیر آن این معظم نقش را بر پارچہ قرطاس باحتیاط نویسد وتعویذ موصوف را در لوبان وبخورات دادہ طالب بر بازوی خویش بہ بندد انشاء اللہ تعالی مطلوب مطیع فرمان گردد نقش اینست

نوع دیگر برائے خرابی دوکان اگر خواہد کہ دوکان کسے از فروخت کردن بند کند پس این صورت را نوشتہ بدوکان او کہ ارادۂ بدی نسبت آن دارد دفن کند دوکان او مسدود خواہد شد انشاء اللہ بفضلہ وکرمہ تعالے صورت مذکور اینست طہ در خانہ کہ لفظ روزگار است

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۴۳۹ | ۴۳۲ | ۴۳۷ |
| ۴۳۴ | ۴۳۶ | ۴۳۸ |
| ۴۳۵ | ۴۳۱ | ۴۳۳ |

در خانہ کہ لفظ نام است آنجا نام دوکاندار بنویسید

انجا پیشۂ دوکان دار بنویسید ودر خانہ بنویسید الٰہی بند شود طہ

۱۵
نام
۱۶
۱۴
روزگار
بند
۳
۱۷
۱۸

نوع دیگر عمل حب مجرب وآزمودہ باید کہ بروز پنجشنبہ در اول ساعت مشتری این نقش نہ صد عدد بنویسید ودر آرد گندم گولی بستہ در دریا اندازد روزینہ سی وہشت نوشتہ وگولی بستہ در دریاے روان انداختہ باشد بیقرار گردد نقش اینست

نوع دیگر اگر خواہی کہ کسی را در عشق خود بیقرار نمائی این نقش را بر شانۂ گوسپند بروز یکشنبہ بنویس وبر شانہ گرمی آتش

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۱۳۰۳ | ۳۲ ۶۷ | ۴۰ |
| ۲۸۶ | ۱۶۳ | ۲۴۶ |
| ۲۶۶ | نام مطلوب فلان بن فلان الحب فلان بن فلان | ۲۰۳ |

ابرای زبان بندی



برسان بر وقت گرمی شانه مطلوب بیقرار خواهد شد انشاء الله تعالی نقش این ست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲ | ۷ | ۶ |
| ۹ | ۵ | ۱ |
| ۴ | ۳ | ۸ |

نوع دیگر برای زبان بندی این طلسم را نوشته در کلاه خود بدارد از فضل خدا تعالی زبان جمیع بد گویان بسته شود و آن مطیع شوند طلسم موصوفه این ست فافهم

۱۱ ۸ ۱۱۱ ۸ ۹ ۰۱۱۱ اط اط ۲ ۱۱ ۸ ح

ح در س ص ط ع ک م

نوع دیگر از امیر پناه علی صاحب در باب گریخته و گم شده مجرب و آزموده است این نقش نوشته در زیر سنگ گران بار نهد بیشک گریخته باز آید نقش معظم و مکرم این ست

۷۸۶

نوع دیگر این نقش معظم و مکرم را اگر زکوٰة دهد قدرش پندارد هزارها خواص دارد و برای صورت دیدن دزد در خواب بسیار مجرب است باید که اول یک لک و بیست و پنجهزار نقش نوشته در آرد گولی بسته بدریا رسانند تا عامل شود هرگاه که دزد را دریافتن منظور باشد این نقش نوشته بر کف دست راست نهاده بخسپد هر که دزد باشد صورتش در خواب بیند نقش معظم و مکرم اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۸۸۸۴ | ۳۰۸۸۹۷ | ۳۰۸۸۹۴ | ۳۸۸۹۱ |
| ۳۸۸۹۵ | ۳۸۸۹۰ | ۳۸۱۰۱۵ | ۳۸۸۹۶ |
| ۳۸۸۸۸ | ۳۸۸۹۲ | ۳۸۸۹۹ | ۳۸۸۸۶ |
| ۳۸۸۹۸ | ۳۸۸۸۷ | ۳۸۸۸۸ | ۳۸۸۹۳ |

نوع دیگر این نقش برای عشق مطلوب عنایت فرموده میر علی پناه صاحب اگر خواهی که کسے را در عشق خود بے قرار کنی این را بنام چهار کسان نوشته در زیر آتش دفن کنند انشاء الله تعالی مطلوب بیقرار شود نقش اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۸۶ | | | |
| ۳۲۱۶۷۳ | ۳۲۱۶۸۶ | ۳۲۱۶۸۳ | ۳۲۱۶۹۰ |
| ۳۲۱۶۸۴ | ۳۲۱۶۷۹ | ۳۲۱۶۷۴ | ۳۲۱۶۸۵ |
| ۳۲۱۶۷۸ | ۳۲۱۶۸۱ | فلان بن فلان علی حب ۳۲۱۶۸۸ فلان بن فلان | ۳۲۱۶۷۵ |
| ۳۲۱۶۸۷ | ۳۲۱۶۷۶ | ۳۲۱۶۷۷ | ۳۲۱۶۸۲ |

نوع دیگر این نقش معظم و مکرم از اعداد سورہ یٰسینؑ علیہ السلام است بہر کارے
کہ بنویسد اثر تمام بخشد سابق ازین نقش مخمس نوشتہ ام این بدیگر طور بہم
رسیدہ اعداد جملہ ۲۱۵۰۶۵۳ نقش اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۵۳۹۰۵ | ۵۳۹۱۹ | ۵۳۹۱۶ | ۵۳۹۱۳ |
| ۵۳۹۱۷ | ۵۳۹۱۲ | ۵۳۹۰۶ | ۵۳۹۱۸ |
| ۵۳۹۱۱ | ۵۳۹۱۴ | ۵۳۹۲۱ | ۵۳۹۰۷ |
| ۵۳۹۲۰ | ۵۳۹۰۸ | ۵۳۹۱۰ | ۵۳۹۱۵ |

نوع دیگر نقش سورہ یٰسین صلی اللہ علیہ وسلم عنایت فرمودہ جناب حافظ زین العابدین

صاحب واز حافظ صاحب ارشاد است که درین نقش استادان در اعداد اختصار اکثر کرده اند اما مجرب تر ست در هر مقدمه حب و بغض و شفای مرض و علو مراتب و دفع سحر اثر تمام دارد چنانچه اعداد سوره از طریقه خود جمله ۶۷۹۲۳ نوشته اند اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ارشد ۱۶۹۰ | الله ۱۶۹۸۳ | ارشد ۱۶۹۸۷ | الله ۱۶۹۷۳ |
| الله ۱۶۹۸۶ | ارشد ۱۶۹۷۴ | الله ۱۶۹۷۹ | ارشد ۱۶۹۸۴ |
| ارشد ۱۶۹۷۵ | الله ۱۶۹۸۹ | ارشد ۱۶۹۸۱ | الله ۱۶۹۷۸ |
| الله ۱۶۹۸۲ | ارشد ۱۶۹۷۷ | الله ۱۶۹۷۶ | ارشد ۱۶۹۸۸ |

نوع دیگر چون این نقش را زیر بالین خود نهاده بخسپد صورت دزد در خواب بیند اینست

۷۸۶ ۷۸۶

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | ۴ | ۷ | ۱ | ۸ | ۴ | ۷ | ۱ |
| ۶ | ۲ | ۷ | ۵ | ۶ | ۲ | ۷ | ۵ |
| ۳ | ۹ | ۲ | ۶ | ۳ | ۹ | ۲ | ۶ |
| ۳ | ۵ | ۴ | ۸ | ۳ | ۵ | ۴ | ۸ |

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | ۷۸۶ | | | | ۷۸۶ | |
| ۸ | ۴ | ۷ | ۱ | ۸ | ۴ | ۷ | ۱ |
| ۶ | ۲ | ۷ | ۵ | ۶ | ۲ | ۷ | ۵ |
| ۳ | ۹ | ۲ | ۶ | ۳ | ۹ | ۲ | ۶ |
| ۲ | ۵ | ۴ | ۸ | ۳ | ۵ | ۴ | ۸ |

نوع دیگر عنایت میرزین العابدین صاحب بطریق فلیتہ در ساعت عطارد و مشتری نوشتہ بروغن خوشبودار روشن کند و روے چراغ جانب خانۂ مطلوب کند یقین است کہ در سر فلیتہ مطلوب زود بیقرار گردیدہ آید فلیتہ اینست

اا لھ اب ااا لہ ہا اااا ۷ لہ ـ



صرات طریق

۱۱۱ ۱۲ ۹۷ ۱۱۱ ۷۷ ۹۵ ۲۹ ۱۱۱۶

بسوزانید اول
فلان علے حب
فلان بن فلان

۱۱ ۱۱ ۱۱۱ ۹۴ ۱۱ ۱۱۱۱

۹ ۱۲ هسی ۲ ۵ ۱۱۳

نوع دیگر این نقش بسیار مستحکم و مجرب در باب زبان بندی کامل الطریق عنایت جناب زین العابدین صاحب باید که این نقش ممدوح را بر پارچهٔ کاغذ سیاه نوشته مع هر چهار اسم زیر سنگ گران بار نهد بیشک زبان حاسدان بند گردد نقش معظم و مکرم اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۱۶۵۶ | ۱۶۵۱ | ۱۶۵۸ |
| ۱۶۵۷ | ۱۶۵۵ | ۱۶۵۳ |
| ۱۶۵۲ | ۱۶۵۹ | ۱۶۵۴ |

نوع دیگر عنایت فرمودهٔ لالا چندن صاحب در باب ایذا دادن دزد و دزدی وغیره باید که این نقش را سه عدد یا هفت عدد مثل فلیته ساخته در چراغ روشن کند صاحب مال کند یا سه تعویذ نوشته در آتش بسوزد یا در سکوره نوشته در آتش دفن کند بیشک دزد را ایذا چنان برسد که مال دزدیده باز دهد و گرنه دست آیند و بیمار مطلق خواهد شد نقش مذکور معظم این ست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۱۸ | ۱۲۱ | ۱۲۴ | ۱۱۱ |
| ۱۲۳ | ۱۱۲ | ۱۱۷ | ۱۲۲ |
| ۱۲۳ | ۱۲۶ | ۱۱۹ | ۱۱۶ |
| ۱۲۰ | ۱۱۵ | ۱۱۴ | ۱۲۵ |

در صورت اگر برین صورت مال بدست نه آید باید که سورهٔ اِنَّا اَعْطَیْنَا را بست و یک مرتبه اول بر سه سون پارائی دم کند و بدستور بست و یک مرتبه سه بار دم کند و در لوبان سر سون سلامت آمیخته در خانهٔ صاحب مال دود کند سه روز بیشک دزد را ایذا رسد

دلیکن بجای ہو اچنین گوید ہو السارق مال فلان ابتر ابتر ابتر واگر بدین صورت سه روز بتاریخ ۲۷-۲۸-۲۹ - بر خاک دم کرده در دوکان و مکان دشمن اندازد بیشک دشمن و دوکان و خانه اش ویران گردد مجربست

نوع دیگر حب سوره «اذا زلزلت الارض زلزالها» بر بنوله چهل و یک مرتبه بر هر بنوله یک مرتبه خوانده دم کرده بدین تدبیر دهد که در آخر سوره هر بار گفته باشد که فلان در حب من بیقرار شود مع بسم الله هر بار خوانده باشد پس هر مرتبه بنوله را در آتش بیندازد پس انشاء الله تعالی در عرصه بست و یک مرتبه بیشک دشمن حاضر شود

نوع دیگر برای فتوحات این نقش را نوشته هر روز دو نقش را در دریا اندازد انشاء الله در عرصه هفت روز فائده آن بیند و بترکیب دوم این نقش را یک یک نقش هر روز نوشته مع اسم در چراغ روشن کنند یقین که در عرصه سه روز فائده آن بیند نقش این ست

۲۹۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ب | ۲۱ | ۲۲ | ۱۶ |
| ۲۴ | ۱۴ | ۵ | ۳۰ |
| ۱۲ | ۱۸ | ۳۶ | ۹ |
| ۳۴ | ح | ۱۰ | ۲۰ |

نوع دیگر عمل بغض مجرب باید که هفت عدد کنکر نمک طعام گرفته بنام هر دو کسان مع اسماء مادران شان و این آیه معظم خوانده دم کنند در آتش بر یندازد بیشک جدائی افتد باید که بر هر کنکر هفت هفت مرتبه دم کنند

و هر بار در آتش افگند مگر روز شنبه یا سه شنبه بود مجرب است و این وجعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ۵ نوع دیگر در باب حب چند بار آزموده شده باید که بروز یکشنبه یک کنجشک نر طلبیده ذبح کرده در خون او این نقش بنویسد

وہمان روز اور ابریشم سرخ لبسته بدرخت بیاویزد اگر خواسته خدا است معشوق
آزرده چند سال حاضر شود نقش مذکور اینست




نوعدیگر برای حب باید که بروز یکشنبه گل از چاک بیارد که از کلال باشد و از ان گل لوح لبسازد و بران لوح مذکور نقش پر سازد و صورت مطلوب ہم کشد و آتش انگشت بسوزاند و چہل و یک فلفل گرفته بر ہر فلفل چہل و یک مرتبه قل اعوذ برب الناس بخواند و اگر نتواند ہفت مرتبه بخواند و در آخر سوره گفته باشد که سوختم دل و جان فلان بن فلان را و دل فلان لبسوزان و چشم گریه کنان تا آنکه فلان مرا نه بیند قرار او را نباشد پس ہر فلفل را در آتش انداخته باشد و لوح را زیر آتش چنان نهد که بر جگه نقش آتش باشد علیحده نباشد انشاء الله تعالے مطلوب حاضر شود و اطاعت کند نقش که بر لوح نوشته میشود این است

| | | |
|---|---|---|
| ۱۲۱ | ۱۱۶ | ۱۱۷ |
| ۱۱۴ | نام مطلوب اینجا بنویس و لوح را بسیار کلان ۱۱۸ باید ساخت | ۲۲۲ |
| ۱۹ | ۱۲۰ | ۱۱۵ |

نوع دیگر نقش برای زبان بندی مجرب و کامل تر ست باید که دو نقش نوشته یکی را در قبر بجانب دست راست مرده دفن کنند و یکی بر بازوی خود بندد زبان بدگویان بسته شود اینست

| | | |
|---|---|---|
| | | |
| | | |
| | | |

نوع دیگر برای زن که فرزند نشود باید که تعویذ از مشک و زعفران بروز یکشنبه بنویسد و از شب جمعه در شیر شسته تا سه روز مرد و زن بنوشند و هر سه روز باهم مواصلت نمایند انشاء الله تعالی بچه صحیح و سالم پیدا شود مجرب و آزموده است و بارها بتجربه رسیده نقش این است

۸۶ کهیعص ۷

| | | |
|---|---|---|
| ۳۳ | ۳۵ | ۳۷ |
| ۳۸ | ۳۱ | ۳۶ |
| ۳۴ | ۳۹ | ۳۲ |

حمعسق
کهیعص
حمعسق

نوعِ دیگر برائے دفع دردِ شکم آدمی و اسپ وغیرہ بنویسد و شستہ برائے نوشیدن دہد بفضلہ تعالیٰ درد زود دفع شود نقوش ہر دو اینند

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| یاخبیر | یاحے | یاقیوم | یااحد |
| یاصمد | یاعزیز | یابصیر | یالطیف |
| یاکریم | یاباریٔ | یاجلیل | یاقریب |

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ر | ح | ی | م |
| ۱۱ | ۲۹ | ۱۵۷ | ۳ |
| ۴۲ | ۱۲ | ۶ | ۱۹۸ |
| ۷ | ۱۹۹ | ۳۱ | ۱۳ |

نوعِ دیگر این ترکیب برائے بستن خواب مجرب است باید کہ بر کاغذ نوشتہ یک میخ آہنی پیچیدہ زیر بالین خود بدارد و خسپد خواب مطلوب بند شود ترکیب مذکور اینست فاتحہ بسم اللہ الرحمن الرحیم الحمد للہ بستم رویش رب العالمین بستم مویش و بستم دلہا الرحمن بستم لبانش الرحیم بستم گوشش مالک یوم الدین بستم سینہ اش علی حب فلان بن فلان ایاک نعبد بستم شکمش و ایاک نستعین بستم زبانش اہدنا الصراط المستقیم بستم دستہائیش صراط الذین بستم پائیش انعمت علیہم عقلش غیر المغضوب بستم ہوشش علیہم ولا الضالین امین از

رلیس ورلیسمان دیوان وپریان من لستیم شمانیز بہ بندید تامن نکشایم شماہمہا نکشایید بحرمت
اھیا اشراھیا فلان بن فلان العجل العجل العجل العجل العجل
الیوم الیوم الیوم

**نوع دیگر** برائے دفع جموگہ روز تولد فرزند در گلوئے فرزند ویکی در گلوی مادرش بہ بندد و تا چہل روز در گلوئے بستہ بدارد الفاظ ممدوحہ و موصوفہ اینند و مجرب تر اند فافہم بسم اللہ الرحمن الرحیم حلیوس ملیوس مرلوش رلوش جیوشش معلموشش مرطوشش میلو مالیش ایسا او مادریا فرویا اجیون اجیونون

**نوع دیگر** برائے حب بروزیکشنبہ بر نان نوشتہ سگ را بخوراند چون سگ ہرگاہ بانگ کند آن کس بے قرار گردد و فریفتہ و فرمان بردار شود و اگر برائے محبت زن کند مادہ سگ را بر نان نوشتہ بخوراند اینست

لا ع بد ع لا ع حسم حا حمد

نوع دیگر برائے زبان بندی دشمن این عمل نوشتہ با خود دارد جائیکہ برود از بدگوئی محفوظ ماند آیۂ اینست فافہم ربنا قاہر ذو البطش الشدید انت الذی لا یطاق انتقامہ و عقد اللسان فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان۔

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ٦ | ٦ | ١١ | ١ |
| ٣ | ٩ | ١٨ | ١٤ |
| ١٧ | ٧ | ٠ | ١٠ |
| ٨ | ٢ | ع | ١٩ |

**نوع ثانی** برائے زبان بندی این را بقید چہار اسم نوشتہ با خود دارد زبان او بند شود

اه اه اه اه الله الله الله الله الله مہم مہم مہم مہم اھیا اشر اھیا
اذ وقی اشاوہ لف ال شعری ال شری ماہ ماہ ماہ زبان فلان
بن فلان علے حب فلان بن فلان الم المومنین بحق ایاک نعبدو
ایاک نستعین ؕ

نوع دیگر این نقش برائے دزد بر کاغذ بنویسد و درمیان برنج نہادہ بخوراند ہر کہ دزد باشد از حلق فرو بردن نتواند و این را اگر بر پارچہ نان نوشتہ بخوراند نان ہم زیر حلق فرو بردن نتواند اینست

ط ااا سہ اسہ

لا ۲ ط بحسلہ لاحما

۹ ح ط ح مر

حالـــــــــصم

نوع دیگر این نقش را بساعت نیک نوشتہ بطہارت تمام در کیسہ خود بدارد حق تعالیٰ در مال برکت و کرامت فرماید کیسہ اش خالی نماند نقش اینست ۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ف | ی | ط | ل |
| ل | ط | ی | ف |
| ی | ف | ل | ط |
| ط | ل | ف | ی |

وہمراہ نقش ہذا این نقش راہم بدارد امنیت

نوع دیگر این طلسم را بر پارچہ کاغذ مہر دار از زعفران و مشک نوشتہ در طعام آلودہ و مخلوط کردہ بہ مطلوب بخوراند و یکے نوشتہ پیش خود دارد انشاءاللہ تعالیٰ مطلوب مطیع او گردد این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ف | ت | ا | ح |
| ح | ا | یالطیف یافتاح | ف |
| ت | ف | روزی از غیب برسد ح | ا |
| ا | ح | ف | ت |

ا و ۱۱ ہ ۲ د ہ ۱۱ ۹۰ ۱۱ د ۱۱ ۲ د م ۱۱۱ د ھ ۹

ر ا ح ۱۱ و د م ۱۱ ۱۱ ہ ۱۱ ۹ ۲ ۱۱ ۱۱ ۹

علی حُب فلان بن فلان علیٰ حُب فلان بن فلان ۔

نوع دیگر این طلسم بر جامۂ مطلوب نوشتہ در چراغ فلیتہ نمودہ بسوزد مطلوب او بیقرار و بیتاب شود طلسم این ست

لہ ۹ ۱۱ ۱۱ ۱۳ ۱۶ ۱۱ ۹ ۱۰ م ھ ع ع

۱۱۹ ۱۳ ۱۱ ۱۶ ۱۱ ۹ ۱۰ م ھ ع ع

فلان بن فلان علیٰ حب فلان بن فلان

نوع دیگر این طلسم را بروز دوشنبہ بساعت اول نوشتہ در آتش بیندازد انشاءاللہ تعالےٰ

مطلوب بیقرار شده حاضر شود اینست

ک ۱۱ ۱۲ ۱۱ ۲۱ ۵ ۵ ۱۱ ۸ سسمر ھے

فلان بن فلان | علی حب فلان بن فلان

نوع دیگر این طلسم بر کاغذ مهردار نوشته فلیته نموده در چراغ روشن کند در روی چراغ جانب خانهٔ مطلوب کند مطلوب بیقرار شود این است

۱۸ ۱۲ ۱۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۵ عـ ط ط ع م

نوع دیگر برای کشایش رزق مجرب و آزموده است که هرگز خطای ندارد باید که در هر ماه بتاریخ هفتم بوقت نماز صبح غسل کند و یک نیم پاؤ آرد گندم را بطهارت دو نان به پزد و آن را از روغن زرد چرب کند و در یک نان شکر بدارد و در دیگر نان قدری جغرات و قدری نمک و چهار مرچ سیاه بدارد چنانچه هر دو نان پیش جانماز به هر دو کنارهٔ جانماز بدارد و چهار رکعت نماز نفل ادا کند بعده فاتحه بارواح حافظ خدایار خان مغفور بر نان بکند بعد ازان بوقت نماز فجر که آفتاب طلوع نکند این نقش هفت هفت عدد نویسد و نگاه دارد چون وقت نماز ظهر آید نقوش نوشته را رفته بدریا اندازد بفضل الهی چهار آنه هر روز او را بهر صورت میسر آیند و باید که وقت نوشتن کلام نکند و درود شریف در دل بخواند این عمل در قبضهٔ خدایار خان صاحب مغفور و مرحوم بوده ایشان از توجه باطنی باین فقیر بخشیدند و این خاکسار عاملان حسبة لله برای جمیع برادران ایمانی درین اوراق برمی نگارم که هر که ازین فائده بردارد او را اجازت است و مارا بدعای خیر یاد فرماید که ایزد منان بر من رحمت نازل کند چنانچه نقش موصوف اینست

۷۸۶

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۰ | ۴۵ | ۴۴ | ۷ | ۱۱ | ۱۲ | ۴۶ |
| ۹ | ۱۹ | ۳۴ | ۱۷ | ۲۰ | ۳۵ | ۴۱ |
| ۸ | ۱۸ | ۲۴ | ۲۳ | ۲۸ | ۳۲ | ۴۲ |
| ۴۹ | ۳۷ | ۲۹ | ۲۵ | ۲۱ | ۱۳ | ۱ |
| ۴۸ | ۳۶ | ۲۲ | ۲۷ | ۲۶ | ۱۴ | ۲ |
| ۴۷ | ۱۵ | ۶۱ | ۳۳ | ۳۰ | ۳۱ | ۳ |
| ۴ | ۵ | ۶ | ۴۳ | ۳۹ | ۳۸ | ۴۰ |

نوع دیگر اگر این نقش نوشتہ در بازوے خود بہ بندد ہرگز باذن خدا تعالیٰ
مفلس نگردد خرچ او از غیب رسد اینست

ہو الرزاق علے الاطلاق ۱۱۱ ۹ بسط ۱۱ ۱۱ ھا

ولہ

نوع دیگر براے محبت بقید چہار اسم بر برگ ہر درختیکہ باشد بنویسد و زیر آتش نہد

طمحح و عمحح و علمحح و صلمحح و سلمحح و

احبّ یا تنکفیل بحق یا قیوم

یا حی الاهو الحی القیوم ۵ ۵ ۵

نوع دیگر برائے درد پستان این نقش معظم نوشته بشسته بنوشانند و یکی در گردن اندازد درد دفع شود نقش این است

نوع دیگر برائے تپ لرزه این نقش مکرم را نوشته در بازوش بندد و یک نقش نوشته بوقت آمدن تپ دور شود نقش مذکور اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۱۲ | ۱۵ | ۱ |
| ۱۴ | ۲ | ۷ | ۱۳ |
| ۳ | ۱۷ | ۱۰ | ۶ |
| ۱۱ | ۵ | ۴ | ۱۶ |

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸۵۷ | ۸۶۰ | ۸۶۳ | ۸۵۰ |
| ۸۶۲ | ۸۵۱ | ۸۵۶ | ۸۶۱ |
| ۵۲ | ۸۶۵ | ۸۵۸ | ۸۵۵ |
| ۸۵۹ | ۸۵۴ | ۸۵۳ | ۸۶۴ |

نوع دیگر برای دفع درد سر این نقش معظم را بنویسد و در سر بندد او این ست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲ ب | ۲ ع | ۲۸ | ۱ ع |
| ۷ ب | ۱۶ | ۲۱ | د ب |
| ۱۷ | ۳۰ | ۳ ب | ک |
| ۱۳ | ۱۹ | ۱ ح | ۲۹ |

نوع دیگر برائے دفع درد نیم سر این نقش نوشته هر روز در آب تازه شسته بوقت سحر بنوشد انشاء اللہ درد مذکور دفع گردد اینست

نوع دیگر برائے دفع درد نیم سر این نقش معظم و مکرم را به ساعت سعید بنویسد و در سر به بندد و به کرمہ تعالیٰ عز و جل درد مذکور دفع گردد اینست

| | | |
|---|---|---|
| مولوس | | صلح |
| یابدوح | یابدوح | یابدوح |

جبرئیل ۷۸۶ عزرائیل

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۶۴۴ | ۱۶۴۷ | ۱۶۵۲ | ۱۶۳۷ |
| ۱۶۵۱ | ۱۶۳۸ | ۱۶۴۳ | ۱۶۴۸ |
| ۱۶۳۹ | ۱۶۵۴ | ۱۶۴۵ | ۱۶۴۲ |
| ۱۶۴۶ | ۱۶۴۱ | ۱۶۴۰ | ۱۶۵۳ |

میکائیل اسرافیل

نوع دیگر براے دفع آسیب این نقش نوشته در گلوے به بندد باذن خدا تعالی
آسیب از مریض دفع شود اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۴ | ۳۷ | ۳۱ | ۱۷ |
| ۳۰ | ۱۸ | ۲۳ | ۲۸ |
| ۱۹ | ۳۳ | ۲۵ | ۳۲ |
| ۲۶ | ۲۱ | ۲۰ | ۳۲ |

نوع دیگر هر زنے را که حمل هر بار ساقط میشود
باید که این نقش نوشته در زمان حمل در کمرش به بندد
بفضل خدا تعالی حملش قایم ماند و فرزند نرینه
پیدا شود نقش مذکور اینست فافهم ط۵ ط۵ ط۵

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۲ | ۷۵ | ۷۵ | ۶۵ |
| ۷۷ | ۶۶ | ۷۱ | ۷۶ |
| ۶۷ | ۸۰ | ۷۳ | ۷۰ |
| ۷۴ | ۶۹ | ۶۹ | ۷۱ |

نوع دیگر براے محبت اگر این نقش را نوشته
در شربت شسته مطلوب را بنوشاند
در محبت بیقرار شود
نقش اینست ط۵

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۲ | ۱۵ | ۱۸ | ۵ |
| ۱۷ | ۶ | ۱۱ | ۱۶ |
| ۷ | ۲۰ | ۱۳ | ۱۰ |
| ۱۴ | ۹ | ۸ | ۱۹ |

نوع دیگر براے کشادن بول خواه مردم خواه
حیوان این طلسم بر هر چهار دست
و پاے نوید بولش کشاده گردد اینست
عطست بر دست راست و بر دست چپ عطسیت و بر پاے راست
عبطوسا و بر پاے چپ عطس چون بول شود نقوش را محو کند مجرب ست
عزیز باید داشت و نه کاتش اینکه بهر کس یاد دهاند
نوع دیگر براے برده گریخته این نقش معظم را نوشته بساعت سعد بر درخت
کلان بمقام بلند بندد تا از باد بجنبد و اگر سمت گریختن معلوم بود روے نقش
به همون سمت کند ان شاء الله تعالی گریخته زود باز گردد نقش معظم و مکرم این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۴۹ | ۲۵۲ | ۲۵۷ | ۲۴۲ |
| ۲۴۶ | ۲۴۳ | ۲۴۰ | ۲۵۳ |
| ۲۴۴ | ۲۵۹ | ۲۵۰ | ۲۴۷ |
| ۲۵۱ | ۲۴۶ | ۲۴۵ | ۲۵۸ |

نوع دیگر برائے بردہ گریختہ این نقش نوشتہ بر چرخہ بندد و منقلب گردش دہد گریختہ سرگردان شدہ باز آید اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۵۹ | ۲۶۲ | ۲۶۷ | ۲۵۲ |
| ۲۶۶ | ۲۵۳ | ۲۵۸ | ۲۶۳ |
| ۲۵۴ | ۲۶۹ | ۲۶۰ | ۲۵۷ |
| ۲۶۱ | ۲۵۶ | ۲۵۵ | ۲۶۸ |

نوع دیگر برائے بردہ گریختہ این نقش معظم نوشتہ در چاہ بیندازد چون نقش گداختہ شود گریختہ بیقرار گردد و زود بسمت خانہ منعطف گردد و باید کہ تا آمدن او نقش در چاہ انداختہ باشد اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| و | ۷ | ۶ |
| د | د ع | ر |
| ۴ | سر | ۸ |
| ع | ۲ | رست |

نوع دیگر این نقش را برای دفع جھوگہ بنویسید ودر گلوے کودک ببندد از مجربت انشاء اللہ تعالیٰ مرض مذکور دفع خواہد شد نقش اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ع | ع | ۹ | ۳ |
| ۲ | بدر | ع | ۱۵ |
| ۱۲ سر | سرو | رو | ۱۷ |
| علے | الا | ۱۸ | بر |

نوع دیگر ہر کسے را کہ ناف رفتہ باشد این نقش نوشتہ در کمر بہ بندد ناف رفتہ بجای خویش آید نقش این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ا | ب | ج | د |
| ہ | و | ا | ی |
| ر | در | ۴ | ۴ |

نوع دیگر برای خرید و فروخت واجرای دوکان بروز قمر یا شمس خواہ مشتری خواہ زہرہ قبل از طلوع آفتاب این نقش را بہ نویسد ودر دوکان خود بدارد انشاء اللہ تعالےٰ خرید و فروخت بسیار شود نقش این است

۷۸۶

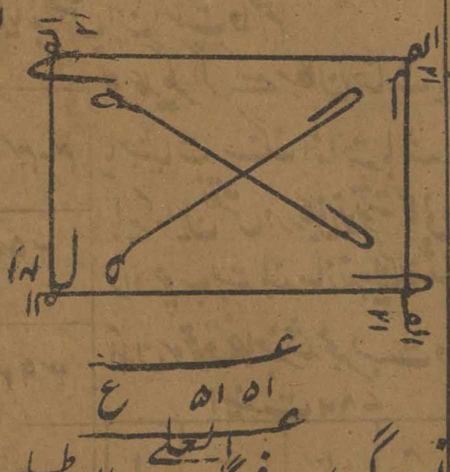
نوع دیگر برای درد گلو و آماس گلو این نقش را بنویسد وبجای آماس بہ بندد انشاء اللہ آماس ودرد موقوف شود نقش اینست

وطل سوطیل

موطیل وطل

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۲۰ | ۱۲۴ | ۱۳۰ | ۱۲۷ |
| ۱۳۱ | ۱۲۶ | ۱۲۱ | ۱۳۳ |
| ۱۲۵ | ۱۲۸ | ۱۳۶ | ۱۳۲ |
| ۱۳۵ | ۱۲۳ | ۱۳۴ | ۱۲۹ |

نوع دیگر برائے استحکام حمل و دفع درد شکم حاملہ و اجرای خون حاملہ را بستہ کردن باید کہ برگ تنبول این طلسم را نوشتہ برای خوردن دہد انشاء اللہ حمل قائم ماند این ست



نوع دیگر اگر بچہ شیر نہ خورد این آیۂ شریف را نوشتہ در گلو بند ارند انشاء اللہ شیر خواہد خورد این است آیۂ شریف

اِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ اَتٰى

اہو اماما ہویا اثر ہویا اہیا اشراہیا

نوع دیگر برائے دفع گلتے و درد این طلسم را بنویسد و بر موضع درد بہ بندد انشاء اللہ تعالی درد بہ شود اینست

ع ل ع

نوع دیگر برائے محبت و عشق بر نعل اسپ سرنگ نوشتہ در آتش بیندازد۔ انشاء اللہ تعالی مطلوب بیقرار شود طلسم اینست

۸۸ ۵ ۵ ۱۹ ۸۸ ۱۱۱ ۹ ۱۱۱ ۱۱

| |
|---|
| اللهم احرقت قلب فلان بن فلان علے حب فلان بن فلان حاضر شده مسخر گردد۔ |

الہ ۵ ۵ لہ ۵ ا۱ ا۱ ۱۱ ۱۱ ۵ ۵ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱

نوعدیگر اگر این نقش که از اعداد سورهٔ الم نشرح است بنویسد و برای هر روز درد جگر بر مریض شسته بنوشاند بفضل الٰہی جل شانه شفا یابد و اگر الم نشرح بر آب یا برگ تنبول دم کرده بخوراند نیز شفا یابد نقش این است فافهم

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۴۰۴ | ۳۹۲ | ۳۹۷ | ۴۰۲ |
| ۳۹۳ | ۴۰۷ | ۳۹۹ | ۳۹۶ |
| ۳۹۳ | ۴۰۷ | ۳۹۹ | ۳۹۶ |
| ۴۰۰ | ۳۹۵ | ۳۹۴ | ۳۰۶ |

نوعدیگر اگر کسے مکان جنات یا یا جنیات سنگ انداخته باشد باید که این نقش در رکابی نو نوشته رکابی را در چوب بسته بلند سازند بیشک سنگ آمدن موقوف خواهند شد مجرب بست و اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۱۰ | ۱۳ | ۱ |
| ۱۲ | ۱۵ | ۸ | ۶ |
| ۹ | ۵ | ۴ | ۱۴ |

نوعدیگر برای دفع ایذاء دشمن این هر دو نقش را بر خشت خام بنویسد و از کارد بنویسد و در چاه عدو اندازد یقین ست که در مدت و عرصهٔ بست و یک و یا چهل و یک روز عدو تباه گردد و اوا اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۹۲۶ | ۹۴۹ | ۱ |
| ۹۲۸ | ۲ | ۷ | ۹۲۷ |
| ۳ | ۹۳۱ | ۹۴۴ | ۶۱ |
| ۹۲۵ | ۵ | ۴ | ۹۳۰ |

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۷۲۴ | ۷۱۷ | ۷۲۲ |
| ۷۱۹ | ۷۲۱ | ۷۲۳ |
| ۷۲۰ | ۷۲۵ | ۳۱۵ |

نوعدیگر هر که بدست ظالمی گرفتار باشد بیارد یک زاغ کلان کوهی و او را بکشد و از

خون او این طلسم را نوشته در خوابگاه دشمن دفن کنند دشمن زود ہلاک گردد
اینست ٭ ۱۲ ۱۴۱ ۲۶ اھ ھو ۱۲۱ ۱۱عہ
اِنَّ شَانِئَکَ ھُوَ الاَبتَرہ

نوع دیگر در باب حُب مجرب اگر خواہد کہ کسی را بر خود مبتلا گرداند باید کہ یک نان گندم بہ پزد و آن نان را یازدہ پارچہ کند و بر ہر پارچہ این نقشہا را جدا جدا بدستور یکہ نوشتہ اند یکی بعد دیگری بنویسد و از اول تا آخر تمام کند پس اگر برای زن محبت میجوید مادہ سگ سیاہ را بخوراند و اگر برای محبت مرد خواہد سگ نر را بخوراند کہ سیاہ باشد اگر یکے سگ تمام پارچہ بخورد مطلب زود برآید و اگر چند نخورند از دیر بسیار برآید و بدستور نوشتہ اول پارچہ اول بار دوم را بمرتبہ دوم علے ہذا الترتیب بخوراند تا اثر تمام دہد و تا مطلوب رام نہ شود ہر روز ضرور بر ضرور خوراندہ باشد مجرب است
و بہ ترتیب تمام نقوش این اند

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۸۷۰۱ | ۲-۷۸۶ | ۳۰-۷۸۶ | ۴-۷۸۶ |

۷۸۶

| عود | نغرہ | معدون | حسین |
|---|---|---|---|
| ۵-۷۸۶ | ۶-۷۸۶ | ۷-۷۸۶ | ۸-۷۸۶ |
| ۴۶۱۱۰ | دستور | محروم | عسط |
| | ۹-۷۸۶ | ۷۸۶-۱۰ | |

حطنہ حطہ تعهوا

کمل ہوا

نوع دیگر این نقش را از اعداد اسم الله که همین اسم اعظم است و اگر این نقش را یک لک و بیست و پنجهزار نوشته در آرد گندم گولی بسته بدریا رسانیده باشد عامل نقش معظم گردد پس هر کاریکه نویسید بیشک تیر بهدف یابد و اگر برای دریافت مقدمهٔ لاحل نوشته زیر بالین نهاده بخسپد جواب هر سوال از غیب در خواب یابد خطای ندارد مجرب است اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۹ | ۱۳۲ | ۱۹ | ۱۶ |
| ۲۰ | ع۱ | ۱۰ | ۲۱ |
| ۱۳ | ۱۷ | ۲۴ اینجا سوال خویش بنویسید | ۱۱ |
| ۲۳ | ۱۲ | ۱۴ | ۱۸ |

نوع دیگر در باب زائیده شدن طفل بآسانی و بسهولت بسرعت تمامتر باید که این اسماء اصحاب کهف که هفت اسم از همه را بمضمونیکه نوشته ام در کمر زن ببندد فی الفور بچه از شکم بیرون آید چون خلاص شود تعویذ نموده این اسماء را در گلوی بچه بر اندازد که طفل از هر بلا محفوظ ماند اینست

الهی بحرمت یملیخا یکسملینا کشفوطط کشنور فسطط شونس ازرفط
یونس یوانس یوس

نوع دیگر اگر مرد را سرعت انزال باشد این عمل بکار آید باید که این نقش را در کسوف

قمر خواه شمس در آب تا کمر ایستاده بنویسد خواه بر تختی سیسه بکند و بر پشت خویش ببندد منزل نه شود چون بر ناف نقش را آرد انزال خواهد شد۔ نقش معظم و مکرم این است

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲۷۵ | ۲۰۲۴۰۲ | ۳ ۴۶ |
| ۲۵۲ | ۳ ۳۰۱ | ۲۲۵ |
| | | |
| ۲۷۶ | ۴ | ۲۴۷ |

نوع دیگر اگر خواهد که مرد دیگر بر زن قادر نشود باید که این مُهر در عین قمر در عقرب در میان آب تا کمر ایستاده بر مس نشان کرده بیاید و بعد از آن آنرا کنده کنانند پس بر فرج هر عورت که مهر کند بسته گردد و لیکن آن روز خود هم منزل نشود و چون خواهد که بکشاید این مُهر را رخش تبدیل کرده بجای دیگر مُهر کند یعنی اگر اول بر رخ فرج مُهر کرده است الحال زیر آن مُهر کند که بکشاید مجربست بدان ای عزیز مردمان نزد رمال از هر قسم آمده سوال میکنند پس برای آن این چنین نقوش نوشته دادم که عامل را تلاش بجای دیگر نیفتد ورنه در این کتاب بزرگ ضرورت گنجایش این نقوش نیست فهذا مُهر که گفته ام اینست کذالک بطریق

نوع دیگر نقش مجرب و آزموده عنایت میر محمد امیر صاحب درباب حب باید که بروز دیوالی در یک بند

| | |
|---|---|
| دوھ ح ک ل م د ف | |

قرطاس روبروے چراغ دیوالی چهل و پنج نقش آدم بنویسد و پانزده نقش حوّا آلنشی بر نویسد و آنرا فلیته ساخته در روغن شیرین روشن کنند و در کهوپڑی مرده کاجل کشد و آن دوده را در چشم کشیده با هر کس که میل داشته باشد روبروے آن برود آن کس چون نظر بر او کند مطیع و فرمانبردار گردد انشاء الله و بوقت فلیته روشن کردن

تا اختتام شدن فلیتہ اسم یا درود می خوانده باشد مجرب است و نقوش این اند

نقش آدم ع ۷۸۶ ۷۸۶ نقش حواؑ

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| ۶ | ۱ | | ۱۶ | ۱۱ | ۱۸ |
| ۷ | ۵ | ۳ | ۱۷ | ۱۵ | ۱۳ |
| ۲ | ۹ | ۴ | ۱۲ | ۱۹ | ۱۴ |

نوع دیگر نقوش مجرب در باب بغض و حسد جانبین اگر خواہد کہ با دو کس جدائی و بغض و حسد در پیش آرد باید کہ یک نان بطہارت تمام تیار کند و چہارده پارچہ کند و بر ہر پارچہ این نقش بنویسد و اول نوشتہ بالا را بہ سگ خوراند و نوشتہ آخر را بہ گربہ بخوراند اگر یک ہفتہ بدستور عمل آرد بیشک جدائی فیمابین بوقوع انجامد این عمل بخشیدہ میر منور علی صاحب است و آزمودہ است انیت

| | | | |
|---|---|---|---|
| گربہ را بخوراند | سگ را بخوراند | گربہ را بخوراند | سگ را بخوراند |
| دھلساء | علسہ | محصلما | عجس |
| گربہ را بدہد | سگ را بدہد | گربہ را بدہد | سگ را بدہد |
| محسار | باھمی ۱۱ | سطرون | ھوکار |
| گربہ را بدہد | سگ را بدہد | گربہ را بدہد | سگ را بدہد |
| محلسا | مسہمہ | سرافقا | مھسا |

| | |
|---|---|
| گربہ را بدہد | سنگ را بدہد |

| | | | |
|---|---|---|---|
| | مسلسع | حملو | |

نوع دیگر نقش حوا بروش وطرز دیگر بمزاج بادی در باب بغض ونفاق مجربست اگر درمیان دو کس یا دو خانان یا چندکسان جدائی ونفاق منظور باشد ہم این دو نقش در کاغذ بہ نویسد مع اسم گرداگرد ودر گور کہنہ دفن کند بیشک جدائی افتد مجرب عنایت فرمودۂ میر منور علی صاحب است

یاقہار یاقہار یاقہار

| | | |
|---|---|---|
| ٢ | ٧ | ٦ |
| ٩ | ٥ | ١ |
| ٤ | ٣ | ٨ |

اجهزط اجهزط اجهزط

[illegible]

[illegible]

اجهزط اجهزط اجهزط

ونقش دیگر بروش ثانی بنویسد وگرداگرد آن بدین طریق بنویسد مکرر نوشتن چہ ضرور اینا نقش بروش دیگر من ہی نویسم عبارت طالب برگرد او حسب دستور بنویسد اینست پس مثل نقش اول عبارت گرد نقش ثانی ہم بنویسد نوع دیگر عمل نقش مجرب عطیہ بزرگی قاسم علی شاہ معرفت میان الٰہی بخش بہم رسیدہ درباره ایذا دادن

| | | |
|---|---|---|
| ٤ | ٣ | ٨ |
| ٩ | ٥ | ١ |
| ٢ | ٧ | ٦ |

وہلاک نمودن دشمن تیر بہدف است باید کہ روزے در عروج ماہ عدد آیۂ معظم و مکرم (فی قلوبہم مرض فزادہم اللّٰہ مرضا ولہم عذاب الیم) و عدد اسم آن کس کہ باو خصومتے دارد برآوردہ در نقش مربع پر کند و اگر عدو را بیمار داشتن منظور باشد نقش مذکور را از خانۂ ششم پر کند و اگر ہلاکت عدو منظور باشد از خانۂ ہشتم پر کند و در گور کہنہ دفن کند اما دفن بروز سہ شنبہ باشد و خود از ہمان روز آیۂ ہذا موصوفہ بقدر تعداد عدد برآوردہ میخواندہ باشد بوقت نصف النہار انشاء اللّٰہ در عرصۂ چہل روز عدو بیمار شود یا ہلاک گردد مجرب ست و عدد آیۂ معظمہ مذکورہ چہار ہزار وسی و دو عدد اسم دشمن در آن وقت ہرچہ باشد دران اعداد ادغام کند و نقش مربع پر کند چنانچہ من مثال آن را می نویسیم تا بفہم نزدیک باشد این ست عدد آیۂ مذکورہ ۴۰۳۲ ۲۱۴ ۲۱۵ ادغام ۴۲۴۵ بیمار

عدد اسم عدو فدا حسین

حصۂ چہارم ۱۰۵۳ - کسر ۳ نقش آن

۲۱۵ ۷۸۶ ہم نمبر

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۰۵۶ | ۱۰۶۸ | ۱۰۶۳ | ۱۰۵۸ |
| ۱۰۶۷ | ۱۰۶۳ از این خانہ برای بیماری | ۱۰۶۱ | ۱۰۶۴ از این خانۂ ہلاکت |
| ۱۰۶۲ | ۱۰۵ | ۱۰۶۶ | ۱۰۵۴ |
| ۱۰۶۴ | ۱۰۵۹ | ۱۰۵۵ | ۱۰۶۹ |

پس از ہر خانہ اعداد ادغام شدہ سہ ہزار ہفتصد و پنج درست آمدند ہمین طور نقش پر

کنند و آنچه اعداد از ادغام کردن اسم عدو در آید حاصل شوند همان مقدار آیه را بخوانند و اگر آید فرصت نداشته باشد بتعداد عدد اسم عدو بخواند الا تاثیر این قدر کم بود که عدو صرف بیمار خواهد شد تو عدیگر اگر خواهد که از نظر دشمن محفوظ مانم باید که این نقوش را بدین صورت بنویسید که بر نقش بجانب پشت از نقش دیگر بنویسید و بر بازوی راست بسته بهر جا که خواهد برود از فضل ستار العیوب از نظر دشمن محفوظ ماند این نقوش تجربه نموده مرزا مغل صاحب اند و آزموده دیگر اشخاص هم اند و این اند

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۹۷۸ | ۹۹۲ | ۹۸۸ | ۹۸۵ |
| ۹۸۹ | ۹۸۴ | ۹۷۹ | ۹۹۱ |
| ۹۸۳ | ۹۸۶ | ۹۹۴ | ۹۸۰ |
| ۹۹۴ | ۹۸۱ | ۹۸۲ | ۹۸۷ |

و نقش دیگر بر پشت این نقش بنویسید چنانچه نقش پشت این است ۵۵

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۷۹ | ۱۹۴ | ۱۹۰ | ۱۸۷ |
| ۱۹۱ | ۱۸۶ | ۱۸۰ | ۱۹۳ |
| ۱۸۵ | ۱۸۸ | ۱۹۶ | ۱۸۲ |
| ۱۹۵ | ۱۸۳ | ۱۸۴ | ۱۸۹ |

نوع دیگر برائے افزودن شیر زن این نقش معظم نوشتہ شستہ سہ ایام بخوراند از فضل الٰہی شیر زیادہ شود این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۴۶۰ | ۱۳۷۴ | ۱۴۷۱ | ۱۴۶۷ |
| ۱۴۷۲ | ۱۴۶۶ | ۱۴۶۱ | ۱۴۷۳ |
| ۱۴۶۵ | ۱۴۶۹ | ۱۳۷۲ | ۱۴۶۲ |
| ۱۴۷۵ | ۱۴۶۳ | ۱۴۶۴ | ۱۴۷۰ |

## باب چہارم در بیان عزیمت و نقشیات دفع آسیب و حصار و فلیتہاے مجرّب وغیرہ

آنچہ کہ طالب درین امر طلب کند درین باب تلاش کند بسیار عملیات و فلیتہا و آیات از جا بجا بہم رسانیدہ از مجربات نوشتہ ایم یقین ست کہ اگر در تمام کتب ازین اعمال جمع کند ازین باب بیرون نباشد امید کہ ازین کتاب بہرہ یافتہ عاصی مصنف کتاب را بدعاے خیر یاد نمایند چنانچہ ابتدای این باب از حصار کردہ ام کہ در حاضرات کردن و بر وقت عمل خوانی آنچہ کہ اول مذکور شدند حصار گرد خود کنند این است حصار کہ در ہر عمل بکار آید باید کہ این حصار را حفظ کند و چہل ہزار مرتبہ در یک چلہ بخواند و پرہیز از خوردن گوشت بز و گوشت ماہی بکند پس عامل حصار خواہد شد ہرگاہ کہ برائے

خواندن و دادن زکوٰت نشینه حصار گرد خود بکند و در ہر مقام خطرناک و ہر جلسۂ خوفناک و رفتن روبروے بادشاہ ظالم و امیر و جابر و در جنگ و جدل ہم مفید است حصار کردہ برود انشاء اللہ فتحیاب گردد ہیچ حضرت او را نرسد و ہر روزہ ہر صبح بعد نماز یکبار بر خود دم کردہ باشد از ہر بلا محفوظ و این حصار عنایت فرمودہ میر تمیز علی صاحب ساکن کونل جلیسر ست و مجرب ست عزیز باید داشت و حفظ باید نمود و این است

بسم اللہ الرحمن الرحیم پیش محمد صلی اللہ علیہ وسلم پس علی رضی اللہ عنہ دست راست امام حسن رضی اللہ عنہ و دست چپ امام حسین رضی اللہ عنہ کلید داؤد قفل سلیمان پیغمبر نگہبان پاک ذات

لا الہ الا اللہ محمد رسول یا حافظ یا حفیظ یا ناصر یا نصیر یا رقیب یا وکیل یا اللہ یا اللہ علیقا ملیقا خالقا مخلوقا کافا شافعا مرتضی بحق یا بدوح و ننزل من القرآن ما ہو شفاء ورحمۃ للمؤمنین صالا لوسا و رضاتن دو دعوۃ رد بلیۃ در رجال الغرب بحق محمد مصطفے صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم کھلا کھلا ارحم ارحم ارحم ترحم عقد تم عقد تم فوفیس یا اللہ کو سلیمان بن داؤد علیہما السلام

| | | | |
|---|---|---|---|
| | بند شو | بند شو | بند شو |

حصار درود صلوٰۃ تنجینا از ہزار حصار بہتر کہ در ہر جلسۂ و در ہر وظیفہ و در ہر دعوۃ و ہر چلہ کہ آغاز نماید اول لبست و یک مرتبہ این درود بخواند و گرد خود دم کند و بعد اتمام وظیفہ یا دہ مرتبہ بخواند و این درود شریف ہم حصار و ہم دعاست بسیار نفع میکند و زکاتش و ہیچ بلا گرد عامل نگردد و ہر مراد کہ داشتہ باشد ایزد تعالیٰ رو گرداند و محافظ عامل ملائکہ این درود معظم خواہند شد درود شریف اینست

اعوذ باللہ من الشیطان الرجیم۔ بسم اللہ الرحمن الرحیم اللہم صل علی سیدنا و مولینا محمد و علی آل سیدنا و مولینا محمد صلوٰۃ تنجینا

بھا من جمیع الاھوال و الآفات و تقضی لنا بھا من جمیع الحاجات وتطھرنا بھا من جمیع السیئات و ترفعنا بھا عندک اعلے الدرجات و تبلغنا بھا اقصے الغایات من جمیع الخیرات فی الحیوۃ و بعد الممات انک علے کل شئے قدیرٌ

وبعد این درود باید که ہر چہار قل میخوانده باشد وطہارت تمام درین حصار ہم کرده باشد زیراکه این درود دعای حاجت برآر مطلق است اگر چہل روز متواتر یکہزار مرتبه دریک مجلس بشب میخوانده باشد وختم کلام اللہ دریک جلسه حاجت بیشک به آید غنک نه آرد که شک کردن عادت کفارست حصار دیگر بہروقت وبر عزیمت که خواندن آغاز کند در زکوة دادن وحاضرات کردن اول این حصار ہفت مرتبه یا یازده مرتبه خوانده برخود و بر گرد خود دم کند و برای درد سر ہم اگر دم کند صداع دفع شود واین حصار عنایت فرموده مولینا و فاضل الافضل عامل کامل امام الدین صاحب ساکن رہتک وجھجھر ست که در وطن خویش از راه عنایت بخشیده بودند چنانچه حصار اینست

ابرسا سیو سا سا و سا سور سا جلسه ورسا مر و ملعا مثار شو بحق شیخ عبد القادر جیلانی شیئاً للہ اغثنی باذن اللہ بحرمت محمد ابن عبد اللہ صلے اللہ علیه وسلم یا اللہ یا اللہ باید که یازده مرتبه برکار دے که دسته سپید داشته باشد خوانده دم کرده بر وقت جلسهٔ دعوت وحاضرات گرد خود خط کشیده روبروے خویش خوانده دم کرده کارد ایستاده کند حصار دیگر معروف ومشہور که اکثر بزرگان از قدیم در امر اجرا میدارند و بر وقت حاضرات ودادن زکوة اول میخوانند پس باید که آیة الکرسی و ہر چہار قل یعنی قل یا و قل ہو اللہ و معوذتین بخواند وبعد ازان آیۃ شریفه آمن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنین آه بخواند برخود و بر گرد خود دم کند و ہر چه مریض وآسیب زده باشد گرداد

دم کردہ دہد تا آنکہ بر سر او اگر آسیب حاضر شدہ است از حصار کردن بلا اجازت ہرگز گریز نخواہد کرد

## عملیات و حاضرات مجرّب عنایت بزرگان از ینجا آغاز کردہ می شوند عزیز باید داشت

عملحاضرات عنایت فرمودہ مولینا امام الدین صاحب فاضل و عامل کامل متوطن قصبۂ مہم کہ از راہ تفضلات چند عمل مجربات بخشیدہ بودند چنانچہ برائے دفع دیو و پری و بلاہائے دیگر اول بارواح حضرت اشرف جہانگیر شیرینی نیاز کند بعدہٗ این فلیتہ در چراغ روشن سازد آسیب سوختہ شود فلیتہ این است

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
| ۱۰۰ | ۹۰ | ۸۰ | ۷۰ | ۶۰ |

بحق اھیا اشراھیا علیقا

| | | | |
|---|---|---|---|
| ھا | ھا | ھا | ھا |
| ″ | ″ | ″ | ″ |

علیقا

بحق ملیقا ملیقا طلیقا انت تعلم ما فی قلوبھم

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸۴۴۶ | ۱۵۴۶ | ۴۵۴۴۶ | ۱۴۴۶ |
| ۳۵۴۶ | ۲۴۴۶ | ۷۴۴۶ | ۲۵۴۶ |
| ۳۴۴۶ | ۶۵۴۶ | ۹۴۴۶ | ۴۴۴۶ |
| ۰۵۴۶ | ۵۴۴۶ | ۴۴۴۶ | ۵۵۴۶ |

چڑیل حری مری مسان مسان بھوت

۶۲۵ ۴۴۶
۴۲۵۱۹۴۲
۹۶۵۱۹۱۷

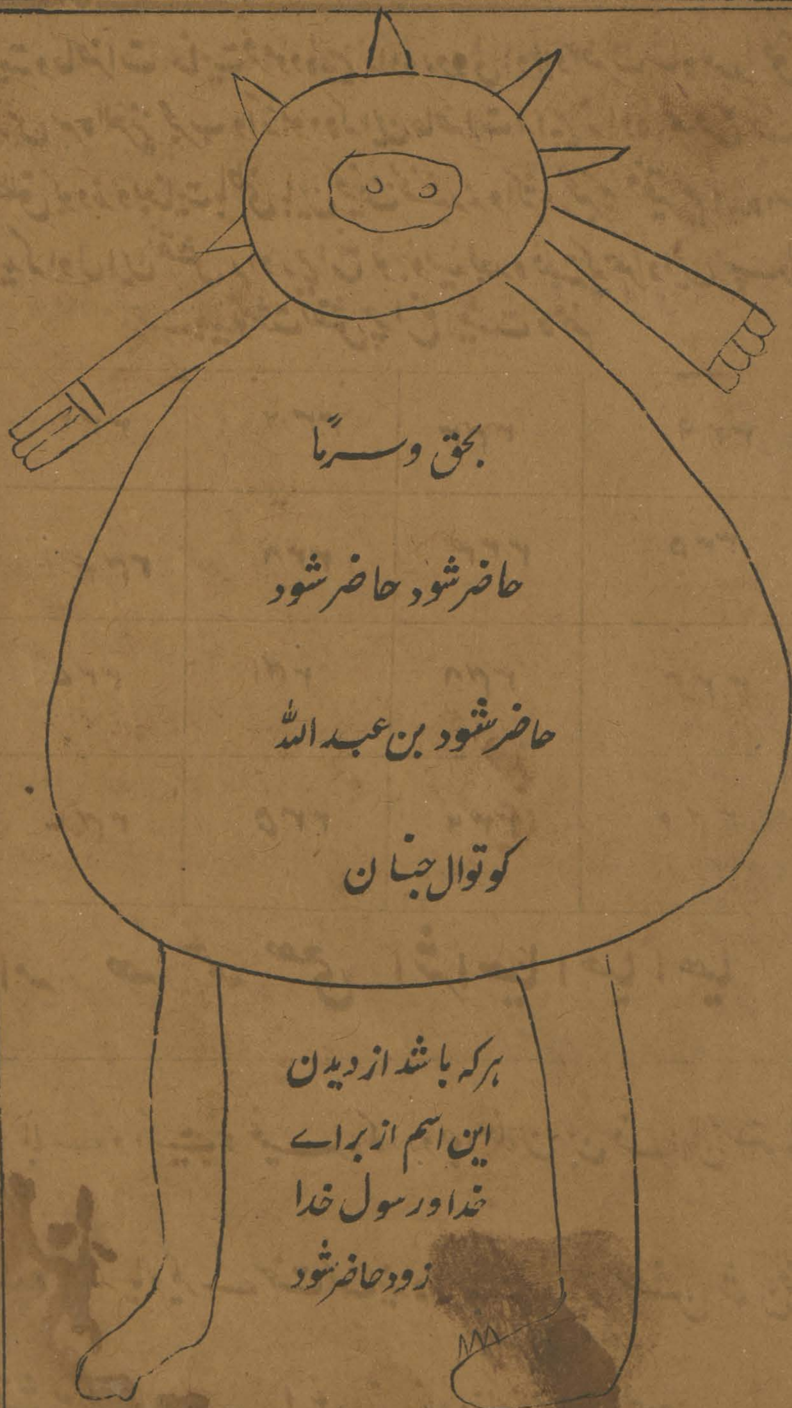
۴۴۲۵۱۹۵۲
۴۴۵۱۲ ۹۱۲
۴ ۲۵۱۹۱۹۱

۴۲۵۱۹۶۶
۴۴۵۱۹۵۲
۴۴۵۱۹۵۷

راکس بہوکس جوگی جوگنی سحر جادو وسوختہ جن پری
ام الصبیان دیو جبیث دوارسش ہرچہ در وجود
فلان بن فلان مریض باشد حاضر شود وحاضر شود
وسوختہ گردد و دفع گردد و زود زود زود زود

ھ دھر ھر ھ ھ ھ ھ ھ ھ ھ و

نوع دیگر فلیتہ عنایت بزرگے مجرب معرفت میان آلہی بخش صاحب بدست آمدہ است باید کہ این علامت را بر کاغذ سپید طاہر نوشتہ بجاے لفظ بن عبداللہ کوتوال جنیان عطر مالیدہ در دست مریض بدہد کہ نظر بجاے عطر کند پس اگر آسیب در حقیقت در وجود آن ہست بیشک برسرش خواہد آمد و حاضر شدہ کلام خواہد کرد و دفع خواہد شد و عامل را باید کہ اول حصار بر گرد خود و بر خود کند و درین امورات ہرگز ہرگز خوف را در خاطر خویش راہ ندہد و نیاز موکلات و گلہاے خوشبودار انچہ کہ آن مریض را ممکن بود طلب نمودہ پیش خود نہادہ نیاز اول جناب رسالت مآب صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم دہانیدہ فلیتہ بدست مریض بدہد چون آسیب برسرش حاضر آید فوراً حصار مستحکم ابرسا ببرسا انچہ نوشتہ ام دیا ہر چہار قل وآیہ مذکورہ بالا گرد او کردہ دہد تا آسیب گریختن نتواند بعد ازان از وقول وقرار گیرد اگر رہا کردن آسیب را منظور باشد اجازت رفتن دہد علامت اینست


بحق وسرگما
حاضر شود حاضر شود
حاضر شود بن عبد اللہ
کوتوال جنان
ہر کہ باشد از دیدن
این اسم از برائے
خدا و رسول خدا
زود حاضر شود

فلیتہ وحاضرات عنایت فرمودۂ پیرزادہ ردولی اولاد حضرت شاہ عبد الحق قدس سرہ العزیز مجرب وآزمودہ کہ این حاضرات را پیر زادۂ ممدوح حاکم مطلق بودند و بعنایت باطنی باین نحیف بخشیدند واکثر در تجربۂ فقیر ہم آمدہ است باید کہ اول این نقش را در چراغ نو بنویسید بعدہ فلیتہ کہ ہمراہ این چراغ است باید نوشت نقش چراغ اینست فافہم

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۳۹ | ۳۴۳ | ۳۳۶ | ۳۳۲ |
| ۳۳۵ | ۳۳۳ | ۳۳۸ | ۳۴۴ |
| ۳۳۴ | ۳۴۸ | ۳۴۱ | ۳۲۷ |
| ۳۴۲ | ۳۳۶ | ۳۳۵ | ۳۴۷ |

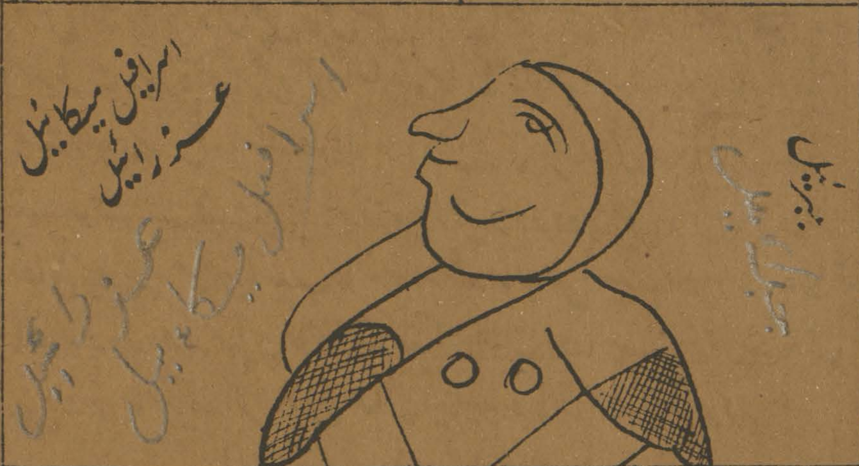
امہ ھہ ھمہ ھعی اشراھیا اھیا اھیا

ہر بلاے و آسیبے وغیرہ کہ در وجود فلان بن فلان مستولی

شدہ باشد یا دیگرے سخت کنانیدہ باشد بمجرد روشن شدن بحرمت

نقش معظم و مکرم دچراغ درآید و نماید و خاکستر شود بحق کھیعص ......

| | |
|---|---|
| کہیعص<br>پس بعد نوشتن چراغ این فلیته | حمعسق<br>برکاغذبه نویسد فلیته اینست |




| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ١٤ | | ١ ١٢ | ١١ | العجل العجل |
| ٧ | ١١٦ | ١١ | ٢ | الوحا الوحا |
| ٩ | | ٣ | ٢٦ | الساعة الساعة |
| ٤ | ع ١ | ١٠ | ع | ال ح ل ل |

| | | |
|---|---|---|
| جمله آفت البلیس و<br>شیاطین وارواح<br>ازجمیع آسیب | | فلان بن فلان ستونی باشد<br>یادیگری سخت کرده باشد بجبر در روشن<br>شدن فلیته دوحانه شود |

چون فلیتہ نوشتہ تیار کند سہ شاخ از درخت انار طلبیدہ زمین را از گل پاک ساختہ بخورات مہیا ساختہ بسوزاند وآنچہ شیرینی وغیرہ باشد بران نیاز حضرت غوث الاعظم قدس اللہ سرہ دادہ اگر مریض قابل غسل دادن باشد غسل دہانیدہ پارچہ پاک پوشانیدہ عطریات مالیدہ حصار گرداگرد او کردہ چراغ کہ نوشتہ است شاخ انار را بطور ٹکٹی بستہ بران چراغ داشتہ فلیتہ را در روغن خوشبودار روشن کند وہمان عزیمت کہ زیر تعویذ نوشتہ است خواندن شروع کند وبر ماش دم کردہ بر مریض ماش را بزند انشاء اللہ تعالیٰ زود بر سر مریض آسیب حاضر خواہد شد امابعض آسیب بسیار سخت میباشد باید کہ بروز دوم ہم این حاضرات کند تا موکلان اور البتہ نزد عامل حاضر کنند اگر در مزاج عامل آید بسوزد یا قید کند یا اقرار گرفتہ رہا کند اختیار دارد واللہ اعلم بالصواب

فلیتہ چند کہ از ہر ابزرگ باین نحیف رسیدند وبہر کار در مقدمہ آسیب زدہ خوف خوردہ دود دادن در بینی آسیب زدہ ودر چراغ بروغن تلخ وشیرین روشن کند در مقدمہ آسیب وخبیث وجنان وغیرہ ہمہ بکار می آیند ومی باید کہ در ہر یک فلیتہ فلیتہ بخورات ہر قدر کہ میسر شود پیش فلیتہ دارد وخواہد بر سر مریض آسیب را بہ طلبد خواہ در روشنی فلیتہ وبرلوآن طلب کند وبہر نوع کہ حکم خواہد کرد بعمل خواہند آورد مجرب ہستند واین فقیر فلیتہ ہذا را بہ بسیاری تلاش وسعی فراوان وبہ مشقت بی پایان بہم رسانیدہ است عزیز باید داشت ودیگر اینکہ اگر شوق عملیات داشتہ از کسے استاد کامل شاگردی اختیار کردہ از ان اجازت گرفتہ بسیار احتیاط نمودہ بر این کارہا دست انداز شود زیراکہ اگر قدرے بترکیب نوشتہ فرق خواہد افتاد یا در چلہ کشی بہ پرہیز وغیرہ سہو کند ہم جان ودیوانگی ہست پس احتیاط لازم است فلیتہا اینند

عو وار سرحیم این سسعس عودبدو یابدوح

یابدوح یابدوح یابدوح

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| م | ۲ | ۵ | عا | ح |
| ح | ۹ | ۵ع | و | ہ |
| د | ۲ | م | ح | ل |
| عا | ۳ | ل | م | ل |

| | | |
|---|---|---|
| ۲ | ۹ | ۴ |
| ۷ | ۵ | ۳ |
| ۶ | ۱ | ۸ |

وقال عفریت من الجن انا اتیک

یا ۱۱۰ صح

او

رقع

مقالک ان لومن یرتد طرفک انشاءاللہ تعالی
ان یاتینک

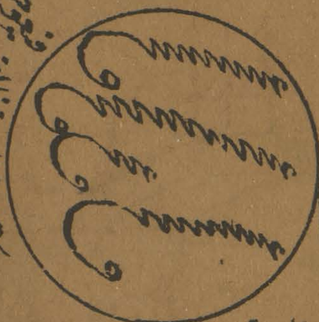
یا حیطسقورش یا حیطسقورش

یا با انا مرد مانے تنک در دل بحکم خدا افتاد

بحکم خدا تعالیٰ خود نیک بین پلیتہ ہا ما دل

است

وانہ لقسم لو تعلمون عظیم انہ من سلیمان



تحت یدیہ نشتا و بنشتا الخفوری فیعوں

ودیع حاو العوجا ان الاالعلو علی وانوی

سلسمن بہ سس مرمض

لاحول ولاقوة الا باللہ العلی العظیم

یا قادر ذو البطش الشدید انت الذی لایطاق انتقامہ حاضر شود البرق تخاطف مانند برق بسرعت آسیب

| | | | |
|---|---|---|---|
| ٨ | ١١ | ١٤ | ١ |
| ١٣ | ٢ | ٧ | ١٢ |
| ٣ | ١٦ | ٩ | ٦ |
| ١٠ | ٥ | ٤ | ١٥ |

و ان و تا ب س م

ا

ال رح ی

م

| | | |
|---|---|---|
| ٦ | ١١ | ٣ |
| ٤ | ٧ | ٩ |
| ١٠ | ٢ | ٨ |

ال ہ رح م

ن ا

ل

کھیعص

حمعسق



سلیمان بن داود علیہما السلام

بحق یا بدوح

یا دافع یا محوا الیس ہو

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| | م | د | ی | م |
| | ح | د | د | م |
| | د | م | ح | ی |
| | ی | ح | م | ا |

یا جبرئیل یا میکائیل

یا عزرائیل یا اسرافیل

یا تنکفیل

حسو اللہ ہو

یا رفیمائیل

بحر روشن

شدن این

علامت سلیمان بن

| | | |
|---|---|---|
| ۴ | ۸ | ۲ |
| ۱ | ۵ | ۶ |
| ۷ | ۲ | ۳ |

ابلیس فرعون نمرود قارون ہامان

ابو جہل

۱۳ ۱۱۳ ۱۱۱۳۷۱۵۱۱۲۱۷

بحق تاج الملک
اسلک لبک بجیبا

کوتیسا کرتشا مجنیا

حاکم سلیمان بحق شاہ تباہ تو س

بحق الرمعقہ بحق الرامیہ

۱۸۳۱۳

۲۲

دریں پلیتہ زود حاضر شود و حکم حاکم برو باشد

الوحا الوحا الوحا انت تعلم ما فی قلوبھم علیقا ملیقا ان بلیقیس بھا

ارحم ترحم ارحم ترحم الساعۃ الساعۃ

العجل العجل العجل الساعۃ

بلیقا طلیقا خاقا خوقا نعشا فی ارض

سلیمان
بن
داود
علیھما السلام

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۱۱ | ۱۴ | ۱ |
| ۱۳ | ۲ | ۷ | ۱۲ |
| ۳ | ۱۲ | ۹ | ۶ |
| ۱۰ | ۱۵ | ۴ | ۱۵ |

| | | |
|---|---|---|
| ۶ | ۷ | ۲ |
| ۱ | ۵ | ۹ |
| ۸ | ۳ | ۴ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| | | | ۱ |
| ۴ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۳۰ |
| ۹ | ۷ | ۶ | ۱۴۰ |
| ۵ | ۱۱ | ۱۰ | ۸ |

بحق یا بدوح

بحق یا بدوح

بحق ابن ابلیس

| | | |
|---|---|---|
| | | |
| | | |
| | | |

| | | |
|---|---|---|
| | | |
| | | |
| | | |

اگر کود و در فلان بن فلان مسئول شدہ



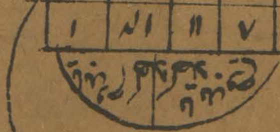




| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۱۱ | ۱۴ | ۱ |
| ۱۳ | ۲ | ٥ | ۱۲ |
| ۳ | ۱۶ | ۹ | ۶ |
| ۱۰ | ۵ | ۴ | ۱۵ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۶۷۹ | ۱۶۸۳ | ۶۸۷ | ۱۶۷۲ |
| ۱۶۸۵ | ۱۶۷۳ | ۱۶۷۸ | ۱۶۸۴ |
| ۱۶۷۴ | ۱۶۸۹ | ۱۶۸۱ | ۱۶۷۷ |
| ۱۶۸۲ | ۱۶۷۶ | ۱۶۷۵ | ۱۶۸۸ |

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۵۱ | لہ | ۵ | ۱۰ | |
| ہ | ط | ہا | لہ | |
| الہ | ۲ | لہ | الہ | |
| ۱ | الہ | ۱۱ | ۷ | |



لشکر سلیمان بن داؤد علیہما السلام

و ما کشیتو و حق

ا ودو صاحب ضمیر و د لیسو د

صد
صد الہاق

بحق جبرائیل

بحق میکائیل

یابدوح

یابدوح یابدوح

| | | | |
|---|---|---|---|
| بحق بادشاہ | یکتا نوس | بحق بادشاہ سلیمان | بن داؤد علیہما السلام |
| نمرود لعین | شداد لعین | قارون لعین لعین ومردود | ہامان لعین |
| فرعون لعین | لعین صنفو | ابوجہل لعین | جالوت لعین |
| خبیث لعین | دقیانوس لعین | بحق آصف برخیا | السلام وخاتمہ |

ہر بلائے کہ وہر نظرے کہ در وجود
فلان بن فلان وہر آسیبے وہر
دیوے وپری وچڑیل وہر شے
کہ در وجود فلان بن فلان دخل
کردہ ومزاحمت رسانیدہ
باشد

درین جزن تمام سرہ سو خشک گردد

بحق الساعة والعجل والوحا



کھیعص

بحق سلیمان علیہ السلام بن داؤد

حمعسق

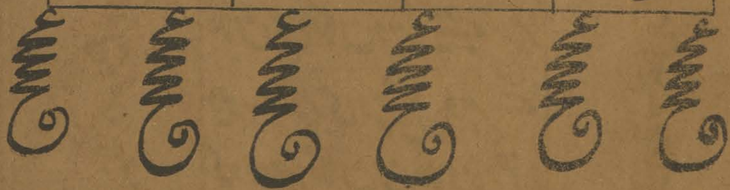
سالاسا لوسادو دنصاتن ووو رجال الغیب

بحق یا بدوح علیقا ملیقا انت تعلم ما فی قلو لجمیر ملیقا انا ظر و نہا علیقا ملیقا الوحا الوحا الوحا الوحا الوحا الوحا الوحا حضرت جبرئیل الساعۃ الساعۃ الساعۃ الساعۃ الساعۃ الساعۃ

بن الصاو کرشوہ
بنام فلاں بن میمون شدن

ببرکت ایسیابہ فلان بن فلان
فلاں بن فلاں

| | | | |
|---|---|---|---|
| ع | ص | س و | ا |
| ۵ د | ک | و | ۳ |
| صر | مح | ط | ۸ |
| هو | ۵ | د | ع |



بن فلان مستولی شدہ باشد بجز در روشن شدن فلیتہ ہذا

بحق سلیمان بن داود علیہما السلام



بحق یا بدوح وبحق آصف بن برخیا اصحاب سلیمان علیہ السلام

بحق زوبعہ وبحق مرہ ابیض

ایہا لہائیل . بحق یا جبرئیل

فرعون — نمرود — شداد — ہامان — طالع

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۴۸۶ | ۵۰۰ | ۴۹۷ | ۴۹۴ |
| ۴۹۶ | ۴۹۳ | ۴۸۷ | ۴۹۹ |
| ۴۹۲ | ۴۹۵ | ۵۰۳ | ۴۸۸ |
| ۵۰۱ | ۴۸۹ | ۴۹۱ | ۴۹۷ |

بحق جمیع ارواح

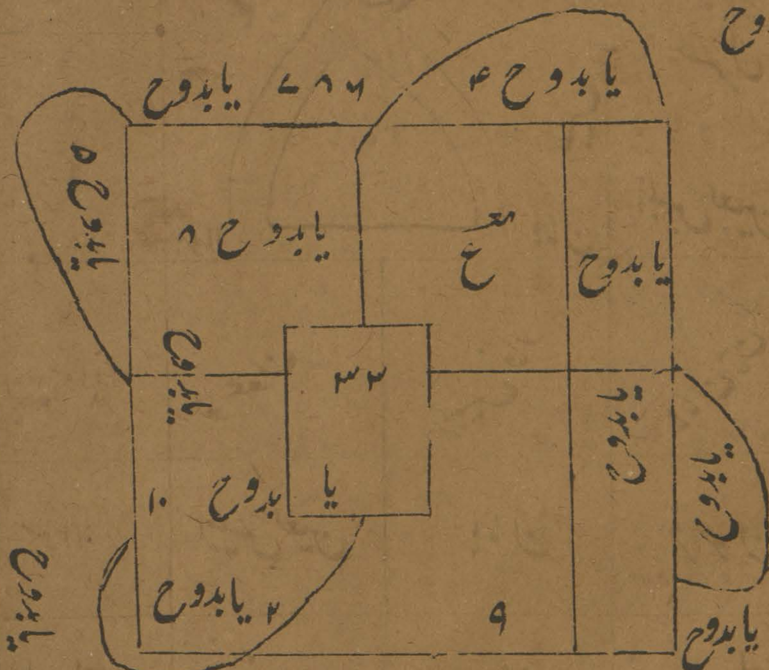
علیقا ملیقا طلیقا انت تعلم مافی
قلوبہم آنچہ در وجود فلان بنت
فلان یا فلان بن فلان ابلیس و
جن و بھوت و دیو و پری باشد و
روغن فلیتہ در آمدہ حاضر شود
و بسوزد

وبحق جمیع الجن اولیاء ابلیس

فلیتہ ثانی درباب آسیب زدہ عنایت فرمودہ میر پناہ علی صاحب مجرب باید کہ این
فلیتہ را نوشتہ و بر ریسمان نیلگون پیچیدہ باشند و باید کہ آن ریسمان یازدہ تار باشند پس
یک سبوچہ را سرنگون داشتہ برآن گل تازہ نہادہ در چراغ نو فلیتہ انداختہ بران گذاشتہ
روشن کند و مریض را قریب نشانیدہ بگوید کہ نظر بر چراغ کند پس دفعتاً آسیب حاضر
آید و کلام کند از و قول و اقرار نمودہ اگر خواہد اور ا قید کند یعنے فلیتہ را روشن
دارد آسیب سوختہ گردد و اگر عامل پیش مریض نرود این فلیتہ نوشتہ بدہد
کہ بدستور مذکور روشن کند و دو سہ فلیتہ علی التواتر روشن کنند در عرصہ سہ روز
تاکہ در روشن شیرین غون پدید آید و ہرگاہ کہ خون پدید آید آسیب قتل شدہ و دیگر فلیتہ
کہ بے صورت است اگر خواہد کہ آسیب مریض را زحمت میرساند بر سرش بصورت مہیب
حاضر آید و خود را بنماید ہمین نقوش اسماء مذکور نوشتہ در روغن شیرین روبروئے یش
روشن کند یقین ست کہ بیمار حملہ بلایات دران فلیتہ ببیند و آن فلیتہ ہا راچون روشن
نہادہ دارد بلایات بسوزند و دفع شوند و مریض صحت یابد پس بعد صحت مریض حاضرات
کند یعنی گلہای خوشبو و شیرینی آنچہ کہ ممکن بود از مریض طلب کردہ و جائے از گل پاک نمودہ
مریض را غسل دادہ آنجا نشانیدہ بر شیرینی نیاز موکلان دادہ بہ طفلان دہد و آنچہ کہ
ورثائے مریض عامل را دہند شیر مادر ست در صرف خود آرد اور ا حلال ست و باید
دانست کہ آنچہ در حاضرات عامل را از مریض ممکن بود بے تامل در صرف خویش
آرد الا در حرام نہ اصراف کند و قدرے نیاز موکلات ضرور دہانیدہ باشد این
فلیتہا بسیار مجرب اند و آموزدہ میر صاحب موصوف اند عزیز باید داشت اگر بوقت بر نوشتن
این عمل خواہی نمود لذتہا خواہی یافت و این فقیر صرف بطمع دعا خیر اینچنین نعمتہائے برادران
ایمانی نوشتہ دادہ پس بمقتضائے بیت ہر کہ خواند طمع دعا دارم ز انکہ من بندۂ گنہگارم
فلیتہائے مذکورہ آنچہ کہ گفتہ ام اینست فافہم

| | | | |
|---|---|---|---|
| فرعون لعین | ابلیس لعین و مردود | ہامان لعین | ہوا اا |
| رہنما ابلیس | فرعون ہامان | | عمت ہوا اا |
| | ابلیس ہامان | ہوا اا | حسرل ابلیس لعین |
| ہوا اا | فرعون | ابلیس نار | ہامان لعین |
| ہوا اا | ابلیس لعین | ہامان | فرعون |
| ابلیس لعین | فرعون | ہوا اا | ابلیس لعین |
| فرعون | ہامان لعین | ہوا اا | ابلیس لعین |
| ہوا اا | ابلیس لعین | فرعون لعین | ہامان لعین |

عمل دیگر درباب آسیب زده باید که این نقش را نوشته اول در زیر دندان مریض بجانب چپ نهد آسیب بر سرش حاضر آید و کلام کنند و اگر نه آید طرف راست زیر دندان نهد بیشک آسیب حاضر آید و کلام کند قول و قسم گرفته دفع کنند و اگر زود فلیته این نوشته مع اسماء هر چهار ملعون روشن کنند آسیب سوزد چنانچه نقش که برای زیر دندان نهادن گفته ام اینست فافهم




که گفته ایم برای سوختن اینست بطریق مذکور روشن کند

لعین

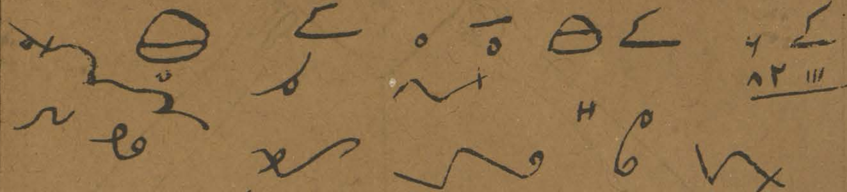
ابلیس ابوجہل ہامان فرعون قارون ملعون

شداد مردود و نمرود

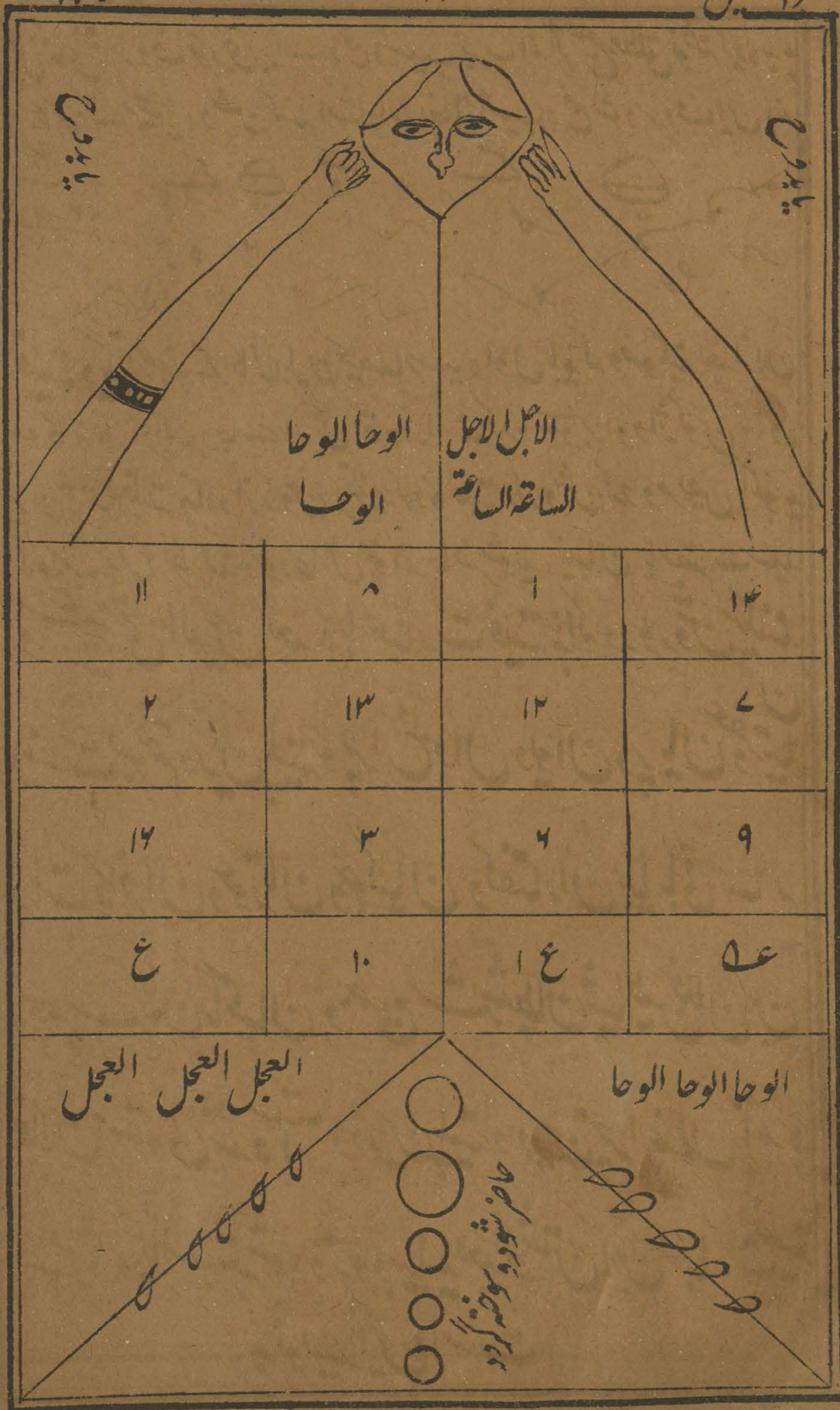
جبرئیل میکائیل

اسرافیل عزرائیل

عمل ثانی حروف تورنیتی برائے دفع آسیب مجرب اند اگر صحیح مطلق نوشتہ کردہ بدیلہ کہ روبروئے مریض روشن کنند انشاءاللہ تعالیٰ آسیب دفع شود حروف این اند



فلیتہ دیگر از بزرگے کامل باین نحیف رسیدہ اول باید کہ وضو بکند بعد ازان دوگانہ نماز ادا کند وجائے از گل نقرہ آراستہ کردہ سبوے براو واژگون نہادہ بران چراغ فلیتہ نہادہ از روغن تلخ پر کردہ فلیتہ را روشن کند و مریض را بگوید کہ جانب چراغ نظر کند و خود عامل بخواند حاضر شوید غیبان یا حضرت سید وشیخ محی الدین بعدہ با عبارت فلیتہ ہذا کہ در روشن میکنند اینست بسوختم درین پلیتہ و چراغ دان دیوان و پریان و عفریتان دہات کافران و عورتان و جوگیان و کفتاران بیابانی سارہ و سمر سرہان ماکیان و جمیع شر شیطان شیاطین فلان بن فلان مستولی شدہ است و درین پلیتہ و درین چراغدان آمدہ بسوزد و خاکستر شود و نود بیاید بعد نوشتن این عبارت فلیتہ بر نویسد این است




| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۴ | ۱ | ۸ | ۱۱ |
| ۷ | ۱۲ | ۱۳ | ۲ |
| ۹ | ۶ | ۳ | ۱۶ |
| ع۱ | ع ۱ | ۱۰ | ع |

عمل ثانی در مقدمۂ آسیب وغیرہ ہر کہ این عزیمت بر خود نگاہدارد یا در گلوے بچہ اندازد یا در گردن نابالغ اندازد از جادو و آسیب دیو و پری وخبیث و کفتار ایمن باشد و ہیچ زیان او را گاہے نرسد عزیمت این است

ط ۵ ۱ ۸ ۱ ۸ ۱ ۹ ۹ ۹

ح ۱۱۱ و ا م ر ھ م ر لا ا ط ط دار یا حافظ

یا حی یا قیوم لو انزلنا ہذا القراٰن علےٰ جبل لرأیتہٗ خاشعا

متصدعا من خشیۃ اللّٰہ وتلک الامثال نضربہا للناس لعلہم

یتفکرون اللہم اشغف من لہ البلا الصاخبۃ بحق وننزل من القراٰن

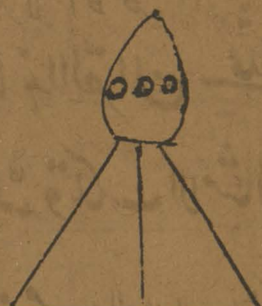
ماہو شفاء ورحمۃ للمومنین ولا یزید الظالمین الا خسارا کھلا کھلا کھلا ارحم ار

ارحم ترحم ترحم عقدتم عقدتم

فرقبس فرقبس العجل العجل

نوع دیگر فلیتہ از جانب حضرت غوث قدس سرہٗ باید کہ این فلیتہ پیش مریض آسیب زدہ در چراغ نو روشن کند و در چراغ روغن تلخ بیندازد روغن خوشبو دار کہ بسوزد و ہر چہ کہ شیرینی و نیاز حضرت ممدوح ممکن باشد بدہد بعد ازان فلیتہ را روشن کند جن و دیو و پرے ہر بلاے کہ باشد دفع گردد و خود عامل در ہنگام روشنی فلیتہ این عزیمت بخواند

عزمت علیکم و اقسمت علیکم یا عبد الصمد یا عبد الرحمن یا عبد الواحد زود حاضر شود حضرت میر محی الدین قدس سرہ و این عزیمت دم کردہ باشہا بمریض میزدہ باشد انشاء اللہ تعالیٰ ہرچہ بر سرش باشد در پلیتہ آمدہ بسوزد و خاکستر خواہد شد چنانچہ فلیتہ کہ ذکرش رفتہ اینست مجرب است



یا بدوح
یا بدوح
علیقا ملیقا

یا بدوح
انت تعلم ما
فی قلوبہم

شداد و فرعون

ہامان ابلیس

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۴ | ۱۵ | ۱۴ | ۱ |
| ۹ | ۷ | ۶ | ۱۲ |
| ع | ۱۱ | ۱۵ | ۸ |
| ۱۶ | ۲۰ | ۳ | ۱۳ |

روبان در وجود فلان بن فلان مستولی شده

سوختہ دیوان و پریان و خبیث و جنیان و ساحران و مخروس

اینجا نام
مریض بنویسد

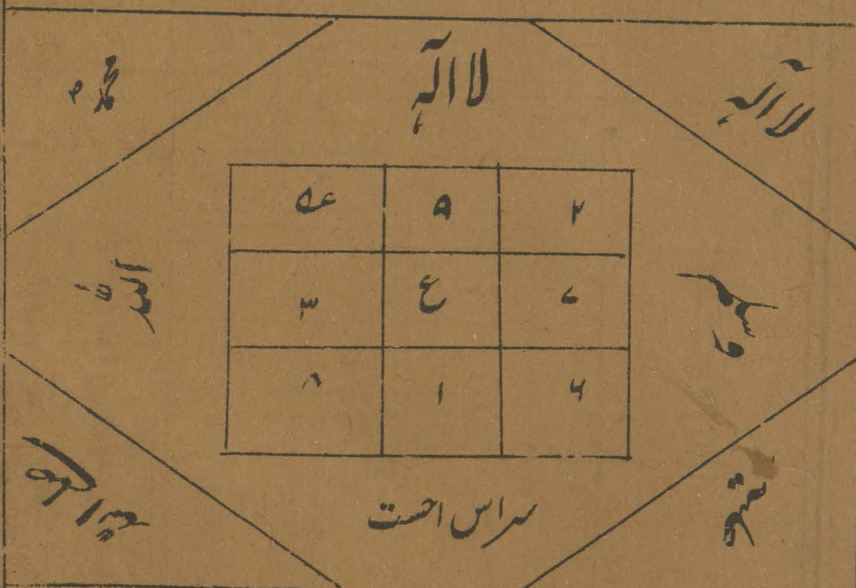
بحق العجل العجل العجل الوحا الوحا الساعہ الساعہ

باشد الساعہ الساعہ الساعہ

وترکیب دادن زکوٰۃ این عزیمت و درعمل آوردن اینست کہ دریک چلہ گوشت ماہی را ترک کردہ یکہزار و یکصد بار ہر روزہ یک وقت معین نمودہ باخوشبویات وعنبر ولوبان ہرچہ میسر آید میخواندہ باشد و بروز آخری نیاز موکلاں دہانیدہ تمام کند پس عامل گردیدہ

واین اسماء کہ در فلیتہ ہستند اسم موکلان اند

نوعدیگر برائے دفع دیو و پری و مرگی و دفع ام الصبیاں و دفع مرض مہلک کہ منسوب بہ کودکاں است این علامت معظم بنویسد و درگلوے مریض ببندد باز آں مرض نیاید علامت معظم و مکرم این است




| | | |
|---|---|---|
| ۵ | ۹ | ۲ |
| ۳ | ۴ | ۷ |
| ۸ | ۱ | ۶ |

نوعدیگر از فلیتہ حضرت غوث قدس سرہ العزیز باید کہ این فلیتہ بنویسد و پنجرو یا چہار آنہ یا ہر قدر کہ میسر شود شیرینی طلبیدہ باخوشبویات نیاز حضرت ممدوح دہد و فلیتہ را در پنبہ پیچیدہ مریض را بجانب شمال و جنوب بخسپاند و این فلیتہ را چہل و کرت از سر تا قدم مریض بگردانیدہ در سفال نو نہادہ بروغن سرشف انداختہ روشن کند و اول گرد مریض و چراغ آیت الکرسی و چہار قل با آیہ ہاے دیگر خواندہ

ازکار دمنڈلہ کشند ہرجاکہ خطش تمام شود کارد استادہ کند و فلیتہ روشن کند و مریض بجانب
چپ چراغ میدیدہ باشد و دو سہ کس دیگران نیز در حصار برائے نگہبانی مریض
بہ نشیند تادر چراغ مریض دست درازی و بے اعتدالی کردن نیاید بحول و
قوت الٰہی ہر چہ بلائے کہ باشد سوختہ گردد و تمام عمر باز نیاید چنانچہ فلیتہ کہ ذکر رفتہ
بدیں ترتیب است

| | | | |
|---|---|---|---|
| ٨ | ١١ | ١۴ | ١ |
| ١٣ | ٢ | ٧ | ١٢ |
| ٣ | ١٦ | ٩ | ٦ |
| ١٠ | ۵ | ۴ | ٥ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| ١ | ١۴ | ١ | ٨ |
| ۴ | ۵ | ١٠ | ١۵ |
| ٦ | ٣ | ١٦ | ٩ |
| ١٣ | ١٢ | ٧ | ٢ |

الٰہی بحرمت خویش
وجلال خویش
وعظمت خویش
برائے ورشترسے

وہر دیوے وجیشے وہر پری
وہر کھبوتے وہر را کسے
وہر جوگنے وہر سحر
وہر دسواسے

وہر باد وہر غلبہ بیماری دخون و سوداو ام الصبیان کہ در وجود فلاں بن فلاں سخت شدہ باشد یا دیگرے سخت کردہ باشد درین فلیتہ درآید و بسوزد بحرمت سلیمان ابن داود علیہما السلام و بحرمت ایں نامہاے بزرگ العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعۃ الساعۃ الساعۃ الوسواس الوسواس الوسواس علیقا علیقا و انت تعلم ما فی قلوبہم ملیقا س ا ن

ل د ت ن ج ل ا ن ص س ا ن ل د ر

و ض ی ذ س و س ی ی ذ ل ا س ا

ن خ ل ا س ا و س و ل ا ر ش ن م

س ا ن ل ا ہ ل ا س ا ن ل ا ک ل م

س ا ن ل ا ب ا ب د و ع ا ل ق

و بہ تاثیر اسما ہذا اللعیناں ابلیس شداد ثمود نمرود و فرعون و ہامان و قارون و ابو جہل و جمیع بلاء و امراض کہ در وجود فلاں بن فلاں درین فلیتہ و چراغ درآوردم و سوختم و دفع کردم بحرمت اھیا اشر اھیا اول کا غذ در تمام جسم مریض مالید این فلیتہ نویسد فقط تمام

نوع دیگر قاعدۂ حاضرات و فلیتہ مجرب و آزمودہ و عمل بزرگان معروف باید کہ

اول طفل اشراف کہ زیادہ از دوازدہ سال نباشد غسل دادہ وجائے از گل پاک
کنند وہر خوشبویات وشیرینی وغیرہ میسر آید ہم رسانند وآن طفل را چادر پاک کہ نو
باشد بر آن بنشانند ومریض اگر طاقت غسل داشتہ باشد غسل بآب مریض نیز دہد وجامہ پاک
بپوشانند ونیاز جناب پیغمبر صلعم وحضرت غوث قدس سرہ دادہ طفل ومریض ہر دو را
بہ نشانند بعد از ان فلیتہ بروغن تلخ روشن کنند وطفل را بگوید کہ بجانب فلیتہ نظر بکند
وعامل اول گیرد طفل ومریض وچراغ این عزیمت خواندہ حصار بکند عزیمت ند کورہ
اینست ۔ عزیمت ۔ عزمت علیکم واقسمت علیکم یاملکان سلطان الجن والانس
احضروا منجانب المشارق والمغارب والجنوب والشمال بحق ۔

سلیمان بن داؤد علیہما السلام بحق لا الہ الا اللہ محمد رسول اللہ ۔
این عزیمت ہفت بار حصار کند وبر ماش خواندہ ماش ہا را بر سمت منتشر کند وبر طفل
ہم ماش می زنند وہر دم درود بخوانند پس طفل را در فلیتہ جاروب کش وفراش وسقہ معلوم
خواہند شد پس آنوقت عامل یافتاح یافتاح گفتن گیرد کہ بادشاہ حاضر شود وبادشاہ جن
چون بادشاہ حاضر شود نام خود وبہ نشان خود سلام گوید یعنی این فقیر مرید یاشاگرد فلان
سلام علیک میگوید بعدہ از طفل مطلب بگوید کہ فلان کس را چہ آزار است و
کدام است کہ این آزار میدہد اگر بادشاہ بزبان طفل گوید کہ آسیب
یا سحر ست زبانی آن طفل بگوید کہ سواران را بفرستند کہ آن را گرفتار کردہ
بیارند ودو سہ مرتبہ بہ تکرار بگوید کہ این ہمہ آسیب را پابزنجیر کردہ بیارند پس
بادشاہ حکم خود دادہ موکلانش آسیب را گرفتہ خواہند آورد بگوید کہ این را قتل کنند
قتل خواہند کرد آن ہمہ را رخصت کنند ونیاز وسامان حاضرات خود بگیرد و
فلیتہ کہ ذکر شدہ است اینست

یاطیور یاوبوس
یایوسا یافرعون
یانمرود یاشداد



یاابلیس یاکنکیتش یاکنلاوس محی علیقاطیقا

حلیقا حجوتا اقاتا شاهمرا

یابدوح

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۲۹۴ | ۲۹۷ | ۱ |
| ۲۹۶ | ۲ | ۷ | ۲۹۵ |
| ۳ | ۲۹۹ | ۲۹۲ | ۶ |
| ۲۹۳ | ۵ | ۴ | ۲۹۸ |

الساعة العجل العجل العجل الوحا الوحا

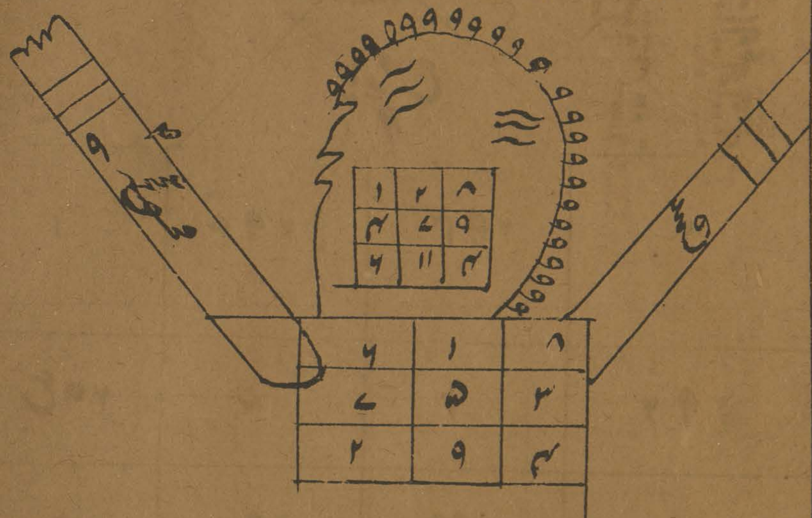
اصبادث هرچه در وجود فلان بن
فلان باشد حاضر نمایند و بسوزانند
و خاکستر آن کنند بحق

الساعة الوحا الوحا العجل احیا اصراقصا





نوع دیگر این فلیتہ مجرب عنایت بزرگے باید کہ این فلیتہ روبروے آسیب زدہ بوقت شام روشن کند وآنچہ بخورات مہیا باشد پیش فلیتہ بسوزند وعامل ہر عزیمت کہ یاد داشتہ باشد بخواند آسیب سوختہ گردد وآن این است




| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| | ۸ | ۱۱ | ۱۵ع۱ | ۱ |
| | ۱۳ | ۲ | ۷ | ۱۲ |
| | ۳ | ۱۶ | ۹ | ۶ |
| | ۱۰ | ۵ | ۴ | ۵ |

سوختیم
بہر حرمت

فلان آسیب زدہ باشد سوختہ گردد

علیقا بلیقا طلیقا قلبان بادشاہ
آنچہ در وجود

نو عدد بگیر این فلیتہ نور قطب الدین عالم شاہ است مع عبارت بنویسید و در ہانڈی یک پاؤ و ماش سیاہ داشتہ بہ نہد و بر آتش ہانڈی را نہد چون از وی پدید آید آنرا سہ روز آتش دادہ جائے دفن کنند و باید کہ بر ماشہا ہفت بار آیۃ الکرسی دمیدہ از جسم مریض مس کنند و در ہانڈی گذارد و فلیتہ اینست و الجلبس و الفاقۃ و القصد و العتیاق و الوسواس



والکرامۃ و النصر

۸ ع ۱   ۷ ۳۰

دلہو

سوختم دیوان پریان چڑیلان جنیان و مسان و ساحران و جوگیان ابجد در

| | | | |
|---|---|---|---|
| صر ۷ | ۱۶ | فلان بن فلان | |
| ۲۵ ۱۷۳ | ۲۵ ۱۷۶ | ۷ | ۲۵ ۱۶۶ |
| ۲۵ ۱۷۸ | ۲۵ ۱۶۷ | ۲۵ ۱۷۲ | ۲۵ ۱۷۷ |
| ۲۵ ۱۶۸ | ۲۵ ۱۸۰ | ۲۵ ۱۷۴ | ۲۵ ۱۷۱ |
| ۲۵ ۱۷۵ | ۲۵ ۱۱۷ | ۲۵ ۶۹ | ۲۵ ۱۷۹ |
| ب | جب ۲۸ | ع ع | ۷۲ د |

فلان ابن نامہ مرضی الدین

بسوزد

دو ملک

۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱

وجود فلان ابن فلان باشندہ فلیتہ

بحق موسیٰ ابن عمیٰ و بحق میمون

بن میمون سوختم

طلیقا سوختم

درین

بحق علیقا ملیقا طالقا انت تعلم ما فی

سوختم بسوزم بسوزم

عمر بن فلیط خبایث
عمر زین العابدین است در حال بگار ے ایں عزیمت ۱۲

فرعون عحححح لعین ابلیس
نمرود عحححح لعین ابلیس
نمرود عحححح لعین ابلیس

ہاروت عحححح لعین ابلیس
فرعون عحححح لعین ابلیس
نمرود عحححح لعین ابلیس

قارون ہامان عحححح ہاروت لعین ابلیس
ہامان قارون ۱۲
ہاروت عحححح لعین ابلیس

فرعون عحححح لعین ابلیس
نمرود عحححح لعین ابلیس
ہاروت عحححح لعین ابلیس

نوعِ دیگر این ہر سہ نقوش در مقدمۂ اسیب معین کردہ اند اگر فلیتہ را احتیاج نباشد این نقوش نوشتہ دود در بینی مریضے و در تمام جسم مریض بدہد و نیز تعویذ نمودہ در گلوش اندازد و ہم شستہ بنوشاند انشاء اللہ مفید خواہند افتاد و این نقوش اکثر در مقدمۂ اسیب وغیرہ بکار می آیند الا چہل روز در چلہ چہل چہل نقشہا نوشتہ باب در دریا باندازد گولی بستہ بیندازد کہ عامل نقشہائے مذکور گردد و این نقوش در حاضرات بکار آیند بسیار مجرب اند و آن نقوشہائے این اند

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۵۵۹۲۱ | ۵۵۹۳۴ | ۵۵۹۳۱ | ۵۵۹۲۸ |
| ۵۵۹۳۲ | ۵۵۹۲۷ | ۵۵۹۲۲ | ۵۵۹۳۳ |
| ۵۵۹۲۶ | ۵۵۹۲۹ | ۵۵۹۳۶ | ۵۵۹۲۳ |
| ۵۵۹۳۵ | ۵۵۹۲۴ | ۵۵۹۲۵ | ۵۵۹۳۰ |

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۱ع | ۱۱ | ۸ |
| ۱۲ | ۷ | ۲ | ۱۳ |
| ۶ | ۹ | ۱۶ | ۳ |
| ۱۵ | ۴ | ع | ۱۰ |

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۸ | ۱ | ۶ |
| | | |
| ۳ | ع | ۷ |
| ۴ | ۹ | ۲ |

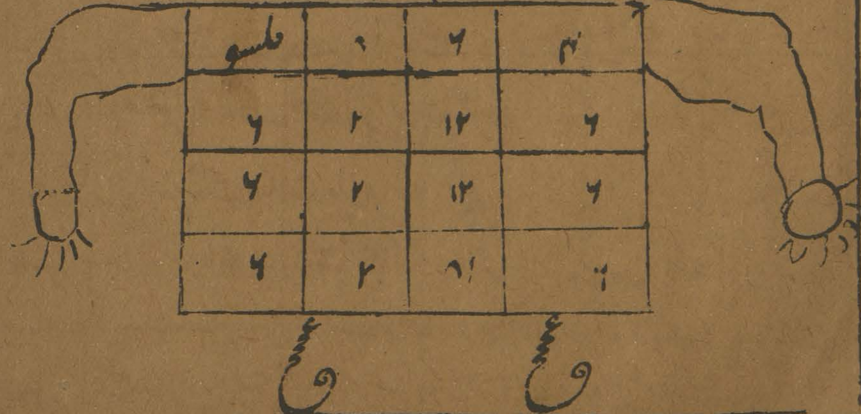
نوع دیگر در مقدمهٔ آسیب اگر قبل از تولد شدن فرزند این نقش نوشته در دیوار —
مکان بچسپاند هرگز در حایه زن را نظر و آسیب و کودک را ام الصبیان وغیره دخل
دهد و این نقش از اعداد سوره الم ترکیب است شان قهاری این را میگویند
در هر مقدمه بکار می باید اینست ۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۶۷۱ | ۱۶۸۶ | ۱۶۸۳ | ۱۶۷۹ |
| ۱۶۸۴ | ۱۶۷۱ | ۱۶۷۳ | ۱۶۸۵ |
| ۱۶۷۷ | ۱۶۶۱ | ۱۶۸۱ | ۱۶۷۴ |
| ۱۶۸۰ | ۱۶۷۵ | ۱۶۷۶ | ۱۶۸۲ |

نوع دیگر در مقدمهٔ آسیب در کسے مکان خشت یا سنگ می اندازد و این طلسم نوشته
رخ بجانب کعبه شریف کرده بدیوار بچسپاند هرگز سنگها باز نه آیند این اند
بحرمت این سنگها باز نه آیند

نقش و شکل هذا





نوع دیگر برائے اینکہ اگر آسیب کسے جا آتش میدہد یا خشت ہا می اندازد باید کہ این نقش معظم نوشتہ در کوزۂ نو آب انداختہ و آن نقش را شستہ در مکان و بام و ہر جا کہ مناسب باشد بیفشاند ہرگز باز عمل آسیب نشود نقش معظم و مکرم اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| دی | ع | ال م ا ع | ت |
| ے | ک | ل | ف |
| ق | م | د | ک |
| بدوح | بدوح | ے | ۵ ح ا |

## نوع دیگر حاضرات درشنی کہ جنات بہ نظر می آیند

باید کہ اول جائے از گل بلیسد و مریض آسیب زدہ را غسل دہد اگر ہوشیار و لائق غسل باشد وگرنہ طفل را وکیل او کند و طفل نابالغ زیادہ از دوازدہ سال نباشد پس آن را غسل دادہ و جامۂ طاہر پوشانیدہ بر چادر نوشانندہ آنچہ بخورات خوشبو یافت باشد بسوزد و گرد خود و گرد مریض و کودک حصار ابر ساجبر آنچہ کہ بالا مذکور شد بکند و نیاز بہ شیرینی آنحضرت صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم بدہد و این فتیلہ نوشتہ بدست طفلک بدہد آنجا کہ سیاہی چراغ است نگاہ کند و عامل این عزیمت میخواندہ باشد و ہرگز بیم را در دل راہ ندہد پس آن عزیمت را خواندہ بر ماش دم کند و بر سر کودک و مریض میزدہ باشد انشاء اللہ جن در سیاہی یا بر سر مریض یا کودک حاضر خواہند شد عامل مخیر است در قید کردن

خواہ قول وقرار گرفتہ رہا کند خواہ بسوزد چنانچہ عزیمت کہ برائے خواندن گفتہ ام اینست یا صابت الصفا یا جامع الاشتات و مخرج النبات یا منشے الرقاب یا شاہ پری یا بدیع الجمال حور پری راج من الاعظم ۵ وفلیتہ کہ بدست طفلک میدہند این است



| | | | |
|---|---|---|---|
| ا۳ا | ا۳ا | ع و | ماکہکن |
| اا | ن | ل ا | یابدوح |
| اا | ن | ب ا | یابدوح |
| اا | | ۲ ع ع | حاضرشو حاضر |

العجل العجل

الساعة الساعة

نوعدیگر علامت رونمائی برائے شناخت آسیب اگر این علامت را نوشته بر بعض آسیب زده بنماید اگر آسیب را خلل است بدیدن این علامت بگریه در آید اگر خلل خبیث است خنده کند و اگر مریض را مرض است خاموش خواهد ماند علامت اینست

| | | |
|---|---|---|
| رہیب یعن | عمح و عمح عمح | قارون لعین |
| شداد | نمرود | لعینان |
| | ۱۵ ماه | |
| ہامان | ابوجہل | دقیانوس |
| قارون | ملعون | |
| بلعنہم بہما | لعنہم اللہ فی الدنیا والآخرہ | بلعنہم دوم |

نوعدیگر حاضرات درشتی که مع فلیته مجرب و تیز تر است هرگز خطا نمی کند و این چنین فلیته اگر پیش عاملی باشد هیچ جن و خبیث و دیو از ین فلیته سوائے گریز کردن چاره ندارند که موکلات فلیته بسیار زبردست و قوی هستند و نقش حاضرات نیز چنین قوی تر است که بادشاه جنات حاضر میشود هرگز تساہل نمی سازد پس باید که اول این فلیته را مع این هر دو نقش نوشته ریسمان نیلگون پیچیده قدرے کافور در روغن شیرین و یا خوشبودار آمیخته در یک سفال آب نرسیده روغن مذکور پر کرده چراغ نور از هیزم سه عدد درخت انار مثل ٹکٹی تیار کرده بدارد و هر قدر که بخورات و میوه و عطر و گلهای

خوشبو دار مہیا بود پیش روی چراغ نہد و فرش نو مقابل چراغ و این ہمہ اسباب نہادہ خود ہم لباس پاکیزہ پوشیدہ و طفل بدست آن نقش درشنی دادن منظور باشد پوشاک پاکیزہ و اگر ممکن باشد نو پوشانیدہ عطر بر زد و بر پیشانی طفلاک مالیدہ نقش درشنی بدست آن دہد کہ ببیند و بہر کسیکہ جن و آسیب بر او باشد نیز قریب بنشاند و خود و قبلہ رو نشستہ عزیمت ہا خواندن شروع نماید چنانچہ اول فلیتہ کہ برای روشن کردن گفتہ ام بنویسیم و آن مع عبارت اینست

سزایو لیزرغی ہو سامنو تما عالما طیو سانا ملیخا مسلیخا ملقوقا بحق

یا ۲۰ ۵ ۱۰ ۷ ۹۰ و بحق ۱۰۰ ۱۰ ۶ بہ بحق یا بدوح یا

طیور یا دیو سا الااتفی در مدح اسد اصیا طلقمکہ ۵ ولاطور

و اطوان العین وبان و اھرب یا طیطوما یا طیوسا قہا و

سلہا یا طیطوسا فہو یا طیوا یا طیطوسا فہو

فرعون نمرود شداد ہامان قارون عاد

ابو جہل ابلیس اہلیس ضحاک دقیانوس درماکہتا

بھیرون ہونت کلوا وغیرہ وعہ شیاطین

لعنہم اللہ تعالے والناس اجمعین ۵ ۵

عزمت علیکم واقسمت علیکم یا برہیا ہ یا غفسائیل

یا صدعائیل یا عینائیل یا حطائیل یا

وردائیل یا رحمتائیل بحق اسم سما سوم و

اوودوم سانوم شدمنوس جروس ہومال

یا ہمکیائیل بحق یا ہمکیائیل بحق یا ۱۱۰۰ ۲۰۰ یا بدوح

بر مجمر در روشن شدن فلیتہ جلد تر من البرق خاطف و مثل ریح آصف احضروا
من جانب المشارق والمغارب والجنوب والشمال در نظر
بینندہ در شنی با چراغ صاف در آئیند و کلام بکنند و جواب بگویند
و ہمہ بادشاہان را حاضر کردہ ہرچہ آسیب در وجود فلان بن
فلان باشد او را گرفتار کردہ بیارند خصوصاً شیخ سدو زین خان را
مع مادرش بستہ و توابعان و لواحقان او بدون حکم بر
سر مریض آمدن نیابند و اگر بیایند زبون و رام شدہ
فرمان بردار کردہ آرند و در صورت آمدن بر سر مریض
کلام سخت از عامل کردن نتوانند و ہرچہ عامل گوید بکنند
و ہدیہ بزور بگیرند و اگر ندہند نفع نیابند و او را ایذا رسانند و شعر شفا
خواندہ بروزیند و بسوزید و حکم مایان بجا آرید و ہر کہ بجا نہ آرد
برو شیر مادر حرام و سہ طلاق و قسم پنجتن و چہار تن و جمیع ابنیا و اولیا
خصوصاً قسم سلیمان بن داؤد علیہما السلام و پ ی ع م ب ر
ص قسم شرعی ہرچہ ہست شما را ن ہ ف ق ک ل د ع ل ع

ل ی م چون این فلیتہ نوشتہ تمام کند این ہر دو نقش زیر آن فلیتہ بنویسید واگر بر پیشانی فلیتہ نقوش بہ نویسید اولیٰ است وزیر آن عبارت مرقومہ بنویسید مع اسماء موکلان بدین گونہ اجب یا کلکائیل

علیکم یا جبرئیل

| | | |
|---|---|---|
| ۵۹۲ | ۵۸۷ | ۵۹۵ |
| ۵۹۴ | ۵۹۱ | ۵۸۹ |
| ۵۸۸ | ۵۹۶ | ۵۹۰ |

علیکم یا عزرائیل

بحق بطد زہج واح

علیکم یا اسرافیل

علیقا ملیقا طلیقا انت تعلم ما فی قلوبہم ملیقا طلیقا حقیقا دقیقا

اجب یا عصقائیل

علیکم یا شمس روح

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۶۵۲۴ | ۶۵۲۷ | ۶۵۳۰ | ۶۵۱۷ |
| ۶۵۲۹ | ۶۵۱۸ | ۶۵۲۳ | ۶۵۲۸ |
| ۶۵۱۹ | ۶۵۳۲ | ۶۵۲۵ | ۶۵۲۲ |
| ۶۵۲۶ | ۶۵۲۱ | ۶۵۲۰ | ۶۵۳۱ |

وصفاتک عظیم یا میکائیل وقرآن مجید

بحق ابجد ہوز علیکم یا عزرائیل حطی جمیع اسمائک

بعد نوشتن فلیتہ و ہمہ شروط مسطورہ بجا آوردن بر کاغذ نقش درشنی نوشتہ در آئینہ نہد وعطر در خانۂ کہ سیاہی پر کردہ است مالد چنانچہ تر گرداند و بدست طفل مذکورہ آن آئینہ را بدہد کہ نظر کند و خود در خواندن عزیمت مصروف گردد و ماش بر سر طفل میزدہ باشد تا پردۂ حجاب از چشم طفلک برداشتہ شوند و جنات مع بادشاہان متقدمین نظر آیند پس ہمہ احوال از زبان طفل بگویاند و جواب گیرد و نقش درشنی کہ بکمال صحت آمد اینست

۷۸۶

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۸ ۱۵۳۰۷ | ۱۹ ۳ ۱۵ اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ | ۱۷ ۱۵۳۰۳ | ۱۵ ۱۵۳۰۳ | ۲ ۱۵۲۹۵ |
| ۳ ۱۵۲۹۹ | ۲۰ ۱۵۳۱۵ | ۱۸ ۱۵۳۱۲ | ۱۱ ۱۵۳۰۵ | ۹ ۱۵۳۲۳ |
| ۱۲ ۱۵۳۱۶ | ۱۶ ۱۵۳۱۲ | ۱۲ ۱۵۳۰۶ | ۶ ۱۵۲۹۹ | ۴ ۱۵۲۹۷ |
| ۱۵ ۱۵۳۰۹ | ۱۳ ۱۵۳۰۷ | ۶ ۱۵۳۰۰ | ۵ ۱۵۲۹۸ | ۲۲ ۱۵۳۱۷ |
| ۱۴ ۱۵۳۰۶ | ۷ ۱۵۳۰۱ | ۱ ۱۵۲۹۴ | ۲۳ ۱۵۳۱۸ | ۱۶ ۱۵۳۱۰ |

بعد آئینہ دادن بدست طفل حامل گرد حو دو گرد طفل حصار بکند بر سا سیر سا آنچہ کہ اول نوشتہ شد بعدہ حامل ہر عزیمتیکہ یاد داشتہ باشد بخواند و یازدہ بارہ بخواند و بعد ازان یازدہ مرتبہ این عزیمت بصحت تمام بخواند اینست

عزمت علیکم یا معشر الجن والانس واصحاب الارواح فنحون فنحون جیبک جیبک اللہم اللہم صفکا صفکا الٓ الٓ بلسا بلسا طلسا طلسا سودرا سودرا کہلا کہلا مہلا مہلا سہلا سہلا حاضرا حاضرا شخیا شخیا سدی سدی سلیمان بن داؤد علیہما السلام و بعد این عزیمت یازدہ مرتبہ این الفاظ بخواند بہار بہار ماک الیک ارتجی مرتجی حبس بیرکی ارتم بین بین و بعدہ این یازدہ بار این عزیمت بخواند۔ احضروا یا اصحاب الجن والشیاطین والحسر والوسواس من جانب المشارق والمغارب والجنوب والشمال بحق خاتم سلیمان بن داؤد علیہما السلام و بحق لا الہ الا اللہ محمد رسول اللہ۔ و بعد این درود بخواند اللہم صل علی محمد و علی آل محمد بعدد الجن والانس باسمائک الحسنیٰ

و این درود معظم را باید کہ قبل از خواندن عزیمتہا ہم بخواند و بعد اتمام ہم بخواند انشاء اللہ تعالیٰ پردہ ہای حجاب از چشم طفل برداشتہ خواہند شد تمام احوال بعامل بیان خواہد کرد عامل را

اختیار است بهر طوریکه مناسب داند بعمل آرد خواه قید کند یا ازان بادشاه سوخته گرداند
نوع دیگر برای آسیب زده بسیار مجرب است اگر آسیب از مریض هرگز کناره نمیکند
و مریض را نوبت بجان رسیده باشد پس باید که بروز پنجشنبه بطور حاضرات آنچه سامان
بالا مذکور گشته مهیا کرده مریض را آنجا بخپانند و این نقش را نوشته دود در تمام جسم آن
بدهد و نقش دیگر که بعد این نقش است شسته بهر طوریکه ممکن شود بنوشانند و نقش سوم را
فتیله کرده خواه در چراغ تو نقش مذکور نوشته روشن کند و مریض را همونجا خسپیده بدارد
و احتیاط کنند که دست درازی بر چراغ نکنند نقوش هر سه مجرب و آزموده فقیر
این اند عزیز باید داشت

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۵۲۲۷۲۲۲ | ۳۵۲۲۷۷۵۳ | ۴۵۵۷۲۴۵۳ | ۳۵۲۲۲۲۲۵ |
| ۳۵۲۲۷۷۵۳ | ۴۴۲۷۲۵۳ | ۳۵۲۲۷۲۲۳ | ۵۵۷۲۲۵۳ |
| ۷۴۵۴۵۳ | ۳۵۲۲۷۵۰ | ۴۵۴۲۷۵۳ | ۳۵۲۲۲۲۲ |
| ۷۵۵۴۲۵۳ | ۳۵۲۲۷۷۵ | ۴۴۷۲۴۵۳ | ۳۵۲۲۵۱ |

ونقش دیگر که برای نوشیدن گفته ایم اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۵۳۱۷ | ۱۵۳۳۰ | ۱۵۳۳۴ | ۱۵۲۲۴ |
| ۱۵۳۲۸ | ۱۵۳۳۳ | ۱۵۳۱۴ | ۱۵۳۲۹ |
| ۱۵۳۲۷ | ۱۵۳۲۵ | ۱۵۳۳۲ | ۱۵۳۱۹ |
| ۱۵۳۳۱ | ۱۵۳۳۰ | ۱۵۳۲۱ | ۱۵۳۲۶ |

ونقش سوم که فلیته کنند یا در چراغ نویسند اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۸۵۳۶ | ۱۸۵۵۰ | ۱۸۵۴۷ | ۱۸۵۴۴ |
| ۱۸۵۴۸ | ۱۸۵۴۳ | ۱۸۵۳۷ | ۱۸۵۴۹ |
| ۱۸۵۴۲ | ۱۸۵۴۵ | ۱۸۵۵۲ | ۱۸۵۳۵ |
| ۱۸۵۵۱ | ۱۸۵۳۹ | ۱۸۵۴۱ | ۱۸۵۴۶ |

بدان العزیز آنچه که مقدمهٔ عزیمت ونقوش وفلیته وغیره دربارهٔ آسیب بودند درین

باب نوشته دادم انصاف فرما که چه قدر برای طالبان راه عملیات صاف ورد آسان کرده ایم که هیچ عامل گاهے چنین دولتها و نعمتها نمی بخشد پس این نحیف را دعای خیر لله فرمایند و به فاتحه ما را یاد کنند که حق ما بر تو همین است

## باب پنجم مشتمل بر کیفیت ساعات و وقت نوشتن و دادن زکوة نقوش و شرح پرهیز جلالی و جمالی و تسخیر کواکب و شناختن طالع وغیره

برای بیضا ضیای ارباب علوم سماوی مخفی مبادا که بر سماوات هفت کواکب و دوازده بروج هستند چنانچه من اول برای فهم مبتدیان دائره بروج مینویسیم و آن اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| حمل ۱ میکھ | ثور ۲ برکھ | جوزا ۳ متھن | سرطان ۴ کرک |
| اسد ۵ سنگھ | سنبله ۶ کنیا | میزان ۷ تلا | عقرب ۸ برچھیک |
| ۹ قوس دهن | ۱۰ جدی مکر | ۱۱ دلو کنبھ | ۱۲ حوت مین |

و همچنین هفت کواکب که آن را سبع سیاره گویند و دو کوکب مطیع باخواص زحل و مریخ و آن را راس و ذنب گویند و تفصیل کواکب اینست

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| زحل | مشتری | مریخ | شمس | زهره | عطارد |
| فلک هفتم | فلک ششم | فلک پنجم | فلک چهارم | فلک سوم | فلک دوم |
| | قمر | فلک اول آسمان دنیا | | | |

راس متعلق زحل و ذنب متعلق مریخ و بعض این تفصیل را چنین گفته اند که بعض کواکب فوقی اند و بعض تحتی و آن تفصیل چنان است فافهم شمس مالک چارم فلک خسرو سیارگان سیارهٔ اوّل است پس فلک پنجم و ششم و هفتم بر بالائے فلک چهارم اند مالکان این افلاک مریخ مشتری زحل سیارهٔ فوقی اند و فلک سوم و دوم و اول تحت فلک چهارم اند مالکان آن زهره و عطارد و قمر سیارهٔ تحتی اند پس تمام مقدمات دنیا بر گردش این سیارگان است و معیت این با عناصر هر چهار در هر فعل و امر سبب با خواص این کواکب است زیرا که ایزد تعالی در کلام مجید خویش این بروج آسمانی و کواکب را یاد فرموده که بمصداق والسماء ذات البروج و در یک جا فرموده که جعل لکم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمات البر و البحر و یک جا ارشاد کرده که تبارک الذی جعل فی السماء بروجا و جعل فیها سراجا و قمرا منیرا پس ادراک رسیده که در ساعت بروج کواکب مستتند لهذا عامل شایق را باید که ساعات کواکب با بروج دریافت نماید و هر امر که آغاز نماید در ساعت کواکب موافق مزاج آن آغاز کند تا راست آید و هر گاه که نشیند برائے دعوت عمل ساعت نیک و بد دیده و دریافت کرده نشیند که خطا نه افتد پس آمدم بر سر مطلب باید دانست که این دو کواکب یعنی اول شمس و دوم قمر از همه سیاره سریع التاثیر و همه روز تابع این اند چنانچه تفصیل روزها

| روز آفتاب | روز قمر |
|---|---|
| یکشنبه و سه شنبه و شنبه | دوشنبه و پنجشنبه و جمعه و چهارشنبه |

و بعضے باین حساب رفته اند که تفصیلش اینست و این حساب

ظاہری است و بیان کردن او را حاجت نیست و آن اینست

| نام ستاره | زحل | مشتری | مریخ | شمس | زہره | عطارد | قمر |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| نام ایام | شنبه | پنجشنبه | سه شنبه | یکشنبه | جمعه | چهار شنبه | دوشنبه |

و دریافت باید کرد که این علم مثل دریاست و عامل ناخدا و کشتی و جهاز تقوی و طهارت و راه ناپیدا کنار درین امر پس ناخدا را بجز شناختن کواکب کشتی پریشان و مثل باد تند هو کلان عمل هستند و بمصداق این معنی آیهٔ شریفهٔ کلام الهی است که و علامات ج و بالنجم هم یهتدون ، لہذا لازم افتاد که در عملیات حساب نجوم عامل یاد کند و عامل ہمکلام گردد و درین علم حکمای یونان بسیار تالیفات و تصنیفات فرموده اند مارا گو یارا که شرح دهیم اما بقدر ضرورت عملیات بنویسیم که طالب را در تلاش وقت نه گردد و آن اینست که از ابتدای سال حساب کند تا انکه هر روزه و ساعتهای شب و روز را دریافت کرده هر کار آغاز نماید پس اول دورهٔ آفتاب را یاد کند و آن دوره از ابتدای برج حمل تا برج حوت در یک سال میشود و در یک برج به یک ماه چیزی کم و بیش میشود و همبرین طور همه سیاره در هر برج دوره میکنند چنانچه دائره سیر کواکب این است

| نام کواکب | زحل | مشتری | مریخ | شمس |
|---|---|---|---|---|
| تعداد یوم | دو سال و شش ماه | سیزده ماه | و چهل و پنج روز | یک ماه |

| نام کواکب | زہره | عطارد | قمر |
|---|---|---|---|
| تعداد یوم | بست و ہشت روز | یک ماه | دو روز و چند ساعت |

اما پنج ستاره را که زہره و عطارد و مریخ و مشتری و زحل را خمسهٔ متحیره میگویند زیرا که این گاهی عقب آفتاب باشند و گاهی پیش آفتاب باشند و از هر برج رجعت و استقامت دارند ازین جهت حساب سیر این سیاره بدون زیج دریافت

شدن ناممکن است برائے دریافت کردن آن بوقت ضرورت عامل پترہ وجنتری
وتقویم ہارا بیند وآفتاب و ماہتاب را لبیار ضرورت درین علم ست بنابراین سیر
این ہر روزہ تبصریح تمام بنولسیم چنانچہ در بروج دوازدہ دورۂ آفتاب چنان
میشود ازان دائرہ آفتاب را دریافت باید

کرد دائرہ سیر آفتاب

| | | |
|---|---|---|
| حمل آتشی<br>ماہ بیساکھ ۳۱ یوم<br>چہار نیم لا | ثور خاکی<br>ماہ جیٹھ قدم ۶ و نیم<br>۳۱ یوم لا | جوزا بادی<br>ماہ اساڑہ قدم دونیم<br>۳۲ یوم کب |
| سرطان آبی<br>ماہ ساون قدیم یک نیم<br>۳۱ یوم لا | اسد آتشی<br>ماہ بھادون قدم دونیم<br>۳۱ یوم لا | سنبلہ خاکی<br>ماہ کنوار قدم سہ نیم<br>۳۱ یوم لا |
| میزان بادی<br>ماہ کاتک قدم<br>چہار نیم ۳۰ یوم ل | عقرب آبی<br>ماہ اگھن قدم ۲ نیم ل<br>۳۰ یوم | قوس آتشی<br>ماہ پوس قدم ہفت نیم<br>یوم ۲۹ یوم کط |
| جدی خاکی<br>ماہ ماکھ قدم دونیم<br>۲۹ یوم کط | دلو بادی<br>ماہ پھاگن قدم ۸ ۳۰<br>۳۰ یوم ل | حوت آبی<br>ماہ چیت قدم ۶ نیم<br>۳۰ یوم ل |

واستادان سیر آفتاب را ازین بیت حساب گیرند بیت لاولا لب لاولا لاششش مل
است ؛ لل کط و کطلل شهور کوته است ؛ پس دورهٔ آفتاب چنین باشد که نوشته شد فاما
قمر در یک ماه همه بروج سماوی طے یکند برین حساب دوازده دوره در هر ماه شدند و در هر
دو روز و چند ساعت می ماند پس طریق دانستن این امر که امروز قمر بکدام برج است این
معنی را ازین ابیات که بحر زخار در کوزهٔ مصنف خواجه نصیر الدین طوسی علیه الرحمة باید دریافت

| ابیات | |
|---|---|
| آنچه از ماه شد مضاعف کن | پنج دیگر فزود و بر سر آن |
| پس به بر جیکه آفتاب در وست | بکن آغاز پنج به پنج بر آن |
| هر کجا منتهے شود عددش | ماه آنجا بود یقین میدان |
| آنچه از پنج کسر مے ماند | بر سرش میروی و زوج بخوان |

وقاعدهٔ این ابیات چنان ست که ابتدا از پروا دوج که هندو آن را تاریخ سلخ هر ماه پروا
دوج میشود میکنند مثلا کسے پرسید که امروز قمر کجاست پس تاریخ ماه را خیال کردم از پردا
روز گذشته بودند ده دیگر بر آن افزودم بست شدند پنج براو دیگر افزودم بست و پنج شدند
آن وقت آفتاب را دیدم که بکدام برج ست معلوم شد که در سنبله است پس اعداد مرقوم
بالا را تقسیم کردم پنج سنبله را دادم و پنج میزان را و پنج عقرب را و پنج جدی را دادم
بست و پنج تمام شدند پس جواب گفتم که قمر بر آخر درجه برج جدیست لهذا همین طور قمر را حساب
گیرد لیکن ابتدا از پروا ضرور کند ورنه غلطی خواهد افتاد و این طریق برائے دریافت مقام قمر
بود بیان سیرش آنکه قمر را منازل مقرر کرده اند و هر منزل را خاصیتے داده اند و نام منازل
مختصر است و هر مختصر را نه چرن داده اند که ازین جدول اسمائے مختصر و تعداد چرن مفهوم خواهد شد

جدول سیر قمر در هر برج

| حمل | ثور | جوزا | سرطان |
|---|---|---|---|
| اسنی بھرنی کرتکا | کرتکا روہنی مرگسرا | مرگسرا اردرا پنربس | پنربس پکھہ اشلیکھا |
| ۴ ۴ ۱ | ۳ ۴ ۲ | ۲ ۴ ۲ | ۱ ۴ ۴ |
| شرطین بطین | دبران ثریا ہقعہ | ہقعہ ہنعہ وزاعہ | وزاعہ نثرا طرفہ |
| ثریا ۴ ۴ ۱ | ۳ ۴ ۲ | ۲ ۴ ۳ | ۱ ۴ ۴ |
| اسد | سنبلہ | میزان | عقرب |
| مگھا پوربا اترا | اترابھالگنی ہست چترا | چترا سواتی بساکھا | بساکھا انرادہا جیشٹھ |
| ۴ ۴ ۱ | ۳ ۴ ۲ | ۲ ۴ ۳ | ۱ ۴ ۴ |
| طرفہ جبہہ دیرہ | دیرہ صرفہ عوا | عوا سماک غفرہ | غفرہ زبانا اکلیل |
| ۴ ۴ ۱ | ۳ ۴ ۱ | ۲ ۴ ۱ | ۱ ۴ ۴ |
| قوس | جدی | دلو | حوت |
| مول پورباکھاد اتراکھاد | اتراکھاد شرون دھنشٹا | دھنشٹا ستبھا پوربابھادرپد | پورباابھادرپد اترابھادرپد ریوتی |
| ۴ ۴ ۱ | ۳ ۴ ۲ | ۲ ۴ ۳ | ۱ ۴ ۴ |
| ۴ ۴ ۱ | ۳ ۴ ۲ | ۲ ۴ ۴ | ۱ ۴ ۴ |
| اکلیل قلب شولہ نعایم | نعایم بلدہ ذابح | ذابح بلعہ سعود | سعود اخبیہ مقدم موخر رشا |

پس این سیر قمر بود که بترتیب رفت فاما خواصات چھتر و خواصات سیارگان را ترک نموده که در کتب منجمان بسیار خواص ایشان اند و عامل را ضرور آن نیست و دیگر ہر ہمہ چھتر را جوگ منجمان ہند مقرر کرده اند و اسما جوگ بدین تفصیل اند ازین جدول دریافت باید کرد فافہم

## اسمائے جوگ

| سوبھن ۱ | انگنڈ ۲ | سکرمان ۳ | دہرت ۴ | شول ۵ | گنڈ ۶ | بردھ ۷ |
|---|---|---|---|---|---|---|

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| دہرو ۸ | بیاگھات ۹ | ہرکہن ۱۰ | بجر ۱۱ | سدھ ۱۲ | بتی پات ۱۳ | بریان ۱۴ |
| پرگھ ۱۵ | سدھ ۱۶ | شبو ۱۷ | سادہ ۱۸ | شبھ ۱۹ | شکل ۲۰ | ایندر ۲۱ |
| بیدھرت ۲۲ | بسکیبہ ۲۳ | پرپیت ۲۴ | ایوکھمان ۲۵ | سوبھاگ ۲۶ | | ۰ |

واین ہریک جوگ ہم خاصیت دارد الابیانش باعث طوالت کتاب است وعامل را در عملیات چندان ضرورہ نیست الا اینقدر ضرورست کہ ساعت نیک بیند وطالع سائل ومسئول نگاہ کنند وما تفصیلش آیندہ درین معنی خواہیم نوشت انشاءاللہ تعالیٰ الحال قاعدہ باہم بیان نمایم

قاعدہ در دانستن سنگرات - چون این ہمہ گفتہ شد کہ دورہ آفتاب در ہر برج بمدت یک ماہ چیزے کم وبیش ہیشود پس چون آفتاب را تحویل از برج در برج دیگر باشد آنرا اسنکرات گویند واین دانستن کہ کدام وقت سنکرات خواہد شد بدین طریق ست کہ سال شمسی را بچہار حصہ منقسم کند ہرچہ از چہار باقی ماند آنرا در جدول ببیند مثلا کسے پرسید کہ امسال بکدام وقت سنکرات شدہ است پس سال شمسی را بچہار حصہ کردم و طرح دادم یعنی چہار وچہار وچہار حساب کردم باقی ماند یک پس در جدول دیدم ماہ اپریل کہ ماہ ہاے شمسی ست وانگریزان ہمین ماہ ہا مقرر کردہ اند مردمان واقف ازین ماہ ہا خوب اند وماہ فروری اردی بہشت را گم دانند ازینجہت گفتم کہ در ماہ اپریل بتاریخ یازدہم بعد ۲۲ گھڑی و ۲ پل سنکرات حمل یعنی میکھ خواہد شد ہمبرین قیاس حساب کنند وچون چہار حصہ کنند وجدول ہر خانہ تا چہار است در آن نگاہ کنند اگر یک عدد باقی ماند در خانہ اول ببیند وماہ را احتمال کنند در ہر ماہ کہ خواہش باشد آنرا نگاہ فرمودہ گھڑی وپل وتاریخ دریافت کنند وچون دو عدد باقی بمانند در جدول دوم نگاہ کنند وچون سہ عدد باقی ماند آنرا در خانہ سوم نگاہ کنند وتاریخ ووقت دریافت نمایند ودر صورت چہار عدد باقی ماندن در جدول خانہ چہارم نظر کنند واوقات سنکرات دریافت نمایند وچون سنکرات حمل معلوم کنند آن وقت را نگاہ دارند کہ او در حساب ساعت بسیار مفید

نواہد افتاد ذیر اکہ اگر خواہند کہ بدانند کہ درینوقت آفتاب در کدام برج و در کدام درجہ ودقیقہ است پس از سنکرات حساب کنند تاراست ودرست افتد جدول این است

## جدول برائے دریافت سنکرات

### خانۂ اول ۱

| نام ماہ انگریزی | | شمار ماہ | نام سنکرات | | تاریخ | گھڑی | پل |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| اپریل | اول | ۱ | حمل | میکھ | ۱۱ | ۴۲ | ۲ |
| مئی | دوم | ۲ | ثور | برکھہ | ۱۲ | ۱۹ | ۴ |
| جون | سوم | ۳ | جوزا | متھن | ۱۳ | ۴۵ | ۳ |
| جولائی | چہارم | ۴ | سرطان | کرک | ۱۴ | ۲۲ | ۵۳ |
| اگست | پنجم | ۵ | اسد | سنگھ | ۴ | ۵۲ | ۶ |
| ستمبر | ششم | ۶ | سنبلہ | کنیان | ۱۴ | ۵۲ | ۳۱ |
| اکتوبر | ہفتم | ۷ | میزان | تلا | ۱۵ | ۱۷ | ۵۰ |
| نومبر | ہشتم | ۸ | عقرب | برچھیک | ۱۴ | ۱۰ | ۳۳ |
| دسمبر | نہم | ۹ | قوس | دھن | ۱۲ | ۳۹ | ۱۳ |
| جنوری | دہم | ۱۰ | جدی | مکر | ۱۱ | ۴۲ | ۳۵ |
| فروری | یازدہم | ۱۱ | دلو | کنبھ | ۱۰ | ۹ | ۴۵ |
| مارچ | دوازدہم | ۱۲ | حوت | مین | ۱۱ | ۵۹ | ۵۴ |

### خانۂ دوم ۲

| نام ماہ انگریزی | | | نام سنکرات | | تاریخ | گھڑی | پل |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| اپریل | اول | ۱ | حمل | میکھ | ۱۱ | ۳۷ | ۳۴ |

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| مئی | ۲ | ثور برکھ | ۱۳ | ۳۴ | ۳۵ | دوم |
| جون | ۳ | جوزا متھن | ۱۴ | + | ۳۵ | سوم |
| جولائی | ۴ | سرطان کرک | ۱۵ | ۳۸ | ۳۵ | چہارم |
| اگست | ۵ | اسد سنگھ | ۱۵ | ۷ | ۳۸ | پنجم |
| ستمبر | ۶ | سنبلہ کینان | ۵ | ۸ | ۳ | ششم |
| اکتوبر | ۷ | میزان تلا | ۱۴ | ۳۳ | ۲۲ | ہفتم |
| نومبر | ۸ | عقرب برچھیک | ۱۳ | ۱۶ | ۵۰ | ہشتم |
| دسمبر | ۹ | قوس دھن | ۱۱ | ۵۴ | ۴۵ | نہم |
| جنوری | ۱۰ | جدی مکر | ۱۰ | ۵۸ | ۶ | دہم |
| | | | | | | |
| فروری | ۱۱ | دلو کنبھ | ۱۲ | ۲۵ | ۱۹ | یازدہم |
| مارچ | ۱۲ | حوت مین | ۱۲ | ۵ | ۲۶ | دوازدہم |

## خانۂ سوم ۳

| نام ماہ | انگریزی | شمار ماہ | نام سنکرات | | تاریخ | گھڑی پل | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| اپریل | اول | ۱ | حمل | میکھ | ۱۱ | ۵۳ | ۵ |
| مئی | دوم | ۲ | ثور | برکھ | ۱۲ | ۵۰ | ۶ |
| جون | سوم | ۳ | جوزا | متھن | ۱۳ | ۱۶ | ۶ |
| جولائی | چہارم | ۴ | سرطان | کرک | ۱۴ | ۵۳ | ۵۶ |
| اگست | پنجم | ۵ | اسد | سنگھ | ۱۵ | ۲۳ | ۹ |
| ستمبر | ششم | ۶ | سنبلہ | کینان | ۱۵ | ۲۳ | ۳۴ |

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| اکتوبر | ۷ | میزان | تلا | ۱۵ | ۴۸ | ۵۳ | ہفتم |
| نومبر | ۸ | عقرب | برچھیک | ۱۴ | ۴۱ | ۳۵ | ہشتم |
| دسمبر | ۹ | قوس | دھن | ۱۳ | ۱۰ | ۱۶ | نہم |
| جنوری | ۱۰ | جدی | مکر | ۱۲ | ۱۳ | ۳۸ | دہم |
| فروری | ۱۱ | دلو | کنبھ | ۱۰ | ۴۰ | ۴۸ | یازدہم |
| مارچ | ۱۲ | حوت | مین | ۱۲ | ۳۰ | ۵۸ | دوازدہم |

## خانۂ چہارم ۴

| نام ماہ انگریزی | | نام سنکرات | | تاریخ | گھڑی | پل | شمار ماہ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| اپریل | ۱ | حمل | میکھ | ۱۱ | ۸ | ۲۸ | اول |
| مئی | ۲ | ثور | برکھ | ۱۲ | ۵ | ۳۸ | دوم |
| جون | ۳ | جوزا | متھن | ۱۲ | ۳۱ | ۳۸ | سوم |
| جولائی | ۴ | سرطان | کرک | ۱۴ | ۹ | ۲۸ | چہارم |
| اگست | ۵ | اسد | سنگھ | ۱۴ | ۳۸ | ۴۱ | پنجم |
| ستمبر | ۶ | سنبلہ | کینان | ۱۴ | ۳۹ | ۶ | ششم |
| اکتوبر | ۷ | میزان | تلا | ۱۵ | ۴ | ۲۵ | ہفتم |
| نومبر | ۸ | عقرب | برچھیک | ۱۲ | ۴۷ | ۹ | ہشتم |
| دسمبر | ۹ | قوس | دھن | ۱۲ | ۳۵ | ۴۸ | نہم |
| جنوری | ۱۰ | جدی | مکر | ۱۱ | ۲۹ | ۹ | دہم |
| فروری | ۱۱ | دلو | کنبھ | ۱۰ | ۵۶ | ۱۹ | یازدہم |
| مارچ | ۱۲ | حوت | مین | ۱۲ | ۴۶ | ۲۰ | دوازدہم |

# قاعده در بیان دریافت لگن

پس چون سنگرات بدریافت رسید اگر دریافتن لگن منظور باشد ببیند که آفتاب به
کدام برج است لهذا در بر جیکه شمس را باید تا یک ماه یعنی تا تحویل در برج دیگر هر روز
بوقت طلوع شمس لگن همان برج خواهد شد و چون شبانه روز از شصت گھڑی
میشود ازین جهت شش لگن در روز میشوند و شش لگن در شب می شوند پس حساب
آغاز از طلوع شمس کند مثلاً آفتاب در برج حمل تحویل کند پس تا تحویل برج ثور
هر صبح لگن برج حمل خواهد شد پس اول لگن حمل دوم ثور تا سنبله روز را اتمام کند
و بعد ازان شش برج که باقی ماندند آن را بر شب قسمت کند تا آنکه در آخر شب تا صبح
لگن برج خواهد شد و می باید که این امر را خیال کند که گاہے شب و روز کم و بیش یعنی گاہے
شب دراز و گاہے یوم دراز میشود پس این کمشی و بیشی را ملحوظ خاطر دارد در تعداد در حساب
دوازده لگن کم و بیش کند و من برای کمی و بیشی لگن دائره بنویسیم تا بدین طور لگن حساب
کند و طالب را در قیام کردن تعداد لگن وقت نیافته دایره اینست

| | | |
|---|---|---|
| حمل خانه ۱ ـ ۳ گھڑی ۸ ۲ پل | خانه ۲ ثور روز اول ۴ گھڑی ۱۱ ۰ پل | خانه ۳ جوزا روز اول ۵ گھڑی ۳ ۳ پل |
| خانه ۴ سرطان همان روزه گھڑی ۴۴ پل | خانه ۵ ـ اسد همان روز ۵ گھڑی ۲۸ ۲ پل | خانه ۶ سنبله همان روز ۵ گھڑی ۲۸ ۲ پل |

| | | |
|---|---|---|
| خانہ ۷ میزان اول شب ہمان روز ۵ گھڑی ۳۸ پل | خانہ ۸ عقرب ہمان شب ۵ گھڑی ۳۷ پل | خانہ ۹ قوس ہمان شب ۵ گھڑی ۴۲ پل |
| خانہ ۱۰ جدی ہمان شب ۵ گھڑی ۴ پل | خانہ ۱۱ دلو ہمان شب ۵ گھڑی ۱۱ پل | خانہ ۱۲ حوت تا طلوع سحر ۳ گھڑی ۱۴ پل |
| | قاعدہ دانستن آغاز روز | |

در حمل و عقرب و دلو و حوت درین چہار برج آفتاب از وقت طلوع تا تمام شب قایم می ماند و در قوس و سرطان و ثور درین سہ برج از نیم آخر شب شروع میشود و تا بہ نیم شب تمام و در میزان و جدی و جوزا و اسد و سنبلہ درین پنج برج باز طلوع آفتاب از روز میشود و ازین وجہ شب و روز کمی و بیشی میشود چنانچہ دائرہ کمی و بیشی بدین صورت است

| | | |
|---|---|---|
| حوت و حمل ہر روز ہفت و نیم پل کم | دلو و ثور ہر روز ہشت و نیم پل کم | جدی و جوزا ہر روز ۱۰ پل کم |

سرطان و قوس و عقرب و اسد و سنبلہ و میزان ہر روز زیادہ پل کم مے شود

# قاعده دانستن منسوب بروج

| | | | |
|---|---|---|---|
| حمل و عقرب<br>خانهٔ مریخ | ثور و میزان<br>خانهٔ زهره | جوزا و سنبله<br>خانهٔ عطارد | سرطان<br>خانهٔ قمر |
| قوس و حوت<br>خانهٔ مشتری | جدی و دلو<br>خانهٔ زحل | اسد<br>خانهٔ شمس | |

و ما درین علم یک جدول عریض و طویل بنویسیم تا طالب از و بهرهٔ وافی گیرد و منسوبات بروج و سیارگان بیشتر ازان جدول مفهوم خواهند شد و بسیار مختصر جدول ست اما علامت شناخت مقام جدول از حروف تهجی اند چنانچه این ابیات اول یاد گیرد بعد ازان جدول بیند ابیات

از حمل صفر و الف ز ثور نشان — بے ز جوزا و جیم از سرطان
از اسد کاف و سنبله هے دان — واو میزان و رے لعقرب خوان
قوس حے است و جدی از صفر است — دلو را بی و یا ز حوت نشان

## جدول منسوبات سیارگان و بروج این است

| تعداد | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| بروج | حمل | ثور | جوزا | سرطان | اسد | سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدی | دلو | حوت |
| حروف تهجی | . | ا | ب | ج | ک | ه | و | ر | ح | . | ب | ی |
| صاحب خانه | مریخ | زهره | عطارد | قمر | شمس | عطارد | زهره | مریخ | مشتری | زحل | زحل | مشتری |
| وبال سیارگان | زهره | مریخ | مشتری | زحل | زحل | مشتری | مریخ | زهره | عطارد | قمر | شمس | عطارد |
| شرف سیارگان | شمس | قمر | راس | مشتری | . | عطارد | زحل | . | ذنب | ذنب | . | . |

بقیہ جدول

| | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| حروف تہجی | ۰ | ا | ب۰ | ج۰ | د | ہ | و | ر | ح | ۰ | ۰ا | [illegible] |
| درجات شرف | ۱۹ | ۳ | ۲ | ۱۵ | ۰ | ۱۵ | ۲۱ | ۰ | ۳ | ۲۸ | ۰ | ۲۷ |
| سیارگان ہبوط | زحل | ۰ | ذنب | مریخ | ۰ | زہرہ | شمس | قمر | راس | مشتری | ۰ | [illegible] |
| تانیث و تذکیر | مذکر | مؤنث | مذکر | مؤنث | مذکر | مؤنث | مذکر | مؤنث | مذکر | مؤنث | مذکر | مؤنث |
| لیلی و نہاری | نہاری | لیلی | نہاری | لیلی | نہاری | لیلی | نہاری | لیلی | نہاری | لیلی | نہاری | لیلی |
| سیارگان حار و بارد | حار | بارد | حار | بارد | حار | بارد | حار | بارد | حار | بارد | حار | بارد |
| رطب و یابس | یابس | یابس | رطب | رطب | یابس | یابس | رطب | رطب | یابس | یابس | رطب | رطب |
| امزجہ | صفراوی | سوداوی | دموی | بلغمی | صفراوی | سوداوی | دموی | بلغمی | صفراوی | سوداوی | دموی | بلغمی |
| ثبات و انقلاب | منقلب | ثابت | ذوجسدین | منقلب | ثابت | ذوجسدین | منقلب | ثابت | ذوجسدین | منقلب | ثابت | ذوجسدین |
| فصول | ربیعی | ربیعی | ربیعی | صیفی | صیفی | صیفی | خریفی | خریفی | خریفی | شتوی | شتوی | شتوی |
| جہات | شمالی | شمالی | شمالی | شمالی | شمالی | شمالی | جنوبی | جنوبی | جنوبی | جنوبی | جنوبی | جنوبی |
| عناصر بسیط | آتشی | خاکی | ہوائی | آبی | آتشی | خاکی | ہوائی | آبی | آتشی | خاکی | ہوائی | آبی |
| مدت قیام شمس ہر برج | ۳۱ | ۳۱ | ۳۲ | ۳۱ | ۳۱ | ۳۰ | ۳۰ | ۳۱ | ۲۹ | ۲۹ | ۳۰ | ۳۰ |
| ساعات طلوع ہر برج | [illegible] | [illegible] | ۰ | ۰ | ۰ | [illegible] | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | [illegible] |

بقیہ جدول

| حروف ہجی | ۰ | ا | ب | ج | [illegible] | ه | ا | ا | ح | ۰ | [illegible] | ۰ | [illegible] |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| عرض او ابہ ۸ | ۰ | [illegible] | | [illegible] | [illegible] | [illegible] | ۰ | [illegible] | [illegible] | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| درجات اوج | ۰ | [illegible] | | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |

پس ای عزیز قاعدہ ہاے ہمہ سیارگان بطور اختصار در جدول نوشتہ داوم و شیر شمس و قمر بتصریح تمام بہ قید گھڑی و پل بیان نمودم الحال قاعدہ دورہ سبع سیارہ کہ در تمام روز و شب میباشد و خواص خود نیک و بد دارد بیان نمایم بر ہمہ قاعدہ منکشف گردد و بہ خوشی خاطر در فاتحہ حیر فقیر را یاد نمائی کہ در بیان عملیات عامل را آنچہ ضرور باشد نوشتہ ام

## قاعدہ برای دانستن ساعات نیک و بد موافق دور سبع سیارہ وغیرہ

و این حساب از روز شنبہ گیرند و ہر ستارہ را دو گھڑی و چند پل ساعت میباشد و در ہر ساعتے ہر یک خواص خود بخشند اگر نیک ست خواص نیک دہد و اگر بد است خواص و تاثیر بدمی دہد پس دورہ ساعت را بطریق دائرہ نوشتہ ام نیک دریاب و فہم کن یعنی اگر نقش پر کنی یا در چلہ براے عمل خواندن نشیی ساعت را غور کنی اگر براے بغض و نفاق عمل و نقش است و جدائی افگندن درمیان دو کسان منظور ست پس پس در ساعت مریخ و زحل عمل کنی و براے حب در ساعت زہرہ و قس علیٰ ہذا و ما شرح ہر یک ترا تفہیم خواہم کرد الحال دائرہ ہاے ساعت اینست

| | | |
|---|---|---|
| اول ساعت<br>زحل ۲۰ - گھڑی | دوم ساعت<br>مشتری ۲۰ - گھڑی | سوم ساعت<br>مریخ ۲۰ گھڑی |
| چہارم ساعت<br>شمس ۲۰ گھڑی | پنجم ساعت<br>زہرہ ۲۰ گھڑی | ششم ساعت<br>عطارد ۲۰ گھڑی |
| ہفتم ساعت<br>قمر ۲۰ گھڑی | ہشتم ساعت باز<br>زحل ۲۰ گھڑی | نہم ساعت<br>مشتری ۲۰ گھڑی |
| دہم ساعت<br>مریخ ۲۰ گھڑی | یازدہم ساعت<br>شمس ۳۰ گھڑی | دوازدہم ساعت<br>زہرہ ۲۰ گھڑی |

پس روز شنبہ آخر شد و شب آنرا ہمین دور خیال کند یعنی بعد زہرہ عطارد فافہم

| | | |
|---|---|---|
| اول ساعت شب<br>عطارد ۲۰ گھڑی | دوم ساعت شب<br>قمر ۲۰ گھڑی | سوم ساعت بازا<br>زحل در شب ۲۰ گھڑی |
| چہارم ساعت<br>مشتری ۲۰ گھڑی | پنجم ساعت<br>مریخ ۲۰ گھڑی | ششم ساعت<br>شمس ۲۰ گھڑی |
| ہفتم ساعت<br>زہرہ ۲۰ گھڑی | ہشتم ساعت<br>عطارد ۲ گھڑی | نہم ساعت<br>قمر ۲۰ گھڑی |

| | | |
|---|---|---|
| دہم ساعت | یازدہم ساعت | دوازدہم ساعت |
| زحل ۲۰ گھڑی | مشتری ۲۰ گھڑی | تا طلوع شمس مریخ |

پس شب آخر شده روز یکشنبه رسیده و دور ساعت به شمس رسیده و یکشنبه به شمس منسوب است لهذا اول ساعت شمس دوم ساعت زهره سوم ساعت عطارد چهارم ساعت قمر پنجم ساعت زحل ششم ساعت مشتری هفتم ساعت مریخ هشتم ساعت شمس نهم ساعت زهره دهم ساعت عطارد یازدهم ساعت قمر دوازدهم ساعت زحل پس روز یکشنبه تمام شد شب آمده همچنین دور سیارگان هر هفت روز و شب قیاس کنند و حساب گیرد تا آسان گردد و وقت سیارگان ازین الفاظ دریافت نماید لیغ شهد رو آنکه از روز ست و ی ه ل ش ر خ چو ن شب افروز ست ش یکشنبه ر دوشنبه خ سه شنبه وچهارشنبه ی پنجشنبه ه جمعه ل شنبه پس این همه قاعده با دانستن ساعت بود که نوشته دادم اما بعض بروج خاصیت دارند و سریع التاثیر هستند هر گاه که دران بروج آفتاب باشد و کاری آغاز نماید زود مطلب بر آید و تفصیلش بدین طریق ست

## قاعده دانستن خاصیت بروج

| | | |
|---|---|---|
| چر لگن اول | تهر لگن دوم | وسبهاو لگن |
| بر آے هر گاه بسیار خوب | بد رجهٔ اوسط نه نیک نه بد | بسیار بد در هر گاه |

| | |
|---|---|
| حمل سرطان میزان جدی | ثور اسد عقرب دلو |
| اگر آفتاب درین بروج باشد لگن چر بسیار خوب است | اگر درین بروج آفتاب باشد تهر لگن اوسط است |

## جوزا سنبلہ قوس حوت

اگر درین بروج آفتاب باشد وسہا ولکن بدست

قاعدہ بدانکہ بعضے بروج بالبعض دوستی دارند وبعض بالبعض دشمنی دارند و بعض بروج باہم مساوی اند نہ دوست ونہ دشمن پس باید کہ این ہمہ مقدمہ رانگاہ کند وقتیکہ برائے دوستی وحب عمل را ابتدا کردن خواہد اجتماع طالع سائل ومسئول بیند اگر کواکب در بروج دوستی باشند ونظرات دوستی دارند آغاز عمل کند واگر مقدمۂ بغض ونفاق باشد دشمنی را از بروج وکواکب طالع نگاہدارد در زمانیکہ ستارہ ہا در بروج مخالف باشند ابتدا عمل کند تا راست آید ویا بروج وکواکب ہر دو را دوستی ودشمنی شرح دہم تا بتو سہل گردد اینست

| | | |
|---|---|---|
| حمل و اسد<br>باہم دوست بدرجۂ مبالغہ | ثور و عقرب<br>باہم دوست بدرجۂ اوسط | جوزا و قوس و دلو<br>ہر سہ باہم دوست بسیار |
| سنبلہ و حوت<br>باہم دوست | میزان و حمل<br>باہم دوست بدرجۂ اوسط | ثور و سنبلہ<br>باہم دوست بدرجۂ مبالغہ |
| جوزا و میزان<br>باہم دوست بسیار | سرطان و عقرب<br>باہم دوست بدرجۂ اوسط | اسد و قوس<br>باہم دوست بدرجۂ مبالغہ |
| سنبلہ و جدی<br>باہم دوست بدرجۂ اوسط | اسد و حوت<br>باہم دشمن بدرجۂ مبالغہ | حمل و سنبلہ<br>باہم دشمن بدرجۂ اوسط |

| | | |
|---|---|---|
| حمل و عقرب<br>باہم دشمن بدرجۂ اوسط | ثور و میزان<br>باہم دشمن بدرجۂ اوسط | حمل و ثور<br>باہم دشمن بدرجۂ اوسط |

## دائرہ دوستی و دشمنی کواکب

| | | |
|---|---|---|
| آفتاب و مریخ<br>باہم دوست بسیار | زہرہ و زحل<br>باہم دوست بسیار | عطارد و آفتاب<br>باہم دوست بدرجۂ اوسط |
| عطارد و مریخ<br>باہم دوست بدرجۂ اوسط | قمر و مریخ<br>باہم دوست بدرجہ اوسط | شمس و زحل<br>باہم دشمن متوسط |
| مشتری و قمر<br>باہم دشمن بسیار | عطارد و زحل<br>باہم دشمن بدرجہ اوسط | عطارد و زہرہ<br>باہم دشمن بدرجۂ اوسط |

پس این ہمہ قواعد عامل را باید کہ از بر یاد کنند و مارا باید کہ لون و طبع ہم نویسیم تا طالب از جملگی حال بروج و کواکب آگاہ باشد و ہیچ دقیقہ ازین کتاب بیرون نباشد دلون طبع را دایرہ بنویسیم تا ازان دریافت کنی این است

| | | | |
|---|---|---|---|
| حمل ۱ | ثور ۲ | جوزا ۳ | سرطان ۴ |
| رنگ زرد و سرخ<br>و شیرین طبع<br>جہت مشرق | رنگ سیاہ و سبز<br>تلخ و تیز طبع<br>جہت جنوب | رنگ سفید مائل بہ<br>زردی تلخ و شور طبع<br>جہت مغرب | رنگ سفید مطلق<br>شیرین طبع<br>جہت شمال |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اسد ۵ | سنبلہ ۶ | میزان ۷ | عقرب ۸ |
| رنگ زرد و سرخ شیرین طبع جہت مشرق | رنگ سیاہ و سبز تلخ و تیز طبع جہت جنوب | رنگ سفید گونہ زرد شور طبع جہت مغرب | رنگ سفید مطلق طبع شیرین جہت شمال |
| قوس ۹ | جدی ۱۰ | دلو ۱۱ | حوت ۱۲ |
| رنگ زرد و سرخ شیرین طبع جہت مشرق | رنگ سیاہ و سبز تلخ مطلق تیز طبع جہت جنوب | رنگ سفید و سبز شور و تلخ طبع جہت مغرب | رنگ سفید مطلق شیرین طبع جہت شمال |

سمت و طبع و رنگ بروجہا برای این جہت نوشتہ ایم کہ عامل را بوقت نوشتن نقشے کہ آتشی باشد سمت مشرق نشستہ بنویسد و ہمچونین طریق ہر مزاج کہ نقش نویسد آن جہت نشیند و موافق رنگ برج سیاہی یا سرخی نوشتن نقش باشد تا راست آید موجب لذت او نمک خواہ اشیاے تلخ و شیرین وغیرہ در دہن خویش داشتہ باشد و نقش کشد و ہمچنین خواص ہر کواکب را نیز ہست یعنی ایشان را ہم طبع و رنگ و جہات اند چنانچہ دائرہ کواکب با طبع و جہات و رنگ اینست

| | | |
|---|---|---|
| آفتاب | قمر | مریخ |
| طبع گرم جہت مشرق لذت شیرین جلالی سعد اکبر | طبع سرد جہت شمال لذت شیرین مشترک سعد اکبر | سرخ مطلق طبع گرم جہت مغرب لذت نمکین نحس اصغر جلالی |

| عطارد ۴ | مشتری ۵ | زہرہ ۶ | زحل ۷ |
| --- | --- | --- | --- |
| رنگ سبز سیاہی مائل | رنگ زرد مطلق گرم | رنگ زرد سبز | رنگ سیاہ مطلق |
| طبع مسرور و لذت شور | طبع لذت شیرین | آہنی طبع سرد | طبع گرم لذت شور |
| ذوجسدین سعد و نحس | جہت مشرق سعد اکبر | جہت مغرب لذت | جہت جنوب |
| ممتزج در ہر کار مغرب | جلالی | شیرین سعد منقلب | جلالی نحس اکبر |

این دائرہ محض برائے تفہیم طبع طالبان نوشتہ ایم کہ از ہر خاصیت آگاہ باشند و اجرائے کار خود نمایند و باید کہ طالع سائل و مسئول ہر دو دریافتہ کار کنند اگر طالع سائل منسوب برج و کوکب آتشی و مقدمہ غضب بود پس آن را در ساعت و لگن آتشی آغاز کنند و کوکب سعد اکبر بگیرند و نقش از خانۂ آتشی پر کنند و اگر طالع بادی داشتہ باشند ہمچنان بدستور در عمل آرند و نیز بخورات ہر کواکب بہ تقسیم موسومۂ کواکب بر آن اشیا کہ مقرر اند بسوزند و جدا جدا برائے ہر کوکب غذا و بخور ست پس این اشیا را ہر قدر کہ تواند بلحاظ خاطر داشتہ بکار پردازند یا درست افتد چنانچہ دائرہ بخورات ہر کواکب این است فافہم

| | | | |
| --- | --- | --- | --- |
| زحل ۱ | عود | رال | گوگل |
| مشتری ۲ | عطر و عنبر و مشک و زعفران زرد | صندل سرخ و صندل زرد | اگر و لوبان و حب الغار و شکر |
| مریخ | عود و قرنفل | لوبان و سیندور | جوز و گوگل |
| شمس ۴ | عود و صندل سفید و سرخ و عطر | جوز و عنبر و اگر و شکر | لوبان و سیندور |

| بقیہ دائرہ | | | |
|---|---|---|---|
| زہرہ ۵ | عطر سہاگ ومشک | صندل سرخ و سفید زعفران ولوبان | شکر وجوز واگر وگلہاے خوشبودار |
| عطارد ۶ | عود وعنبر | لوبان وتج | قشور الکندر |
| قمر ۷ | کافور | عطر وعطر گلاب | لوبان وعود |

باید کہ در وقت پلیتہ سوختن وخواندن عمل موافق طالع طالب ومطلوب ازین بخورات دود کنند اگر ستارۂ طالب ومطلوب باہم بالعکس باشد یعنی ضدیت دارند یکی آتشی طالع ودیگر آبی طالع است درین صورت عدد ہر دو اسم برآوردہ دوازدہ گان طرح دہند آنچہ باقی ماند ببروج تقسیم کنند ہر جا کہ عدد منتہی شود آن برج وآن ستارہ کہ بآن برج منسوب باشد بخورات روشن کنند وچون بروز اول ابتداء دعوت اسم وعمل باشد شیرینی ومیوہ وہرچہ غذاے موافق طبع نقش وعمل ودعوت وموافق طبع کواکب او باشد بہ نہند تا راست آید وبعضے عمل چنان ہستند کہ ہر روزہ آرد گولی آن نقش بستہ بدریا می اندازند وبعضے عمل آن چنان اند کہ ہر روزہ درویشان را دعوت وتصدق اجرے امید دارند وبعضے چنان اند کہ خود آن غذای موافق طبع عمل در استعمال خود دارند پس باید کہ این ہمہ ترکیبات وغذاے وتصدق ودعوت موکلات ونذرانہ حاکم آن عمل بموجب مزاج برج وکوکب حاکم آن عمل ودعوت باشد ومالک نقش بود ازین قاعدہ دریافت نمایند مثلاً عمل حب وطبع او آتشی پس بازاے آن کوکب مشتری وعطارد وآفتاب باز ہرہ مانند لہذا موافق غذاے این کواکب ہر کہ اختیار کردہ است نذرات وصدقات وغذاے اجراے کار نماید تا جز مسخر عامل شوند ودائرہ اغذیۂ کواکب کہ براے تصدق وغیرہ است اینست

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| آفتاب ۱ | برنج زرده شیرین | میوه ہاے ولایتی | شیرینی خوشبودار | دال نخود وگلاب | عطر وعسل خالص |
| قمر ۲ | برنج سپید وشکر سپید | شیر وبرنج شیر خالص | روغن زرد ودوغ ماست | میوهٔ ہندی که شیرین باشد | کیوڑہ و گلاب |
| مریخ ۳ | گوشت ونان خمیری وکباب | برگہای ساگ سرخ مرچ | روغن سرشف | دال عدس و میوه ہاے ترش | خوشبوے تند وتیز |
| عطارد ۴ | برنج ودال مونگ | میوه ہاے ہندی وولایتی | پسته سبز وچار مغز | انگور وانار و پراٹھا نان | خوشبوئے مجموعه |
| مشتری ۵ | شیر برنج وزرده | میوه ہاے ولایتی شیرین | عسل خالص ومصری | شہد وشکر ونان شیرین | عطر گلاب وعطر |
| زہره ۶ | شیر برنج وزرده | لوزیات وغیره | حلواے عسل خالص | دال نخود وبرنج | عطر سہاگ |
| زحل ۷ | کھچڑی ماش | کنجد سیاه | بادنجان | میوه ہاے تلخ | عطر گل یعنی مٹی |

## قاعدہ النتن بروج مطابق ماه جلالی

اول در دائرہ سیر کواکب ماه ہندی نوشته ام الحال برای خاطر طالبان این گرامی فن ماه ماه جلالی را دائرہ بنویسیم که بسیار بکار می آید یعنی اگر طالع شخصے از حروف تہجی عدد به آورده دریافته است لہذا این قواعد از کتب علمای دین ست که موافق طالع انثنی بادی

آبی و خاکی ماه جلالی دریافت نموده آغاز وظیفه و دعوت و زکوٰة دادن نمایند تا بقاعدهٔ عربی بسیار آسان افتد و تلاش از ماه هاے ہندی مطابق کردن ماهہاے عربی را نه افتد و ابتدای حساب ماهہای جلالی در ہر مقدمه از ماه محرم الحرام بیاشد و علمای متقدمین غرهٔ محرم را نیز روز نوروز گویند و کیفت تمام سال از ہمین روز گفته اند و این سنه مقدسه ہجری جناب پیغمبر صلی اللہ علیہ اند موافق نوروز تنجیم اکثر حالات مطابق ہم می آید پس براے آسانی ماه جلالی را دائره نوشته شده و آن دائره مذکوره بالا این است فافہم

| | | |
|---|---|---|
| ماه محرم الحرام<br>منسوب به برج حمل طالع آتشی و نر است | ماه صفر المظفر<br>منسوب ببرج ثور طالع خاکی و ماده است | ماه ربیع الاول<br>منسوب ببرج جوزا طالع بادی و نر است |
| ماه ربیع الثانی<br>منسوب ببرج سرطان طائع آبی و ماده است | ماه جمادی الاول<br>منسوب ببرج اسد طالع آتشی و نر است | ماه جمادی الثانی<br>منسوب ببرج سفبله طالع خاکی و ماده است |
| ماه رجب المرجب<br>منسوب ببرج میزان طالع بادی و نر است | ماه شعبان المعظم<br>منسوب ببرج عقرب طالع بادی و ماده است | ماه رمضان المبارک<br>منسوب ببرج قوس طالع آتشی و نر است |
| ماه شوال المکرم<br>منسوب به برج جدی طالع خاکی و ماده است | ماه ذی قعده<br>منسوب ببرج دلو طالع بادی و نر است | ماه ذی الحجه<br>منسوب ببرج حوت طالع آبی و ماده است |

پس باید که عاشق عمل بر طبایع بروج کند اگر معشوق آبی طبع باشد در ماه آبی عمل آغاز نماید و اگر مطلب تسخیر امیر و حاکم است هر چه طالع آبی و آتشی و خاکی و بادی او افتد یعنی باشد بر آن عمل کند تا اثر تمام بخشد اما در هر ماه از حدیث پیغمبر خدا صلی اللہ علیه و آله و سلم و نیز بقول منجمان تاریخهای نحس و سعد اند در آن تاریخ هم کار آغاز نمودن خطا است پرهیز باید کرد و آنها هر کار مثل آغاز نمودن دعوت عمل و دادن زکوٰة و آغاز وظائف و دعا و نوشتن نقش و رفتن بدریا در تاریخ نحس بهتر نبود اگر در اثنای چله تاریخهای نحس افتد مضائقه نیست اما ابتدای کارها نباید کرد چنانچه حسب ارشاد مخبر صادق صلعم در تمام سال بست و چهار تاریخ نحس اگر اند چون کسے در آن تاریخ متولد شود زنده نماند و اگر زنده بماند زندگی بد کند و اگر بیمار شود بهتر نگردد اگر بر جنگ رود کشته گردد اگر تجارت کند تاراج گردد اگر درخت نشاند بار ور نگردد اگر زراعت کند آفت رسد اگر آغاز عمارت کند تمام نشود اگر بر سواری سوار شود بر زمین افتد اگر کار نیک مثل نکاح و دعوت بعمل آرد کار نیک نیاید اگر سفر دریا کند جهاز تباه شود پس هر صورت نیک نباشد و آن تاریخهای نحس این اند باید دریافت و بر آن کار بندد و باید شدن تا که عملیات راست آید دایرهٔ تاریخ منحوس این است

| | | | |
|---|---|---|---|
| محرم ۱۴ ۱۱ | صفر ۱ ۳ | ربیع الاول ۱۰ ۲۰ | ربیع الثانی ۱ ۱۹ |
| جمادی الاول ۲ ۱۱ | جمادی الثانی ۲ ۴ | رجب المرجب ۱۳ ۱۴ | شعبان المعظم ۳ ۴ |
| رمضان المبارک ۹ ۲۰ | شوال ۶ ۷ | ذیقعده ۳ ۵ | ذی الحجه ۲ ۷ |

## قاعده دیگر از کتب فضلای عصر

چنانچه علمای متقدمین این تاریخها را نیز نحس اکبری گویند

| | | | |
|---|---|---|---|
| محرم<br>۱۲ - ۱۱ - ۱۴ | صفر<br>۲۰ - ۱۲ - ۱۰ | ربیع الاول<br>۴ - ۱۰ - ۲۰ | ربیع الثانی<br>۱ - ۱۱ - ۲۸ |
| جمادی الاول<br>۱۰ - ۱۱ - ۲۸ | جمادی الثانی<br>۱ - ۱۱ - ۱۲ | رجب المرجب<br>۱۱ - ۱۲ - ۱۳ | شعبان المعظم<br>۱۴ - ۲۰ - ۲۶ |
| رمضان المبارک<br>۳ - ۲ - ۲۴ | شوال المکرم<br>۲ - ۶ - ۸ | ذیقعده<br>۶ - ۱۰ - ۸ | ذیحجه<br>۸ - ۲۰ - ۲۸ |

## قاعده دیگر در شناختن تاریخ نحوس

یعنی مطابق بروج طالع ایام نحوس در هر ماه که بر طالع مردمان ست دران تواریخ هر یک شخص موافق اسماء خود ها دریافته پرهیز در هر کار نمایند که آن تواریخ هر طالع را منحوس است هیچ کار راست نه آید و رنج دهد هیچ دعوت و زکات و نکاح و عمارت و کارهاے نیک دران ایام نباید نمود که آن روز هاے دشمن طالع خود داند چنانچه آن ایام مذکور را

تفصیل بدین طور است

| | |
|---|---|
| برج طالع حمل را<br>۶و۱۱و۲۰و۲۹و۲ | برج طالع ثور را<br>۴و۹و۲۴و۲۵و۲۸ |
| برج طالع جوزا را<br>۴و۱۳و۱۷و۲۸و۳۰ | برج طالع سرطان را<br>۸و۱۳و۱۸و۲و۲۸ |

بقیه دائره

| | |
|---|---|
| برج طالع اسد را<br>۶ و ۱۳ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۵ | برج طالع سنبله را<br>۱۶ و ۱۷ و ۱۲ |
| برج طالع میزان را<br>۲۲ و ۲۳ و ۲۸ | برج طالع عقرب را<br>۴ و ۹ و ۱۳ و ۱۵ و ۲۴ و ۲۸ |
| برج طالع قوس را<br>۴ و ۹ و ۱۳ | برج طالع جدی را<br>۱۷ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۵ |
| طالع برج دلو را<br>۱۱ و ۱۷ و ۲۳ و ۲ | طالع برج حوت را<br>۲۴ و ۲۹ و ۱۳ |

## قاعده دانستن دوازده ماه ثابت و منقلب و ذو جسدین

بدانکه ماه ہاے سعد و نحس و منقلب و ذو جسدین در جدول طویل نوشته ام اما تفصیل آن ازان جدول بفهم بتبدی نخواهد آمد و بنا بر آغاز هر کار دانستن آن بر ضرور است چه برای حب و بغض و براے کشایش رزق و افزونی جاه و مراتب در آن ایام هر یک قسم را آغاز کنند پس ندانند که در کدام ماه آغاز کنند لهذا آگاه شوند که دوازده ماه در یک سال اند و دوازده برج هم اند پس ازین تفصیل را سه فصل کرده اند ثابت و منقلب و ذو جسدین لهذا برای ثبات دولت و افزونی جاه و عزت برای خود یا برای دیگری عمل کنند آن وقت کنند که آفتاب در برج ثابت باشد و برج ثابت چهار

اند چنانچه ازین طور ببینند - دائره ثابت و منقلب و ذوجسدین

| | |
|---|---|
| بروج ثابت مطابق ماه<br>ثور جیٹھ اسد بھادون<br>عقرب اگھن دلو پھاگن<br>برائے کشایش رزق و افزونی جاه و مراتب درین روزها عمل کنند | بروج منقلب مطابق ماه<br>حمل بیساکھ سرطان ساون<br>میزان کاتک جدی ماگھ<br>برائے مقهوری اعدا و بغض و نفاق<br>درین ایام عمل کنند |

**بروج ذوجسدین**

جوزا اساڑھ سنبله کنوار قوس پوس حوت چیت
برائے حب و تسخیر مطلوب اگر عمل کنند درین ماه هائے کنند

## قاعده در دانستن جهات رجال الغیب

باید دانست که رجال الغیب مردان غیب اند که در هر کار حرکت و سکونت شریک کار میباشند پس در هر مقدمه مثل رفتن سفر و آغاز کردن کارهای نیک و خواندن وظائف و نشستن در چله و مراقبه و نوشتن تعویذ وغیره اگر رجال الغیب روبرو واقع باشد هرگز رو بآن صوب نموده آغاز کار نفرمایند زیراکه اگر برائے دوستی کنند دشمنی پیدا آید هر کار بر عکس بود یعنی اگر بهر شکار رود زخمی شود اگر بملاقات سلطان رود معتوب و مغضوب گردد پس این قاعده را بوجه احسن بخاطر ضبط نمایند و این نحیف برائے همین همه قواعد را یکجا نموده که بموجب نوشته در عمل آرند و در مقدمهٔ رجال الغیب بیت عربی از استادان مقرر است و آن بیت برایمائے هر جهات رجال الغیب ست یعنی هر حرف منسوب بهر طرف است از اول تا آخر و نیز دائره هم برائے این مقرر است چنانچه اولا بیت اینست

# بیت کلنجغ بامش کلنجغ بمشل

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵

# کلنجغ بامش کلنجغ امش بدانکه

۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

قاعده این بیت بدینگونه است که هر حرف منسوب بهر جهت ست و در این قاعده هشت جهت هستند مشرق مغرب جنوب شمال اگنی نیرت بائب الیسان اول جهات اند و این چهار گوشه اند پس هر جهت منسوب به حرف شعر بالاست بهر گوشه نیز نسبت است چنانچه ک اول منسوب به اگنی و ن آن منسوب به نیرت و ج منسوب به جنوب و غ اول منسوب به غرب و ب منسوب به بائب و ا منسوب به الیسان و م منسوب به مشرق و ش منسوب به شمال علی هذا القیاس از تاریخ اول تا بر روز سلخ تمام ماه بر همین سی حرف منسوب اند بدانائی باید فهمید و دائره چکر جوگنی اینست برین عمل کنند عزیز باید داشت

| | | |
|---|---|---|
| اگنی ۶-۱۳-۲۰-۲۷ شتر سوار برای عداوت | مشرق ۷ - ۱۴ - ۲۴ - ۲۹ فیل سوار برای خواب بندی | الیسان ۶-۱۲-۲۱-۲۸ سوار برای سا محبت آخر نور ۲ [illegible] |
| جنوب ۳-۱۱-۱۸-۲۴ شیر سوار برای عداوت | چکر جوگنی | شمال ۳-۱۵-۲۲-۳۰ اسپ سوار برای محبت |
| نیرت ۵-۱۲-۱۹-۲۶ [illegible] | بهینس [illegible] ۱-۸-۹-۱۶-۱۷-۲۳ [illegible] غرب | بائب [illegible] |

دیگر اینکه قواعد دانستن رجال الغیب ازین ابیات مفهوم نمایند بهر تاریخ بهر سمت خواهند شد

منظومۂ رجال الغیب

اگر قیام نمائی بقول اہل کمال
به اول و نهم و شانزده و بست و چهار
بدوم و دهم و هفده و بست و پنج
سه و یازده و هیژده و بست و شش
بچارم و دهم و نوزده و بست و هفت
به پنج و سیزده و بست گر نشان طلبی
بشش و بست و یک و بست هشت گر جوئی
به هفت و چارده و بست و نه چو میخواهی
بهشت و پانزده و بست و سی باشند

بدین طریق شناسی جوانب ابدال
میان شرق و جنوب اندای خجسته خصال
میان غرب و جنوب اندای نکوافعال
سوی جنوب بقول صحیح بهمه حال
چو ماه نو بدر مغرب اند حلقه مثال
میان غرب و شمال اند مردم افعال
مقام مردم غیبی میان شرق و شمال
بسوی شرق نشسته زروی استقبال
سوی شمال چو صبح دوام صبح وصال

پس ای برادر از قاعدۂ ابیات و از قاعدۂ شعر و دائره وغیره سه ترکیب رجال الغیب بیان کردم اگر اندک عقل را راه دهی تقسیم آن قریب تر ست چون این قاعده دریافتی حال قمر در عقرب دریافت کردن باید و نیز دورۂ سبع سیاره را دریافتن چندان ضرور نیست و دیگر اینکه باعث طول کتاب هم است اگر طالب آگاه باشد بهتر و اگر آگاه نباشد نقصان در عملیات نیست اگر آگاه شود این قدر فائده است مثلاً در شرف مشتری انگشتری از نقش کنده کناند و پر کردن نقش هم نافع تر است اگر برای عداوت در شرف مریخ نقش نویسد مؤثر تر خواهد بود پس دیگر قاعده برای عامل نیست منجم را برای حکم کردن باید که علم نجوم بخواند و اینکه این نسخه پر از عملیات است همین قدر عامل را بس بود که نوشته دادم اما قمر در عقرب هم در کار نقصان میدهد بدین جهت نوشته می شود و عامل را ضرور تر ست یاد کردن آن زیرا که در عرصۂ قمر در عقرب که دو روز چند ساعت در ان برج میماند هیچ کار را آغاز نه نماید مثل

دعوت و زکوٰۃ و چلہ ہیچ عمل را در پیش کردن خطاست اگر در میان چلہ افتد مضائقہ نیست و نیز باید کہ علاوہ آغاز کردن عمل سفر ہم نہ کنند و نکاح نباید کرد و ہمچنین بنائے عمارت و زراعت کردن ہم نباید کرد لہذا این قاعدہ را ہم اساتذہ بطریق نظم بیان کردہ اند و قمر در عقرب بجز شراکت شہور ہندی و شہور فارسی مفہوم نمی شود و صورتش اینکہ در نظم تاریخ ماہہائے عربی دانند و ماہ را ہندی فہم کنند مثلاً مصرع آن ابیات ع یازدہ اندر اساڑھ و ہشت اندر ساون است۔ چنانچہ بتاریخ یازدہم ماہ عربی در ان زمان کہ ماہ اساڑھ باشد علی ہذا القیاس ہمبرین طور بداند ابیات این اند

| | |
|---|---|
| عقرب آمد ہر مہے دو نیم روزہ آرو گران | ہر کہ کارے میکنی در وے بہ او آرد زیان |
| یازدہ اندر اساڑھ و ہشت اندر ساون ست | شش بہ بھادون سہ بہ آسین یک کاتک امتحان |
| بست و ہشت آمد بہ اگہن بست و شش آمد بہ پوس | بست و سہ در ماگھ باشد بست و یک پھاگن بدان |
| ہیزدہ و چیت بشمر شانزدہ بیساکھ دان | سیزدہ در جیٹھ باشد گر نمیدانی بدان |

## قاعدہ دانستن طالع ہر شخص بسہ نوع در ہندی و فارسی کہ بسیار مفید و بکار آمد ہست

بدانکہ طالع ہر شخص دریافتن در علم عملیات ضرور تر افتاد زیرا کہ بدون دریافتن طالع ہیچ امر راست نہ آید اگر تمام مقدمات تسخیر و نفاق و مرض ہر اسم ظاہری مقرر کنند نا موافق افتند زیرا کہ اسم را قیام نیست اکثر مردم اسماء خود را تبدل کنند چنانچہ بعضے در روزگار کردن بدل کنند و بعضے در مقدمات دیگر اسم اصلی پنہان کنند مثلاً اینکہ دختر در خانہ مادر نام دیگر دارد و در خانہ شوہر خطاب دیگر می یابد اسم او بدل شود لہذا حقیقت اسم ظاہری عامل نداند و طالع را بطور خود استخراج کند و عمل آغاز نماید و آن اینست کہ اول طالع معتبر و متین آن باشد کہ اسم مادرش میگیرد یا پدرش اسم داشتہ باشد عدد آن اسم بقاعدہ حروف تہجی بردارد و جمع کند

دوازده گانه طرح دهد آنچه باقی ماند بر بروج تقسیم کند بر هر برج که عدد منتهی گردد همان طالع او باشد
واین را طرح بروجی گویند مثلاً نقطهٔ عدد بر سرطان تمام شد طالع او سرطان است و مزاج آن
کس آبی ست پس هر کسیکه مزاج خاکی داشته باشد محبت تمام باشند و عمل حب اثر کند زیراکه آب
و خاک باهم موافق اند هر تعویذ که نویسد از خانهٔ خاکی نویسد و ساعت ستارهٔ آبی یا خاکی گیرد تا در
مزاج اثر تمام دهد و دوم طالع اینکه هر شخصیکه در هر ساعت هر کوکب متولد شود یعنی بساعت زحل یا
مشتری یا مریخ پیدا شده باشد همان ستاره که ساکن برج باشد طالع آن کس باشد واین معنی
را بوجه احسن از بزرگان دریافت نماید که بکدام روز و بکدام پاس این شخص متولد شده است
یا از جنم کنڈل و زائچهٔ رمل و تقویم که داشته باشد دریافت کند آن هم طالع معتبر است و
اگر وقت نه معلوم شود باید که اسم او و اسم مادرش را عدد از قاعدهٔ ابجد برآورده و همه را
جمع کرده هفت گانه طرح دهد آنچه باقی ماند بر ستاره ها تقسیم کند هر جا که عدد منتهی شود همان
ستاره هم طالع او ست واین طریق را طرح کواکب میگویند پس عملی و دعوتی که در مزاج
و ساعت آن دریافته آغاز نماید درست و مطابق خواهد افتاد و باید که عدد اسم مطلوب
همبرین طریق مذکوره برآورده و طرح داده طالع را استخراج کند و مزاج هر دو ببیند
اگر یکی مزاج آبی و دیگر خاکی و از و یکی آتشی و دیگر بادی دارد عمل اثر بسیار خواهد کرد و اگر
یکی آبی ست و دیگر آتشی طالع را ضدیت ست بغض و جدائی را عمل برین کسان مؤثر نیز خواهد
شد سوم طالع را دریافتن اینکه هر کس که از نام خویش شهرت تمام دارد و از خواب بیدار میشود
و عزت و ذلت و شوکت از همه زن نام می یابد و گواه آن اسم و در جهان هزارها اند آن
اسم را از قاعدهٔ نجوم بر راس ببیند از هر راس که اسم منسوب بود آن راس هر برج و ستاره
کو نسبت دارد همون برج و طالع او باشد و منجمان طالع راس نامند و حروف راس مطابق
بروج بقاعدهٔ نجوم از اسم هر کس که مطابق آید آنرا الغور تمام ببیند و طالع استخراج نماید
واین قاعده بوجه احسن می نویسیم تا عامل را تلاش نه افتد چنانچه دایره راس مع مختصر

وتصریح حرف اینست مطابق حرف اسم راس ونچھتر را معلوم کنند اینست

| راس و بروج | برج حمل میکھ راس | | | برج ثور برکھ راس | | برج جوزا متھن راس | | برج سرطان کرک راس | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| حرف چرن | چو، چے، چو، لا | لی، لو، لے، لو | آ، ای، او، اے | او، با، بی، بو | بے، بو، کا، کی | کو، گھا، نان، چھا | کے، کو، ہا، ہے | ہو، ہے، ہو، ڈھا | ڈی، ڈو، ڈے، ڈو |
| نام نچھتر | اسنی | بھرنی | کرتکا | روہنی | مرگسرا | اردرا | پنربس | پرکھ | اشلیکھا |

| راس و بروج | برج اسد سنگھ راس | | | برج سنبلہ کنیان راس | | برج میزان تلا راس | | برج عقرب برچھک راس | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| حرف چرن | ما، می، مے، مو | مو، ٹا، ٹی، ٹو | ٹے، ٹو، پا، پی | پو، کھا، نا، ٹھا | پے، پو، را، ری | رو، رے، رو، تا | تی، تو، تے، تو | نا، نی، نو، نے | نو، جا، جی، جو |
| نام نچھتر | مگھا | پوربا | اترا | ہست | چترا | سواتی | بساکھا | انرادھا | جیشٹھا |

| راس و بروج | برج قوس دھن راس | | | برج جدی مکر راس | | برج دلو کنبھ راس | | برج حوت مین راس | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| حرف چرن | بے، جو، بھا، بھی | بھو، دھا، بھا، ڈھا | بھی، بھو، جا، جی | کھی، کھو، کھے، کھو | گا، گی، گو، گے | گو، سا، سی، سو | سے، سو، دا، دی | دو، تھا، جھا، نان | دے، دو، چا، چی |
| نام نچھتر | مول | پورباکھاد | اترا کھاد | سرون | دھنشٹا | ست بکھا | پوربابھادرپد | اترابھادرپد | ریوتی |

وباید دانست که هر راس را این کلمات شریک نیستند درین دائره فاما علیحده نوشته شد
یعنی الامیکه راس او پابرکه راس دهاکرک راس کاچھاکرک راس تاقی
سنگهه راس بابهاتهاکنیان راس بها دهادهن راس بهاتهی مین راس این
قدر الفاظ وکلمات زائد برای احتیاج نوشته داده شد پس ضرور باید که بغیر دریافت طالع
هیچکس را تعویذ نوشته ندهد و هیچ کار آغاز نکند مثلا برای کشتن عدو اگر عدو زحل طالع بود عمل سیفی و
سوره که معکوس اند در ساعت مریخ وشمس وعطارد باید کرد که این کواکب دشمن زحل اند و
اگر
وبرای دوستی طالب است ومطلوب زحل طالع باشد عمل بساعت زهره باید نمود که زهره دوست
زحل است اثر تمام خواهد بخشید و درمیان مردم که دوستی و دشمنی میشود بیشک از خواص
کواکب میشود وانیکه گاهے بد اختلاف چون دوستی بکسے میشود اغلب که در ساعت
تولد آن هر دو اتفاق کواکب شده است یا در اسم آن هر دو فرق است بباطن و
الا نه در مخالفت کواکب دوستی ناپائدار است و در اکثر اتفاق معامله دنیوی مثل نکاح
وتجارت وغیره نفاق آخر بظهور میرسد واگر گاهے مجمع سبع سیاره دریک برج
افتد وسیر باهم ایشان را موافق افتد دران سال آفت در جهان وملک پیدا میشود و
فتنه وطوفان ظاهر گردد وبادشاه ملک وامرا همه تباه شوند و وبا آید علی الخصوص
اگر مریخ وزحل دریک برج سیر کنند وهمقران شوند امرا وسلاطین بمیرند وخلل و
ناتفاق وقحط افتد وکشتکاران را زیان رسد وچهار پایان را خطره جان بود و درین
شش بروج قران زحل ومریخ بسیار بد است سنبله حوت اسد
قوس ثور عقرب باقی بروج را قران اینقدر نحس نبود الحاصل این همه امور
ودقائق برای طالبان نوشته دادم تا بر عملیات خرم واحتیاط از دست نه دهند واین نیز آنچه
که ذکر کرده ام که در بعض عملیات پرهیز جلالی کنند و در بعض عملیات پرهیز جمالی نمایند فی
الجمله شرح پرهیز جلالی وجمالی وباشرائط تمام وترک حیوانات وترک لذات مطلق و

ترک حیوانات جلالی و جمالی ہمہ ہا مینویسیم تا بکار عامل آید و در کسے مقدمہ عاجز نشود و فقیر را در جلسہ و خلوت بدعاے خیر یاد نماید و بروحم ثواب فاتحہ برساند و انصاف کند

## قاعدہ دانستن پرہیز جلالی و ترک حیوانات وغیرہ

بدانکہ اگر آیات جلالی و عملیات جلالی بخواند این قدر پرہیز کنند کہ گوشت و ماہی و بیضہ و عسل و مشک و آنکہ صدف و استعمال آب مشک و دلوی چرمی و جامہ پشمینہ و ابریشمی و ہر چیز یکہ از حیوان پیدا میشود نکنند و کارد دستہ دندان فیل و دستہ شیر ماہی و دستہ شاخ و کفش و موزہ نپوشند و موی سر نہ تراشند و ناخن نگیرد و جماع نکنند و بعض اساتذہ دال عدس و برگ تنبول را خوردن منع کردہ اند و بر بستر غیر نہ نشینند و از دیگرے مس نشوند و سرکہ و پیاز و ترب و انگوزہ و نمک علی و خرما و عنبر ہیچ نخورند و ہر وقت باوضو باشند و اگر قوت داشتہ باشند ہر روز روزہ اختیار کنند و ہیچ میوہ نخورند زیراکہ مگسہا بر میوہ نشینند و چرکین می کنند و روغن کنجد و روغن سرشف نخورند الا بشرط آنکہ بحضور خود روغن باحتیاط تمام از روغنگرے کہ مسلمان باشد باین نوع بکشانند کہ کنجد گرفتہ در آب ببیند اندہر کنجد کہ در آب غرق نہ شود و بر بالای آب شنا کند آنرا دور دور کنند زیراکہ آن کنجد را کرم خراب کردہ است پس باقی را روغن کشانیدہ اگر استعمال کنند مضائقہ نیست و ہر کس راکہ در زمان چلہ برای خدمت بگیرند آنکس مرد پرہیزگار و نمازی باشد و گاہے حرام نکردہ باشد و خود دایم الغسل باشند و جامہ بغیر دوختہ بپوشند و نگہدارند کہ خون گاہے از جسم نہ برآید و درختیکہ شیر از ان برمی آید برگ آن نشکنند و شاخ گل میوہ و میوہ از دست خود نشکنند و بعضے نوشتہ اند کہ موے سنت مثل بغل و لبہا و پاکی و ناخن بتراشند و باقی موی را نگیرند و بر اسپ و فیل سوار نہ شوند این قدر پرہیز جلالی بودہ کہ نوشتہ دادہ شد ۵

## شرح پرہیز جمالی

و پرہیز جمالی اینکہ گوشت ماہی و سرکہ و پیاز و توم نخورند و جماع نکنند و طہارت جامہ
ہر وقت بدارند و شیر و جغرات ہم نخورند و دیگر میوہ و روغن کنجد و سرشف اگر استعمال
عند الضرورت کنند مضایقہ ندارد و برنج و دال عدس و مونگ در استعمال خود دارند
و حجامت کنند و ناخن تراشند و جامہ دوختہ بپوشند و بر اسپ و فیل سوار شوند این
بود پرہیز جلالی و جمالی کہ گفتہ شد الحال طریقہ خواندن عملیات کہ اولا گفتہ ایم کہ تصریح
خواہم نمود یاد گیرند و آن اینست کہ اول عامل بدانند کہ کدام وقت و بکدام روز و
بکدام ماہ عمل بخوانند و برای حب چہ باید کرد و برای بغض و ہلاکی دشمن بکدام ستارہ
و وقت باید کرد چنانچہ این ہمہ صراحت نمودم الحال باید کہ عمل تسخیر کواکب کہ ہر روز ساعت
آن می شود کردن ضرورتر ست و این معنی را بشرح تمامتر مینویسیم واضح اینست کہ بدون
بجا آوردن ہمہ شرط عملیات عمل راست نمی آید اول این ہمہ اقوال را ادا کنند بعد از ان
قدم درین بادیہ نہند چنانچہ قاعدہ تسخیر کواکب و قاعدہ نشستن در چلہ برین تدبیر است کہ
اول آیات کلام اللہ کہ مسخر ہفت زمین و نہ آسمان ست با تسمیہ اسم کوکب و اسم موکل حاکم
کواکب را ہفت ایام با ترک حیوانات جلالی بخوانند و آیات معظم و مکرم کہ برای خواندن ست اینست

بسم اللہ الرحمن الرحیم

ان ربکم اللہ الذی خلق السموٰت والارض فی ستۃ ایام ثم استوی
علی العرش یغشی الیل النہار یطلبہ حثیثا والشمس والقمر والنجوم
مسخرات بامرہ الا لہ الخلق والامر تبارک اللہ رب العلمین پس باید کہ بروز
جمعہ بوقت شب یکصد و یکم تبہ اول درود بخوانند و بعدہ ہزار بار این آیہ مع کواکب زہرہ
و نام موکلان بخوانند و بعد تمام بست و یکم تبہ درود بخوانند آن عمل اسماء زہرہ کہ ہمراہ آیہ

امینست - اَلسَّلَامُ عَلَیْہِ یا زہرہ یا خطیح یا امحوماٹیل - بعد آن صبح بروز شنبہ روزہ بدارد وبعد نماز عشا بدستور درود بخواند و ہمراہ آیات مذکورہ با اسم زحل و کوکب را موکل کہ ہست بخواند از السلام علیہ یا زحل یا ارقائیل یا اطیح بازبروز یکشنبہ روزہ ہند و بوقت عشا درود مع آیہ شریفہ بخواند بعد ازان آیہ کریمہ مع نام کواکب و موکل ان بخواند - السلام علیک یا شمس یا کلیناائیل یا طعشب روز چہارم نیز روزہ بدارد و بعد نماز عشا اول درود بخواند بعد آن آیۂ شریفہ ہمراہ اسم کوکب و موکل بتعداد مذکور بخواند - السلام علیک یا قمر یا لقوائیل یا نفد - روز پنجم نیز روزہ داشتہ بوقت مذکور بطریق اول ہمراہ آیۂ کرم بخواند السلام علیک یا مریخ یا بیجائیل ھصرد - روز ششم کہ چہارشنبہ بود نیز روزہ داشتہ بوقت نماز بعد درود بخواند السلام علیک یا عطارد یا اشکائیل یا فکوہ - روز ہفتم کہ پنجشنبہ بود روزہ بگیرد و بعد نماز بعد درود ہمراہ آیۂ بزرگ نام مشتری و موکلش بخواند - السلام علیک یا مشتری یا بخرائیل یا علیم یا کریم - پس تمام شد تسخیر کواکب چیزی نیاز جناب پیغمبر صلعم و ہمہ موکلات با بخورات مع ہمہ کواکب بدہد لہٰذا بعد این ہر عمل و دعوت کہ آن نماید و نقش در ہر ساعت کہ پہ کند اثر ہا بخشد و بانصرام خواہد رسید و لحاظ در ہر کار بدین طور کند کہ گفتہ می شود -

## قاعدہ دانستن شروط ہمہ عمل

مثلاً شخصے ہلاکت دشمن میخواہد پس برائے خواندن عمل زبان بندی و تخریب عدو و بغض و نفاق و برائے مقابلۂ حریف و دفع آسیب و ہر چیزیکہ تعلق بہ بدی دارند این ہمہ را حاکم کواکب زحل و مریخ اند چہ زحل خاک گورست و نفاق آرد و مریخ را کار قتل و قمع و جنگ وجدال و خونریزی و خون برآوردن از شکم است و ہمہ آفت ارضی و سماوی را تعلق باین ہر دو کردہ اند پس برای این ہمہ مقاصد اول دیدۂ آفتاب بہ بیند کہ در کدام برج ست یعنی آفتاب در بروج منقلب باشد و آفتاب و ماہتاب در آن روز کہ از نظرات

طالع بروجی از خود و از عدوی در ہشتم و دوازدہم و ششم باشند و مریخ در ہفتم بر مقابلہ دشمن خود باشد و او را ہفتم خانہ نکبت و وبال ست و کوکب زحل یا مریخ را از طالع خویش شرف باشد یا این از طالع خویش در خانہ قوی باشند و از طالع عدو بخانہ ضعیف یا بنظر دشمنی باشند کہ خانہ ہشتم و ششم و دوازدہم است و یوم شنبہ یا سہ شنبہ باشد و ساعت زحل باشد و آفتاب را لگن ہجر بود و ہمہ اسباب بخورات زحل مہیا باشد و جانماز و پوشاک عامل سیاہ مطلق باشد و اندک اشیاء تلخ و تیز عامل در دہن بدارد مثل مرچ سیاہ و تماکو خشک و برگ نیب و در بخورات گوگل و عود و رال باشد و تاریخ از تاریخہای ماہ عربی از دائرۂ سابق الذکر مخالف بہ طالع عدو باشد و اغذیہ مطابق دایرۂ اغذیہ برای نیاز موکل زحل روبروے عامل نہادہ باشد و ماہہاے جلالی نیز مخالف عامل و عدو بوند و روے بجانب رجال الغیب کند آنرا پس پشت بگیرد و قمر در عقرب نباشد و از طالع عدوی خود قمر در عقرب بود بہتر ست یا قمر از طالع ششم و ہشتم و دوازدہم باشد پس این قدر شرائط بجا آوردہ اول تسخیر زحل و مریخ کند بعدہٗ استخارہ براے عمل آغاز نماید اگر راہ دہد دعوت و زکات شروع نماید ہر عمل کہ برای نفاق بدین ترتیب کند تیر بہدف یابد و اگر بدین صورت نکند عمل را چہ گناہ

## شرائطِ عملہائے محبت و تسخیر

اگر کسی براے اتصال مطلوب و براے تسخیر عمل خواندن یا نقش پر کردن خواہد اولا این ہمہ شرائط ہا بجا آرد یعنی آفتاب در برج ذوجسدین باشد و کواکب زہرہ و عطارد و قمر از نظرات طالع بروجے خود دہم از طالع معشوق در خانہ یازدہم و نہم و پنجم و سوم باشد و نیز مریخ و زحل بنظر دوستی از طرفین بجای نیک در بروج سوم و پنجم و نہم و یازدہم باشند و اگر کواکب زہرہ یا قمر را یا عطارد را شرف بود بہتر ست و آفتاب را لگن حجر باشد پس آن وقت ساعت زہرہ بگیرد و روز جمعہ یا چہارشنبہ و پنجشنبہ و دوشنبہ بود و تواریخہای ماہ عربی سعد

باشند و از حساب طالع محبوب مطابق بوند از دائرهٔ تواریخ و بحساب حدیث هم تاریخ سعد
اکبر بود و رجال الغیب رو برو و دست راست نباشند و ماه جلالی باشد و قمر در عقرب نباشد و
پوشاک و جانماز و همه اسباب عامل سبز باشد یا صندلی یا سفید مطلق و غذا کواکب برای نیاز
موکلات روبرو نهد چنانچه در دائرهٔ اغذیه برای عطارد و زهره و قمر نوشته ام مهیا بود و بخورات
این کواکب بسوزد بعد از ان عمل تسخیر این هر سه کواکب بخواند و استخاره کند و برای حب و غیره عمل
آغاز کند اثر دهد و دوستی پیدا آید و اگر این طریق را فرو گذارد باز عمل و نقش را گفتن که اثر
نمیدهد خطای عظیم و غلط فهمی خود است عمل را چه گناه است هر گاه در تدبیر فرق شده است

## شرائط عملیات علو درجات و فتوح و تسخیر کردن امرا و سلاطین را و برای دفع امراض

پس اگر کسے عملیات فتوح و نعمت و مال زیاده شدن و بادشاه را تسخیر کردن و زبان
امرا را بسته کردن خواهد و همچنین قسم عمل خواندن و زکات دادن و نقش نوشتن میخواهد
یا دفع امراض مهلکه را علاج از عمل جویدا و را اول باید که شرائط عملیات بجا آرد یعنی
اول آفتاب را بیند اگر در بروج ثابت باشد اولیٰ ست ماهتاب هم در بروج ثابت باشد و
از ماههای جلالی ماه نیز باشد و آفتاب و قمر و مشتری از طالع خود و طالع آن امیر که تسخیر او
میخواهد از نظر بروجے باهم در پنجم و نهم و یازدهم باشند و کواکب نحس مثل زحل و مریخ و راس
و ذنب از نظرات طالع عامل یا آنکس که تسخیر او میخواهد به نظر دوستی در بروج
نشسته باشند یعنی در پنجم و نهم و یازدهم بوند و آفتاب و مشتری را شرف باشد
بهتر است پس اول ساعت آفتاب یا مشتری گرفته در روز یکشنبه یا پنجشنبه که در
لگن چهارم بود و تاریخ سعد باشد از طالع خود بحساب نجوم و از طالع خود بحساب
حدیث و رجال الغیب بر دست راست و روبرو نباشد برای عمل خوانی نشیند

وپوشاک وجانماز عامل صندلی وزرد رنگ باشد ومیوه وجنس وغیره مطابق اغذیه آفتاب
ومشتری باشد برای نیاز هو کلات روبرو نهد وبخورات کواکب آنچه که مذکور شد بسوزد بعد
این شرائط بجاآوردن عمل تسخیر آفتاب ومشتری بخواند باآیات مذکورهٔ بالا ومن بعده
استخاره کند اگر بهتر آید هرچه عمل دولت وفتوح غیبی باشد آغاز نماید اثر عظیم بخشد وزود ظاهر
شود چون دعوت بانجام رسید پس این قدر تشریح در عملیات برای طالبان کرده شد اگر بر
نوشته من عمل کنند گاهی خطا نخورند وهیچ محنت ضائع نخواهد شد واگر مطابق این عمل نه
کنند خطا باید که خورند زیرا که عمل بر دانستن ووقوف عامل محتاج است چنانچه عمل حب
اگر بساعت مریخ وزحل نمایند بجای حب بغض بیارد واگر عمل بغض بساعت زهره وعمل تسخیر
بساعت زحل کنند بجای بغض حب پیدا کند وبجای تسخیر ذلت دهاند خدارا چنین نه نمایند
وبرای این همه طریقه را درین کتاب که ذکر کردم احتیاج شاگردی بکسی نیست زیرا که
شاگردی این کتاب کافی ست وچون راس وذنب را ذکر اینجا نیاوردم باعث این بود
که اکثر اساتذه کوکب نه گفته اند بلکه در اقطاب شمالی وجنوبی هر دو را خط تصور کرده اند
وآنچه که اکثر اکوکب گویند تابع مریخ وزحل گفته اند ذنب به زحل وراس به مریخ پس تمام
خواص هر دو موافق زحل ومریخ اند در مقدمهٔ نفاق وبغض وهلاکت بکار آیند بدستور
مریخ وزحل در هر حال از طالع خود واز طالع دلبر لحاظ این هر دو نمایند والله اعلم بالصواب

## باب ششم در عملیات تکسیر از حروف وکواکب آنچه که معتبر وصحیح از علوی وسفلی بهم رسیده است واین هر چند فصول است از حب وبغض وغیره

فصل اول در تسخیر بادشاهان وامیران وغیره چون کسی خواهد که قلوب

بادشاهان را تسخیر کند او را باید که لوحے از طلاے خالص بسازد و آن لوح مربع بود در قتیکه زهره و مشتری را تثلیث بود عدد این آیهٔ کریمه بر آرد - وَاِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ چنانچه اعداد آیهٔ موصوفه اینند نه صد و بست پس درین طرح دلوکیم سی هشت صد و نود ماندند آنرا چهار حصه کردم و نقش مربع پر کردم این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۲۲ | ۲۳۶ | ۲۳۳ | ۲۲۹ |
| ۲۳۴ | ۲۲۸ | ۲۲۳ | ۲۳۵ |
| ۲۲۷ | ۲۳۱ | ۲۳۸ | ۲۲۴ |
| ۲۳۷ | ۲۲۵ | ۲۲۶ | ۲۳۲ |

پس این نقش را در لوح مذکور کنده کند در همان ساعت که ذکر شد و آن اینست که هرگاه مشتری در یکبرج باشد و زهره از مشتری بر درجهٔ سوم آن برج بود یا از ان برج در برج سوم بود یا برج نهم و پنجم بود یا بر درجهٔ نهم و پنجم و سوم بود آنرا نظر تثلیث گویند و همبرین وجه هر ستاره را بدانند اگر از یکی دیگری در چهارم بود نظر تربیع ست اگر از یکی دیگری در ششم بود نظر تسدیس ست اگر از یکی دیگری به هفتم بود مقابله است و اگر از یکی دیگری در دوم ست مقارنه است اگر از یکی دیگری در هشتم است ساقط است، همچنین خانه هائے تثلیث این اند

| خانه هائے تثلیث | خانه هائے تربیع | خانهٔ مقابله |
|---|---|---|
| طالع ۱ از طالع ۵ ۹ | از طالع ۴ از مقابله ۱۰ | از طالع ۷ |

| خانه هاے تسدیس | خانه هاے ساقط | خانۂ مقارنه |
|---|---|---|
| ۶ - ۱۱ از مقابله | ۸ - از طالع ۱۲ از مقابله | ۲ از طالع |

پس بهمین حساب لوح مذکور کنده بر پشت آن لوح اسم خود مع نام مادر و نام بادشاه مع اسم مادر او این هر چهار اسماء را دُو دُو کرده باهر دو یکی اسماء آلهی دران ممزوج کنند بدین طور اینست - یا طیهال یا مکیال یا ودود یا اصباؤث یا اهیا یا بدوح پس همراه مع مادرین این را بر پشت لوح کنده کنانند و بر وقت کند بدن قدرے شیرینی در دهن بدارد و آن لوح تا وقتیکه بسانه دبا کسے سخن نگوید پس تیار شود نزد خود بدارد بادشاه مطیع فرمانش گردد مجرب است

نوع دیگر برائے تسخیر ملوک و در چشم بادشا بزرگ نمائیدن باید که لوی یک لوح از طلا بسازد و عدد آیۂ معظمه اَللّٰهُ لَطِیفٌ بِعِبَادِهٖ یَرْزُقُ مَنْ یَّشَآءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ بر آرد و عدد اسم خویش نیز بر آرد و نقش مربع بر آن لوح در ساعت آفتاب پر کند و این آیه را با حرف اسم خود ادغام نماید و بر لوح این حرف ها نیز کنده کنانند و یکی این اسم از همه بالا بکند یا کتبهوش و این اسم تحت لوح بکند یا علیقوا و با کسی سخن نکند چنانچه مثال این نام سائل حامد بیط آن ح ا م د ادغام با آیه ا ح ل ا ل م ه د ل ط ی ف پ ع ب اده ی ر ز ق م ن ی س ا ر ب ع ی ر ح س ا ب پس عدد اینها گرفتم دو هزار و سه صد و نود و چهار بر آمد ندسی خذف کردم دو هزار سه صد و شصت و چهار ماندند آنرا چهار چهار حصه کردم چهارم آن پانصد و نود و یک شد پس در ماه جیبه که آفتاب در برج ثور بود ماه ثابت یافتم که برای افزونی جاه مفید ست درین ماه بروز یکشنبه بساعت اول که ساعت آفتاب بود و نیز یوم آفتاب منسوب است آنجور آفتاب سوختم و بر غذاء منسوب آفتاب نیاز سوکلات دادم و رجال الغیب را بر پشت کردم و تاریخ از ماه

سعد یافتم در آن ماه پس خاموش نشستم و بر لوح اول اسمیکه بالا نوشته است کنده کردم و بعد ازان حرف تکسیر کنیدم و بعد کندن حرف مذکور عدد که برآوردم آنرا نقش نوشتم و بکنیدم و بعد نقش اسم دوم در تحت بکنیدم و آن نقش اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۵۹۱ | ۶۰۴ | ۶۰۱ | ۵۹۸ |
| ۶۰۲ | ۵۹۷ | ۵۹۲ | ۶۰۳ |
| ۵۹۶ | ۵۹۹ | ۶۰۶ | ۵۹۳ |
| ۶۰۵ | ۵۹۴ | ۵۹۵ | ۶۰۰ |

پس چون باین ترتیب که لوح را مثال ساختن گفته شد تیار کند آن لوح مدام نزد خود دارد عزیز گردد نوع دیگر برای تسخیر بادشاه باید که بساعت مشتری اول وضو کند بعده لوحے از طلا بسازد و اسم خود مع مادر و اسم بادشاه مع مادر گرفته عدد برآورده در اعداد آیه شریفه سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ الرَّحِيمِ ٥ همه اعداد ممزوج نقش مربع کرده پر کند و نزد خود لوح را بدارد عزیز و محترم گردد چنانچه نقش آیه مذکور اینست درین نقش اعداد بیفزاید

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۹۷ | ۲۱۰ | ۲۰۷ | ۲۰۴ |
| ۲۰۸ | ۲۰۳ | ۱۹۸ | ۲۰۹ |
| ۲۰۲ | ۲۰۵ | ۲۱۲ | ۱۹۹ |
| ۲۱۱ | ۲۰۰ | ۲۰۱ | ۲۰۶ |

نوع دیگر ایمن بودن از قہر سلاطین وایشان را برخود رحیم گردانیدن باید کہ بروز پنجشنبہ روزہ بدارد و چون دو ساعت از روز بگذرد یک لوح از کاغذ سپید بگیرد و بر آن از آب طلا نقش مربع بکشد عدد آیہ وَمِن شَرِّ قَضَاءِ السُّوءِ وَشَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ برآرد و در آن نقش بنویسد و با خود گرفتہ نزد سلطان رود اگر خون کردہ است سلطانش معاف خواہد کرد و او را عزیز خواہد داشت چون از آنجا بیاید آن لوح کاغذی را در قرآن مجید بجائیکہ سورہ تبارک الذی ست بدارد و نزد خود ندارد چنانچہ اعداد آیہ معظم را گرفتم و نقش پر کردم این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۴۷۹ | ۱۴۹۳ | ۱۴۸۹ | ۱۴۸۶ |
| ۱۴۹۰ | ۱۴۸۵ | ۱۴۸۰ | ۱۴۹۲ |
| ۱۴۸۴ | ۱۴۸۷ | ۱۴۹۵ | ۱۴۸۱ |
| ۱۴۹۴ | ۱۴۸۲ | ۱۴۸۳ | ۱۴۸۸ |

نوع دیگر اگر کسے را حکم گردن زدنی شدہ باشد پس اور الازم کہ قمر را ببیند اگر خالی از نحوست باشد لوح طلا بسازد و بران لوح این نقش مربع بکندانند و قدرے شیرینی تصدق کند و در دہن بدارد و لوح گرفتہ رو بروے شاہ برود خون معاف گردد و محترم شود و این لوح از پیشتر برای دفع چنین کارہا تیار کردہ نہد تا کہ شاید آنوقت کہ ضرورت بود قمر را نحوست بود پس چگونہ تیار خواہد شد و این لوح اگر در جنگ نزد خود دارد فتحیاب گردد

نقش لوح اینست اعداد ۳۴۷۹ کسر ۳

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸۶۹ | ۸۷۲ | ۸۷۲ | ۸۶۲ |
| ۸۷۵ | ۸۶۳ | ۸۶۸ | ۸۷۳ |
| ۸۶۴ | ۸۷۸ | ۸۷۰ | ۸۶۷ |
| ۸۷۱ | ۸۶۶ | ۸۶۵ | ۸۷۷ |

نوع دیگر برائے تخفیف غضب سلاطین باید که درین نقش نام خود را اعداد بر آورده شریک کند و بخور دهد و نقش را نزد خود بدارد بادشاه را غضب فرو نشیند که در و عدد اسم بیامیزد آن این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۲۰۶ | ۳۲۰۹ | ۳۲۱۲ | ۳۱۹۹ |
| ۳۲۱۱ | ۳۲۰۰ | ۳۲۰۵ | ۳۲۱۰ |
| ۳۲۰۱ | ۳۲۱۴ | ۳۲۰۷ | ۳۲۰۴ |
| ۳۲۰۸ | ۳۲۰۳ | ۳۲۰۲ | ۳۲۱۳ |

نوع دیگر ایمن بودن از شر سلطان باید که در روز یکشنبه بساعت اول آفتاب بشرط

آنکه قمر خالی از نحوست باشد عدد آیهٔ شریفه سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بر آوردن درین نقش ادغام کرده نقش مربع را در لوح نقره بکند و بخورات بسوزد و آن نقش را بدهد و بر بازوی چپ خود ببندد از غضب سلطان بهر نوع ایمن باشد هر چند که خاطی باشد نقش این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۱۹۸ | ۳۲۱۴ | ۳۲۱۱ | ۲۲۰۸ |
| ۳۲۱۲ | ۳۲۰۷ | ۳۱۹۹ | ۳۲۱۳ |
| ۳۲۰۶ | ۳۲۰۹ | ۳۲۱۶ | ۳۲۰۰ |
| ۳۲۱۵ | ۳۲۱ | ۳۲۰۵ | ۳۲۱۰ |

نوع دیگر برای مطیع و مسخر نمودن قلب سلاطین جابر و قاهر باید که بساعت سعد که قمر خالی از نحوست باشد و ماه ثابت بود لوحی از طلاء خالص بسازد و عدد آیهٔ موصوفه را بر آرد صِرَاطٌ عَلَيَّ حَقٌّ تمستکه و نقش مربع کشیده بر لوح بکند اند و نزد خود دارد و چون نزد بادشاه رفتن خواهد بخور بسوزد و همین آیه را هفتده بار بخواند و بر خود دمد نزد بادشاه رود و ترکیب دیگر این عمل آنکه عدد آیهٔ شریفه یا اِلٰهَ الْآلِهَةِ الرَّفِيعَ جَلَالُهُ نیز از تهجی بر آرد و عدد آیهٔ معظم مذکوره بالا را درین عدد ممزوج کند و هر دو را یک مربع کشیده پر کند و بر لوح طلا بساعت مذکوره کنده کند و نزد خود دارد بادشاه مسخر گردد چنانچه من عدد آیهٔ اول را بر آوردم یکهزار و چهل و سه در بر آمدند و عدد آیهٔ دوم را بر آوردم نهصد و هفتاد و سه بر آمدند پس هر دو را ادغام

کردم دو ہزار و شانزدہ برآمد پس ہر دو را نقش نوشتہ دادم یکی از اعداد آیہ اول و دیگرے از اعداد مدغم تا ہر کہ را عامل خواہد و مناسب داند بکار برد نقش عدد آیہ اول اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۵۹ | ۲۶۳ | ۲۶۷ | ۲۵۳ |
| ۲۶۶ | ۲۵۴ | ۲۵۹ | ۲۶۴ |
| ۲۵۵ | ۲۶۹ | ۲۶۱ | ۲۵۸ |
| ۲۶۲ | ۲۵۷ | ۲۵۶ | ۲۶۸ |

و نقش کہ با عدد ہر دو آیہ ہست اینست اگر ضرورت باشد این را بکار برد بعونہ تعالیٰ

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۴۰۳ | ۴۰۸ | ۴۱۱ | ۳۹۶ |
| ۴۱۰ | ۳۹۷ | ۴۰۲ | ۴۰۹ |
| ۳۹۸ | ۴۱۳ | ۴۰۶ | ۴۰۱ |
| ۴۰۷ | ۴۰۰ | ۳۹۹ | ۴۱۲ |

نوع دیگر برای تسخیر قلب سلاطین بسیار مجرب است هرگاه که آفتاب را شرف بود این نقش مخمس بر لوح طلائی بکنند اندو بر سر لوح اول کنده کنند بسم اللہ بسم اللہ بسم اللہ بسم اللہ الرحمٰن الرحیم و در بازوے راست بہ بندد و اگر اعداد آیۂ شریفہ لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین درین نقش اضافہ کند بسیار خوب است و اگر بترکیب اول کند ہم نفع دہد نقش این است

بسم اللہ بسم اللہ بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۷۵۸ | ۷۷۱ | ۷۸۰ | ۷۶۷ | ۷۷۵ |
| ۷۸۳ | ۷۶۵ | ۷۷۳ | ۷۶۱ | ۷۶۹ |
| ۷۷۶ | ۷۵۹ | ۷۷۲ | ۷۷۴ | ۷۶۳ |
| ۷۷۰ | ۷۷۹ | ۷۶۶ | ۷۸۱ | ۷۶۲ |
| ۷۶۴ | ۷۷۷ | ۷۶۰ | ۷۶۸ | ۷۸۳ |

نوع دیگر برای تسخیر بادشاہان باید کہ در آن زمانیکہ آفتاب را شرف بود ساعت سعد اول بگیرد و بر پوست آہو یا بر پوست اسد این حروف بنویسد و زیر نگین انگشتری بنہد و انگشتری را در دست کند بادشاہ مسخر شود آنچہ این بگوید بکند حروف اینست فافہم

اا ح د ر س ص ط ع ک ل م و ہ لا

نوع دیگر برائے تسخیر سلاطین و تسلط نمودن بران باید کہ دران زمان کہ شرف زہرہ
را باشد بخور زہرہ بسوزد و عدد آیۂ کریمہ یَفْعَلُ اللّٰہُ مَا یَشَاءُ وَیَحْکُمُ مَا یُرِیدُ برآرد و لوحے
از مس بسازد و بران از ہمین اعداد کہ برآوردہ است نقش مخمس پر کردہ کندہ
کند و بر پشت لوح این اسماء بکند اند یا خوطیائیل یا موکیائیل چون تیار شود نزد خود
بدارد و نزد امراو سلاطین عزیز و محترم شود چنانچہ من عدد آیہ برآوردہ نقش پر کردم اینست

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۱۸۵ | ۱۹۲ | ۱۹۸ | ۲۰۴ | ۱۷۹ |
| ۱۹۹ | ۲۰۰ | ۱۸۰ | ۱۸۶ | ۱۹۳ |
| ۱۸۱ | ۱۸۷ | ۱۹۴ | ۱۹۵ | ۲۰۱ |
| ۱۸۹ | ۱۹۶ | ۲۰۲ | ۱۰۲ | ۱۸۸ |
| ۲۰۳ | ۱۸۳ | ۱۸۴ | ۱۹۱ | ۱۹۷ |

نوع دیگر برای تسخیر قلب امرا و سلاطین باید کہ بساعت اول بروز یکشنبہ لوحے از طلا تیار
کند و بروان نقش مربع کہ انجانہ شانزدہم است کندہ کند و باید کہ با وضو باشد و چیزے
از اقسام جواہر کہ سوراخ دار بود در دہن گذارد و با کسی سخن نگوید و اگر یاقوت
سوراخ دار در دہن بدارد بہتر است و بر حاشیہ لوح آیۂ کریمہ وکفی باللہ شہیدا محمد ا
رسول اللہ کندہ کند و بعد تیاری لوح چیزے تصدق نماید و لوح نزد خود بر بازو بستہ دارد

تسخیر امرا و اہل دربار و قلوب سلاطین با او گردد نقش اینست از خانہ شانزدہم باید کہ پر کنند

۷۹۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۲۲ | ۳۴۵ | ۲۴۲ | ۲۳۹ |
| ۲۴۳ | ۲۳۸ | ۲۳۴ | ۲۴۴ |
| ۲۳۷ | ۲۴۰ | ۲۴۷ | ۲۳۴ |
| ۲۴۶ | ۲۳۵ | ۲۳۶ | ۲۴۱ |

نوع دیگر برای تسخیر از مولینا حسین تبریزی باید کہ برای تسخیر بساعت زہرہ لوحے از مس بسازند و نقش ذوالکتابہ بطریق مذکور بر و کنند و نیز بر آن نقش کہ نوشتہ ام بکنند و آیۂ معظمہ قُلِ اللّٰھُمَّ مَالِکَ الْمُلْکِ را گرد آن بکنند و بعد آن لوح را بر موم کافوری ثبت نمودہ بطریقیکہ نقش بزیر شود و بر ہر کس کہ تسلط کردن خواہد آن موم را در پارۂ چرم پیچیدہ در بغل گذاشتہ روبروے آن شخص رود و حرف زند انشاء اللّٰہ بہر وجہ غالب گردد اگرچہ حاملہ خون باشد و بر عدو فتحیاب و برای تکلیف عدو این را بر موم ثبت نمودہ از ان موم صورتے بسازد و آن صورت را معذب سازد و آنچہ در مہر نوشتہ بر حاشیہ آن لوح معکوس بنویسد و بر پوست حمار این نقش مثلث نوشتہ در شکم صورت نہد و بہر طور کہ خواہد معذب کند یعنی اگر او را زخم زند عدو ہم زخم بر کسی جا خورد و ہر عذاب کہ بر تصویر کند بر عدو خواہد شد آن نقش ذوالکتابہ مذکورہ بالا و آن مثلث کہ در شکم با آن صورت برائے نہادن گفتہ ایم این اند فافہم

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۵ ۱۲ | ۲۸ ۱۹ | ۸۰۲ | ۹۷ ۱۴ |
| اِنَّ الَّذِیۡنَ یُبَایِعُوۡنَکَ اِنَّمَا یُبَایِعُوۡنَ اللّٰہَ | ید اللّٰہ فوق ایدیہم فمن نکث فانما ینکث | علی نفسہ ومن اوفیٰ بما عٰہد علیہ اللّٰہ | فسیوتیہ اجراً عظیما |
| ۸۰۳ | ۱۷۹۶ | ۱۳۱۹ | ۱۹۲۷ |
| ۱۷۹۰۵ | ۸۰۰ | ۱۸۳۰ | ۱۳۲۰ |
| ۲۸۲۹ | ۱۳۲۱ | ۱۷۹۴ | ۸۰۰۱ |

**نوع دیگر** برائے تسلط بر دشمن و فتحیاب شدن بر دشمن این دو صورت را در دوشنبہ نوشتہ بدہند و بگویند کہ این را نگشایند تا قلعہ فتح نشود یا عدو کشتہ نگردد پس انشاء اللہ بروز چہارشنبہ فتح خواہد شد لوح آن دو صورت کہ نقش درو بنویسید اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| | | |
| | | |
| | | |





## فصل دوم در باب محبت برائے زنان و مردان وغیرہ

اگر خواہد کہ شخصے را در محبت خود دیوانہ سازد باید کہ در تثلیث زہرہ و مشتری لوحی مربع تیار از آہن بسازد و رو بقبلہ باوضو نشیند و اسم طالب و مطلوب را مع مادرین گرفتہ درین نقش اعداد اسماء مذکور بیامیزد و شیرینی در دہن داشتہ بجای خلوت نشیند و آہن را در کاغذ پیچیدہ در آتش اندازد و این عزیمت بتوجہ تمام بثبت و یکبار بخواند مطلوب حاصل شود این عمل مولینا سید حسین تبریزی است و بسیار مجرب است چنانچہ نقش کہ در عدد اسماء مذکور بیامیزد و بر لوحے مذکور کندہ کند و آن این است

عزیمت نوشتہ شد

٧٨٦

| | | | |
|---|---|---|---|
| ٢٣٧٢ | ٢٣٧٥ | ٢٣٧٨ | ٢٣٦٥ |
| ٢٣٧٧ | ٢٣٦٦ | ٢٣٧٨ | ٢٣٧٦ |
| ٢٣٦٧ | ٢٣٨٠ | ٢٣٧٣ | ٢٣٧٠ |
| ٢٣٧٤ | ٢٣٦٩ | ٢٣٦٨ | ٢٣٧٩ |

**عزیمت** ھجت الجن علی الشیاطین و ھجت الشیاطین علی الجن و ھجت الجن و الشیاطین علی الابلیس سید الشیاطین و ھجت الشیاطین علی انسان و ھجت الابلیس علی اولادہ و ھجت الجن و الشیاطین و اولادہ فلان بن فلان بمحبتہ الفتنہ و مودة و عشق فلان بنت فلان بحق سلیمان

بن داؤد علیہما السّلام ان تجلبوا و تحرقوا قلب فواد و جمیع جوارح البدن و الجسد فلان بن فلان بمحبۃ و الفۃ و مودۃ فلان بن فلان الی القلب الایام و منعت الطعام و قطعت النوم حتی اطیعونی و تحرقوا قلبہا و جسدہا و فوادہا السّاعۃ بحق وَالطُّوْرِ وَكِتَابٍ مَّسْطُوْرٍ فِيْ رَقٍّ مَّنْشُوْرٍ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُوْرِ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوْعِ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُوْرِ الساعۃ یا ابلیس یا سید الشیاطین اطیعونی فی ہذہ الساعۃ الساعۃ الساعۃ و افعل وجیہا فلان بنت فلان:

این عمل مولینا سید حسین تبریزی ست و از مجربات ست عزیز باید داشت نوع دیگر برائے افزونی محبت از مولینا حسین اخلاطی باید کہ بساعت آفتاب صورتے از موم بسازد مشابہ بصورت مطلوب بعدۂ عدد حرف صوامت و عدد اسم مطلوب مع مادرش بگیرد و درین مثلث بیفزوده نقش مثلث از ہمہ اعداد پرکند و لوح مربع بنویسد و آن لوح را در تصویر موم اندرون دہن گذارد و آن تصویر را در خانہ تاریک یا در قبر بجائے دہن کلۂ مردہ بدارد مطلوب حاصل شود و برائے زیادتی محبت جماعت اسم ہمہ مردمان و زنان جمع نمودہ عدد آن و عدد حروف صوامت گرفتہ در مثلث مذکور افزودہ سہ مثلث کند پس یک مثلث را ریزہ ریزہ کردہ با خاک مردہ آمیختہ آنخاک را در میان آنجماعت اندازد و مثلث ثانی را در کلۂ مردہ بگذارد و مثلث ثالث را در میان سرکہ حل نمودہ بوئے خوش آمیختہ مثل گلاب و عرق بہار وغیرہ بر عدد مطلوب و اہل آن بہر نوع کہ باشد بپاشند بہر کیف مطلوب حاصل گردد و این عمل برائے این است کہ نسبت کسے بکسے جا قرار یافتہ و باز بہ ہمراہ شخص دیگر قرار دادہ شود پس چون این عمل کند ہمراہ داماد سابق شود و ہمین کہ برائے گرفتن عدد حروف صوامت گفتہ ام حرف این اند ا ح د ر س ص ط ع ل م و ہ ک و مثلث کہ درو عدد این حرف و عدد اسماء مطلوب وغیرہ کہ برائے افزودن گفتہ ایم این است در ہر دو طریقہ درین مثلث بیفزایند

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۶۷۲ | ۶۶۷ | ۶۷۴ | نوع دیگر همین عمل برای عقد اللسان بسیار مجرب ست چون قمر در تنزل آید یا در عقرب بود یا اینکه |
| ۶۷۳ | ۶۷۱ | ۶۶۹ | |
| ۶۶۸ | ۶۷۵ | ۶۷۰ | |

تحت الشعاع بود آنوقت حرف صوامت را که اول ذکر شد گرفته باسم آنکس که زبان بستن او منظور ست تکسیر کند چون زمام بر آید آن حروف را مربع سازد و در لوح مربع نقش کند و آن لوح را در خانهٔ تاریک بزیر سنگ گران نهد و بوقت کندن لوح موم در دهن بگیرد و بکسی سخن نکند انشاء الله زبانش بسته گردد و باید که در حاشیه آن لوح مذکور این هم بنویسد بستم عقل و هوش و بطن و احساس ظاهری و باطنی فلان بن فلان فی عرض وحق فلان بن فلان و این ترکیب هم از مولینا حسین اخلاطی ست ترکیب دوم اینکه حرف صوامت حرف اسم آن شخص و مادرش و اعداد حرف صوامت و اعداد اسم آنکس و مادر او گرفته و این مثلث که بالا نوشته شد در آن اعداد اضافه کرده بر کاغذ کبود در مثلث نوشته زیر سنگ گران دید جاے تاریک دفن کند و وقت نوشتن پشت به قبله بود و اندک موم در دهن بدارد و قمر در عقرب یا در تحت الشعاع این بکند و آنچه که گفتم که بنام آنکس حرف صوامت را تکسیر کنند طریق آن اینست که در مثال گفته میشود باین طور فهم۔

نام آن کس که زبانش بسته کنند　　　　حرف صوامت

ا ح م د ع ل ی　احمد علی　ک ا ح د ر س ص ط ع ل م د ه

(امتزاج، اک ح ام ح دو ع ر ل س ی ص ط ہ ع و ل م

## طریق تکسیر وصدر مؤخر

ام ک ل ح وا ع م ہ ح ط د ص د ی ع س ر ل ا ل ام ر

ک س ل ع ح ی و د ا ص ع د م ط ہ ح ا ح ام ہ ر

ط ک د س ع ل ص ع ا ح د ی و ا و ح ی ل و د

ح م ا ط ع ر ص م ل ک ع د س ا س و د -

ح ع ی ک ل ل د م ہ ص ح ر م ع اط اط

س او ع د م ح ر ع ح ی ص ک ہ ل م

ل د او ط ل س م ال د ہ ع ک و ص م

ی ح ح ر ع ا ع د ر ط ح ل ح س ی م م

ص ل د و ک ہ ع ا ع ع ہ د ک ر و ط د

ح ل ل ص ح ا س م ی م ام ع م ی ع

م ہ س د ک ح ر ص د ل ط ل د ح

پس اول نام عدو حرف صوت بر آمدند برین طور

ا ح م د ع ل ی ط ع ل م د ہ ص س ر و ح اک

عدد موخر تمام گشت و ز مام در تتمہ بر آمد یعنی سطر اعلی کہ امتزاج شدہ بود در آخر

پیدا شد بدین ترتیب فافہم

اک ح ام ح دو ع ر ل س ی ص ط ہ ع د ل م

پس این تتمہ تکسیر را معرب کند یعنی رباعی یا ثلاثی کلمات سازد و بر و اعراب دہد باینطریق فافہم

| | | |
|---|---|---|
| اُمکلُ حَطُ ممطٌ وصدیٌ عسٓرُ لٌ | | المر کشلعٌ جیودٌ صعدٌ .... |
| مُطیحٌ اَجلہٌ مَطَرُمٌ کدٌسعٌ بِعَاحیدِ نوٌ | | اُوُحیٌ لدٌ ہجٌ ماطعٌ رممل گعدہٌ |
| اُسُوُدٌ جعیکٌ یلذمٌ ہَصَحَرٌ معَاطِ | | اَطسا وعدامٌ حرعجٌ یصلہٌ لملید |
| اوُ طُل مَمالٌ دہمکٌ ومیٌ مُحُسِمعٌ | | اَعدرٌ طلحٌ حسیمٌ ماصلٌ ودکیجٌ |
| اععہ دِکرہٌ طِدٌ حسلٌ بِصحیاسمیمٌ | | اَحمدُ علیٌ طعلمٌ دہسٌ سرُ وحاکٌ |
| الکحا محمد دعٌ لسٌ بصیط عدلمٌ | | |

پس ہمہ تکسیر از حرف رباعی مدغم شدہ کلمات گردید و معرب ساختہ شد این کلمات را در لوح سدرب داخل کردم فاما بہمین طریق طالب ہم تکسیر کردہ زمام برآرد و معرب کند و آنچہ ترکیب دوم است اینست کہ بہمین تدبیر اعداد اسما را تکسیر کند و ہمہ اعداد را مجموعہ ساختہ نقش پر کردہ بکار برد و ہمین مثال برای آنکہ ہر جا کہ ذکر تکسیر باشد بداند مکرر نوشتن احتیاجی نخواہد شد کافیست نوع دیگر برای محبت و ازدیاد کردن عشق و مودت باید کہ بساعت سعد زہرہ لوحے از مس بسازد و بر حاشیۂ آن لوح این آیۂ کریمہ کندہ کند لَقَدْ جَاءَکُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِکُمْ عَزِیْزٌ عَلَیْہِ مَا عَنِتُّمْ حَرِیْصٌ عَلَیْکُمْ بِالْمُؤْمِنِیْنَ رَؤُفٌ رَّحِیْمٌ بعدہٗ اسم طالب و مطلوب بطریق جفر جامع نوشتہ تکسیر کند و فلیتہ ساختہ بر ان لوح مس چراغ روشن کند و سہ تعویذ از این الفاظ را اعداد برآوردہ در مربع پر کند آن الفاظ این اند۔

مستطیع النور شمعونی یاربَّاہٗ یا سیّداہٗ یا مولاہٗ احیا اوث اہیا ہو الحی القیوم یا باقی العظمۃ للہ السلطان للہ یا الٰہ الالٰہۃ الرفیع جلالہ۔

پس آن تعویذہا را در آب جوہ پیچیدہ اگر برای محبت زن است بچہار مادہ بخوراند و اگر برای محبت مرد است بچہار نر بخوراند فلیتہ را کہ اول مذکور شد در عسل و روغن سمن روشن کند انشاء اللہ مطلوب بیقرار گردد و ہمین تکسیر را چون برای اداے قرض کند باید کہ نام محاسب و آن جماعت کہ حساب میگیرند بگیرد و بطریق اول تکسیر کند

و عدد آن همه تکسیر بگیرد و درین نقش مربع بیفزاید و نقش بر لوح قرطاس بنویسید و در حاشیه آن لوح آیه کریمه لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمومنین رؤف رحیم بنویسید و زیر آن اسم خود مع نام مادر نوشته در دفتر حساب دفن کند این عمل از مولینا حسین اخلاطی ست و همین برای افزودن اعداد در نقش مربع گفته ایم اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۶۵۴ | ۶۵۸ | ۶۶۵ | ۶۴۷ |
| ۶۶۴ | ۶۴۸ | ۶۵۳ | ۶۵۹ |
| ۶۴۹ | ۶۶۷ | ۶۵۶ | ۶۵۲ |
| ۶۵۷ | ۶۵۱ | ۶۵۰ | ۶۶۶ |

نوع دیگر برای افزونی محبت مطلوب باید که در تثلیث زهره و مشتری لوحی مربع بسازد که از مس باشد و بر آن لوح این نقش کنده کند و آیه کریمه یحبونهم کحب اللہ و الذین امنوا اشد حبا للہ را وقتیکه قمر خالی از نحوست باشد اعداد بر آورد و اعداد اسم خود بر اسم دلبر و اسماء مادرین در اعداد آیه شریفه امتزاج داده تکسیر نماید بعد صدر مؤخر در چهار طرف نقش مربع نوشته باشهد و روغن بدستور فلیته کرده بسوزد مطلوب حاضر شود این عمل از عطیه مولینا صاحب عبد اللطیف گیلانی ست

و آن نقش که در لوح

کنده کردن گفته ایم اینست

لوح را بازو راست به بندد

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۳۶۵ | ۲۳۷۸ | ۲۳۷۵ | ۲۳۷۲ |
| ۲۳۷۶ | ۲۳۷۱ | ۲۳۶۶ | ۲۳۷۷ |
| ۲۳۷۰ | ۲۳۷۳ | ۲۳۸۰ | ۲۳۶۷ |
| ۲۳۷۹ | ۲۳۶۸ | ۲۳۶۹ | ۲۳۷۴ |

نوعدیگر برائے محبت مطلوب وبیقرار نمودن آنرا باید که در لوح طلا بروز یکشنبه این
نقش را بکند دو عدد نام مطلوب و طالب با مادرین در آنساعت تکسیر کند بعد صدر
مؤخر حروف صدر مؤخر را باز تکسیر کند وباین دو اسم حروفش را با حروف مقدم ومؤخر
باز تکسیر کند تا سنه تکسیر تمام شود آنگاه مرکب ساخته این را فلیته نوشته در ساعت سعد
درچراغدان مسی فلیته روشن کند وبرابر آن نشسته این عزیمت بشت ویکبار بخواند
عزیمت عزمت علیکم واقسمت بکم یایها الارواح الموکل بهذه الحروف
وبحق میططرون وبحق یا آلهتہ الا الهتہ الرفیع جلاله وبحق سلیمان بن داؤد
علیهما السلام احرق القلب والجسد والفواد وجمیع جوارح البدن فلان
بن فلان لمحبت ومودة والفة فلان بن فلان الساعة الساعة العجل
العجل طیعونی واحضرونی بحق یٰایَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِیْ وبحق
کهیعص وبحق حمعسق وبحق نٓ وَالْقَلَمِ وَمَا یَسْطُرُوْنَ وبحق اهیا
اشراهیا اذونی اصباؤت یا ملٰئکة لهذا لحروف والکلمات المرکب من هذه الحروف

والتکسیر احرق القلب والفواد وجمیع جوارح البدن فلان بن فلان بمحبة والفة
ومودة فلان بن فلان الحق وبحق لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه
ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف الرحیم ۝ این عمل از حکیم ارسطو است
ومجربست وبر لوح که نقش بکنند این است

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۰۳۴ | ۱۰۴۸ | ۱۰۴۴ | ۱۰۴۱ |
| ۱۰۴۵ | ۱۰۴ | ۱۰۴۵ | ۱۰۴۷ |
| ۱۰۳۹ | ۱۰۴۲ | ۱۰۵۰ | ۱۰۴۶ |
| ۱۰۲۹ | ۱۰۴۷ | ۱۰۳۸ | ۱۰۴۳ |

نوع دیگر گردانیدن دل کسے از طرف کسے مسخر کردن دو صورت از هفت جوش یا از قلعی تیار
سازند برین منوال که صورت کلب یک باشد و دیگرے شکل زن باشد بدین صورت



و روزیکه طریقه باشد یا قمر در عقرب و آفتاب در برج ذوجسدین باشد این نقش در شکم صورت زن نقش کنند و گرداگرد آن حروف لوح مشتری بنویسید لوح مشتری اینست در پهلوے راست زن بنویسید سـ صـسمه ✻ و در پهلوے چپ زن بنویسید ل لا ـر م ٩ و بر بالاے سر بنویسید هـو سم + ✓ کہ

و بر کف پاے زن بنویسید یا طیا ل. و بر کف پاے چپ بنویسید یا اسطیطال و حروف لوح مریخ در شکم کلب بنویسید لوح مریخ اینست یا کفتمال یا منطیال یا جعهال ل لا صـ غیطیطال اخطرسال بر سر کلب این حروف بنویسید یا کفتمال و در پهلوے راست کلب بنویسید یا منطیال و بر پهلوے چپ کلب بنویسید یا جعهتیال و در میان کلند که در دست کلب است این بنویسید ل لا صه و بر یکطرف عنبطال و بر طرف دوم کلند این بنویسید اخطرسال و در حاشیه لوح همین الواح را هم مرکب کنند و نام مدعی و بادشاه یا معشوق را بحرف صوامت بگیرند و تکسیر کنند و بآن تکسیر را عدد برآرند و درین نقش مثلث آن اعداد اضافه کنند

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۳۴۸ | ۳۴۳ | ۳۵۰ |
| ۳۴۹ | ۳۳۷ | ۳۴۵ |
| ۳۴۴ | ۳۵۱ | ۳۳۶ |

اینست بعد اضافه کردن اعداد یک نقش از همه اعداد پر کرده در لوح شرف نقش نمایند و آن لوح را در خانهٔ معشوق یا بادشاه یا حاکم بر هر کسے که عمل کرده اند دفن نمایند و اگر نتوانند در جوار آن دفن نمایند و بعد از ان صورت کلب و زن بهر طریقیکه همان کس نشسته باشند بر تخت یا بر بلندی همون طور این اشکال را هم بنشانند و در جاے محفوظ نگهدارند انشاء الله از شخصے که مطلوب مائل ست بیزار گردد و بعامل مسخر و مطلوب گردد و نقش که بشکم نویسند اینست

| ۷۸۶ | | | |
|---|---|---|---|
| ۶۵۵ | ۶۵۸ | ۶۶۳ | ۶۴۸ |
| ۶۴۲ | ۶۴۹ | ۶۵۴ | ۶۵۹ |
| ۶۵۰ | ۶۶۵ | ۶۵۶ | ۶۵۳ |
| ۶۵۷ | ۶۵۲ | ۶۵۱ | ۶۶۴ |

نوع دیگر براے گردانیدن دل از کسے و مسخر نمودن باخود پس اگر مرد باشد مطلوب در ساعت شرف مشتری لوحے از مس و نقرہ و سرب ممزوج ساختہ تیار کند و این عدد را نقش مربع بر و بکند و گردا و این علامت خط مشتری بنویسد بدین طریق

حدائیل کنکائیل

نوذائیل عمدائیل

ھمدائیل پس این لوح را بخور دہد آنچہ کہ مشتری ہست و در بازو راستے به بندد انشاء اللہ تعالیٰ مطلوب از محب خود دشمن شدہ با این کس کہ عمل کردہ

است دوست و مطیع گردد و نقش مربع که بگرد او علامت مشتری نویسد اینست فافهم

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۵۴۷ | ۵۶۳ | ۵۵۷ | ۵۵۴ |
| ۵۵۲ | ۵۵۳ | ۵۵۸ | ۵۶۲ |
| ۵۵۳ | ۵۵۵ | ۵۶۵ | ۵۴۹ |
| ۵۶۴ | ۵۵۰ | ۵۵۱ | ۵۵۶ |

نوع دیگر برای تسخیر مطلوب که زن باشد باید که بساعت سعد دو صورت بسازد یکی شکل مرد و دیگری شکل از زن مثل ایصورت که ما ساختیم کہ ہر دو بغل گیر باشند اینند

صورت مرد صورت زن



پس بروز پنجشنبہ در تثلیث زہرہ و مشتری بساعت نیک این نقش در شکم مرد بنویسد

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۶۳ | ۷۶۶ | ۷۶۹ | ۷۵۶ |
| ۷۶۸ | ۷۵۷ | ۷۶۲ | ۷۶۷ |
| ۷۵۸ | ۷۷۱ | ۷۶۴ | ۷۹۱ |
| ۷۶۵ | ۷۶۰ | ۷۵۹ | ۷۷۰ |

و این نقش را در شکم زن بنگارد و آن ہر دو را باہم بچسپانند چنانچہ ہر عضو مرد بر عضو زن باشد و ہر دو را در جائیکہ آتش باشد بدارند تا سوزان باشند انشاء اللہ مطلوب بیقرار و بیتاب شود و نقش کہ بہ شکم زن بنویسد اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۴۵۶ | ۳۴۵۹ | ۳۴۶۵ | ۳۴۶۹ |
| ۳۴۶۴ | ۳۴۵۰ | ۳۴۵۵ | ۳۴۶۰ |
| ۳۴۵۲ | ۳۴۶۷ | ۳۴۵۷ | ۳۴۵۴ |
| ۳۴۵۸ | ۳۴۵۳ | ۳۴۵۲ | ۳۴۶۶ |

نوعِ دیگر برائے محبت و مطیع کردن مطلوب باید که تثلیث زهره و مشتری را اول ببیند چون تثلیث باشد این نقش را بر پوست آهو بروز پنجشنبه بساعت اول مشتری بنویسد و آن پوست را در جامه پاک پیچیده در سر بدارد و پیش مطلوب برود و هفت نوبت پیش او بخواند اینست جب یا طمیطیلائیل عمل و آن نقش که بر پوست آهو بنویسد اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۵۳۸ | ۷۵۴۱ | ۷۵۴۴ | ۷۵۳۱ |
| ۷۵۴۳ | ۷۵۳۲ | ۷۵۳۷ | ۷۵۴۲ |
| ۷۵۳۳ | ۷۵۴۶ | ۷۵۳۹ | ۷۵۳۶ |
| ۷۵۴۰ | ۷۵۳۵ | ۷۵۳۴ | ۷۵۴۵ |

نوعِ دیگر برائے محبت و بیقرار نمودن مطلوب باید که در شرف آفتاب لوح از طلا سازد و در آن لوح این نقش مربع کنده کند و نام آنکس و اسم خود نوشته در آتش اندازد وقتیکه مطلوب حاضر شود لوح به بازوئے چپ به بندد و باید که درین عملیات هرگز قصد به حرام نه کند

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۷۴ | ۲۷۷ | ۲۸۰ | ۲۶۷ |
| ۲۷۹ | ۲۶۸ | ۲۷۳ | ۲۷۸ |
| ۲۶۹ | ۲۸۲ | ۲۷۵ | ۲۷۲ |
| ۲۷۶ | ۲۷۱ | ۲۷۰ | ۲۸۱ |

نوع دیگر عمل قمر بجہت محبت و تسخیر و این عمل قمر نایاب روزگار است و مثل کبریت احمر و تریاق اکبر است باید کہ چون قمر در آنخانہ باشد کہ آنجا او را نحوست نبود و اگر در شرف باشد بسیار خوبست پس بزمانۂ شرف لوحے از ہفت جوش بسازد و بر آن لوح این نقش را عدد اسم مطلوب بر آوردہ اضافہ کردہ کندہ کند و نقش را درمیان سورۂ والفجر بر قرآن مجید بدارد مطلوب بسیار از دل و جان مطیع و فرمان بردار شود نقش اینست

۷۸۶

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۰۸۴ | ۱۰۴۸ | ۱۰۴۷ | ۱۰۴۳ | ۱۰۸۲ | ۱۰۸۳ | ۱۰۱۰ |
| ۱۰۷۹ | ۱۰۷۱ | ۱۰۵۶ | ۱۰۵۳ | ۱۰۷۰ | ۱۰۵۵ | ۱۰۴۵ |
| ۱۰۸۰ | ۱۰۶۸ | ۱۰۶۴ | ۱۰۵۹ | ۱۰۶۰ | ۱۰۵۴ | ۱۰۴۲ |
| ۱۰۳۷ | ۱۰۴۹ | ۱۰۵۷ | ۱۰۶۱ | ۱۰۶۵ | ۱۰۷۳ | ۱۰۸۷ |
| ۱۰۳۸ | ۱۰۵۰ | ۱۰۶۲ | ۱۰۶۳ | ۱۰۵۸ | ۱۰۷۲ | ۱۰۸۶ |
| ۱۰۳۹ | ۱۰۶۷ | ۱۰۶۶ | ۱۰۶۹ | ۱۰۵۲ | ۱۰۵۱ | ۱۰۸۵ |
| ۱۰۷۸ | ۱۰۷۴ | ۱۰۷۶ | ۱۰۸۲ | ۱۰۴۴ | ۱۰۴۱ | ۱۰۴۰ |

نوع دیگر ہمین عمل یعنی از قمر اگر این نقش را ہفت عدد گذاشتہ بر کاغذ ابری بنو و ہر روز

بساعت قمر یکصد اضافه کرده باشد هفت روز نخواهند شد که مطلوب بیاید اما باید که
بر حاشیه نقش این اسمائے یونانی قمر بنویسد رولعل و نهش ببقرستة عسا بمتویرة سطح
اول مهاعفظ فرحو دیح مدیح سجوا حافظ) و نقش اول نوشته است دیگر اگر همین -
نقش بر لوح هفت جوش بکند اثر عظیم بخشد و چون قمر زائد النور بود این عمل را نوشته -
به قاصد بدهد بدعاے حسب دلخواه مراجعت کند و باید که بروز دوشنبه یا آنکه بروز پنجشنبه
این عمل بکند اول غسل نماید و پشت بجانب قمر کند و نقش مذکور را پر کند چون خانهٔ اول
را نویسد بگوید (و القمر حسبانا ذلک تقدیر العزیز العلیم) و چون خانه دوم را نویسد بخواند
والقمر قدرناه منازل حتے عاد کالعرجون القدیم ۰ و دیگر خانه که پر کند بگوید لاحول
ولا قوة الا باللہ العلی العظیم - پس برائے هر تسخیر که کند این عمل نفع دهد و بدانکه
تسخیر بودن قمر محال بلکه معدوم است و هر که عمل از قمر است تیر بهدف است اگر تسخیر قمر
شود عامل را احتیاج سلطنت هم نباشد و این تسخیر به رسول خدا صلعم بود -
نوع دیگر برائے سرگردانی اگر بکسے محبت باشد و آن کس اراده سفر کند و طالب را
سفر کردن او ناگوار باشد پس باید که در تحت الشعاع این مثلث قمر را بر پوست شغال
بنویسد و آنرا در دهن موش صحرائی نهاده دهانش دوزیده در آب روان اندازد
که آن کس که رفته است سرگردان شود و تا باز نه آید بمنزل مقصود نخواهند رسید

و آن مثلث قمر است فافهم

| ۷۸۶ | ۷۸۶ | ۷۸۶ |
|---|---|---|
| ۳۴۹ | ۳۴۲ | ۳۴۷ |
| ۳۴۴ | ۳۴۶ | ۳۴۸ |
| ۳۴۵ | ۳۵۰ | ۳۴۳ |

نوع دیگر همین عمل برای
راه بستن مقرر کرده اند
اگر خواهد که مطلوب ازین
شهر بیرون نرود پس گیرد
نام او و نام مادر او و درین

نقش بیفزاید و در تحت الشعاع یک مثلث از اعداد ہمہ بر کند و در حاشیۂ آن نقش نام آن کس مع نام مادر او بنویسید و بر دروازۂ شہر دفن کند ہرگز بیرون رفتن نتواند و اگر در طریقہ و قمر در عقرب بکند خطاے ندارد و آن نقش کہ درو نام مادر و مطلوب بیفزاید این است و مجرب است

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲۷۹ | ۲۷۴ | ۲۸۱ |
| ۲۸۰ | ۲۷۸ | ۲۷۶ |
| ۲۷۵ | ۲۸۲ | ۲۷۷ |

و این عمل برای تسخیر کردن انجمام عبت است کہ منسوب بقمر اند بسیار خوب ست و آن اقوام مثل کاذان و زرسولان و آب باران وغیرہ اند عامل خود حقیقت آن دریافتہ کار خواہد کرد واللہ اعلم بالصواب

نوع دیگر عمل زہرہ براے افزونی محبت مطلوب باید کہ بشرف زہرہ لوحے سازد و در آن لوح این نقش مخمس کندہ کند و آن لوح را نزد خود بدارد مطلوب مطیع و مسخر گردد و ہمین این نقش را کہ آیندہ نوشتہ است در شرف آفتاب بر مس کندہ کند و قدرے گرمی در ش آن لوح را برساند مطلوب بیقرار و بے آرام گردد و باید کہ درین باتکسیرات بہ ہر ستارہ کہ عمل باشد بخور او بسوزد و شرایط عملیات آنچہ کہ اول گفتہ ایم ہمہ بجا آ ہر طریقیکہ عامل بکار برد تیر بہدف یابد و مارا دعاے خیر دہد و من براے برادران ایمانی ہر طریق بسیار آسان کردہ ام این ہمہ نقوش کہ بر لوح کندہ کردن گفتم ہمہ از از اعداد آیات و اسماء موکلات اند من اول این را تکسیر کردہ ام و اعداد برآوردہ ام و نقش نوشتہ ام کہ عامل را تکلیف تکسیر و صدر موخر کردن نہ افتد و در آن تکسیر ناچار گشتہ ک قید اسماء وغیرہ دار داو را بر وقت باید کرد پس آنرا مع مثال واضح نوشتہ دادم کہ ہر ایک ا

آسانی بود اما نقش مخمس که برائے ہر دو طریق گفته ام اینست عزیز باید داشت مجرب است

٧٨۶

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ٣٦٢ | ٣٧٥ | ٣٥٨ | ٣٦٦ | ٣٨١ |
| ٣٦٨ | ٣٦٨ | ٣٦۴ | ٣٧٢ | ٣٦٠ |
| ٣٧۴ | ٣٥٧ | ٣٧٠ | ٣٨٠ | ٣٦١ |
| ٣٨٢ | ٣٦٣ | ٣٧١ | ٣٥٩ | ٣٦٧ |
| ٣٥۶ | ٣٦٩ | ٣٧٩ | ٣٦٥ | ٣٧٣ |

## فصل سوم برائے علو درجات و افزونی جاہ و مراتب و رسیدن دولت

اگر برائے افزونی جاہ و دولت عمل کند باید که در شرف آفتاب لوحے از طلا بسازد و اعداد سورۂ والشمس بصحت تمام برآرد و نقش مخمس کنده کند بر آن لوح و بر بازوی راست ببندد و چون صبح صادق روز دوم بر آید قبل از نماز رو بجانب آفتاب کرده تمام سورۂ والشمس را بر آمدن آفتاب بخواند و چون آفتاب بدا آید نظر بهان نقش طلا کند از برکت این عمل انشاء الله بدرجۂ شاهی برسد و اگر شاه باشد جهانداری و کشورستانی کند و خدا تعالیٰ عمر او را دراز گرداند و همیشه مردمان او را مطیع بوند و او را عزیز دارند نهایت مجرب است

**نوع دیگر** برای افزونی جاه و مراتب و تسخیر نمودن دل امیر و فقیر باید که در شرف آفتاب بروز یکشنبه لوحے از طلا بسازد و این نقش مربع را برو کنده کند و این چهار اسم گرد او بکند ابرصا صبرصا سارسا سورسا و در گلاب آن لوح را انداخته گلاب را در شیشه نهاده هفت روز زیر آسمان نهد بعد ازان بردارد و هرگاه کسے مقدمه که پیش آید گلاب را بر رو مالیده برائے جوابدہی رود انشاء الله فتحیاب گردد و باید که در پارچه حریر احمر لوح را نهاده بر بازوے راست به بندد و پنجاه بار همین اسماء مسبوق الذکر را بخواند را بخواند و رو بجانب آفتاب کرده استاده شود و گوید اے نیز اعظم مقصود من اینست بآن مقصد مرا برسان و بخور بسازد و سورهٔ والشمس بخواند و بخود دم کند چون چنین کند زود تر بدرجهٔ اعلیٰ برسد اما در هر مجلس که نشیند آفتاب بجانب راست او باشد گاہے پشت کرده نه نشیند سوائے خواندن نماز و قبل از بر آمدن آفتاب بیدار باشد و روبروے آفتاب استاده شده سورهٔ والشمس هر روز بخواند انشاء الله تعالی جاه و مراتب بچند روز پیدا آید نقش که بر لوح کنده کند اینست فافهم.

۷۸۶ ۷

| | | | |
|---|---|---|---|
| ابرصا ۸۱ | ۹۴ | ۹۱ | صبرصا ۸۸ |
| ۹۲ | ۸۷ | ۸۲ | ۹۳ |
| ۸۶ | ۸۹ | ۹۶ | ۸۳ |
| ع ۹ | ۸۴ | ع ۸ | ۹۰ |
| سارسا | | | سورسا |

نوع دیگر درباب افزونی جاه و دولت باید که اول عدد اسماے این پیغمبران علیہم السلام بگیرد یعنی آدم شیث ادریس خضر یونس داود سلیمان ایوب ذکریا یحیی عیسے ذو الکفل اشموئیل عزیز ہود صالح ابراہیم اسمعیل یعقوب یوسف اسحاق موسے لوط شعیب ہارون یوشع و بعد ازین یعنی بعد از اعداد اسماء پیغمبران و اسماء بادشاہان بگیرد یعنی تیمور چنگیز سنجر و جمشید فریدون نوشیروان پس نام طالب را عدد بگیرد و اول حرف اسماء حرف اسم طالب یکجا نموده مکرر حروف بچیند و باقی را تکسیر نماید چون زمام برآید آنگاه بہ بیند کہ درین تکسیر حرف کدام بہ آفتاب منسوب اند ہر حرف کہ بآفتاب باشد آنرا جدا کرده حرف نورانی جدا نواسید پس حرف آفتاب و حرف نور را جدا امتزاج داده تکسیر نمایند چون زمام برآید ہمہ را یعنی تکسیر اول و تکسیر شمسی را مرکب کنند و اعداد کہ اول برآورده است آنرا نقش مربع بر لوح طلا در ساعت شمس کنده کرده بر حاشیہ آن این تکسیر مرکب از قلم سریانی کنده کنند و لوح را مدام نزد خود بدارند و ہمیشہ دو دیخور آفتاب بدہند انشاء اللہ جاه و دولت میسر آید و تیسیر خلائق ہا شود و انچہ گفتہ ام کہ حرف آفتاب و حرف نورانی ازان جدا کرده تکسیر کنند چنانچہ ہر ستاره را این حروف ابجی داده اند و من براے تفہیم طالب ابجد ہفت گان نویسیم تا آسان گردد و آن این است

| | | | |
|---|---|---|---|
| ابجد<br>زحل | ہوز ح<br>مشتری | طیکل<br>مریخ | منسع<br>شمس |
| فصقہ<br><br>زہره | شتثخ<br><br>عطارد | ذضظغ<br><br>قمر | |

و ہمچنین حرف آتشی بادی خاکی را اول گفتہ ایم در آغاز کتاب اما آنچہ کہ درین دائره

آفتاب را حرف آنہ یعنی د ا ن س ع ا آنرا از تکسیر بردارد و حرف نورانی این اند

م ا ج ف ح ب ر ق د ی ا ل ن

پس این حروف را نیز از تکسیر چیدہ تکسیر دیگر نماید و موافق نوشتہ بالا بکار برد تا بمراتب علیا برسد نوع دیگر برائے بلندی مراتب و یافتن نعمت متکاثرہ باید کہ لوح از طلا کہ وزن چہار صد و ہشتاد و چہار مثقال باشد بسازد و حکیم طمطم وزن طلا درین عمل سہ مثقال گفتہ است کہ بگیرد فاما از سہ مثقال کمتر نباشد در شرف آفتاب بر آن لوح عدد آیہ کریمہ والشمس تجری لمستقر لہا ذلک تقدیر العزیز العلیم گرفتہ و اعداد بسم سورہ والشمس سائیدہ و عدد اسم طالب ہمہ را یکجا نمودہ و نقش مربع بکند و لوح را نزد خود بدارد عزیز و مکرم گردد و بمرتبہ اعلےٰ برسد از مجربات است نوع دیگر برائے افزونی مراتب و مکرم ماندن نزد و در پیش بادشاہان باید کہ عدد آیہ معظم قل اللہم مالک الملک یتابعہ خویش حساب گرفتہ بگیرد و لوح طلا در شرف آفتاب ساختہ اعداد آیہ مذکورہ را درین نقش افزودہ یک نقش مربع بر لوح مسطور در ہمان وقت شرف بکند لوح را نزد خود دارد مکرم گردد نقش اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۳۱۴ | ۴۴۲۱۰ | ۴۴۳۷ | ۴۴۲۱ |
| ۴۴۲۵ | ۴۴ بد | ۴۳۱۵ | ۴۴۳۲ |
| ۴۴۱۹ | ۴۴۲۲ | ۴۴۳۹ | ۴۴۱۶ |
| ۴۴۲۸ | ۴۴۱۷ | ۴۴۱۸ | ۴۴۳۳ |

نوع دیگر برا ے ساختن انگشتری شمسی وقمری چون کسے خواہد کہ در چشم خواتین بادشاہان و بنظر بادشاہان گرامی ماند وہر کاریکہ بایشان رجوع کند زود تر بجا آرند پس باید کہ انگشتری باین تدبیر بسازد کہ یک جانب از نقرہ ویک جانب او از طلا باشد وبرپشت آن ہر دو یکی صورت خاتون ویکے شبیہ بادشاہ باشد ودرمیان ہر دو صورت شبیہ خویش بدارد وبر حریر کشیدہ یا بر پوست آہو بمیان ہر دو بدارد ودر حاشیۂ صورت خود عدد آیہ لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم گرفتہ نقش نویسد وبر روے لوح طلا نقش مربع شمس بکند وبر روے لوح نقرہ مربع قمر بکند وآن این اند

مربع شمس

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۵۷ | ۳۶۹ | ۳۶۶ | ۳۶۳ |
| ۳۶۷ | ۳۶۲ | ۳۵۸ | ۳۶۸ |
| ۳۶۱ | ۳۶۴ | ۳۷۱ | ۳۵۹ |
| ۳۷۰ | ۳۵۹ | ۳۶۰ | ۳۶۵ |

مربع

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۴۸ | ۲۶۱ | ۲۵۸ | ۲۵۵ |
| ۲۵۹ | ۲۵۴ | ۲۴۹ | ۲۶۰ |
| ۲۵۳ | ۲۵۶ | ۲۶۳ | ۲۵۰ |
| ۲۶۲ | ۲۵۱ | ۲۵۲ | ۲۵۷ |

ودر پشت صورت خویش این نقش بنویسد اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۴۵ | ۳۶۱ | ۳۵۵ | ۳۵۲ |
| ۳۵۶ | ۳۵۱ | ۳۴۶ | ۳۶۰ |
| ۳۵۰ | ۳۵۳ | ۳۶۳ | ۳۴۷ |
| ۳۶۲ | ۳۴۸ | ۳۴۹ | ۳۵۴ |

پس هر دو صورت را مقابل داشته همچنین آن شبیه خویش نهاده هر دو را باهم بچسبانند چنانکه صورتها هریک اندرون مخفی شوند و نقش هر دو لوح بالا باشد پس چنان نگین تیار کرده انگشتری گردان بسازند و در دور لوح طلا که شمس ست ابر صا صابر صا سارسا سور سا بنویسند وانگشتری گردان باشند مثل آن انگشتری که اهل مغرب انگشتری از بدوح واهل هند از احمهزط تیار سازند پس آن انگشتری را در دست بپوشند اما بروقت جنابت و فرض حاجت و رفع احتیاج مثل بول و براز وغیره در دست ندارند اگر کسے را مهم پیش آید از بادشاهان و امیران انگشتری را در دست کرده بگردانند و روی طلا را بالا کنند و سوره والشمس را بخوانند و اگر مهم از خاتون باشد روے نقره را بالا کنند و آیه هاے چند که بقمر نسبت دارند بخوانند و انگشتری را هفت نوبت بگردانند و بمرتبه هفتم روے نقره ببالا آید بحال او بگذارند تا آنکه مراد بر آید و براے بیمار این انگشتری را شسته بنوشانند انشاء الله شفا خواهد یافت و براے دردزه بر سر زن بزنند و براے طلب

مطلوب این الواح را بر موم کافوری ثبت کنند و از ان موم شبیه معشوق بسازند و هفت
سوزن در هر هفت اعضای او بزنند و این نقش مربع بر کاغذ یا بر موم نوشته بر شکم آن
شبیه بچسپانند و در یک سر موی خویش آن شبیه را آویزان کنند انشاء اللہ تعالیٰ
مطلوب بیقرار شده حاضر شود نقش که در شبیہ بجای شکم نهند اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۵۸۲ | ۵۹۵ | ۵۹۲ | ۵۸۹ |
| ۵۹۳ | ۵۸۸ | ۵۸۳ | ۵۹۴ |
| ۵۸۷ | ۵۹۰ | ۵۹۷ | ۵۸۴ |
| ۵۹۶ | ۵۸۵ | ۵۸۶ | ۵۹۱ |

## فصل چہارم در عملیات بغض و ہلاک کردن عدو را وجدائی افگندن بمیان محبان

اگر کسے خواہد کہ عدو را ذلیل کند پس اورا باید کہ در شرف آفتاب لوحے بسازد از مس
و بر وعدد سورہ والعصر و سورہ الم تر کیف بر آورده عدد اسم عدو مع اسم مادر او یکجا
کرده نقش مثلث بکند و ہرگاہ کہ آفتاب بر آید روے لوح بطرف مغرب کرده نهد و چون
آفتاب بسمت مغرب آید روے لوح بجانب مشرق کرده نهد چند روز ہمین طور
بعمل آرد انشاء اللہ عدو از مرتبہ جاه و عزت خود بیفتد و ذلیل و خوار شود اما باید
کہ بروز یکشنبہ قدرے شیرینی تصدق نموده باشد این عمل از حکیم جالینوس است نوع دیگر
برائے فتح شدن ملک و قلعہ و ذلیل گشتن دشمن بادشاہ باید کہ در شرف زحل

دگر شرف نباشد ناچاری بروز شنبہ پیش از بر آمدن آفتاب لوحے از سرب بسازد و عدد
آیۂ معظم نصر من اللہ و فتح قریب انا فتحنا لک فتحا مبینا ربنا افتح بیننا و بین قومنا با
لحق وانت خیر الفاتحین بر آرد و عدد آیۂ یا تمام سورۂ الم ترکیف و سورۂ والعصر ہم بر آرد و
با عدد اسم عدو کہ مالک قلعہ باشد ہمہ اعداد را ادغام نمودہ نقش مربع پر کند و بر لوح مذکور کندہ
کند و بر حاشیۂ آن لوح سورۂ فاتحہ معکوس بکند و این الفاظ نیز دران نویسد اوام اہا
اجرا بینہ ملیکہ اہلیکہ ادابہ امہابہ واریا اسمنکا فجر ودمتکا وشبہکلے واری اوریا اہوا
مکدما ملوکا اشبعین کنانہ بھانہ ) پس آن لوح را زیر قلعہ یا بدروازہ ملک عدو زیر
خاک پنہان کند انشاءاللہ زود ملک فتح شود و عدو ذلیل گردد مجرب است نوع دیگر
ہمین عمل زحل برای بزرگی یافتن بر قوم مجربست اما برین دستور بکند کہ در شرف زحل
لوحے بسازد از سنگ یشب و عدد آیۂ معظم لمن الملک الیوم للہ الواحد القہار گرفتہ
نقش مربع کندہ کند اما از قلم دور ویہ باین طور نقش پر کند کہ یک عدد از سر قلم و یک عدد
از پاے قلم بنویسد و فلفل سیاہ در دہن بدارد پس آن لوح نزد خود دارد بر قوم بزرگی
یابد و دشمنان ذلیل و خوار بوند و ہر کس از حکم او سر نخواہد برداشت ۔

نوع دیگر ہمین عمل زحل برای بزرگی نمودن بر قوم باید کہ لوحے از سرب بروز شنبہ
یا در شرف زحل بسازد و لباس سیاہ بپوشد و وقتے کہ قمر در برج جدی باشد در شب
یکشنبہ و روز شنبہ بود بالای بام وسیع و بلند برود و سر برہنہ کردہ پلاس سیاہ بر سر نہد و بگوید
کہ یا کیوان میخواہم کہ برین قوم بزرگی نمایم و این را مطیع خویش گردانم پس بعد ازان ہفت
چیز سیاہ پیش خود مہیا داشتہ مثل فلفل سیاہ و سنگ سیاہ سپستان و قبر و خصیۃ الثعلب
و قند سیاہ و سنگدانہ ہمہ را کوفتہ بخور کند و بر سہ پاے کہ از چوب آبنوس باشد
نشستہ نوزدہ بار این عزیمت بخواند عزیمت عزمت علیکم ایہا الکوکب المعظم
بالنور الساطع انظروا بحق ہذا الحروف الم المص الر کھیعص طہ طسم یس حم

حم حم حم حم حم حمعسق فانی اسئلک باسمائک العظیم ان یکفنی ہذا
المہم وبحق ہذا الاسماء المعظم سمجیائیل ومیطرائیل وعدحمائیل بحق الحق وبنی
المطلق پس چون روز شنبہ آید پیش از نماز صبح غسل کند واز قلم دو رویہ بر لوح -
سنگ یشب این نقش مربع پر کند وبہمین وجہ کہ یک عدد از سر قلم ویک عدد از پائے
قلم نویسد وآن لوح را در حریر پیچیدہ در خانۂ تاریک بدارد ووقتیکہ کار زحل پیش آید
لوح برآرد ونزد خود دارد وچون مطلب بحصول انجامد باز در خانۂ تاریک نہد انشاء اللہ
صاحب این عمل بزرگ قوم خواہد شد ودشمنان خوار شوند چنانچہ آن نقش مربع کہ
بہ لوح کندہ کنند بدین صورت است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۳ | ۹۷ | ۹۴ | ۹۰ |
| ۹۴ | ۸۹ | ۸۴ | ۹۶ |
| ۸۸ | ۹۲ | ۹۹ | ۸۵ |
| ۹۸ | ۸۶ | ۸۷ | ۹۳ |
| ۳۶۴ | | | کسر ۲ |

نوع دیگر از برائے تباہ کردن عدو وبرائے ہلاکت او باید کہ در آنوقت قمر را مقابلہ

بازحل باشد و زحل و قمر در برج نحس باشند و ناظر بنظر نحس باشند آنوقت بر حریر
سیاه یا بدکرباس سیاه که رنگ کبود باشد از سیاهی نیل این نقش مثلث بنویسد و
عدد اسم دشمن بر آورده در آن اضافه کنند و مثلث نوشته در مسجدیکه ویران
و خراب باشد نزدیک محراب دفن کند و سورهٔ لایلاف تمام و کمال دوازده صد بار بخوانند
عدو ذلیل و خوار شود و تباه گردد و اگر در شرف زحل این عمل کنند بسیار بهتر و مجرب
افتد و نقش مثلث که در و عدد اسم عدو بیفزایند اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۷۰۰ | ۶۹۴ | ۷۰۲ |
| ۷۰۱ | ۶۹۹ | ۶۹۷ |
| ۶۹۵ | ۷۰۳ | ۶۹۸ |

و همین نقش برای بزرگی قوم در ساعت اول چهار شنبه در مربع نوشته بر سر بدارند عزیز و محترم شوند نقش مربع بدین صورت است فافهم

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۵۲۳ | ۵۲۷ | ۵۳۰ | ۵۱۶ |
| ۵۲۹ | ۵۱۷ | ۵۲۲ | ۵۲۸ |
| ۵۱۸ | ۵۳۲ | ۵۲۵ | ۵۲۱ |
| ۵۲۶ | ۵۲۰ | ۵۱۹ | ۵۳۱ |

نوع دیگر برای اینکه کسی غماضی کرده روزگار کسی را موقوف کنانیده باشد پس

برای بدست آوردن روزگار رفته این عمل بکند که بروز شنبه وقتیکه بصل خوشحال باشد در خلوت نشسته دو صورت از قلعی بسازد و شکم آن تصویران مجوف دارد و بر پوست آهو این نقش مربع نوشته در شکم آن دارد و آنصورت ها را ابنا بر مراد خود یعنی بهر نوع که روزگار کردن منظور ست بآنصورت بنشاند اگر عزت افزائی منظور ست بر تخت بنشاند و اگر منشی بودن منظور ست قلم بکمر آن نهند و دوات و قرطاس روبرو نهند همینطور بهر روزگار که کردن منظور ست آنطریق را نسبت آن تصویران بجا آرد و آنرا بگوشه نگهدارد و هر روز روبرویش یکبار رفته بر و نظر کند و پنج چراغ روشن کرده روبروی آن نهند تا اینکه مرادش برآید نقش که بشکم تصویران نهند اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۱۳ | ۲۲۷ | ۲۲۴ | ۲۲۰ |
| ۲۲۵ | ۲۱۹ | ۲۱۴ | ۲۲۶ |
| ۲۱۸ | ۲۲۲ | ۲۲۹ | ۲۱۵ |
| ۲۲۸ | ۲۱۶ | ۲۱۷ | ۲۲۳ |

وهمین عمل اگر برای هلاکی عدو کنند تدبیرش اینست که بروز شنبه بساعت اول صورتها از سرب بسازند و یکے را هابیل نام کنند و دیگر را قابیل اسم عدو نام هابیل و قابیل گرفته درین نقش مثلث پر کنند و در صورتها نهاده صورت هابیل را از صورت قابیل معذب کنند یعنی تیر در پهلویش زنند یا بهر عذاب که خواهند مبتلا سازند و بدست قابیل خنجر یا دیگر اسلحه دهند و ضارب نمایند و هابیل را مضروب نمایند و بر سر مثلث آن شبیه که از قابیل است اسم سید الشیاطین ابلیس بنویسند و آن هر دو صورتها در خانه تاریک سردابه یا در گور جهود یا بجای مسلخ دفن کنند انشاء الله عدو کشته خواهد شد و نقش مربع که بالا مذکور گشت بطور مثلث بدینصورت ست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲۹۸ | ۲۹۰ | ۲۹۶ |
| ۲۹۲ | ۲۹۵ | ۲۹۷ |
| ۲۹۴ | ۲۹۹ | ۲۹۱ |

نوع دیگر برای کشتی گرفتن و بر عدو ظفر یافتن باید که اسم هر دو کشتی گیران گرفته عدد بر آرد و عدد آیهٔ کریمه ید الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه ومن اوفی بما عٰهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما و عدد قهار ذو البطش الشدید الذی لا یُطاق انتقامه گرفته همه را یکجا کرده نقش مثلث بنویسد و آنرا زیر اکهارهٔ کشتی دفن کند انشاء الله هر کس که این عمل کند همون در کشتی حریف را زیر کند و بهر نوع غالب گردد نوع دیگر برای هلاکت اعدا باید که عدد آیهٔ معظم اذا زلزلت الارض و عدد سوره الم ترکیف را بر آرد و عدد آیهٔ شریف فزادهم الله مرضا دران شریک کند

نقش مثلث پر کند و آن نقش را در کفن مرده بنویسد و در قبر کسے شہید یا مقتول دفن نماید۔
نوع دیگر برائے ہلاکت عدو باید کہ اعداد اسم یا قہار گرفتہ در نام عدو آمیختہ درین مربع آن عدد
بیفزاید و ہمہ را یک مثلث بنویسد و آن مثلث را ہر روز بر خشت خام نوشتہ از غرۂ ماہ تا روز سلخ
در دریا انداختہ باشد انشاء اللہ عدو برباد شود و برائے ہلاکت از خانۂ ہشتم نقش بنویسد و برائے
بیمار کردن از خانۂ ششم نقش بنویسد و آن این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۹۱۲۰ | ۹۱۵ | ۹۱۸ | ۹۰۴ |
| ۹۱۰ | ۹۰۵ | ۹۱۱ | ۹۱۶ |
| ۹۰۶ | ۹۲۰ | ۹۱۳ | ۹۱۰ |
| ۹۱۴ | ۹۰۹ | ۹۰۷ | ۹۱۹ |

نوع دیگر برای تہلیک عدو باید کہ نام دشمن را تعداد بر
آرد و درین نقش اضافہ کردہ نقش مثلث اگر ممکن باشد
پر کند و تصویر عدو بر کفن مردہ از سرکہ و نمک و نوسادر بسیاہی آمیختہ بنویسد و این نقش
کہ پر کردہ راست در شکم آن تصویر بنویسد و بوقت نوشتن نقش بر ہر خانہ آیۃ الکرسی خواندہ بدمد
نمود بدمد کہ این عمل سیف قاتل است و باید کہ دو صورت از موم بسازد و در دست یکی سہم و قوس
بدہد و صورت ثانی بمقابلہ او بدارد و تیر بصورت دیگر کہ عدو مقرر کردہ است پیوستہ سازد و این
مثلث را بر پشت کمان بنویسد و چہار قطرۂ خون ہم ریزد و عدد سورۂ الم ترکیف بر آرد و
در آن مثلث کہ اول مذکور شد افزودہ در شکم تصویر عدو بدارد و بر آن سورۂ الم ترکیف بخواند
و چون بہ ترمیہم برسد بگوید شاہت الوجوہ و اشارہ بآن صورت بکند و دعای
علوی مصری اگر یاد باشد برای قتل آن موذی بخواند انشاء اللہ عدو ہلاک گردد و بانواع
عذاب مبتلا گردد و نقش کہ در وی عدد بیفزایند و دیگر یکہ بر قوس بنویسند این اند

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۹۴۳ | ۹۳۸ | ۹۴۵ |
| ۹۴۴ | ۹۴۲ | ۹۴۰ |
| ۹۳۹ | ۹۴۶ | ۹۴۱ |

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲۷۶ | ۲۷۰ | ۲۷۸ |
| ۲۷۷ | ۲۷۵ | ۲۷۲ |
| ۲۷۱ | ۲۷۹ | ۲۷۴ |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] |

نوع دیگر برای ہلاکت دشمن باید کہ در قمر در عقرب عدد نام عدو و اسم ہاروت و ماروت

را برآورده درین نقش مثلث اضافه کرده همه را یک نقش بکنند و در پارچهٔ کبود رنگ دران
پارچه اندک قلعی پیاز و تیل و نمک نیز پیچیده درون پیاز نهاده آن پیاز را در قبرستان
هنودان که آنرا مرگهٹ گویند دفن کنند و حکیم معظم فرموده که در گورستان جهود رفته در گور
جهودان دفن کنند انشاء الله تعالی عدو کشته گردد نقش که در عدد عدو بیفزایند این است

| | | |
|---|---|---|
| ۶۳۹ | ۶۳۴ | ۶۴۱ |
| ۶۳۰ | ۶۳۸ | ۶۳۶ |
| ۶۳۵ | ۶۴۲ | ۶۳۷ |

نوع دیگر برای عداوت جانبین باید که اول حرف طالع
برج وقت عمل و حروف برج آفتاب که در آن زمان هر برج که
باشد حرف برج مریخ و حرف برج نام آن کس گرفته و همه را امتزاج داده تکسیر کنند و چون زمام بر
آید در آن تکسیر آنچه که حرف هوائیل و ظلمانی بوند آنرا جدا نوشته عدد برآورده درین نقش
مثلث بیفزاید و همه را یک مثلث از آب پیاز و نیل و سیندور بنویسد و حرف نورانی را گذاشته همه حرف
باقی مانده را تکسیر کرده بر پشت آن مثلث بنویسد و باز همه را مرکب ساخته معرب کنند پس بمحاذی هر
یک خانه موافق هر اعداد آن کلمات را بیارد و عدد کل را در خانهٔ پنجم رساند و اگر عدد موافق نشوند
اسم ا مبیزة یا قهار یا مذل یا ضار دران اضافه نموده اعداد را موافق کنند بعده آن مثلث را
درمیان پارچهٔ کبود که کرباس خام باشد مع قلعی و زرنیخ و آهن سیاه و نیل و نمک و پیاز نهاده همه را
پیچیده ریسمان سیاه بر وی بندد و در گور جهودان یا ترسایان دفن کنند و این عمل بروز سه
شنبه کنند و این طریقه از ارسطو ست و بسیار مجرب است اما آنچه گفته شد حرف برج طالع وقت بگیرد
و آن اینست که مثلاً بروز سه شنبه بوقت سحر بساعت مریخ عمل آغاز کرده شد پس آنوقت ببیند که لگن
بکدام برج است آن برج را حرف بگیرد و این که گفته شد که در آن زمان آفتاب هر برج که باشد
حرف گیرد آن اینست که مثلاً آفتاب در برج ثور بوقت آغاز عمل بود پس برج ثور را حرف
گرفتن لازم شد همین طور هر برج که باشد بگیرد و چون مریخ منسوب به برج حمل و عقرب است
آن هر دو برج را حرف بستاند و چون نام عدو را مع نام مادر او که آنرا اعداد بست و
یک اند دوازده طرح دادم نه ماند بر بروج قسمت کردم و بر برج قوس تمام گشت

پس طالع او دانستم کہ برج قوس است لہذا برج قوس را حرف گرفتم و این ہمہ را آنچہ کہ موکیل اند آنہا نیز جدا نوشتم و آنچہ کہ حرف با موکلان نسبت دارند آنہا علیحدہ نوشتم و من بعد جملہ را اول تکسیر کردہ حرف بر آوردم و موکلان را آنچہ کہ حرف بودند از ان تکسیر علیحدہ کردم و حرف طلماتی علیحدہ نوشتم و بعد ازان اعداد گرفتہ نقش مثلث کہ نوشتہ است دران افزودم و دیگر نقش از ہمہ اعداد پر کردم و بکار بردم پس حرف بروج اینند و مواکیل بروج را نیز دائرہ دیگر ست ازان ہر دو باید فہمید و دیگر مثال باز گفتہ خواہد شد انشاء اللہ تعالےٰ

| | | | |
|---|---|---|---|
| حمل ۱ حرف بنائی اجرمن غیر بنائی ا ھ ظ | ثور ۲ حرف بنائی غیر بنائی د ح ل | جوزا ۳ حرف بنائی ب و ی رمناج غیر بنائی | |
| سرطان ۴ غیر بنائی مناجر حرف بنائی ح ز ک | اسد ۵ ناجرم حرف بنائی ط م ف غیر بنائی | سنبلہ ۶ اجرمن ل ع ر غیر بنائی حرف بنائی | |
| میزان ۷ حرف بنائی غیر بنائی ی ن ص | عقرب ۸ حرف بنائی غیر بنائی مناج ک س ق | قوس ۹ حرف بنائی مناجر ن ش د | |
| جدی ۱۰ حرف بنائی رح غیر بنائی ع | دلو ۱۱ حرف بنائی غیر بنائی اجرمن ص ظ ض | حوت ۱۲ حرف بنائی جرمنا غیر بنائی ف ث ط | |

دیگر آنکہ حرف آتشی و بادی و آبی و خاکی و مشرقی و جنوبی و شمالی را وجمالی و جلالی و غیرہم را تفصیل در آغاز کتاب نمودہ ام اما آنچہ کہ مواکیل بروج اند بدین صورت اند۔

دائرہ بروج و مواکیل آن

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| حمل ۱ | | ثور ۲ | | جوزا ۳ | | | |
| سراحیل سرطان ۴ قہقائیل | عزرائیل اسد ۵ سراطیل | سراسیئل سنبلہ ۶ شنکہیل | میزان ۷ سحرائیل | عقرب ۸ صرصائیل | قوس ۹ سرطائیل | جدی ۱۰ شمکائیل | |

| | | |
|---|---|---|
| پس چون این طریقه مفهوم گشت باید که حرف ظلمانی و نورانی را پندارد و آن | حوت ۱۲ فقائیل | دلو ۱۱ صحمکائیل |

اینست که حرف نورانی حرف آتشی را گویند و حرف ظلمانی حرف خاکی را گویند و حرف که صوامت اند نقط ندارند و حرفیکه نقطه بالا دارند فوقی اند و آنکه نقطه زیرین دارند تحتی اند و حرفیکه در سطر اول نوشته میشوند از ابجد علوی اند و آنچه که زیر آن سطر نوشته میشوند سفلی اند و حرف که بکواکب جاری منسوب اند آنچه که دائره حرف کواکب بالا نوشته ام ثقیل اند و باقی حرف خفیف اند و آنچه که حرف متفق العناصر اند هستند و باقی غیر متساوی اند و آنچه حرف که بکوکب سعد منسوب اند سعد اند و آنچه که بکوکب نحس منسوب اند نحس اند و حرف غالب العناصر جلالی اند و باقی جمالی پس چون این همه دانستی اکنون آن مثلث که در و حرف تکسیر میفزاید بدین صورت ست فافهم - و این که همه حرف تکسیر را سوای حرف نورانی مرکب و معرب کنند فاما طریق مرکب و معرب ده یک مثال گفته ایم همین طور همه را هم مرکب و معرب کنند و کلمه تیار شده را به بینید که چه عدد دارد و آنچه

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۶۳۵ | ۶۴۰ | ۶۳۹ |
| ۶۴۲ | ۶۳۸ | ۶۳۴ |
| ۶۳۷ | ۶۳۶ | ۶۴۱ |

که عدد داشته باشد در خانه نقش نگاه کنند هر جا که آن عدد باشد همونجا آن کلمه را بنگارند و اگر کلمه موافق اعداد نقش نباشد عدد اسماء جباری باریتعالیٰ را دران اضافه کرده موافق اعداد بنگارند و بکار برند برای تفهیم همین قدر کافی ست نوع دیگر برای هلاکت اعداو این عمل از بنگاله است اول باید که این اعداد بنگاله را با اعداد اسم عدو جمع نماید و بر کفن مرده نقش پرکنند و پیش قبر سمان مرده که کفن آنرا برای نقش نوشتن گرفته دفن نمایند عدو برباد خواهد شد و هلاک خواهد گشت و اعداد بنگاله اینند ـ ۵۹۰۵۰۸×۸ ااا ااا +

ا ـ ـ ـ و این را از اول تا دهائی شمار کنند و حساب نموده جمع نمایند و بکار برند زیاده این عمل را شرح نخواهیم نمود زیرا که مار القسم منع کرده اند چون نسخه از نسخه از یادگار ما بود برای این نوشته دادم که شاید کسی ازین ترکیب را فهم کند و ما را دعای خیر دهد که

بسیار مجرب است نوع دیگر عمل دنبہ گذارد این عمل در آنوقت کند کہ بہ بیند آن عدو
اگر زندہ خواہد ماند جان ما نخواہد گذاشت و از کشتن آن خلق را بسیار امان ست و نا
چار از حد بود از دست او آنوقت در درگاہ خدا استغاثہ کند کہ الٰہی من مرتکب این
گناہ بناچاری میشوم یعنی گوسفند جاندار را سوختہ مینمایم تو عالم الغیب ہستی بر من بخشائے
فاما بعد این عمل ہم بدرگاہ الٰہی توبہ کند و ترکیب عمل اینکہ بیارد یک گوسفند اسود اللون
و آنرا در میان قبر یا سرداب ببرد و آنجا کسے دیگر نباشد نہ راہرو از ان جانب گذر میکند
پس ۳۰۳ صد و سہ سوزن فولاد گرفتہ سورۂ الم ترکیف یک یکبار بر آن سوز نہا خواندہ
دم کردہ بر آن گوسپند بگذارد و نیت کند کہ فلان کس را دنبہ گذار میکنم بعد از ان چراغے
بزرگ و فلیتۂ بزرگ تیار کردہ روشن کند و در میان ظرف آہنی گذاشتہ این نقش را در
زیر آن ظرف نوشتہ در خاک دفن کند و صورت عدو نوشتہ در میان آن چراغ نہد
پس آن چراغ را در تہ آن دنبہ نہادہ بسوزد و روغنش در چراغ خواہد چکید و از ہمان
روغن آن چراغ روشن خواہد ماند پس ہر قدر کہ آن گوسپند را خون خشک خواہد شد
عدو ہم تحلیل خواہد گشت تا اینکہ چراغ کشتہ گردد عدو نیز کشتہ خواہد شود و چراغ در آن
وقت بمیرد کہ در دنبہ روغن باقی ماندن نبود و عدو بنگالہ کہ بالا مذکور شد درین نقش
مثلث ہم بیفزاید و مثلث این است نوع دیگر برای ایذا دادن عدو کہ زن باشد

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۱۱۵ | ۱۰۸ | ۱۱۳ |
| ۱۱۰ | ۱۱۲ | ۱۱۴ |
| ۱۱۱ | ۱۱۶ | ۱۰۹ |

از عمل سفلی یعنی اگر کسے زن را کہ دشمن باشد ایذا دادن منظور
است مثل این کہ خون جاری شود و پایش کشادہ گردد پس اول
زکوٰت این منتر بدہد یعنی یازدہ روز در صحرا رفتہ بر سر چاہ کہ در
آنجا باشد نشستہ یکصد و یکبار بخواند وقت شام باشد پس در ہمان عرصہ پایش کشادہ خواہد شد
منتر اینست جل کی منڈی دریا جاے کھول کھال لہو بہاے راجن سرجن بھون
ترجن ناڑہ ٹوٹی فلانی کا پیر چھوٹے نوع دیگر برای بغض و عداوت از قلم نیب ڈیل را

سیاهی کرده و سیاه مرچ در دهن انداخته بروز سه شنبه مع نام هر دو محبان و اسماء مادران ایشان این پتله نوشته تا بست و دو روز میسوخته باشد اگر خواسته خداست عداوت قلبی در هر دو واقع شود پتلا از بنگاله است و اینست

۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۲ ۱۱ ۱۱ ۱۱

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| ) | عـ٥ | عجه ح ۶ | ( | ح | < |
| ۹ ۸ | ۷ عـ٥ | و | ۱۵ | ۶ | ٥ ۳ عجه ۶ عجح |
| | عج | ۶ | ح ٥ | ح ۶ | ۳ |
| | ۹٥ ۶/۶ | ٥ | ۶۰ | ۱۰ | |
| [illegible] | [illegible] | فلان بن فلان البغض والعداوة | | بین فلان بن فلان دائما ابدا افقد | [illegible] |

نوع دیگر برای بغض و عداوت این اسماء سیارگان که یکے روحانی و دیگرے جسمانی اند نوشته دفن کند در گور یهودی یا نصرانی یا مجوسی پس اثر فی الفور بچشم زدن ظاهر شود و این اسماء سیارگان بهمه کار مجرب تر اند شرح آن خواهم نوشت و آن این اند۔

## اسماء روحانے سیارگان

| | |
|---|---|
| زحل | بدیهاسن طوسی حروش میوش درنوش طاعیش ذروش طاهنطروش |
| مشتری | ذاهوش ذرماش هبطش مطش اذرش هبطبیش فروش دهنداشی |
| مریخ | وعذنوش هاذبعیش عندوش بیراش اوذوعوش هیدبعلیش مهیراش دهندعاش |
| شمس | بنولوش متدلاش دهنفاش دهنعاش اطیمعاش مغتوش غادیش طبیمیعادیش |
| زهره | اذهرش دهطارش اباش شمهورش عنقاش انفاش |

| | |
|---|---|
| عطارد | نزہوش - امیراش - ہبطس - شاہلیش ذرانیس ملبش دلہوش ملعودیش - انیش - |
| قمر | غذنوش ہاذیش ہراونوش ہلیطاش طیمارش رانافیش میانوش زغانوش - |

## اسماء جسمانی سیارگان

| | |
|---|---|
| زحل | اشراغات نیلانالاش تاہانوراش کطراطلاش درغاطابات درغاہوبش کناہونوشا - |
| مشتری | نمثاثیل کیسامزکات دیدوانیاشفوذتاہالیش سبومزکتشا باثونورایا اخداد - ہطاطوما - |
| مریخ | اوروثاری کصاصاث کشبنزطور باشیاثاہلوبساقیقی کبوکرارفیا - |
| شمس | ہیہاکاسونو - ثبابی - ماثاہو - راطیوطیو طیوذقشا - بنویویوچیاپنا کامالاکی کی مشاشبوده - |
| زہرہ | اہوابیرہ طی ازارفثناہ ورو - قرباہو - فہمتا - باومای - ہیطیثاتا - رہطوطو سمیطو - قاموطہیاتی - |
| عطارد | دہناہی مالامالا ثیاتبرراکیشاط اہلاطاتوطوش مہلینا ماطیلوساامبلطے طو - |
| قمر | ہیامیراطولنکوماومومی ہابن شتاما بلغی قوستر سوہ مطاہر تاشیر کاماطاث زافین فرماطوہاسا - |

پس این اسماء ہر دو گانہ برای محبت و بغض و ہر کار کہ در عمل آری بسیار مجرب یابی اگر خواہی کہ معالجہ کنی کسی را کہ او را سحر و وسواس و سودا و وبا و آسیب گرفتہ است پس بنویس اسماء را بر ساتگین زجاج یا بر سنگ رخام و بدہ صاحب مرض را کہ نظر کند بر آن و آنرا شستہ بنظر شافی و کافی ہفت جرعہ کردہ بنوشد و چیزیکہ باقی ماند آنرا بر سر و رو بمالد و قدری بر دروازۂ خویش بجانب چپ بریزد ہمچنان تا ہفت روز ہر صبح و شام کند حق تعالی آنرا صحت کرامت فرماید و برای مسحور از مشک و زعفران نوشتہ بنوشاند و برای تپ گرفتہ ہمچنین کند و برای صلح کنانیدن درمیان دو کس این را نوشتہ در پردۂ ظلمت بخور مشک و زعفران سوختہ دخان بدہی و بعد ازان برین نظر داری تا اینکہ صلح شود میان اوشان و برای رحیم کردن قلوب سلاطین این را بنویس بر لوح مس از قلم آہن و آن لوح را در گردن بیاویز پنہان دار و نزد سلطان برو تا بر تو مہربان گردد و برای عقد اللسان این را بنویس بر لوح زر یا سیم و قلعی و زیر آن لوح خاتم

خود بنویس از مشک و زعفران و کافور بعد از ان لوح را در حقہ نہادہ مہر از موم خام بکن پس
آن حقہ را نزد خود دار تا زمانیکہ آن حقہ نزد تو باشد مردمان ترا دوست دارند و زبان از بدی
بستہ خواہ شد و برای حب بنویس این اسمار ا بر پوست مذبوح دباغت دار و بروقت نوشتن
یاد کن نامہاے کسانیکہ ایشانرا دوست داری پس آن پوست را زیر آتش بدار اثر قریب
تر شود پس این اسما چنان تاثیر دارند کہ گفتہ شد اینجا باب ششم را ختم میمنایم و از ناظرین طمع
دعاے خیر دارم انشاء اللہ تعالیٰ

## باب ہفتم در نسخہ جات کیمیا آنچہ کہ در تجربہ آوردم و دوستان امتحانش فرمودند اما گاہے درست شد گاہے غلطے افتاد محروم ماندند

ہر گاہ کہ این کتاب مخزن اسرار و کنز الجواہر آبدار ست ہر رازیکہ در سینۂ خویش داشتم درین نسخۂ
بے نظیر ثبت نمودہ فاش کردم نسخۂ کیمیا راہم نوشتہ دادم تا برادران ایمانی را نفع کامل برسد
چنانچہ اول نسخۂ مجرب دیدہ و شنیدہ کہ امیرے پنج ہزار روپیہ خرچ کردہ حاصل نمودہ بود این فقیر ہم
یکبار تیار کردہ الا بار دگر از خوبی طالع درست نشد اگر مرا حاصل نشد از تقدیر کسے درست شود
عجب نیست و آن اینست نسخہ ہرتال طبقی دو تولہ سیماب نر ۲ تولہ ترکیب در عرق گوبھی کہ در
زراعت گندم اکثر میشود گلش زرد میباشند و آن طوطیان میخورند و برگش خاردار باشد و عرق
آن مثل عرق گوگرد میباشد یکپاس کھرل نماید آن اجزا را کہ بالا مذکور گشتند بعد از ان در لبدی
آن فلوس مدد شاہی بند کردہ مثل گلگلا کند پس دو سفال زیر و بالا نہادہ رویش گل حکمت نماید
پس آنرا در ہانڈیہ داشتہ بست آثار خواہ پانزدہ آثار چنانچہ از پنج آثار کم نباشد پا چکند شتی گرفتہ
آتش دہد و من بعد بکشاید و ببیند کہ آن ہمہ خاکستر شدہ اند یا نہ اگر نہ شدہ ثانیا بہ ترکیب مذکور

آتش دہد و باز امتحان او کند یعنی از آن خاکستر قدری نقرۂ گداختہ بیندازد شمس گردد و اگر
نشود باز از پاچک صحرائی آتش دہد و امتحان کند اگر اکسیر شود بہتر و اگر در ہر سہ آتش دادن
درست نشد بداند کہ در تدبیر فرق شدہ است باز از سر نو نسخہ نو تیار کند اگر مقدر درست
است بار اکسیر خواہد و تمام عمر آن خاک کفایت خواہد نمود در وزن شش ماشہ یک رتی اگر بر
مس بیندازد شمس گردد نسخۂ دیگر اکسیر اعظم مجرب کہ از دست خود تیار کردہ بتجربہ آمدہ
الّا سہ بار تیار گشتہ باز درست نشدہ اگر از دست کسے درست نشود مخل من بد قسمت ست
باید کہ گوگرد اصل آنولہ سار بسعی تمام تلاش نمودہ بوزن یکتولہ بیارد بعدہ یک کڑاہی آہنی خرد
خرید کند و یک پیالہ آہنی تیار کنانیدہ آن گوگرد را در آتشدان نہد و زیرش آتش دہد
و پیالہ را لب گردان برابر لبہائے کڑاہی سازد حتی کہ برابر سر کڑاہی تفرق نباشد از سوہن بہر
سمت درست کند بعدہ در کڑاہی خذ گو رعرق اونٹ کٹارہ خاردار کہ در خشکی اکثر پیدا میشود
و در موسم برشکال از آب باران سوختہ میگردد پس آنرا آوردہ آن قدر عرق او بگیرد کہ گوگرد با
گوگرد عرق در آن شوند پس گوگرد را پارچہ پارچہ ساختہ بوزن دو دو ماشہ در آن عرق
بیندازد و پیالہ آہنی را بر آن سرپوش نماید و آہنگر را طلب داشتہ گرداگرد آن از قلعی بند
کناند چون از ہر سمت مطلق مسدود شود پس آنرا بر آتشدان نہادہ ہیزم نرم نرم آتش دہد و
آب در کڑاہی بر پیالہ پر کند کہ پیالہ غرق شود و آتش زیرین چنان روشن کند کہ آب بالا
غرق کردہ سائیدن گرم شدہ جوش خورد پس آن آب را دور کند و باز آب پر کند چون آن ہم جوش خورد
آنرا نیز دفع کند و باز آب را پر کند و ہر بار از چادر پاک سپید آب را دور کردہ باشد و خود ہم با وضو باشد
و از سایۂ نجس احتراز نماید فاما چون سہ بار پر کردہ دفع کند آن کڑاہی را زیر آرد و از الہ آہنگر
کہ آنرا چھینی گویند پیالہ را از کڑاہی جدا کند انشاء اللہ روغن گوگرد ۹ ماشہ تیار شدہ خواہد بود
مثل خون کبوتر برنگ سرخ پس آنرا در شیشی بدارد اگر یک قطرہ بر مس ۱۰۰ تولہ گرم کردہ بیندازد شمس
مطلق گردد ای برادر اینچنین نسخہ سہل دیگر ندیدہ ام و این ترکیب ڈول جنتر نیز بکسی نشنیدہ ام اگر یکبار تیار

نشود لایق ست که تا پنج مرتبه این را تیار کند واگر در پنج مرتبه تیار نشود بد قسمت است آمادهٔ
مهوسی نسازد والله اعلم بالصواب نسخه سوم اکسیر یکه در تجربه آوردم اینست که یک
شیرهٔ کلان صحرائی که بشب بر میوه می پرد آورده یکتوله سیماب در دهنش انداخته سوراخ
پنجال آن نیز بند ساخته گل حکمت سازد و در پاچاپ صحرائی پنج آثار آتش دهد پس صبح بر
آورده بیند که آن سیماب اکسیر باشد و وزن قایم ماند بر مس گداخته اندازد شمس گردد والله اعلم
نسخه چهارم جوڑه اکثر دوستان بعمل آورده اند الا کردن این نسخه حرام است باید که نکند اینست سیماب یکتوله
نقره ۶ ماشه هر دو را در کڑاهی انداخته یک آثار و یکپاو آب اندازد و زیر آن آتش روشن کند و طوطیا ا توله
باریک نموده بر آن آب گاه گاه پاشیده باشد چندانکه تمام سوخته گردد و لیکن از چمچه هر بار مخلوط کرده باشد چون آب
قدرے ماند آنرا از آن کڑاهی بر آورده از آب صاف پاک کند که زردیش دور گردد بعدهٔ در یک سفال برادهٔ
جست ۲ توله گرفته زیر آن توشک نیمه کند و بعدهٔ بر و برگ تلسی بدارد و بعدهٔ آن گولی را تیار کرده بدارد
بعده نیمه برادهٔ بقیه را لحاف کند و سکوره دیگر بر آن سرپوش کند و بته گل حکمت نماید و در پاچاپتی ۲ آثار خواه
کم آتش دهد تا که جست مذکور خاکستر گردد پس بر آورده خاکستر جست آهسته دور کند و آن گولی را چرخ دهد و دو سه
بار بآب دونع سرد کند و در آب نوسادر و شوره هم کرده سرد کند پس درست باشد باید که کسی زیور از دست خود تیار
کرده مثل چوڑی یا کڑا از سانچه ساخته در بازار فروخت کند اما حرام مطلق است والله اعلم نسخه پنجم اکسیر از
امیر شیر علی است که آن مهربان سه بار تیار فرمودند والله که اگر مشقت برین نسخه نماید ذائقه بیند خطای ندارد
اینست باید که گوگرد آنوله سار ا سیر بیارد و در صحرائیکه درختهاے مدار بسیار باشند قیام نماید یا آنجا که قریب از
درختان باشد ساکن شود و هر روز بوقت سحر برخاسته نماز گذارد و دعا بدرگاه جناب الهی نموده پیالی
چینی که در آن گوگرد پارچه پارچه کرده نهاده است برداشته زیر درختان مذکور رفته شیر شق
بر گوگرد چکاند چندانکه پارچه ها همه غرق شوند پس باز آید و نگاهدارد و صبح باز رود بدستور تر کند
هرگاه که شیر بسیار جمع شود آنرا صاف کرده باشد بعد از آن بدستور تا یک چله در عرق
مدار تر نماید چون چله تمام شود روزی در مقام خلوت نشسته در شیشه آتشی پاره هاے

گوگرد را داخل ساختہ دہنش از سینگ جاروب بند کند ہر قدر سینگ کہ جا یا بند داخل کند و شیشہ را گل حکمت از پارچہ تہ بتہ نماید و گل بسیار و خوب باشد و خشک گرداند پس بسم اللہ گفتہ در یک سبوچہ آن شیشہ را سوراخ برابر دہن شیشی بطور واژگون نہادہ ساختہ در سبوچۂ مذکور کرسی پاچک صحرائی پر کند و سبوچہ را بر سہ پائی بدارد و در زیرش پیالی چینی بنہد و آتش دہد و خود حاضر ماند ہر گز جائے نرود تا محرم ناپاک سایہ نہ اندازد اول قدری آب زرد آب خواہد چکید آنرا دور کند ہر گاہ کہ قطرہ ہائے سرخ بچکند پس گرہ کشودہ شد و تمام گوگرد را روغن کشیدہ گردید آن روغن را نگاہدارد ہر گاہ کہ آزمایش کند بر تر مس گرم کردہ قدرے مالیدہ در آتش نہد طلا گردد مجرب است واللہ اعلم بالصواب بدان اے عزیز این چنین نسخہ ہائے زر خالص کہ جہوسان عزیز تر دارند و در دل پوشیدہ مینہند و ہر گز بر سپرہم ظاہر نمی کنند۔ محض بطمع دعای خیر درین کتاب صاف صاف بلا ریب نوشتہ میدہم کہ اگر کسی برادر مسلمان قادر برین نسخہ ہا شود در حق این فقیر ہم فاتحۂ خیر بخواند نسخۂ ششم کیمیا بدانکہ ای برادر آنچہ کہ دیدہ ام و شنیدہ ام از مردم معتبر جملہ درین کتاب می نویسم تا ہر چیزیکہ بکار دوستان آید مناسب و انسب باشد کہ بنویسد۔ آگاہ باید بود کہ اگر مار سفید یکرنگ چنانکہ پوست او میباشد جسمش بود اگر بدست آید ہزار بہتر از زر کشتہ خشک کردہ نگاہدارد ہر گاہ کہ حاجتے پیش آید بر وزن دو تولہ مس گداختہ چرخ دادہ بقدر یک سرخ از ان مار خشک بیندازد آن جملہ مس بیشک طلا گردد نسخہ معتبر و عجیب و غریب است بزرگی کہ از دست خود بعمل آوردہ باین نحیف ارشاد کردہ شک نباید کرد الا بدست آمدن مار سفید کمال محال است تلاش باید کرد فقط نسخۂ ہفتم مسکہ سیماب آزمودۂ دوستان مجرب و پاکیزہ تر است و آن اینست طوطیا اماشہ نوسادر یک ماشہ شب یمانی یک ماشہ نمک یک ماشہ ہر چہار ادویہ مذکورہ را در لنگری آہنی خشک باریک نمودہ سیماب یک تولہ در ظرف گلی انداختہ در آب غرق کند و بر آن ادویہ مذکور را قدرے قدرے بپاشد و مثل روغن بشوید سیماب بستہ گردد و بکار ہوس آید نسخۂ ہفتم

سنکھیا را شگفت کردن باید کہ یک تولہ سنکھیا در شیر ندارکہ دو تولہ باشد یک پاس ۔
کامل کھرل نماید بعدہ ٹکیہ ساختہ در یک سبوچہ گلے اول ریگ لطف سبوچہ پر کنند و بران
قدرے راکھ ڈھانک نہادہ مثل توشک بران ٹکیہ مذکور بدارد و باز راکھ
رالحاف کنند و باز ریگ پر کنند و دہن سبوچہ از سفال بند کنند و در زیرش دہ آثار ہیزم را
گرختہ یک یک را آتش دہد چون تمام شود سبوچہ را از دیگ دان فرود آوردہ دہن
کشودہ بدارد کہ ہمہ شب سرد شود چون صبح شود سرد شدہ باشد آن را از ٹکیہ برآرد
و یک رتی بر مس گداختہ میندازد شمس گردد اگر در قلعی بیندازد قمر گردد نسخہ نہم رنگ نمودن
نقرہ مجرب عنایت تجربہ کار باید کہ شنجرف یک نیم تولہ در لبدی آنولہ کلان یک عدد ۔
بدارد و کپڑوٹی یک تہ نمودہ در گرتی پاچک دشتی کہ یک چھٹانک باشد آتش دہد ہمچنین
پنجاہ و دو بار آتش دہد انشاء اللہ تعالیٰ شگفتہ خواہد شد نقرہ گداختہ قدرے بیندازد
بصورت طلا گردد و در پنج چرخ رنگش سرخ شود مجرب ست و آنچنانکہ ہم نفع تمام دارد
نسخہ دہم **اکسیر مجرب** از استادی کامل باین نحیف رسیدہ و حاصل شدہ اینست کہ درخت
بال بریار نامش میباشد صورتش اینست کہ برگش برابر قد برگ کاسنی میباشند یا برابر برگ
خرد تما کو میشوند و زیر برگش موہائے مثل موئے مخمل سفید باشند و در ماہ بھادون پیدا میشود
آنجا کہ ترائی باشد و بر دوب آب میباشد بر میخیزد در ماہ کنوار و کاتک بال آن برمے آید مثل بال
باجرہ خورد و طورے کہ بال باجرہ را از آب تر میبافتند باشد و زمینداران آن را خشک کردہ
نگاہدارند و سیاہ مرچ آمیختہ برائے دفع تپ و لرزہ میدہند و در چراگاہ آن را گاؤمیش ہا
مے خورند اگر آن از خوبی مقدار بدست مہوس آید غنی مطلق گردد باید کہ آن را
لبدی باریک حل کردہ در لبدیش فلوس مدہو شاہی نہادہ بند کنند و در ظرفے بدارد
و گل حکمت کردہ در پاچک دشتی پانزدہ آثار آتش دہد آن فلوس خاکستر خواہند شد
پس آن قدر فلوس کہ بوزن قایم باشند آن خاک اکسیر مطلق ست ہرگاہ کہ خواہد بر

مس گداختہ برابر سرمگس در چرخ خوردن مس بیند از د شمس گردد و اللہ اعلم بالصواب فقط
نسخہ یازدہم کہ از درویشے بدست این نحیف آمدہ و بسیار توصیف او بسماعت من رسیدہ
یقین است کہ صادق باشد و آن اینست کہ درخت دھتورہ کہ از بیخ و شاخ و برگ سیاہ
مطلق باشد تر و تازہ از بیخ و برگ یکسالہ بود و اکثر کہنہ و نو نباشد بیارد و یک درخت بھٹکٹیا
مع درخت و ثمر و برگ بیارد و در ہاون دستہ جو کوب نماید بعدہٗ بر سنگ سائیدہ سرمہ سا کند چون
لبدی تیار شود ۴ تولہ سنکھیا تیلی کہ بسیار خوب میباشد گرفتہ در لبدیش بدارد و غلولہ بسازد
ہفت بار بران غلولہ گل حکمت کند بعدہٗ در وقت تاب آفتاب خشک گرداند چون شب
شود در گلخن رفتہ گلخن فروز را دو سہ فلوس دادہ تمام ریگ و خاک یکجا در گلخن کردہ اندران
آن غلولہ را بدارد و تمام شب بدارد و خود متصل آن گلخن بخسپد و گاہے بیدار شدہ قدرے
خاکستر گرم بر آن اضافہ کردہ ماند چون صبح گردد بر آوردہ دو پاس صبر کند تا سرد۔
شود چون سرد مطلق گردد غلولہ را بشکند آن سنکھیا اکسیر خواہد شد و خاک خواہد شد و وزن
قایم خواہد ماند پس آنرا بر قلعی پاؤ آثار گداختہ بیند از د نقرہ پختہ گردد مجرب ست اگر در
یک بار درست نشود باید کہ دو سہ بار بعمل آرد اگر در ہر سہ مرتبہ تیار نشود در نصیب و مقدر
نبود نداند و اللہ اعلم بالصواب نسخہٗ دوازدہم اکسیر مجرب از شخصے کامل کہ مہوس
بینظیر بود بدست این نحیف آمدہ خطاے ندارد باید کہ سویا دشتی کہ در حقیقت برگش
مثل سویا میشوند ولیکن برگ سویا استادہ باشد و این سویا در زمین خفتہ و گستردہ باشد
و رنگ شاخہایش مائل بسیاہی میباشد و برگ آن سبز زیادہ میشوند و اگر بزبان نہند تلخ
مفہوم میشود و ذائقہ زبان را تلخ میگیرد و اکثر بر جاے بلند و در دامن کوہستان
مے باشند پس دران بوٹی سیماب ہم خاکستر مے شود و اگر ہمین نوع بر
رانگہ ہم گرم کردہ عرقش بیند ازی نقرہ گردد مجرب ست و اللہ اعلم بالصواب۔
نسخہ سیزدہم کیمیا اگر تمیسیر بدست آید چہار ماشہ گرفتہ در عرق گوبھی صحرائی ہر دو

مرغ یعنی بیضہ را صاف و خالی کردہ پر کند و یک بیضۂ دیگر خالی کردہ بران غلولہ اول لحاف
کند بعد ازان آن را در آرد ماش بند و بعد ازان ہفت بار از گل گل حکمت کند چون خشک شود
در پاچک دشتی سہ پاؤ آتش دہد کہ خاک شود پس آن خاک اکسیر خواہد شد و وزن قایم ماند
واللہ اعلم بالصواب نسخۂ چہاردہم اکسیر مجرب از مرد بزرگ درویش
صحرا نشین بدست این نحیف آمدہ باید کہ ہرتال را کہ طبقی باشد گرفتہ و ابرق ہر دو را در ظرف
گلی داشتہ بر آن قدرے آب چواؤ شورہ بر افگند و انگشت را افروختہ آتش دہد اگر
آن ہرتال قایم ماند برنگ سبز گردد پس برداشتہ گیرد و بر مس یا فلوس مدہو شاہی لیسیدہ
آن فلوس را بر آتش گذارد انشاء اللہ تعالے طلا گردد مجرب ست۔
نسخۂ پانزدہم اکسیر از زنے کاملہ مہوسہ بدست این نحیف آمدہ باید کہ اول یک پیالہ مسی
تیار کنانیدہ باشد پس نزد خاکروب کہ خوک پروردہ باشد رفتہ منت نمودہ بقدر دو تولہ
شیر خنزیر بگیرد و اگر خنزیر شیر ندہد بچۂ خنزیر خریدہ خود آن را شیر مادر او نوشانیدہ شکم اش
چاک نمودہ شیر بیرون آرد و فی الفور آن را درست کند یعنی آن پیالی را بر آتش نرم
نہد چون پیالی مذکور گرم شود اما چنان گرم نشود کہ سرخ گردد دفعتاً از ہر دو دست یکبارگی شیر
و سیماب بر و بیند ازد کہ ہر دو باہم یک ذات شدہ گداختہ شوند و سیماب در شیر بپزد بالیقین ست کہ
سیماب شگفتہ یعنی کھیل گردد و خاکستر شود و وزن قایم ماند پس تمام عمر آنقدر کفایت میکند ہرگاہ کہ
مس گداختہ و چرخ دادہ بقدر سرمگس دران گذارد طلا گردد واللہ اعلم بالصواب
نسخۂ شانزدہم اکسیر باید کہ گھونگچی سپید یک تولہ آنولہ خشک یکتولہ ہلیلہ کلان یکتولہ گرقہ و برگ نیب
قدرے شریک کردہ لبدی تیار کند و ازان لبدی یک گھریہ بسازد و در گھریہ گھونگچی را باریک سائیدہ
تو شک نماید یعنی بستر بسازد و آن را در سایۂ آفتاب نہد چون قدرے خشک شود۔
سیماب را در کرچھا انداختہ قدرے قدرے عرق نیب چکانیدہ باشد و آتش نرم نرم دہد
چندانکہ دو تولہ عرق خشک شود و سیماب بپزد تیار شود پس آن زیبق را برداشتہ در گھریہ مسطورہ

داخل سازد و قدرے لبدی نیب ہم داخل کند و ہر سہ را آمیختہ بران گھریہ بلحاف کند و از ہر سمت بند کردہ در پلاس پیچیدہ در خندقیکہ عمقش یک دست باشد یک آثار پاچک دشتی نہادہ آتش دہد و ہمہ شب بدارد صبح برآرد ان شاء اللہ تعالیٰ آن سیماب اکسیر خواہد شد یا نقرہ خواہد گردید واللہ اعلم بالصواب **نسخۂ ہفتم ہم اکسیر** مشہور آفاق اگر ساختہ و درست شود عجب ہیست وایست کہ دو عدد ماہی کلان کہ قسم آن رہو باشد بگیرد و قدرے گوشت خنزیر پس ماہیان ولحم مذکور مساوی الوزن گرفتہ پارچہ پارچہ ساختہ ہمہ را در میان سبوچہ انداختہ نگاہدارد چندانکہ کرم افتند وآن تمام گوشت جملہ کرمہا گردد آنزمان ہم نگاہدارد و چندانکہ کرم کرم را میخورند صرف دو سہ باقی بمانند پس آن را گرفتہ در یک شیشی اندازد و آن شیشی را دہن از آرد بستہ در کھچڑی یا پلاؤ دم کند چندانکہ آن کرم روغن زرد شوند پس آن روغن را برمس گداختہ بیندازد اگر طلا گردد عجب ہیست و اگر نشود قدرے سیماب اندرون مخلوط نمودہ در گھریہ و پاچک دشتی آتش دہد یقین ست کہ سیماب خاکستر شود و اکسیر گردد و اگر اکسیر نشود آن روغن طلا گردد کہ برائے عنین مفید خواہد شد یعنی مرد خواہد شد واللہ اعلم بالصواب۔

**نسخۂ ہشتم ہم اکسیر** مسموعہ مجرب بایدکہ گوگرد و ہرتال و سنکھیا و شنگرف و بینہ ہمہ ہر پنج اجزا برابر وزن ایک تولہ خواہ نیم تولہ مساوی الوزن گرفتہ در کرچھا اول سنکھیا جوکوب نمودہ بدارد بعدہٗ ہرتال و بینل و گوگرد و شنگرف نرمہ بدارد و اگر وزن پنج تولہ باشد یک چھٹانک روغن سیاہ بیفگند و در رنگین اسپ آتش دہد و ذائغ کند و جوش آید و یک ماشہ طوطیا ہم بیندازد پس چون جوش موقوف شود و کف ہا سوختہ شوند از میل بہ بیند کہ رنگ سرخ شدہ است یا نہ چون برنگ خون احمر اللون گردد در شیشی آنرا نگاہدارد ہر گاہ کہ برمس گرم کردہ شدہ بیندازد و آتش دہد مس طلا شود و اگر نہ شود باز تیار کند اگر بار دوم ہم درست نشود خوبی قسمت خویش بداند و اگر طوطیا دران شریک نکند روغن طلا برائے نامرد مطلق مجرب است اگر برائے مجلوق بدہند مفید مطلق باشد بر برگ تنبول مالیدہ بہ بندد

در عرصۂ سہ روز مرد گردد واللہ اعلم بالصواب نسخۂ نوزدہم اکسیر مسموعہ مجرب باید کہ
عنکبوت کلان و کہنہ را تلاش نمودہ در ڈبیہ بدارد و قدرے سیماب نیز در آن ڈبیہ گذارد و
سرپوش بند نماید در عرصۂ سہ روز یا پنج آن سیماب عنکبوت خواہد خورد پس آنرا در گھریہ نہادہ
گل حکمت نمودہ آتش پاؤ آثار پاچک دشتی دہد اکسیر قایم الوزن خواہد شد اگر برمس کہ
چرخ دادہ باشد بیند از دانشاء اللہ تعالیٰ طلا گردد واللہ اعلم بالصواب۔ نسخۂ بستم جوڑا رنگ
نمودن نقرہ باید کہ چند درخت سورج مکھی بیارد و عرقش گرفتہ کہ بمقدار نیم پاؤ باشد و در ان
عرق یک تولہ شنجرف کہ مستحکم و یک ڈلی باشد انداختہ سہ روز تر دارد بعدہٗ برآوردہ در سہ
عدد بادنجان سوراخ نمودہ دفن کند و در پاچک دشتی سہ پاؤ مثل بھرتہ بپزد ہمچنان
سہ بار در ہر سہ بادنجان خستہ کند بعدہٗ ببیند کہ خستہ شدہ است یا نہ یعنی مثل ریگ
گشتہ خواہد شد و ہمچو ابرق در انگشتہا مالیدہ خواہد بود پس آن را برابر ابرق نہادہ ابرق
را بر آتش گذارد و بر آن ڈلی شنگرف عرق نعناع نیز بچکاند بعدہٗ دو تولہ عرق خشک
نیز بدارد یقین کہ خستہ شدہ باشد پس قدرے برابر یک سرخ در یکتولہ نقرہ چرخ دادہ بگذارد۔
رنگش مثل طلا گردد در صورت اگر رنگش خوب نشود کسیس و سونہ مکھی و مینسل در زہرۂ ماہی
کھرل نماید کہ نرم شود بعدہٗ برتر نقرۂ مذکور طلا کند و تاؤ دہد و باز در ان آب ہر سہ جزو سرد
کند و سہ نوبت سرد کند طلا گردد رنگ و صورتش ہمہ خوب گردد مجرب ست۔
نسخۂ بست و یکم اکسیر مجرب ہرتال طبقی شش ماشہ گوگرد چھوچھیا ۶ ماشہ نمک سرخ ۶
ماشہ سیماب یک تولہ طوطیا دو تولہ ہمہ را در عرق بھنگرہ تا یکپاس کھرل نمودہ در ظرفیکہ
مثل دوات مداد باشد انداختہ دہنش مضبوط از سرپوش و تارہائے آہنی بند کند و بران
گل حکمت کند و خشک سازد بعدہٗ در پاچک دشتی پنج آثار آتش دہد و صبحے بکشاید
انشاءاللہ آن خاک کہ برادہ باشد مثل برادہ برنج اکسیر خواہد شد اگر مس را گداختہ
قدرے بیند ازد طلا گردد واللہ اعلم بالصواب علیٰ کل حال اینقدر نسخہ ہائے اکسیر برائے

استفاع برادران ایمانی نوشتہ دادم تا مارا دعاے آمرزش کنند و بر روحم فاتحہ خواہند خواند۔

## خاتمۂ کتاب مشتمل بر چند فال نامہ

این عاصی پُر معاصی از این و آن گم کردہ راہ سید محمد حسین شاہ خلف الصدق مصنف کتاب اعنی سید غلام حسین رمال مرحوم برائے کاملان و عاملان اظہار دارد کہ این گنجینۂ عملیات از تصنیف و تالیف والد مرحوم و مبرور چون جواہر و دفینہ در گوشۂ ناواقفیت مخفی و معدوم بود الحال آن تقویم پارینہ را کہ ورق ورق جدا و عمل و نقش ہر یک جدا گشتہ بود یکجا آوردم و بفضل خلاق ماہ و مشتری ترتیب و تصحیح نمودم فاما ہر امر کہ لایق حال عامل و شایان کمال کامل باید و شاید درین نسخہا نظر یافتم صرف طریقیکہ از ان تفول باید کرد درین کتاب ندیدم و دانستم کہ از عامل ضرور بالضرور ہمہ طالب میشوند کہ برائے ما فال بہبیند و عامل درین باب متردد خواہد گشت و نیز ہر کس را ہم ضرورت درچنین امر میباشد کہ در کارہا چون فرو ماندگی شود تفول کنند پس بدینوجہ چند طریق فالنامہ را ہم درین کتاب درج نمودم تا دقیقۂ از دقایق علم و عمل بیرون و خارج نرود فقط

## نادر العصر اول فال نامۂ از حضرت غوث الاعظم رح

این فالنامہ از جناب تقدس مآب حضرت پیران پیر شیخ عبد القادر جیلانی قدس اللہ سرہ است و بسیار مجرب و بہتر ست چون کسے را کارے دشوار در پیش آید و نداند کہ انجام این امر چہ خواہد گشت پس اول لازم ست کہ فاتحہ بر روح پر فتوح حضرت غوث پاک رح بخواند و طفل نابالغ را بگوید کہ نیت کار کردہ انگشت برین جدول نہد و مطلبش در ذیل آن نوشتہ است بہبیند و اگر راز لایق گفتن طفل نباشد خود فاتحہ خواندہ بصدق نیت چشم بستہ نیت کار کردہ انگشت نہد و در محاذی آن آنچہ نوشتہ بیند بر آن عمل کند انشاء اللہ مراد دل بر سد اینست

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ |
| ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ |
| ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ |
| ۲۵ | ۲۶ | ۲۷ | ۲۸ | ۲۹ | ۳۰ | ۳۱ | ۳۲ |
| ۳۳ | ۳۴ | ۳۵ | ۳۶ | ۳۷ | ۳۸ | ۳۹ | ۴۰ |
| ۴۱ | ۴۲ | ۴۳ | ۴۴ | ۴۵ | ۴۶ | ۴۷ | ۴۸ |
| ۴۹ | ۵۰ | ۵۱ | ۵۲ | ۵۳ | ۵۴ | ۵۵ | ۵۶ |
| ۵۷ | ۵۸ | ۵۹ | ۶۰ | ۶۱ | ۶۲ | ۶۳ | ۶۴ |
| ۶۵ | ۶۶ | ۶۷ | ۶۸ | ۶۹ | ۷۰ | ۰ | ۰ |

## مطلب فال نامہ

۱ ہر نیتے کہ در دل داری نظر بکریم کارساز ست باید کہ چند روز صبر کن مراد دل خاطر خواہ خواہی یافت اول تردد بسیار ست۔ فقط

۲ فال نیک ست مراد خواہی یافت مطلب دلخواہ خواہد بود انشاء اللہ تعالیٰ۔

۳ این کارکہ در دل داری پرہیز کن چنانچہ اگر خواہی نمود پشیمانی خواہد کشید۔

۴ کاریکہ در دل اندیشیدی بطفیل میران محی الدین خاطر برآرہ خواہد شد ہمہ ابواب خاطر جمع دارد انشاء اللہ تعالےٰ۔

۵ ہر چہ میخواہی خواہی یافت مقصود حاصل خواہد شد خاطر خود جمع دار بکرم فیاض۔

۶ درین کار خلل خواہد افتاد چند روز صبر باید کرد آخر خوب خواہد شد انشاء اللہ تعالیٰ۔

۷ ہر امیدیکہ در دل داری راحت خواہی یافت چند روز صبر باید کرد آخر خوب خواہد گردید اضطرابی در کار نیست۔

۸ ہر نیتے کہ در دل داری بہتر خواہد بود خولبت اندیشہ نباید کرد انشاء اللہ تعالیٰ۔
۹ حاجتے کہ داری خولبت اندیشہ نباید کرد انشاء اللہ تعالیٰ مراد حاصل خواہد شد۔
۱۰ کاریکہ در دل اندیشہ میکنی میسر خواہد آمد وامید خواہد کہ بر آید بفضل اللہ تعالےٰ۔
۱۱ این کار بسیار نیک ست خاطر خود جمع دار انشاء اللہ تعالیٰ۔
۱۲ این منصوبہ کہ در دل داری چندگاہ صبر کن آخر انجام خواہد شد۔
۱۳ ہرچہ در دل داری خوب نیست پرہیز کن ورنہ پشیمانی خواہد کشید۔
۱۴ فال بسیار مبارک و نیک ست کار انجام خواہد یافت بکرم آلہی۔
۱۵ کاریکہ در دل داری خواہد شد لیکن دشمن برہم خواہد زد صبر کن۔
۱۶ بکرم ایزد ذوالجلال کار تو در اندک سعی سرانجام خواہد یافت۔
۱۷ ہر مطلب کہ داری اگر بستہ بماند حق تعالیٰ سرانجام خواہد کرد۔
۱۸ این کار شدنی نیست ازین قصد پرہیز باید کرد۔
۱۹ فال گوید ہرگز این کار نخواہد شد چنانچہ کردن خوب نیست صبر کن۔
۲۰ درین کار پرہیز باید کرد چند روز کوشش مکن۔
۲۱ این کار سرانجام البتہ خواہد یافت ۔
۲۲ فال میگوید کہ روزی و رزق خواہی یافت اندیشہ مکن خوب خواہد شد۔
۲۳ چیزیکہ از کسے خواہی طلبید خواہی یافت وسواس را در دل راہ مدہ۔
۲۴ آنچہ از کسے سوال خواہد کرد آخر بکرم آلہی بدست خواہد آمد انشاء اللہ تعالیٰ۔
۲۵ این کار ہرگز نباید کرد و در دل نباید آورد پشیمانی خواہی شد۔
۲۶ ایزد کریم کارساز بوجہ احسن انجام خواہد رسانید سعی کار کن تا بر آید۔
۲۷ حاجتے کہ داری ہرگز شدنی نیست محنت و تردد ضایع خواہد شد۔
۲۸ نیتے کہ در دل داری حسب المراد خواہد شد انشاء اللہ تعالےٰ۔

۲۹ کاریکہ در دل اندیشہ میکنی سرانجام خواہد شد لیکن چند روز صبر کن۔
۳۰ این فال تو نیک ست اما خیال خوب نیست چند روز صبر کن۔
۳۱ در کار تو معطلی ست و دشمنان در کمین اند ہر محنت کہ خواہی کرد خلل خواہد شد۔
۳۲ این کار در جد و جہد ست ہر چند کہ سعی میکنی شدنی نیست پرہیز کن۔
۳۳ توکل بر خدا تعالیٰ کن کار تو انجام خواہد یافت انشاء اللہ تعالیٰ۔
۳۴ فال تو نیک ست ہر چہ نیت میکنی حاصل خواہد شد انشاء اللہ تعالیٰ۔
۳۵ درین کار تندرستی نیست ازین منصوبہ پرہیز کن۔
۳۶ کار بوجہ نیک سرانجام خواہد شد فال نیک ست۔
۳۷ کاریکہ در خاطر ست تعلق بچند کس دارد خواہد شد انشاء اللہ تعالیٰ۔
۳۸ فال تو نیک ست لیکن اعتقاد خود درست دار۔
۳۹ فال میگوید کہ نظر بر ایزد متعال داشتہ صبر باید کرد۔
۴۰ کار بوجہ احسن سرانجام خواہد شد بعد مطلب بر آری فاتحہ بروح غوث پاک باید کرد۔
۴۱ این فال خوب ست اما دو سہ روز صبر کن تا سرانجام یابد۔
۴۲ این کار تو شدہ و آیندہ در ہمہ امر وسواس مکن۔
۴۳ مطلبے کہ داری خوب ست قصد کن و ہمت مگذار کریم کار ساز است و در ہمہ حال کفیل ست آسان خواہد کرد۔
۴۴ فال منع میکند ہرگز منصوبہ درست نخواہد شد پرہیز کن۔
۴۵ حاجتیکہ داری پرہیز کن ورنہ پشیمانی خواہی کشید
۴۶ حاجتے کہ در دل داری او خواہد شد انشاء اللہ تعالیٰ
۴۷ این کار خواہد شد فال بسیار خوب ست خاطر جمع دار۔
۴۸ مطلبیکہ میداری از خرچ ...... نمودن خواہد شد۔

۴۹ آنچہ در دل منصوبہ داری خواہد شد خاطر جمع دار۔
۵۰ بکرم حق سبحانہ وتعالیٰ این کار انجام پذیر خواہد شد۔
۵۱ کار تو در تاریکی افتادہ است چند روز صبر باید کرد۔
۵۲ نیتے کہ در دل میداری چیزی نخواہد شد واگر میشود اختیار است کن خواہ
〃 مکن ترک اولیٰ است۔
۵۳ فال بہتر ست اضطرابی در کار نیست چندین صبر کن تا بر آید
۵۴ خدا کریم کارساز ست ہمہ امر تو خوبست یقین کہ کار بر آید۔
۵۵ فال تو منع میکند ہرگز این کار نخواہد شد۔
۵۶ این کار شدنی نیست اختیار داری جہد کن یا مکن۔
۵۷ ہر کار کہ داری دران محنت ومشقت در کار نیست۔
۵۸ کار تو خواہد شد لیکن چند روز صبر کن انجام خواہد شد۔
۵۹ فال میگوید ہرچہ میخواہی یافت خاطر جمع دار۔
۶۰ آنچہ در دل داری امید بر آر نخواہد شد پشیمانی خواہی کشید۔
۶۱ نیتے کہ در دل داری خواہد شد لیکن فال مانع میشود چند روز صبر کن۔
۶۲ این کار کردن خوبست اما چند روز دیر انجام شدن این کار دیر خواہد شد......
〃 باقی ہمہ باب این امورات بخیر مستند خاطر جمع دار۔
۶۳ این فال مبارک ست البتہ کار انجام خواہد شد بسیار خوب است۔
۶۴ این کار خوب نیست ہرگز نباید کرد فال منع میکند فائدہ نخواہد دید۔
۶۵ نیتے کہ در دل داری سر انجام او خواہد شد فال نیک ست۔
۶۶ منصوبہ کہ در دل ست انجام پذیر خواہد شد بخاطر یقین دار۔
۶۷ این کار خواہد شد لیکن اندکے صبر باید نمود انجام بوجہ احسن است۔

| | |
|---|---|
| ۶۸ | ہرچہ میخواہی خواہی یافت فال مبارک ست انجام خوب ست۔ |
| ۶۹ | آنچہ در دل ست میسر خواہد شد وسواس مکن۔ |
| ۷۰ | کارے کہ در دل داری خواہد شد لیکن مکن خدائتعالےٰ از نہ کردن او خوشنود |
| " | وخرم خواہد شد ترکش بہتر ست۔ |

## فال نامہ دیگر از علم رمل بسیار معتبر و صحیح استخراج کردۂ این احقر العباد است

اول باید کہ وضو کند و رو بقبلہ نشیند و سورۂ الحمد بخواند و بعد ازان فاتحہ بر روح پُر فتوح جناب سرور کائنات صلے اللہ علیہ وآلہٖ وسلم خواندہ این آیۂ شریفہ را بر زبان خویش جاری کند یعنے سبحانك لا علم لنا الا ما علمتنا انك انت العليم الحكيم و چشم خود بند نمودہ نیت کار در دل کردہ بر این دائرہ انگشت نہد و مطلبش بہر جا کہ انگشت افتد آن صورت دائرۂ ذیل تفصیل احکام ملاحظہ کند انشاء اللہ تعالیٰ جواب ہر سوال خاطر خواہ خواہد یافت اینست دائرہ کہ در و انگشت نہند

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۵ | ۶ | ۷ | ۸ |
| ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ |
| ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ |

وگر زلزله شد بماه صفر
گزندے رسد یا بلا از کمین

## ماہ ربیع الاول

وگر شب بود زلزله ناگهان
قضا گر چنین آمده بر کسے
با مراض اطفال باشد قرین
وگر شب بود برف و باران بسی
جمادی نخست ار شود زلزله
گرفتے بسے باشد اندر جهان

## ماہ جمادی الآخر

تپ و لرزه بیماری آرد بسے
شب و روز باران چو دریاے
زراعت نکو باشد و بی سبب
رگ پیران امیران بود
زلزله ماه شعبان بود
م بایشان باین گفتگوست

## رمضان

ر شب بود رنج و بیمار ست
تنگی نباشد دگر بر کسے
مهتران را اجل در کمین
گر هم لشکری در خطر

بود مرگ دهقانیان سربسر
بمیرند ارباب علم از قضا
چو جنبد زمین در ربیع نخست
بود سوزش آتش اندر جهان

## ماہ ربیع الثانی

دگر چار پایان بحکم ازل
فراوان شود غله بر هر کسے
ز بیماری دوره باشد گلاه
وگر شب بود عکس باشد برین
زمین گر بجنبد جمید الاخیر
بدر تندرستی نباشد کسے

## ماہ رجب

وبا باشد ار در شب آید چنین
خطر بر جمیع وزیران بود
بدان تر جها غله ارزان بود
عداوت بسے در امیران بود
وگر در مه روزه باشد چنین
تپ و لرزه و نیز بیماری ست

## ماہ شوال

خرابی بود در جهان بیگمان
فراخی ...

وگر در شب آید بجنبد زمین
شود آنکه کودکان را بپا
تپ لرزه بیماری آرد درست
بمیرند مردم در آتش بسے
اگر در ربیع دگر باشد این
بمیرند یعنے بود شان اجل

## ماہ جمادی الاول

برد تنگی غله بر مردمان
فراخی بود تندرستی قرین
فراخی بود بر گدا و امیر
وگر شب بجنبد ببارد سحاب
بود زلزله ار بماه رجب
تهی گردد از خیل ترکان زمین

## ماہ شعبان

وگر شب بود مرگ شاهان درست
درادخال در دیش نقصان بود
بکم غلگی باشد و رنج و کین
دگر هم فراخت و نعمت بسے
بشوال گر زانکه باشد چنین
دگر زانکه باشد درین داستان

| | | |
|---|---|---|
| بذی قعدہ گر گردد اندر جہاں<br>کہ بی غلہ مانند قوت غریب<br>**ماہ ذی الحجہ**<br>وگر شب بود ارض واری رہا | عداوت پدید آورد در زماں<br>وگر شب شود زلزلہ مثل ایں<br>وگر ماہ ذوالحج شود زلزلہ<br>برآر ست چیزے ہمہ نیکیہا | غذا کم شود خلق را در نصیب<br>بلبیل د نہار و بر اہل زمیں<br>ز چیزے بناشد بردم گلہ<br>مباشی بخانہ کہ گردی خراب |
| **تمت** | عجب تر بگفتم برای صواب | **بالخیر** |

# اشتہار واجب الاظہار

سپاس بے قیاس مر احدے را کہ ذاتش از فہم و ادراک عالمیان مبرا ست و درود مسعود و ثنا معدود بپیغمبرے را کہ بعد صفات خالق ہمہ نعت باو لائق ست بعدش آرزومندان علم جفر و رمل را مژدہ باد کہ کتاب لاجواب کحل العین مسمّٰے بہ **کنز الحسین** کہ مصنفہ و مؤلفہ سرآمد جفاران و رمالان و منجمان و عاملان و ساحران دوران سلالہ دودمان مرتضوی جناب احمد حسین صاحب مرحوم ہزاروی ست اگرچہ اول ازیں بارہا مطبوع شدہ مگر اکثر جا مطالبش ناکمل بود کہ اکنوں بتوفیق ایزد متعال از آدم لائق صححش ترمیم و تنسیخ بہر فصل و باب کردہ شد۔ بلکہ اول بہ دیباچہ کتاب رسـ کحل العین مندرج نمودیم و بوسط کتاب ہر جا مناسب پنداشتیم ردو بدلش و بہ آخر کتاب رسالہ زلزلہ نامہ کہ تاہنوز غیر مطبوعہ بود نوشتیم تا کہ طالبان ایں فن را کمال لطف حاصل شود۔ چونکہ ہمیں کتاب را بصرف زر کثیر تو ترمیم کردیم لہ کسے را اجازت نیست کہ بغیر رضامندی ما قصد طبعش کند۔ جمیع حقوقش رجسٹری کردہ شد

[illegible]